



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
د پیاوړتیا د فقہ و قانون  
پروگرام د ماسټرۍ



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معیشت امور علمی

## احکام ثابت و متغیر حج و عمره در فقه اسلامی

(پایان نامه ماسټرۍ)

محصل: امیر محمد " منی "

استاد رهنما: دکتور نجیب الله " صالح "

سال: ۱۴۰۰ هـ.ش. ۱۴۴۲ هـ.ق.



پوهنتون سلام  
پوهنځی شرعیات و قانون  
دپیارتمنت فقه و قانون  
برنامه ماستری



امارت اسلامی افغانستان  
وزارت تحصیلات عالی  
معینیت امور علمی

## احکام ثابت و متغیر حج و عمره در فقه اسلامی

(پایان نامه ماستری)

محصل: امیر محمد " مدنی "

استاد رهنما: دکتور نجیب الله " صالح "

سال: ۱۴۰۰ ه.ش. ۱۴۴۲ ه.ق.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



# پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت فقه و قانون

بورد ماستری

## تصدیق نامه

حترم امیر محمد ولد علی احمد: ID نمبر SH-MSF-98-509 محصل دور هفتم فقه و قانون که رساله  
ماستری خویش را زیر عنوان: احکام ثابت و متغیر حج و عمره در فقه اسلامی  
به روز ۱۳/۱۲/۱۴۰۰ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس  
رسمی هیات تحکیم مستحق ۸۶ (نمره به عدد) هدفتاد و شش (نمره به حروف) گردید،  
و فقیهت شان را از الله متعال خواهانیم.

عضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد وزیر محمد سعیدی	عضو هیات	
۲	دکتور مصباح الله عبدالباقي	عضو هیات	
۳	دکتور نجیب الله صالح	استاد رهنا و رئیس جلسه	

معاون علمی  
UNIVERSITY

امر بورد ماستری  
بورد ماستری  
UNIVERSITY

## إهداء

رساله خویش را در قدم نخست برای والدین گرامی و برادران عزیزم که واقعاً در قسمت پرورش و تعلیم بنده لحظه ی تغافل ننموده اند، إهداء می نمایم.

همچنان برای تمام اساتید عالیقدرم، که در حقیقت هر یک شان حیثیت پدر معنوی و آب حیات روحی بنده در زندگی بوده اند، إهداء می کنم.

و همچنان برای تمام دعوتگران و بیدارگران که لحظه به لحظه در فکر رشد روحی و معنوی جوانان این سرزمین بشکل حقیقی و واقعی هستند و عملاً در این قسمت سعی و تلاش دارند، اهداء مینمایم.

امیر محمد " مدنی "

## سپاسگزاری

در اول شکر و سپاس پروردگاری را که برایم توفیق عنایت فرمود تا این رساله ماستری خود را به پایان برسانم.

در قدم دوم از وزارت محترم تحصیلات عالی ابراز تشکر و امتنان می نمایم، که از یک طرف زمینه تحصیل را مساعد ساخته است و از طرف هم بزرگترین حامی برای مراکز تحصیلی می باشند.

در قدم سوم سپاس و تشکری خویش را خدمت تمام کسانی که مرا در این راه یاری نمودند، تقدیم میکنم و از پوهنتون سلام و مسئولین شان، مخصوصاً از پوهنچی شریعیات، دیپارتمنت فقه و قانون، اظهار سپاس می نمایم که در مدت تحصیل ام، برایم هر نوع کمک نمودند.

در قدم چهارم از تمام اساتید معظم و گرانقدرم به ویژه از استاد گرامی ام، دکتور نجیب الله "صالح" که رهنمایی بنده را به عهده گرفتند و وقت گرانبهای خویش را در این راستا صرف کردند، اظهار امتنان نموده که ما را رهین منت خود ساختند، فجزاه الله خیراً!

## خلاصه بحث

خلاصه معرفی احکام ثابت و متغیر حج و عمره در فقه اسلامی قرار ذیل اند:

الف: احکام ثابت عبارت از احکامی اند که قابلیت زایل شدن، تغییر و تبدیل را ندارند، بلکه از همان روزی که الله متعال آنها را واضح ساخته اند، به همان حالت تا روزی قیامت باقی اند و به شک کردن شک کننده، آن احکام زایل نمی گردند. احکام متغیر عبارت از احکامی اند که نظر به مقتضای زمان، مکان، اشخاص و حالات، به همراه تحقق یافتن مقاصد عمومی شریعت، اساسات کلی آن و رعایت حوادث، پیشامد و مناسبت در قالب شریعت از مجتهدین مذهب حل و پاسخ آنها صورت می گیرند.

ب: حج عبارت از قصد مکان مخصوص، در وقت مخصوص، برای قیام به اعمال مخصوص با شرایط مخصوص. عمره عبارت از طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه در حالت احرام و با نیت حج.

ج: ارکان، شرایط، واجبات و مواقیت حج و عمره در فقه اسلامی: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد عبارت از ارکان، شرایط فرضیت، شرایط صحت، واجبات و مواقیت زمانی و مکانی حج و عمره می باشد. اما احکام متغیر حج و عمره روی این موارد عبارت اند از حکم حج سریع، حج با مال ربوی، حج نیابتی، برخی از مسائل میقات از قبیل اینکه جده میقات است، محاذات در میقات جائز است و غیره.

د: اعمال ثابت حج عبارت از بستن احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه، وقوف به عرفه، گذراندن شب در مزدلفه بعد از پایان شدن از عرفات، رمی جمرات، سپس حلق و تقصیر موی سر، گذراندن شب های تشریق در منی و هدیه است. اعمال عمره: عبارت از احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه، سپس حلق و تقصیر است.

ح: اعمال متغیر حج و عمره عبارت از احرام بستن با ازار خیاطی شده، استفاده از صابون، شامپو و اشیای معطر در حالت احرام، طواف و سعی در حالت سواره بر ماشین های برقی، رفتن به عرفات بوسیله طیاره و امثال آن، جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه، رمی جمرات از منزل های بالا، حلق و تقصیر با وسایل برقی معاصر، وکالت در خریدن هدیه و ذبح آن، گرفتن اجرت و معاش برای اشخاص که حجاج را رهنمای می کنند و غیره.

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### تمهید

#### معرفی احکام ثابت و متغیر همراه ویژگی ها و فواید شان

مطلب اول: تعریف احکام ثابت و متغیر ..... ۶

مطلب دوم: ویژگی های احکام ثابت و متغیر ..... ۹

مطلب سوم: فواید تقسیم احکام شرعی به ثابت و متغیر ..... ۱۱

### فصل اول

#### عمومیات

مبحث اول: تعریف حج و عمره ..... ۱۴

مطلب اول: تعریف حج ..... ۱۴

مطلب دوم: تعریف عمره ..... ۱۵

مطلب سوم: تفاوت میان حج و عمره ..... ۱۶

مبحث دوم: حکم و مشروعیت حج و عمره، تاریخ فرضیت حج و فضیلت آنها ..... ۱۷

مطلب اول: حکم و مشروعیت حج ..... ۱۷

مطلب دوم: حکم و مشروعیت عمره ..... ۲۱

مطلب سوم: تاریخ فرضیت حج ..... ۲۳

مطلب چهارم: فضیلت حج و عمره ..... ۲۵

مبحث سوم: اهداف حج و عمره، حکمت های آنها، آثار و آداب آنها ..... ۳۰

مطلب اول: اهداف حج و عمره ..... ۳۰



- مطلب دوم: حکمت های حج و عمره..... ۳۳
- مطلب سوم: آثار حج و عمره..... ۳۵
- مطلب چهارم: آداب حج و عمره..... ۳۸

## فصل دوم

### ارکان حج، شرایط، واجبات و موافقت آن در فقه اسلامی

- مبحث اول: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی..... ۴۱
- مطلب اول: ارکان حج..... ۴۱
- مطلب دوم: شرایط فرضیت حج در فقه اسلامی..... ۴۱
- مطلب سوم: شرایط صحت حج در فقه اسلامی..... ۴۶
- مطلب چهارم: واجبات حج..... ۴۸
- مطلب پنجم: موافقت حج و عمره..... ۵۰
- فرع اول: موافقت زمانی حج و عمره..... ۵۱
- فرع دوم: موافقت مکانی حج و عمره..... ۵۴
- مبحث دوم: احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی..... ۶۰
- مطلب اول: حکم حج سریع..... ۶۰
- مطلب دوم: حکم حج با مال ربوی..... ۶۴
- مطلب سوم: حکم حج نیابتی..... ۶۷
- مطلب چهارم: احکام متغیر حج و عمره در میقات..... ۷۰
- فرع اول: آیا جده میقات است؟..... ۷۰

- فرع دوم: حکم محاذات در میقات..... ۷۲
- فرع سوم: کدام میقات ها در محاذات مراعات گردد؟..... ۷۴
- فرع چهارم: کیفیت محاذات در میقات..... ۷۵
- فرع پنجم: موضوع احرام در صورت جهل از محاذات..... ۷۶
- فرع ششم: حکم تجاوز از میقات بدون احرام..... ۷۷

## فصل سوم

### مناسک و اعمال حج و عمره

- مبحث اول: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی..... ۷۸
- مطلب اول: احرام..... ۷۸
- مطلب دوم: تلبیه..... ۸۱
- مطلب سوم: طواف..... ۸۳
- مطلب چهارم: سعی..... ۸۸
- مطلب پنجم: وقوف به عرفات..... ۹۱
- مطلب ششم: گذراندن شب در مزدلفه..... ۹۳
- مطلب هفتم: رمی جمرات..... ۹۵
- مطلب هشتم: حلق و تقصیر کردن موی..... ۹۸
- مطلب نهم: گذراندن شب های تشریق در منی..... ۹۹
- مطلب دهم: هدیه..... ۹۹
- مطلب یازدهم: مناسک و اعمال عمره..... ۱۰۲

- مبحث دوم: احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی..... ۱۱۱
- مطلب اول: احکام متغیر احرام در فقه اسلامی..... ۱۱۱
- فرع اول: حکم احرام بستن با ازار خیاطی شده..... ۱۱۱
- فرع دوم: حکم کسی که یکی از ممنوعات احرام را مرتکب می شود و فدیة آن..... ۱۱۷
- فرع سوم: حکم استفاده از صابون، شامپو و اشیای معطر در حالت احرام..... ۱۲۰
- فرع چهارم: حکم استفاده زن از چیزی که دم حیض او را در حالت احرام قطع می کند..... ۱۲۱
- فرع پنجم: حکم استفاده از جراب در حالت احرام..... ۱۲۲
- مطلب دوم: حکم طواف در حالت سواره بر ماشین های برقی..... ۱۲۳
- مطلب سوم: حکم سعی در حالت سواره بر ماشین های برقی..... ۱۲۸
- مطلب چهارم: احکام متغیر حج در عرفات..... ۱۲۸
- فرع اول: افاضه از عرفه قبل از غروب آفتاب، برای کسی که روز را در آنجا سپری کرد..... ۱۲۸
- فرع دوم: رفتن به عرفات بوسیله طیاره و امثال آن..... ۱۳۰
- مطلب پنجم: حکم جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه..... ۱۳۲
- مطلب ششم: احکام متغیر حج در رمی جمرات..... ۱۳۵
- فرع اول: حکم نیابت در رمی جمرات..... ۱۳۶
- فرع دوم: حکم رمی جمرات از منزل های بالا..... ۱۳۶
- مطلب هفتم: حکم حلق و تقصیر با وسایل برقی معاصر..... ۱۳۷
- مطلب هشتم: عذرهای که گذراندن شب های تشریق را در منا ساقط می گرداند..... ۱۳۹
- مطلب نهم: حکم وکالت در خریدن هدیه و ذبح آن..... ۱۳۹

- مطلب دهم: حکم اتخاذ شعایر الله برای تفریح، استراحت و خوردن..... ۱۴۰
- مطلب یازدهم: حکم گرفتن اجرت و معاش برای اشخاص که حجاج را رهنمای می کنند..... ۱۴۴
- نتیجه گیری..... ۱۴۸
- پیشنهادات..... ۱۵۰
- فهرست آیات قرآن کریم..... ۱۵۱
- فهرست احادیث نبوی..... ۱۵۳
- فهرست اعلام..... ۱۵۶
- فهرست منابع و مأخذ..... ۱۵۹

## مقدمه

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله، والصلاة والسلام على الرحمة المهداة من رب العالمين للخلق أجمعين سيدنا ونبينا محمد القائل: «أفضل الجهاد حج مبرور» والقائل: «من حج هذا البيت فلم يرفُثْ ولم يفسق رجع من ذنوبه كيوم ولدته أمه» والقائل: «خذوا عني مناسككم» وعلى آله وصحبه شمس الهداية والدين وعلى من اقتفى آثارهم واهتدى بهديهم ودعا بدعوتهم آمين.

اما بعد: حج يكي از ارکان پنجگانه اسلام است و يكي از فرايضي است كه از ضروريات دين شناخته شده است. بنا بر اين هر كس وجوب آن را انكار كند، كافر و مرتد از اسلام مي باشد. تحقيق حاضر روي احكام ثابت و متغير حج و عمره در فقه اسلامي است، تا مسلمانان از اين فريضه الهي آگاه شده و آن را بشكل درست و واقعي آن انجام دهد، بخاطري كه امروزه بسياري از مسلمانان به حج و عمره مي روند، ولي از احكامات حج و عمره چندان آگهي كامل ندارند، بنا بر اين، خواستم تا روي اين موضوع تحقيق رساله خود را نوشته نموده و مشكلات مردم را در اين قسمت حل نمايم.

## اهميت و ضرورت تحقيق:

تحقيق روي احكام ثابت و متغير حج و عمره در فقه اسلامي از اهميت و ضرورت بسيار بلند و بزرگي برخوردار است، زيرا وقت كه معلوم مي گردد حج و عمره هم احكام ثابت دارند و هم احكام متغير، اين موضوع را مي رساند كه حج و عمره در هر زمان يك عبادتي اند كه قابليت عمل را دارند، همچنان اين موضوع را روشن مي سازد كه شريعت الهي شريعت سهل و آسان است، كه نظر به حالات بعضي از احكامش تغير مي خورد، از جمله بعضي از احكام حج و عمره، تا مردم بشكل راحت و آسان آن را انجام داده بتوانند.

همچنان الله متعال براي دين حنيف خود خواست كه اين دين شكل جهاني داشته باشد و تمام مخلوقاتش را در هر عصر و زمان در بر بگيرد و اينكه اين دين هميشه باشد، شريعتش افراد و تمام جوامع انساني را حكم نمايد، شايسته و اصلاح كننده مردم در هر زمان باشد، از همين جهت شريعت اسلامي در داخل خود احكام ثابت و متغير را جمع كرد، از جمله در بخش حج و عمره، تا اين شريعت نظر به زمان، حالات و مصلحت پاسخگوي مردم باشند و اين ويژگي تنها از ويژگي هاي شريعت اسلامي است.

پس تحقيق روي اين موضوع را بر بالاي خود لازم دانستم تا مسلمانان از احكام و مسايل ثابت و متغير حج و عمره آگاه شده و حج و عمره را با استفاده از هر دو احكام بشكل درست و با كمال راحت انجام دهند.

از اين رو در اين رساله روي احكام ثابت و متغير حج و عمره در فقه اسلامي مي پردازم.

## اسباب اختیار موضوع

- ۱- اهمیت این موضوع که احکام ثابت و متغیر حج و عمره بیان گر آن است، که در هر زمان حج و عمره قابلیت عمل کردن را دارند، که این اهمیت بیان گر سبب اختیار این موضوع است.
- ۲- عدم آگاهی اکثریت مردم از احکام ثابت و متغیر حج و عمره، سبب دیگری بود که این موضوع را انتخاب نمودم.
- ۳- پاسخ به حل سوالاتی که امروزه مردم در این عرصه دارند، از قبیل آیا با مال حرام و ربوی حج درست است؟ طریقه انجام دادن حج چگونه است؟ و امثال آن.

### سوالات تحقیق:

**سوال اصلی:** احکام ثابت و متغیر حج و عمره کدام ها اند؟

### سوالات فرعی:

۱. ثابت و متغیر چیست؟
  ۲. احکام ثابت حج کدام ها اند؟
  ۳. احکام متغیر حج کدام ها اند؟
- از این رو در این رساله می کوشم، برای پاسخگویی به این سؤاها با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از آیات، احادیث، فقه و کتابهای لغت مورد بحث و بررسی قرار دهم.

### پیشینه تحقیق

از اینکه حج و عمره از ضرورت بنیادی و بنای پنجم اسلام است، بنابراین، در مورد حج، عمره و احکام آن از صدر اسلام تا امروز تحقیقات زیاد صورت گرفته است، تا مسلمانان که هر ساله به حج می روند و یا هم هر وقت که به عمره می روند، بشکل درست از احکام آنها معلومات داشته باشند، تعدادی کتابهای که بشکل صریح راجع به حج، عمره و احکام آنها نوشته شده اند، قرار ذیل اند:

۱. المیسر فی الحج المعاصر: از احمد محمود کریمه.
۲. الحج و العمرة: از محمد بن عبدالله العجلان
۳. الاستحسان الأصولي وأثره في نازلة التصريح بالحج والعمرة: از ایمان بنت سالم قبوس
۴. نوازل الحج: از عبدالله الساکر

۵. نوازل الحج: از علی الشلعان
۶. الحج والعمرة في القرآن الكريم: از بهجت بن فاضل بن بهجت
۷. مذكرة مختصرة في بعض مسائل و نوازل الحج: از صغير بن محمد الصغير
۸. شرح كتاب الحج: از صالح الاسمرى
۹. مناسك الحج و العمرة: از ابن عثيمين
۱۰. مناسك الحج و العمرة: از آلبنانی
۱۱. مذكرة الحج : از خالد الهويسين
۱۲. مسائل مهمة و معاصرة في الحج: از عبدالله زقيل
۱۳. اعمال الحج: از عبدالله بن احمد العلاق

ولی از آنجا که کتاب های فوق راجع به حج و عمره به زبان عربی نوشته شده اند، و مردم و ملت افغانستان به زبان عربی تسلط ندارند، و از طرف هم فضای عدم آگاهی از احکام ثابت و متغیر حج و عمره بالای مردم سایه افکنده است، لازم دیدم تا روی این عنوان به زبان فارسی که زبان ملی کشورمان است، تحقیق نمایم، تا مردم از این موضوع آگاهی پیدا کنند و به رعایت احکام حج و عمره مطابق فقه اسلامی تمرکز نموده و از نا آگاهی درین قسمت بیرون آیند.

### اهداف تحقیق:

- ۱- نخستین هدف که در نوشتن این تحقیق در نظر گرفته شده است، بیان نمودن وسعت شریعت اسلامی است، که نظر به زمان، حالات و مصلحت بعضی از احکامش از جمله در حج و عمره ثابت و بعض دیگرش تغییر می یابد، تا مردم بشکل راحت در هر عصر و زمان حج، عمره و دیگر احکام الهی را بشکل آسان و راحت انجام دهند.
- ۲- آگاهی دادن است از نقش و جایگاه فقه اسلامی، مخصوصاً در این قبال که تماماً احکام ثابت و متغیر حج و عمره را توضیح داده است.
- ۳- ادای مسئولیت است، زیرا وقتی که یک محصل از دوره ماستری می خواهد فارغ شود، لازم دانسته شده است تا قبل از آن تحقیق را ارائه نماید و من این عنوان را به این هدف انتخاب نمودم.

## روش تحقیق:

تحقیق حاضر از جمله تحقیق کتابخانه‌ای و بشکل تحلیلی توصیفی محسوب می‌گردد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

الف: ذکر آیات در رابطه به مطالب احکام ثابت حج و عمره همراه نام سوره و شماره آیات، با ترجمه آیات از ترجمه فارسی صفوة التفاسیر، که نویسنده آن: محمد علی الصابونی و مترجم آن: دکتور عبدالباری ابراهیمی است، گرفته ام.

ب: تخریح احادیث که در رابطه با احکام حج اند، از کتاب های حدیث، با ذکر نام مؤلف، خود کتاب، محل چاپ، نام ناشر، طبع و سال طبع، همراه جلد و صفحه آن .

ج: از منابع معتبر قدیم استفاده نموده ام، مگر اینکه در منابع قدیم حکم را پیدا نکردم، در آن صورت به منابع معاصر مراجعه نمودم.

د: بیان کردن صورت مسئله و ذکر اقوال علماء از کتاب های شان، پیرامون آن در صورت که مسئله اختلافی باشد، همراه دلایل شان و نقل قول راجح در اخیر مسئله‌ی که میان فقها اختلاف است.

ه: اعلام را معرفی نمودم.

و: به کتب تخریح احادیث مراجعه نموده، صحت و سقم احادیث را تخریح نموده و حکم آن را واضح ساخته ام و در پهلوی آن وجه استدلال حدیث را نیز ذکر کرده ام.

ز: قواعد دستوری نگارش مانند کامه (،)، شارحه (:،)، نداییه (!،)، سوالیه (؟)، قوس ها () و نقطه (.) را تا حدی توان مراعات نموده ام.

## پلان تفصیلی تحقیق:

تحقیق حاضر دارای یک مقدمه، یک تمهید و سه فصل می باشد:

در تمهید: معرفی احکام ثابت و متغیر همراه ویژگی ها و فواید شان صورت گرفته است.

در فصل اول: عمومیات تحقیق بحث شده است، که شامل سه مبحث می باشد، مبحث اول راجع به تعریف حج و عمره است. مبحث دوم راجع به حکم و مشروعیت حج و عمره، تاریخ فرضیت حج و فضیلت آنها بحث شده است و مبحث سوم: مقاصد حج و عمره، حکمت های آنها، آثار و آداب آنها بحث شده است.

در فصل دوم: ارکان، شرایط، واجبات حج و مواقیت حج و عمره در فقه اسلامی صحبت شده است، که دارای دو مبحث است، که در مبحث اول: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی بحث شده است. در مبحث دوم: احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی بحث شده است.



در فصل سوم: مناسک و اعمال حج و عمره بحث شده است، که شامل دو مبحث می گردد، مبحث اول: احکام ثابت حج روی این موارد در فقه اسلامی بحث شده است. مبحث دوم: احکام متغیر حج روی این موارد در فقه اسلامی بحث شده است.

و در اخیر با نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرست آیات قرآن کریم، احادیث نبوی، اعلام و منابع ختم گردیده است.

## تمهید

### معرفی احکام ثابت و متغیر همراه ویژگی ها و فواید شان

در این تمهید سه مطلب بحث می گردد:

مطلب اول: تعریف احکام ثابت و متغیر

مطلب دوم: ویژگی های احکام ثابت و متغیر

مطلب سوم: فواید تقسیم احکام شرعی به ثابت و متغیر

### مطلب اول: تعریف احکام ثابت و متغیر

الله متعال برای دین حنیف خود خواست که این دین شکل جهانی داشته باشد و تمام مخلوقاتش را در هر عصر و زمان در بر بگیرد و اینکه این دین همیشه باشد، شریعتش افراد و تمام جوامع انسانی را حکم نماید، شایسته و اصلاح کننده مردم در هر جا و هر زمان باشد، از همین جهت شریعت اسلامی در داخل خود احکام ثابت و متغیر را جمع کرد تا این شریعت نظر به زمان، مکان، حالات و مصلحت پاسخگوی مردم باشند و این ویژگی تنها از ویژگی های شریعت اسلامی است، زیرا شریعت اسلامی ربانی است و از جانب الله متعال که خالق مردم است، وحی شده است، پس شریعت اسلامی از وقت که ظهور نموده است، موازن بین احکام ثابت و متغیر به تغیر زمان و اختلاف مکان بوده است، بشکل که یکی از آنها تجاوز بالای دیگر نکنند، برای اینکه مشخص گردد تا ثابت و متغیر چیست؟ نخست احکام ثابت را در لغت و اصطلاح معرفی نموده، سپس احکام متغیر را در لغت و اصطلاح تعریف می کنم، که تعریف شان قرار ذیل است:

### الف: تعریف ثابت

ثابت در لغت: اسم فاعل است از ثبات گرفته شده است، به معنای دایم، استمرار، ملازم و بقاء آمده است.<sup>(۱)</sup> کلمه ثابت در قرآن کریم هم آمده است، طور که الله متعال می فرماید: **{أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است؟!

<sup>۱</sup> - محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاري الرویفی الإفريقی (المتوفی: ۷۱۱هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ، ج ۲ ص ۱۸ - ۱۹.

<sup>۲</sup> - {ابراهیم، آیه ۲۴}.

در این آیه هم مشخص گردید که ثابت به معنای دائم و قایم است.

ثابت در اصطلاح: اصطلاح ثابت و متغیر از جمله اصطلاحات اند که فقهاء معاصر از آن با تعبیرات «ثابت و متغیر»، «قدیم و حدیث»، «ثابت و متحول»، «اصاله و معاصره»، «تراث و حدائث» زیاد یاد کرده اند.<sup>(۱)</sup>

بنابراین، اصطلاح ثابت را تهانوی<sup>(۲)</sup> رحمه الله یکی از فقهاء مشهور احناف چنین تعریف نموده است: (هو الموجود والذي لا يزول بتشكك المشكك).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ثابت عبارت از چیزی موجود است و چیزی که با شک کردن شک کننده زایل نمی گردد. ولی فقهاء معاصر از جمله اعضاء مؤتمرات و منظمات مكة المكرمة، چنین تعریف نموده اند: (الثوابت فی الشريعة، هی الأحكام الصحيحة المحققة المستقرة التي لاتقبل التغيير و التبدیل، سواء أكانت فی العقيدة، أم فی الأخلاق، أم فی الأحكام، و سواء أكانت مقررة لغةً، أم شرعاً، أم عقلاً).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: چیزهای که در شریعت ثابت است، عبارت از احکام صحیح، روشن و پایدار اند، که تغییر و تبدیل را قبول نمی کنند، برابر است در عقیده باشند، یا در اخلاق و یا در احکام، و برابر است این ثابت و برقراری از نگاه لغت باشد، یا شریعت باشد و یا هم عقل.

با این حال دیده می شود که میان هر دو تعریف تفاوت زیاد وجود دارد، ولی می توانیم میان هر دو تعریف مطابقت نمود، یعنی احکام ثابت عبارت از احکامی اند که قابلیت زایل شدن، تغییر و تبدیل را ندارند، بلکه از همان روزی که الله متعال آنها را واضح ساخته است، به همان حالت تا روزی قیامت باقی است و هیچ کس حق تغییر و تبدیل را در آنها ندارند و به شک کردن شک کننده، آن احکام زایل نمی گردند.

### ب: تعریف متغیر

متغیر در لغت: اسم فاعل است از تغیر گرفته شده است، به معنای دگرگون شونده، تغییر حال یافته، تبدیل

۱- راند نصری جمیل ابومونس، الثوابت و المتغیرات فی التشريع الاسلامی - دراسة اصولية تحليلية - كلية الدراسة العليا، الجامعة الأردنية، ۲۰۰۴م، ص ۵.

۲- تهانوی: (۱۱۵۸ هـ = ۱۷۴۵ م)، محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر، فاروقی، حنفی، تهانوی: باحث هندي، یکی از فقهاء مشهور احناف، لغت دان و از اهل هند بود، دارای تالیفات بود از جمله: کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، الغایات فی نسق الآیات و غیره. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغنی کحالة دمشق (المتوفی: ۱۴۰۸ هـ)، معجم المؤلفین، الناشر: مكتبة المثنی - بیروت، دار إحياء التراث العربي بیروت، ج ۱۱ ص ۴۷.

۳- محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقی الحنفی التهانوی (المتوفی: بعد ۱۱۵۸ هـ)، موسوعة کشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، الناشر: مكتبة لبنان ناشرون - بیروت، الطبعة: الأولى - ۱۹۹۶م، ج ۱ ص ۵۳۶.

۴- الإدارة العامة للمؤتمرات و المنظمات، المجتمع المسلم... الثوابت و المتغیرات، مكة المكرمة، ۱۴۳۲ هـ = ۲۰۱۲م، ص ۶.

شونده و متحول می باشد و جمع آن متغیرات است، طور که عربها می گویند: (وتَغَيَّرَ الشَّيْءُ عَنْ حَالِهِ: تَحَوَّلَ. وَغَيَّرَهُ: حَوَّلَهُ وَبَدَّلَهُ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: آن چیز از حالتش متغیر گردید، یعنی متحول یافت. و تغیر کرد، یعنی تحول و تبدیل گردید. در قرآن کریم چنین آمده است: ﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾.<sup>(۲)</sup> ترجمه: این به خاطر آن است که خداوند هیچ نعمتی را که به گروهی داده تغییر نمی دهد جز آنکه آنها خودشان را تغییر دهند.

متغیر در اصطلاح: اصطلاح متغیر از جمله اصطلاحات معاصر است، بنابراین، فقهاء قدیم از آن چیزی تذکر نداده اند، ولی به جای متغیر، در قدیم از اصطلاح «نازله و نوازل» بکار می گرفتند، از همین جهت ابن عابدین شامی<sup>(۳)</sup> رحمه الله «نوازل<sup>(۴)</sup>» را چنین تعریف نموده است: (المسائل التي سئل عنها المشايخ المجتهدون في المذهب ولم يجدوا فيها نصًّا، فأفتوا فيها تخریجًا).<sup>(۵)</sup>

ترجمه: نوازل عبارت از مسائل اند که در مورد آنها از بزرگان مجتهدین مذهب سوال کرده شده است و مجتهدین در مورد این مسائل نصی را پیدا کرده نمی توانند، سپس در این مسائل با تخریج (حکم شان را از آیات و احادیث تخریج می کنند) فتوا می دهند.

اما فقهاء معاصر از جمله اعضاء مؤتمرات و منظمات مكة المكرمة، متغیر را چنین تعریف نموده اند: (المتغيرات في الشريعة: الأحكام التي تتغير حسب الزمان و المكان، و حسب الأشخاص و الأحوال، لتحقیق المقاصد العامة للشريعة، و مبادئها الكلية، و مراعاة الظروف و المناسبات، لكنها تبقى في إطار الشريعة).<sup>(۶)</sup>

۱- لسان العرب، ج ۵ ص ۴۰. فاضل عبدالعباس محسن النعمی و محمد عباس نهاییه ثامر الجریاوی، الثابت و المتغیر فی الإعجاز التشریعی، جامعة بابل، كلية العلوم الاسلامی، ۲۰۱۹م، ص ۱۹۹.

۲- {الانفال، آیه ۵۳}.

۳- ابن عابدین: (۱۱۹۸ - ۱۲۵۲ هـ = ۱۷۸۴ - ۱۸۳۶ م)، محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز عابدين الدمشقي، یکی از فقهای دیار شام واز امامان احناف در زمانش بود، تولد ووفاتش در دمشق صورت گرفته ودارای تألیفات زیاد بود، از جمله: رد المحتار على الدر المختار والعقود الدرية في تنقيح الفتاوي الحامدية. بكر بن عبد الله، أبو زيد بن محمد بن عبد الله بن بكر بن عثمان بن يحيى بن غييب بن محمد (المتوفى: ۱۴۲۹هـ)، طبقات النسابين، الناشر: دار الرشد، الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، ج ۱ ص ۱۸۵.

۴- نوازل جمع نازله است: نازله اسم فاعل است، در لغت به معنای سختی زمانه، بلاي سخت و مصیبت را گفته می شود. لسان العرب، ج ۱۱ ص ۶۵۹.

و مسائل متغیره را به این خاطر نوازل می گویند: بخاطر که در مورد حکم آنها در وقت سختی و مشکلات سوال پیدا می شود.

۵- محمد أمين بن عمر بن عبد العزيز بن عابدين الدمشقي، رد المحتار على الدر المختار، تحقیق: عادل أحمد عبد الموجود، و علي محمد عوض، دار عالم الکتب، الرياض، ۱۴۲۳ هـ - ۲۰۰۳ م، ج ۱ ص ۱۴۲.

۶- المجتمع المسلم... الثواب و المتغیرات، ص ۶.

ترجمه: متغیرات در شریعت: عبارت از احکام است که مطابق مقتضای زمان و مکان و مطابق مقتضای اشخاص و حالات تغییر می یابند، از جهت تحقق یافتن مقاصد عمومی شریعت، اساسات کلی آن و مراعات گردیدن حوادث، پیشآمدها و مناسبت ها، ولی این تغییرات در قالب شریعت صورت می گیرد. با این حال میان تعریف فقهاء قدیم و معاصر در تعریف احکام متغیر تفاوت دیده می شود و آن اینکه در تعریف فقهاء قدیم گفته شده است: نوازل عبارت از مسائل اند که در مورد آنها از بزرگان مجتهدین مذهب سوال کرده شده است و مجتهدین در مورد این مسائل نصی را پیدا کرده نتوانستند، سپس در این مسائل با تخریح (حکم شان را از آیات و احادیث تخریح می کنند) فتوا می دهند، اما این موضوع در تعریف فقهاء معاصر به چشم نمی خورد، به همین شکل تعریفی را که فقهاء معاصر کرده اند، در کتاب های فقهاء قدیم به چشم نمی خورد، بنابراین، از خلال هر دو تعریف می توان چنین مطابقت داد: احکام متغیر نظر به مقتضای زمان، مکان، اشخاص و حالات، به همراه تحقق یافتن مقاصد عمومی شریعت، اساسات کلی آن و رعایت حوادث، پیشامد و مناسبت در قالب شریعت از مجتهدین مذهب حل و پاسخ آنها صورت می گیرند.

## مطلب دوم: ویژگی های احکام ثابت و متغیر

برای احکام ثابت و متغیر ویژگی های وجود دارند، که قرار ذیل اند:

۱- احکام ثابت در شریعت اسلامی از جهت ضرورت که به آنها دیده می شد، معلوم اند، زیرا این احکام نمایندگی از دین، هویت و حقیقت آن می کند، بشکل که دین بدون آنها متصور نمی گردد، بنابراین، این قدر کافی است تا بر آنها حکم ثابت را گذاشته شود، از همین جهت این احکام از خود یک صورت و حالت را در تمام زمان و مکان و نزد تمام اشخاص امت به نمایش می گذارند، اما احکام متغیر معلوم نیستند و در هر زمان و مکان قابلیت تغیر را دارا می باشند.<sup>(۱)</sup> از همین جهت ابواسحاق شیرازی<sup>(۲)</sup> رحمه الله می نویسد: (ما علم من دین الرسول صلی الله علیه وسلم ضرورة كالصلوات المفروضة والزکوات الواجبة وتحريم الزنا واللواط وشرب الخمر وغير

۱- الثوابت و المتغیرات فی التشريع الاسلامی، ص ۲۰.

۲- ابراهیم بن علی بن یوسف، فیروزآبادی، شیرازی، أبو إسحاق، (۳۹۳ - ۴۷۶ هـ = ۱۰۰۳ - ۱۰۸۳ م)، در فیروز آباد فارس تولد گردید، بعداً به شیراز نقل مکان کرد، از آنجا به بصره و سپس به بغداد رفت و در بغداد به تحصیل پرداخت تا اینکه یکی از فقهاء و تاریخ نگار مشهور گردید، از نگاه فکر به مذهب شوافع تمایل داشت، از خود تألیفات زیاد بجا گذاشته است، از جمله: التنبیه، المهدب فی الفقه الشافعی، التبصرة فی اصول الشافعیه، طبقات الفقهاء، الممعه، شرح الممعه، الملخص وغيره، در سال ۴۷۶ هـ در بغداد وفات یافت و المقتدی العباسی نمازش را داد. اسماعیل بن عمر بن کثیر، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفی: ۷۷۴ هـ)، طبقات الشافعیین، تحقیق: أحمد عمر هاشم، د محمد زینهم محمد عزب، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاریخ النشر: ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۱ ص ۴۶۲.

ذلك فمن خالف في شيء من ذلك بعد العلم فهو كافر لأن ذلك معلوم من دين الله تعالى ضرورة فمن خالف فيه فقد كذب الله تعالى ورسوله صلى الله عليه وسلم في خبرهما فحكم بكفره).<sup>(١)</sup>

ترجمه: آنچه که از دین رسول الله صلی الله علیه وسلم ضرورتاً دانسته شده، مثل نمازهای فرضی، زکات های واجبه، تحریم زنا، لواطت و نوشیدن شراب و غیره، پس شخص که بعد از علم در مورد اینها، در چیزی از اینها مخالفت نماید، آن شخص کافر است، زیرا این احکام در دین الله متعالی از جهت ضرورت معلوم اند، شخص که مخالفت در آنها می کند، الله متعالی و رسولش صلی الله علیه وسلم را در خبرشان تکذیب می کند، بنابراین، حکم به کفر آن شخص می گردد.

۲- احکام ثابت برای شریعت اسلامی قابلیت تغییر را ندارند، تا مجتهد در آنها مداخله نموده و از شکل و طریقه که شرعاً در نظر گرفته شده اند، بیرون سازد، اما احکام متغیر بر عکس آنها اند.<sup>(٢)</sup>

۳- احکام ثابت: احکام صحیح، روشن، واضح و مستمر می باشند که قابلیت تبدیل را هم ندارند، برابر است در عقیده باشد، یا اخلاق و یا هم احکام، اما احکام متغیر حکم شان واضح و روشن نمی باشند.<sup>(٣)</sup>

۴- منابع و مصادر احکام ثابت، قرآن کریم و سنت نبوی می باشد، از همین جهت این قاعده اصول فقه بر آن صدق می کند: (لَا مَسَاغَ لِلْأَجْتِهَادِ فِي مَوْرَدِ النَّصِّ).<sup>(٤)</sup> ترجمه: مجال برای اجتهاد در مورد نص وجود ندارد.

اما مصادر و منابع احکام متغیر اجتهاد مجتهد می باشد.<sup>(٥)</sup>

۵- همچنین از جمله احکام ثابت، احکام اند که بوسیله اجماع امت ثابت گردیده اند، پس آن مسائلی را که فقهاء اسلامی به آن اتفاق نموده اند، اجتهاد در آنها جواز ندارد، از همین جهت مخالفت با آن درست نیست، حتی برای مجتهد شرط است تا اجماع را بشناسد، تا مخالف آن حکم را صادر نکند، از همین جهت ابواسحاق شیرازی رحمه الله می نویسد: (ما لم يعلم من دين الرسول صلى الله عليه

---

۱- إبراهيم بن علي بن يوسف، أبو اسحاق الشيرازي (المتوفى: ٤٧٦هـ)، الملع في أصول الفقه، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الطبعة الثانية ٢٠٠٣ م - ١٤٢٤ هـ، ج ١ ص ١٢٩ - ١٣٠.

۲- الثوابت و المتغيرات في التشريع الإسلامي، ص ٢٠.

۳- محمد سعيد عبد المهدي، الثابت و المتغير في مسائل الاحوال الشخصية، كلية الشريعة، جامعة اليرموك، ص ١٣٩٢.

۴- محمد عميم الإحسان المجددي البركتي، قواعد الفقه، الناشر: الصدف ببلشرز - كراتشي، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ - ١٩٨٦، ص ١٠٨ قاعدة ٢٦٠.

۵- الثوابت و المتغيرات في التشريع الإسلامي، ص ٢٠.

وسلم ضرورة كالأحكام التي تثبت بإجماع الصحابة وفقهاء الإصهار... فمن خالف في شيء من ذلك بعد العلم به فهو فاسق<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: چیزهای که از دین رسول الله صلی الله علیه وسلم ضرورتاً دانسته نشده است، مثل احکام که به اجماع صحابه و فقهاء زمانه ثابت گردیده اند، پس شخص که بعد از علمش در چیزی از آن احکام مخالفت کند، آن شخص فاسق است.

اما احکام متغیر بوسیله اجماع ثابت نشده اند، طور که ابواسحاق شیرازی رحمه الله می نویسد: (وَأما ما يسوغ فيه الاجتهاد وهو المسائل التي اختلف فيها فقهاء الأمصار على قولين وأكثر).<sup>(۲)</sup> ترجمه: اما در مسائل که مجال برای اجتهاد است، عبارت از مسائل اند که فقهاء زمانه در مورد حکم آنها بر دو قول و یا زیادتر از دو قول اختلاف نموده اند.

خلاصه مشخص گردید که احکام ثابت دارای ویژگی های از قبیل حکم شان معلوم بودند، نمایندگی از دین کردند، قابلیت عدم تغیر و تبدیل را داشتند، در مورد شان نصوص از قرآن و سنت و یا اجماع امت ثابت گردیده و غیره، اما احکام متغیر حکم شان معلوم نیستند، قابلیت تغیر و تبدیل را دارند، در مورد شان نصوص از قرآن و سنت وجود ندارند، به اجماع امت ثابت نشده اند و غیره.

### مطلب سوم: فواید تقسیم احکام شرعی به ثابت و متغیر

تقسیم شدن احکام شرعی به احکام ثابت و متغیر دارای فواید زیاد است، که تعداد از این فواید قرار ذیل اند:

۱- رعایت کردن مصلحت: یکی از فواید که در این تقسیم در نظر گرفته شده است، رعایت کردن مصلحت برای مردم است، طور که ابن قیم<sup>(۳)</sup> رحمه الله می نویسد: (الأحكام نوعان: نوع: لا يتغير عن حالة واحدة هو عليها، لا بحسب الأزمنة ولا اجتهاد الأئمة؛ كوجوب الواجبات وتحريم المحرمات، والحدود المقدره بالشرع على الجرائم، ونحو ذلك، فهذا لا يتطرق إليه تغيير ولا اجتهاد يخالف ما

۱- اللع في أصول الفقه، ج ۱ ص ۱۳۰.

۲- همان مرجع، ج ۱ ص ۱۳۰.

۳- ابن قیم، محمّد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد بن خريز الزرعيّ الدمشقيّ، شمس الدين أبو عبد الله، الجوزية، الحنبليّ (۶۹۱-۷۵۱)، یکی از بزرگترین شاگردان ابن تیمیه رحمه الله بود، در فقهت و علم در عصرش بی نظیر و حنبلی مذهب بود، تألیفات زیاد کرده است از جمله: تهذیب سنن أبي داود، سفر الهجرتين وباب السعادتین، و غیره. ولید بن حُسَني بن بَدوي بن مُحَمَّد الأمويّ، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تیمیه، بیروت، الناشر: دارالفکر، ۱۴۳۰هـ، ج ۱ ص ۱۳۶. عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي، السلامي، زين الدين (المتوفى: ۷۹۵هـ)، ذیل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۵هـ - ۲۰۰۵م، ج ۵ ص ۱۷۱.

وضع عليه. والنوع الثاني: ما يتغير بحسب اقتضاء المصلحة له زماناً ومكاناً وحالاً، كمقادير التعزيرات وأجناسها وصفاتها؛ فإن الشارع ينوّع فيها بحسب المصلحة<sup>(١)</sup>. ترجمه: احکام دو نوع است: یک نوع آن از یک حالت که بر آن است، تغییر نمی خورد، نه به مقتضای زمان ها و نه به اجتهاد امامان، مثل وجوب واجبات و حرام گردیدن محرمات، حدود تعیین شده از جانب شرع بر بالای جرائم و مثال آنها، پس در اینها تغییر و اجتهاد که مخالف آنچه وضع شده اند، راه ندارد. نوع دوم: احکام اند که نظر به تقاضای مصلحت برایش زمان، مکان و حالت است، مثل اندازه تعزیرات، جنس آن و صفات آن، پس شارع در این نوع، نظر به مقتضای مصلحت متنوع ساخته است، (یعنی هر نوع حکم را که مجتهد مصلحت برای مردم و جامعه می بیند، به همان شکل حکم نماید).

۲- دفع مفسد است: احکام که قابل تغییر اند، همان احکام اند که نص در مورد آنها وجود ندارد، از همین جهت ضرورت است تا در شریعت اسلامی مشخص گردد بین قواعد عمومی که تغییر و تبدیل را قبول نمی کنند و بین تطبیقات که برای احکام تفصیلی بر بالای این قواعد عمومی اند، زیرا اصول شریعت، احکام عقیدتی و مقدرات شرعی تبدیل را مطلقاً قبول نمی کنند، مثل حرمت محارم، وجوب رضایت میان طرفین در عقود، عدم مجازات شخص به جرم شخص دیگر و غیره، زیرا در این احکام تمام مصلحت از طرف شارع در نظر گرفته شده و تمام مفسد دفع شده است، اما در احکام که نظر به زمان، مکان و حالات تغییر می یابد، بخاطر است تا حق به حقدار رسانده شود، مصلحت گرفته شود و مفسد دفع گردد و در این کار نفع بزرگ برای اجتماع اسلامی است.<sup>(۲)</sup>

۳- همچنان احکام ثابت در اصول و کلیات شریعت است، اما تغییر در فروع و جزئیات است و این نشانگر مجال برای اجتهاد است، از همین جهت در اصول و کلیات شریعت اجتهاد جواز ندارد، اما در فروع و جزئیات شریعت نظر به تقاضای زمان، مکان و مصلحت جائز است.<sup>(۳)</sup>

۴- تقسیم به احکام ثابت و متغیر بیان گر آن است، که بعضی از احکام که قابلیت تغییر را دارد، از جهت مناسبت حال مردم است، یعنی بعضی از احکام مطابق عرف و عادت مردم بناء یافته است،

۱- محمد بن أبی بکر بن أبیوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیة (المتوفی: ۷۵۱هـ)، إغائة اللهفان من مصاید الشیطان، المحقق: محمد حامد الفقی، الناشر: مكتبة المعارف، الرياض، المملكة العربية السعودية، ج ۱ ص ۳۳۰ - ۳۳۱.

۲- محمد بسری ابراهیم، فقه النوازل للأقليات المسلمة «تأسیلاً وتطبیقاً»، الناشر: دار الیسر، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۴ هـ - ۲۰۱۳ م، ص ۱۸۹.

۳- إسماعیل کوکسال، تغییر الأحکام فی الشریعة الإسلامیة، مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، ص ۲۸۸ - ۲۸۹.



بنابراین، نظر به حالت و تغییر مردم باید تغییر بخورد، از همین جهت امام ابویوسف و امام محمد رحمهما الله به ضرورت تزکیه شهود فتوا دادند، از جهت تغییر احوال مردم، بروز کذب و دروغ، ضعف دیانت و وجدان و غیره، با وجود که امام ابوحنیفه رحمه الله در این قسمت عدالت ظاهری را کافی می دانست، پس این حکم امام ابویوسف و محمد رحمهما الله مناسب برای زمان است، زیرا تنها عدالت ظاهری در خیر القرون مناسب بود.<sup>(۱)</sup>

۵- همچنان تقسیم شریعت به احکام ثابت و متغیر بیان گر رعایت کردن حرمت مکان است، یعنی بعضی از احکام که تغییر می خورد بخاطر حرمت مکان است، از همین جهت دیت در شکستاندن دندان، شتر است، پس در عموم مکانها این دیت به پنج شتر تصریح شده است، ولی عمر رضی الله عنه در شکستاندن دندان در داخل حرم مکه ثلث دیت خوانده است، از جهت حرمت سرزمین حرم مکه.<sup>(۲)</sup>

۶- از اینکه بعضی از احکام شریعت متغیر است، از جهت محیط جغرافیوی است، یعنی محیط با تمام عناصرش مؤثر در احکام شریعت است، از همین جهت اوقات کار مطابق درجه سردی و گرمی تغییر می یابد، همچنان اوقات نماز مطابق مناطق تغییر می خورد و غیره.<sup>(۳)</sup>

خلاصه مشخص گردید که تقسیم احکام به ثابت و متغیر فواید زیاد دارد، از جمله حفظ مصلحت، دفع مفاسد، رساندن حق به حق دار، مناسبت حال مردم، مناسبت با زمان، مناسبت با مکان و غیره بوده است، که تعداد از آنها مختصراً تذکر رفتند.

---

۱- علاء الدین ابی بکر بن مسعود الکاسانی، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، دار الکتب العلمیة، بیروت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۶ ص ۲۷۰.

۲- أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسین القدوري الحنفی (المتوفی: ۴۲۸ هـ)، التجريد للقدوري، الناشر: دار السلام - القاهرة، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۶ م، ج ۱۱ ص ۵۷۰۷.

۳- محمد أردوغان، تغییر الأحكام فی الشريعة الإسلامية، منشورات وقف كلية الإلهيات، بجامعة مرمر، إسطنبول، الطبعة ۲، ۱۹۹۴ م، ص ۱۷، ۱۸.

## فصل اول

### عمومیات

درین فصل مباحث ذیل بحث می گردد:

مبحث اول: تعریف حج و عمره

مبحث دوم: حکم و مشروعیت حج و عمره، تاریخ فرضیت حج و فضیلت آنها

مبحث سوم: مقاصد حج و عمره، حکمت های آنها، آثار و آداب آنها

## مبحث اول

### تعریف حج و عمره

در این مبحث سه مطلب بحث می گردد:

مطلب اول: تعریف حج

مطلب دوم: تعریف عمره

مطلب سوم: تفاوت میان حج و عمره

### مطلب اول: تعریف حج

برای آگاهی بهتر و خوبتر از حج، لازم است تا در نخست حج در لغت تعریف گردیده، سپس در اصطلاح معرفی گردد، بنابراین، این مطلب دارای دو فرع است، فرع اول: تعریف لغوی حج و فرع دوم: تعریف اصطلاحی حج، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل اند:

### فرع اول: تعریف لغوی حج

حج با فتح حرف « ح » و کسر آن در لغت به معنای قصد کردن است، طوری که مرتضی زبیدی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می گوید: (الْحَجُّ: الْقَصْدُ مُطْلَقًا. حَجَّهُ يَحُجُّهُ حَجًّا: قَصَدَهُ، وَحَجَّجْتُ فُلَانًا: قَصَدْتُهُ. وَرَجُلٌ مَحْجُوجٌ، أَي مَقْصُودٌ. وَقَالَ جَمَاعَةٌ: إِنَّهُ الْقَصْدُ لِمُعَظَّمٍ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: حج در لغت مطلق قصد کردن را گوید. فعل ماضی آن (حَجَّ)، فعل مضارع آن (يَحُجُّ) و مصدر آن (حَجًّا) می آید، به معنای قصد کرد. فلان را حج کردم، یعنی قصدش را کردم. و شخص حج کرده است، یعنی قصد کرده است. و یک جماعت از اهل لغت می گویند: حج قصد برای چیزی بزرگ را گفته می شود.

۱- مُرْتَضَى زَبِيدِي: (۱۱۴۵ - ۱۲۰۵ هـ = ۱۷۳۲ - ۱۷۹۰ م)، محمد بن محمد بن محمد بن عبد الرزاق، حسيني، زبيدي، أبو الفيض، ملقب به مرتضی زبیدی، یکی از علمای لغت، حدیث، رجال و انساب است، اصلش از واسط عراق، تولدش در بلجرام هند، پرورش در زبید یمن و توسط مرض طاعون در مصر وفات نمود، دارای تالیفات زیاد می باشد، از جمله: تاج العروس فی شرح القاموس، إتحاف السادة المتقين فی شرح إحياء العلوم للغزالي، أسانيد الكتب السنة وغيره. محمد عَبْدُ الْحَيِّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسنی الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ۱۳۸۲ هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ۲، ۱۹۸۲ م، ج ۱ ص ۳۹۸ - ۴۱۳.

۲- سید محمد مرتضی الحسینی، الحنفی، الواسطی، الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت - لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۲۰ جلد، ۱۱۴۱۴ هـ ق، ج ۵ ص ۴۵۹.

ابن منظور افریقی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می گوید: (الْحَجُّ: الْقَصْدُ مُطْلَقًا. ثُمَّ تُعْرَفُ اسْتِعْمَالَهُ فِي الْقَصْدِ إِلَى مَكَّةَ لِلنُّسُكِ وَالْحَجِّ إِلَى الْبَيْتِ خَاصَّةً).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: حج مطلق قصد کردن را گوید. سپس استعمال این کلمه در قصد کردن به طرف مکه خاص برای مناسک و حج بیت الله، معروف و مشهور گردید.

### فرع دوم: تعریف اصطلاحی حج

فقهای اسلامی حج را در اصطلاح این گونه تعریف نموده اند: الْحَجُّ: هُوَ قَصْدُ مَوْضِعٍ مَخْصُوصٍ ( وَهُوَ الْبَيْتُ الْحَرَامُ وَعَرَفَةُ ) فِي وَقْتٍ مَخْصُوصٍ ( وَهُوَ أَشْهُرُ الْحَجِّ ) لِلْقِيَامِ بِأَعْمَالٍ مَخْصُوصَةٍ وَهِيَ الْوُقُوفُ بِعَرَفَةَ، وَالطَّوَافُ، وَالسَّعْيُ بِشَرَائِطٍ مَخْصُوصَةٍ.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: حج عبارت از قصد محل و مکان مخصوص (و آن عبارت از بیت الحرام و عرفه) است، در وقت مخصوص (و آن عبارت از ماهای حج) است، برای قیام به اعمال مخصوصه که عبارت از وقوف به عرفه، طواف و سعی با شرایط مخصوصه آن.

خلاصه مشخص گردید که حج عبارت از قصد کردن برای رفتن به بیت الله و عرفه است، در ماهای حج و با اعمال مخصوص که عبارت از وقوف به عرفه، طواف زیارت، سعی بین صفا و مروه و غیره.

### مطلب دوم: تعریف عمره

به همین شکل برای آگاهی بهتر و خوبتر از عمره، لازم است تا در نخست عمره در لغت تعریف گردیده، سپس در اصطلاح معرفی گردد، بنابراین، این مطلب دارای دو فرع است، فرع اول: تعریف لغوی عمره و فرع دوم: تعریف اصطلاحی عمره، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل اند:

۱- ابن منظور، أبو زكريا، يحيى بن زياد بن عبد الله بن منظور الأندلسي (الوفاة: ۲۰۱ - ۲۱۰ هـ)، یکی از علماء و دانشمندان نحو، صرف و لغت بود، از جمله تألیفاتش: لسان العرب و معانی القرآن می باشد. محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز، شمس الدین أبو عبد الله الذهبي، (المتوفى: ۷۴۸ هـ)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، المحقق: بشار عواد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ۲۰۰۳ م، ج ۵ ص ۱۴۱.

۲- محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي، ابن منظور، الإفريقي (المتوفى: ۷۱۱ هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ، ج ۲ ص ۲۲۶.

۳- عبد الله بن محمود بن مودود الموصلي البلدي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي (المتوفى: ۶۸۳ هـ)، الاختيار لتعليل المختار، الناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة، تاريخ النشر: ۱۳۵۶ هـ - ۱۹۳۷ م، ج ۱ ص ۱۳۹. محمد بن أحمد بن عرفة الدسوقي، المالكي (المتوفى: ۱۲۳۰ هـ)، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، الناشر: دار الفكر، عدد الأجزاء: ۴، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ، ج ۲ ص ۲. محمد بن أحمد الخطيب الشربيني، شمس الدين، الشافعي (المتوفى: ۹۷۷ هـ)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۴ م، ج ۱ ص ۴۵۹. منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس البهوتي، الحنبلي (المتوفى: ۱۰۵۱ هـ)، شرح منتهى الإرادات، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ج ۱ ص ۴۷۲.

## فرع اول: تعریف لغوی عمره

عمره با ضمه حرف « ع » و سکون حرف « م » در لغت به معنای زیارت کردن آمده است، طور که ابن منظور رحمه الله می نویسد: (والعُمْرة: مأخوذة من الاعْتِمَار، وَهُوَ الزِّيَارَةُ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: عمره از اعتمار گرفته شده است و آن عبارت از زیارت کردن است.

## فرع دوم: تعریف اصطلاحی عمره

امام دسوقی<sup>(۲)</sup> رحمه الله عمره را در اصطلاح چنین تعریف نموده است: (بِأَنَّهُ الطَّوَّافُ بِالْكَعْبَةِ وَالسَّعْيُ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ مُحْرَمًا بِنَيْتِ الْحَجِّ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: عمره عبارت از طواف کعبه و سعی بین صفا و مروه در حالت احرام و با نیت حج.

خلاصه مشخص گردید که عمره همان طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه است، در حالت احرام که عمره کننده نیت عمره را هم داشته باشد.

## مطلب سوم: تفاوت میان حج و عمره

میان حج و عمره تفاوت های زیادی وجود دارد، که تعداد از این تفاوت ها قرار ذیل اند:

- ۱- حج متضمن و در برگیرنده اعمال عمره است و اعمال حج از اعمال عمره کرده زیاد است، از جمله وقوف به عرفه، گذراندن شب در مزدلفه و غیره.<sup>(۴)</sup>
- ۲- وقت و زمان حج محدود به ماهای شوال، ذی القعدة و ذی الحجة است، اما وقت عمره محدود به این سه ماه نیست.<sup>(۵)</sup>
- ۳- حکم حج فرض است، اما عمره سنت است.<sup>(۶)</sup>

۱- لسان العرب، ج ۴ ص ۶۰۵.

۲- امام دسوقی (۱۲۳۰ هـ = ۱۸۱۵ م) محمد بن أحمد بن عرفه، دسوقی، مالکی، یکی از فقهای مشهور مالکی و از اهل دسوق مصر بود، تولد، رشد و تعلیمات شان را در دسوق انجام داد، سپس در ازهر مصر آمد و مشغول تدریس و تالیف بود تا وفات نمود، از جمله تالیفاتش: الحدود الفقهية في فقه الإمام مالك، حاشية على مغني اللبيب، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير وغيره. يوسف بن إلیان بن موسی سرکیس (المتوفی: ۱۳۵۱ هـ)، معجم المطبوعات العربية والمصرية، الناشر: مطبعة سرکیس بمصر ۱۳۴۶ هـ - ۱۹۲۸ م، ص ۸۷۵.

۳- حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲.

۴- حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۳.

۵- محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج، أبو عبد الله، شمس الدين المقدسي الراميني ثم الصالحي الحنبلي (المتوفی: ۷۶۳ هـ)، الفروع وتصحيح الفروع، تحقيق: أبو الزهراء حازم القاضي، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، سنة النشر: ۱۴۱۸ هـ، ج ۲ ص ۲۴۳.

۶- أبو بكر بن مسعود بن أحمد، علاء الدين، الكاساني الحنفي (المتوفی: ۵۸۷ هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۲ ص ۲۲۶.

## مبحث دوم

### حکم و مشروعیت حج و عمره، تاریخ فرضیت حج و فضیلت آنها

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: حکم و مشروعیت حج

مطلب دوم: حکم و مشروعیت عمره

مطلب سوم: تاریخ فرضیت حج

مطلب چهارم: فضیلت حج و عمره

#### مطلب اول: حکم و مشروعیت حج

درین مطلب نخست حکم حج بیان می گردد، سپس دلایل مشروعیت آن واضح می گردد، بنابراین، این مطلب دارای دو فرع است، فرع اول حکم حج و فرع دوم دلایل مشروعیت آن، که تفصیل آنها قرار ذیل اند:

#### فرع اول: حکم حج

حج یک عمل مشروع و بالای هر شخص مکلف و توانا یک مرتبه در عمر فرض عینی است و این حج رکن پنجم از ارکان اسلام است.<sup>(۱)</sup>

#### فرع دوم: دلایل مشروعیت حج

دلایل مشروعیت حج هم در قرآن کریم، هم در سنت نبوی و هم در اجماع ثابت است، که تفصیل آن قرار ذیل است:

#### الف: دلایل مشروعیت حج در قرآن کریم

الله متعال در مورد می فرماید: **{وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است و اگر کسی حج بیت الله را ترک

۱- کمال الدین محمد بن عبد الواحد السیواسی المعروف بابن الهمام (المتوفی: ۸۶۱هـ)، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، بیروت، ج ۲ ص ۱۲۳. شمس الدین أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسی المغربي، المعروف بالحطاب الرعيني المالکي (المتوفی: ۹۵۴هـ)، مواهب الجليل في شرح مختصر خليل، الناشر: دار الفكر، بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۱۲هـ - ۱۹۹۲م، ج ۲ ص ۴۷۱. حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲-۳. الفروع وتصحيح الفروع، ج ۳ ص ۲۴۲.

۲- {آل عمران، آیه ۹۷}.

کند، خداوند از وی و از کلیه مخلوقات بی نیاز است (بخاطر هشدار از ترک حج، تعبیر به کفر شده است).<sup>(۱)</sup>

وجه استدلال از آیه: ابن کثیر<sup>(۲)</sup> رحمه الله پیرامون این آیه، در تفسیرش چنین می گوید: (هَذِهِ آيَةٌ وُجُوبِ الْحَجِّ عِنْدَ الْجُمُهورِ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: این آیه وجوب حج را نزد جمهور ثابت می سازد.

همچنان الله متعال می فرماید: {وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...}.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: حج و عمره را بخاطر رضای خداوند با تمام شرایط و ارکانش ادا نماید.

وجه استدلال از آیه: سعدی<sup>(۵)</sup> رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (يستدل بقوله [تعالى]: {وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ} على أمور: أحدها: وجوب الحج والعمرة، وفرضيتهما).<sup>(۶)</sup>

ترجمه: از این قول الله متعال: {وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ} بر چند موضوع استدلال می شود: یکی از آنها: وجوب حج و عمره و فرضیت هر دو است.

### ب: دلایل مشروعیت حج در سنت نبوی

دلایل مشروعیت حج در سنت نبوی زیاد است، که تعداد از این دلایل قرار ذیل اند:

۱- در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عُمَرَ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ « بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ،

۱- محمد علی الصابونی، ترجمه فارسی صفة التفسیر، مترجم: عبدالباری ابراهیمی، مکتبه فاروقیه، محله جنگی پشاور، ۴ جلد، ج ۱ ص ۲۳۵.  
۲- ابن کثیر: إسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن درع، قرشی، أموي، بصروي، شافعي، شيخ عماد الدين، معروف به ابن کثیر صاحب تفسیر القرآن العظيم وتاریخ البدایه والنهایه می باشد، در سال ۷۰۱ هـ متولد گردید و در سال ۷۷۴ هـ در دمشق وفات یافت. أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر بن قاضي شهبة، طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة، دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ، ج ۳ ص ۸۵.  
۳- إسماعیل بن عمر بن کثیر، أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴ هـ)، تفسیر القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية ۱۴۲۰ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۲ ص ۸۱.

۴- {البقرة، آیه ۱۹۶}.

۵- سَعْدِي: (۱۳۰۷ - ۱۳۷۶ هـ = ۱۸۹۰ - ۱۹۵۶ م)، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله، سَعْدِي، تميمي: مفسر، از علمای حنابله و از اهل نجد بود، تولد و وفات او در عنيزة (قصيم) صورت گرفته است، دارای تالیفات زیاد بود، از جمله این تالیفات: تفسیر تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، تیسیر اللطیف المنان فی خلاصة مقاصد القرآن، القواعد الحسان فی تفسیر القرآن وغيره می باشد. عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني كحالة الدمشقي (المتوفى: ۱۴۰۸ هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت، ج ۱۳ ص ۳۹۶.

۶- عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله السعدي (المتوفى: ۱۳۷۶ هـ)، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۱ ص ۹۰.

وَالْحَجِّ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از ابن عمر رضي الله عنهما روایت شده است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: اسلام بر روی پنج پایه بنیان گذاری شده است: (۱) شهادت بر این که جز الله خدایی نیست و محمد صلی الله علیه وآله وسلم فرستاده ی اوست؛ (۲) ادای نماز (۳) پرداخت زکات، (۴) حج بیت (۵) روزه ی رمضان.

وجه استدلال از حدیث: ابن رجب<sup>(۲)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (و هذا الحديث دل على أن الإسلام مبني على خمس أركان)<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: این حدیث دلالت می کند که اسلام بر پنج رکن بناء یافته است.

۲- همچنان در حدیث دیگر آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- فَقَالَ « أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ الْحَجَّ فَحُجُّوا ». فَقَالَ رَجُلٌ أَكَلَّ عَامٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَسَكَتَ حَتَّى قَالَهَا ثَلَاثًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ- « لَوْ قُلْتَ نَعَمْ لَوَجَبَتْ وَلَمَّا اسْتَطَعْتُمْ - ثُمَّ قَالَ - دَرُونِي مَا تَرَكْتُمْ فَإِنَّمَا هَلْكَ مَنْ كَانَ فَبَلَّكُمْ بِكَثْرَةِ سُؤْلِهِمْ وَاخْتِلَافِهِمْ عَلَى أَنْبِيَائِهِمْ فَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَإِذَا نَهَيْتُكُمْ عَنْ شَيْءٍ فَدَعُوهُ »<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت شده که گفت: رسول الله صلي الله عليه وسلم براي ما خطبه خوانده و فرمود: اي مردم! همانا خداوند حج را بر شما فرض گردانیده، پس حج کنید. مردی گفت: آیا هر سال يا رسول الله صلي الله عليه وسلم؟ آنحضرت صلي الله عليه وسلم سکوت فرمود، تا اینکه سه بار این سخن را گفت. پس رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: اگر بلي مي گفتم واجب مي شد و آن را انجام داده نمي توانستيد. بعد فرمود: مرا در باره آنچه از شما ترک نمودم ترک کنید و بگذاريد، زیرا کسانی که پیش از شما بودند بواسطهء سؤال زیاد و اختلاف شان بر

۱- محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ، رقم الحديث ۸. مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ۲۶۱هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، رقم الحديث ۲۰.

۲- ابن رَجَب: (۷۳۶ - ۷۹۵ هـ = ۱۳۳۵ - ۱۳۹۳ م) عبد الرحمن بن أحمد بن رجب، سلامي، بغدادي، دمشقي، أبو الفرج، زين الدين، یکی از فقها و علمای حدیث است، تولدش در بغداد، پرورش و وفات او در دمشق شده است، از جمله تألیفاتش: فتح الباری شرح صحيح البخاری و قواعد الفقهیه می باشد. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲هـ / ۱۹۷۲م، ج ۱۱ ص ۱۵۱.

۳- زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ۷۹۵هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۱ ص ۲۲.

۴- صحيح مسلم، رقم الحديث ۳۳۲۱.



پیامبران شان هلاک شدند. پس هرگاه شما را به چیزی امر کردم آنچه را که از آن نتوانید انجام دهید و چون شما را از کاری منع کردم، آن را ترک کنید.

۳- وجه استدلال از حدیث: امام نووی<sup>(۱)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (وَأَجْمَعْتُ الْأُمَّةَ عَلَى

أَنَّ الْحَجَّ لَا يَجِبُ فِي الْعُمْرِ إِلَّا مَرَّةً وَاحِدَةً بِأَصْلِ الشَّرْعِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: امت اجماع دارند که حج در عمر مطابق با اصل شریعت، یک مرتبه واجب است.

منذری<sup>(۳)</sup> رحمه الله می گوید: (وَقَدْ وَرَدَتِ الْأَحَادِيثُ فِي ذَلِكَ كَثِيرَةً جَدًّا حَتَّى بَلَغَتْ مَبْلَغَ التَّوَاتُرِ الَّذِي

يُفِيدُ الْيَقِينَ وَالْعِلْمَ الْقَطْعِيَّ الْيَقِينِيَّ الْجَازِمَ بِثُبُوتِ هَذِهِ الْفَرِيضَةِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: در این مورد احادیث زیاد وارد گردیده است، حتی به حدی تواتر رسیده است، که افاده

یقین و علم قطعی یقینی را به ثبوت این فریضه می کند.

### ج: اجماع امت راجع به مشروعیت حج

امت اسلامی بر وجوب حج یک مرتبه در عمر بر شخص توانمند اجماع نموده است و حج از امور معلوم

و واضح در دین است، بنابراین، منکر این فریضه الهی به اتفاق فقهای اسلامی کافر می گردد.<sup>(۵)</sup>

خلاصه مشخص و واضح گردید که حج یکی از فریضه های الهی است که بر شخصی توانمند واجب می

باشد و فرضیت آن در قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع امت ثابت شده است.

---

۱- النووي، أبو زكريا، محيي الدين، يحيى بن شرف (المتوفى: ٦٧٦هـ)، یکی از محدثین و علام اسلام است، و فقيه مذهب شوافع، تألیفات زیاد دارد از جمله: المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، رياض الصالحين، الاذكار وغيره. السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي وعبد الفتاح محمد الحلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ١٤١٣هـ، ج ٥ ص ١٦٥. طبقات الشافعية، ج ٢ ص ١٥٣.

۲- يحيى بن شرف بن مري، أبو زكريا النووي، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، ١٣٩٢هـ، ج ٤ ص ٤٩٩.

۳- منذرى (٥٨١ - ٦٥٦ هـ = ١١٨٥ - ١٢٥٨ م)، عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين منذري، یکی از علمای حدیث و تاریخ بود، اصلش از شام، اما تولد و وفات او در مصر صورت گرفته است، دارای تألیفات کثیره است، از جمله: الترغيب والترهيب، التكملة لوفيات النقلة، أربعون حديثًا، مختصر صحيح مسلم وغيره. أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر ابن خلکان، أبو العباس، شمس الدين البرمكي الإربلي (المتوفى: ٦٨١هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: ١، ١٩٧١م، ج ١ ص ٢٩٦.

۴- عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري (المتوفى: ٦٥٦هـ)، الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، المحقق: إبراهيم شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٧هـ، ج ٢ ص ٢١١ - ٢١٢.

۵- عبد الله بن أحمد بن محمد، ابن قدامة، أبو محمد موفق الدين الجماعلي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠هـ)، المغني، الناشر: مكتبة القاهرة، تاريخ النشر: ١٣٨٨هـ - ١٩٦٨م، ج ٣ ص ٢١٧. محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة شهاب الدين، شمس الدين الرملي، (المتوفى: ١٠٠٤هـ)، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: ط أخيرة - ١٤٠٤هـ/١٩٨٤م، ج ٢ ص ٣٦٩.

## مطلب دوم: حکم و مشروعیت عمره

در قسمت حکم عمره میان فقهای اسلامی اختلاف است، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل است:

**قول اول:** احناف و مالکی ها می گویند: عمره یک مرتبه در عمر سنت مؤکد است.<sup>(۱)</sup>

**قول دوم:** شافعی ها و حنبلی ها می گویند: عمره یک مرتبه در عمر فرض است، همچنان امام احمد رحمه الله می گوید: عمره بالای اهل مکه واجب نمی باشد، زیرا بزرگترین رکن عمره: طواف بیت الله است و آنها این رکن را انجام می دهند، بنابراین، این طواف از آنها کافیهست.<sup>(۲)</sup>

احناف و مالکی ها در قسمت سنت بودن عمره با چندین دلیل استدلال می کنند، از جمله:

۱- الله متعال می فرماید: **{وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است.

وجه استدلال از آیه: در این آیه عمره تذکر زفرته است، زیرا مطلق اسم حج بالای عمره صدق نمی کند، پس کسی که می گوید: عمره فرض است، زیادت بالای کتاب الله نموده است، بنابراین، زیادت جایز نیست، مگر با دلیل.<sup>(۴)</sup>

۲- در حدیث شریف آمده است، که یک شخص صحرائین نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و از ایمان و احکام سوال نمود و پیامبر صلی الله علیه و سلم ایمان و احکام را برایش بیان نمود و عمره را ذکر نکرد، سپس صحرائین گفت: هَلْ عَلَيَّ شَيْءٌ غَيْرُ هَذَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ «- صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -: لَا إِلَّا أَنْ تَطَّوَعَ».<sup>(۵)</sup>

ترجمه: آیا غیر از اینها چیزی دیگر بالایم است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم در پاسخ فرمود: خیر، مگر در صورتی که به شکل نفل انجام بدهی!

وجه استدلال از حدیث: امام کاسانی<sup>(۶)</sup> رحمه الله در کتابش «بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع

۱- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۲۲۶. حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲.

۲- أحمد سلامة القليوبي وأحمد البرلسي عميرة، حاشيتا قليوبي وعميرة، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: بدون طبعة، ۱۴۱۵هـ-۱۹۹۵م، ج ۲ ص ۹۲. المغني، ج ۳ ص ۲۲۳ - ۲۲۴.

۳- {آل عمران، آیه ۹۷}.

۴- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۲۲۶.

۵- صحيح البخاری، رقم الحديث ۴۶.

۶- الكاساني، أبو بكر بن مسعود بن أحمد، علاء الدين، ملك العلماء، (المتوفى: ۵۸۷هـ)، یکی از فقهاء و فضلاء احناف بشمار میرود، تألیفات زیاد دارد از جمله: بدائع الصنائع، السلطان المبین فی أصول الدين و غيره. أبو الفداء زين الدين أبو العدل قاسم بن قطلوبغا السودوني (نسبة إلى معتق أبيه سودون الشيوخوني) الجمالي الحنفي (المتوفى: ۸۷۹هـ)، تاج التراجم، المحقق: محمد خير رمضان يوسف، الناشر: دار القلم - دمشق، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۳هـ-۱۹۹۲م، ج ۱ ص ۳۲۹.

« بعد از ذکر این حدیث می گوید: (فَظَاهِرُهُ يَقْتَضِي انْتِفَاءَ فَرِيضَةِ الْعُمْرَةِ).<sup>(۱)</sup>»

ترجمه: پس ظاهر حدیث نفی فرضیت عمره را تقاضاء می کند.

شافعی ها و حنبلی بر فرضیت عمره قرار ذیل استدلال می کنند:

۱- الله متعال می فرماید: **{وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: حج و عمره را بخاطر رضای خداوند با تمام شرایط و ارکانش ادا نماید.

ابن قدامه<sup>(۳)</sup> رحمه الله پیرامون این آیه می گوید: (أَيُّ : أَفْعَلُوهُمَا تَأَمِّينَ، فَيَكُونُ النَّصُّ أَمْرًا بِهِمَا فَيَدُلُّ عَلَى فَرُضِيَّةِ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: یعنی: حج و عمره را به شکل تمام انجام بدهید، پس این نص به انجام این دو عمل امر نموده است، بنابراین، این امر دلالت بر فرضیت حج و عمره می کن

۲- همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، عَلَى النِّسَاءِ جِهَادٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ، عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيهِ، الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ».<sup>(۵)</sup>

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که گفتیم: ای رسول خدا! آیا بر زنان نیز جهاد است؟ فرمود: آری! بر زنان جهادی است که قتالی در آن نیست؛ حج و عمره.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که جهاد زنان حج و عمره است، همانطوری که جهاد

۱- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۲۲۶.

۲- {البقرة، آیه ۱۹۶}.

۳- ابن قدامة المقدسي صاحب المغنی (۵۴۱ - ۶۲۰ هـ = ۱۱۴۶ - ۱۲۲۳ م)، عبد الله بن محمد بن قدامة الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، أبو محمد، موفق الدين، یکی از فقهای مشهور و معروف حنابله بود، تألیفات زیاد دارد از جمله: المغنی، روضة الناظر في أصول الفقه، المقن، ذم ما عليه مدعو التصوف، ذم التأويل، ذم الموسوسين، لمعة الاعتقاد، كتاب التوابين، التبيين في أنساب القرشيين، الكافي في الفقه، العمدة، القدر، فضائل الصحابة، المتحابين في الله تعالى، ارقعة في أخبار الصالحين وصفاتهم، الاستبصار في نسب الأنصار، البرهان في مسائل القرآن وغيره، در جماعيل كه يك قريه از قريه های نابلس فلسطين است تولد گرديد و در دمشق علم آموخت، به بغداد رحلت کرد و در دمشق وفات نمود. أبو الحسين ابن أبي يعلى، محمد بن محمد (المتوفى: ۵۲۶هـ)، مختصر طبقات الحنابلة، المحقق: محمد حامد الفقي، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ص ۴۵. إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: ۸۸۴هـ)، المقصد الأرشد في ذكر أصحاب الإمام أحمد، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۰هـ - ۱۹۹۰م، ج ۲ ص ۲۱۳. والبداية والنهاية، ج ۱۳ ص ۹۹. شذرات الذهب، ج ۵ ص ۸۸. وفوات الوفيات، ج ۱ ص ۲۰۳.

۴- المغنی، ج ۳ ص ۲۲۳.

۵- محمد بن يزيد، أبو عبد الله القزويني (المتوفى: ۲۷۳هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، رقم الحديث ۲۹۰۱. ألباني رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۲۹۰۱.

فرض است، حج و عمره هم فرض است، همچنان عمره در کنار حج تذکر رفته است و این نشان می دهد که عمره همانند حج فرض است.

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی دیده می شود که قول احناف و مالکی ها راجح می باشد، به چند دلیل:

۱- هیچ نص صریح به مانند حج به فرضیت عمره دلالت نمی کند.

۲- استدلال شافعی ها و حنبلی ها از آیه **{وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...}** (۱) مبنی بر فرضیت عمره

درست نیست، از همین جهت امام کاسانی رحمه الله می گوید: (وَأَمَّا الْآيَةُ الْكَرِيمَةُ فَلَا دَلَالَهَ فِيهَا عَلَى فَرَضِيَّةِ الْعُمْرَةِ؛ لِأَنَّهَا فُرِنَتْ بِرَفْعِ الْعُمْرَةِ " " وَأَنَّهُ كَلَامٌ تَامٌ بِنَفْسِهِ غَيْرُ مَعْطُوفٍ عَلَى الْأَمْرِ بِالْحَجِّ أَخْبَرَ اللَّهُ تَعَالَى أَنَّ الْعُمْرَةَ لِلَّهِ رَدًّا لِرِزْمِ الْكُفْرَةِ؛ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَجْعَلُونَ الْعُمْرَةَ لِلْأَصْنَامِ عَلَى مَا كَانَتْ عِبَادَتُهُمْ مِنَ الْإِشْرَاقِ. وَأَمَّا عَلَى قِرَاءَةِ الْعَامَّةِ فَلَا حُجَّةَ لَهُ فِيهَا أَيْضًا؛ لِأَنَّ فِيهَا أَمْرٌ بِإِتْمَامِ الْعُمْرَةِ، وَإِتْمَامُ الشَّيْءِ يَكُونُ بَعْدَ الشَّرُوعِ، وَبِهِ نَقُولُ أَنَّهَا بِالشَّرُوعِ تَصِيرُ فَرِيضَةً). (۲)

ترجمه: اما آیه کریمه بر فرضیت عمره دلالت نمی کند، زیرا آیه با رفع «العمره» {وَالْعُمْرَةُ لِلَّهِ} قرائت شده است و این خودش جمله تام است و بر امر کردن به حج عطف نشده است، الله متعال خبر داده است که عمره خاص برای الله متعال صورت گیرد، و عقیده اهل کفر را رد کرد، زیرا آنها عمره را برای بت های شان انجام می دادند، بر اینکه در عبادت شان شرک وجود داشت. اما بر قرائت عامه (که با فتح «العمره» {وَالْعُمْرَةُ لِلَّهِ} است) همچنان دلیل شان شده نمی تواند، زیرا در آن امر بر تمام کردن عمره است و تمام کردن یک چیز بعد از شروع آن است، از همین جهت می گویم: عمره با شروع کردن فرض می گردد تا تمام شود.

خلاصه مشخص گردید که یک مرتبه عمره سنت مؤکد است و تلاش صورت گیرد که به طریقه احسن آن انجام شود و مشروعیت آن هم به قرآن و هم به سنت نبوی ثابت است.

### مطلب سوم: تاریخ فرضیت حج

الله متعال می فرماید: **{وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَاأَيُّهَا رِجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ}**. (۳)

ترجمه: و مردم را بسوی حج خانه خدا فراخوان، پیاده و سواره بر هر شتر لاغر و درمانده از سفر بسوی تو می آیند، این شتر لاغر راه دور و دراز را طی نموده بدینجا می آید.

۱- {البقرة، آیه ۱۹۶}.

۲- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۲۲۶.

۳- {الحج، آیه ۲۷}.

ابن كثير رحمه الله در تفسير ابن آيه مي گويد: (أَيُّ: نَادٍ فِي النَّاسِ دَاعِيًا لَهُمْ إِلَى الْحَجِّ إِلَى هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَمْرُنَاكَ بِنَائِهِ. فَذَكَرَ أَنَّهُ قَالَ: يَا رَبِّ، وَكَيْفَ أُبْلِغُ النَّاسَ وَصَوْتِي لَا يَنْفُذُهُمْ؟ فَقِيلَ: نَادِ وَعَلَيْنَا الْبَلَاغُ. فَقَامَ عَلَى مَقَامِهِ، وَقِيلَ: عَلَى الْحَجْرِ، وَقِيلَ: عَلَى الصَّفَا، وَقِيلَ: عَلَى أَبِي قُبَيْسٍ، وَقَالَ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ رَبَّكُمْ قَدْ اتَّخَذَ بَيْتًا فَحُجُّوهُ، فَيُقَالُ: إِنَّ الْجِبَالَ تَوَاضَعَتْ حَتَّى بَلَغَ الصَّوْتُ أَرْجَاءَ الْأَرْضِ، وَأَسْمَعَ مَنْ فِي الْأَرْحَامِ وَالْأَصْلَابِ، وَأَجَابَهُ كُلُّ شَيْءٍ سَمِعَهُ مِنْ حَجْرٍ وَمَدْرٍ وَشَجَرٍ، وَمَنْ كَتَبَ اللَّهُ أَنَّهُ يُحُجُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ: "لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ"). (١)

ترجمه: يعنى: در بين مردم صدا بزن و مردم را به حج بسوى خانه ى كه به بنای آن امر کرده ام دعوت نما! پس تذكر رفته است، كه ابراهيم عليه السلام فرمود: پروردگارم! چگونه به مردم ابلاغ نمايم، در حالى كه صدايم به آنها نمى رسد؟ پس گفته شد: ندا كن و بر بالايم رساندن آن است. پس در مقامش (مقام ابراهيم) ايستاد شد و گفته شده است: بر حجر الاسود ايستاد شد، و گفته شده است: بر صفا ايستاد شد، و گفته شده است: بر كوه ابوقبيس ايستاد شد، و گفت: اى مردم! براستى پروردگار تان خانه ى را گرفته است، پس حج نمايند، پس گفته شد: براستى كوه ها متواضع گرديد تا اينكه صدا به نقاط مختلف زمين رسيد و شنيد كسى كه در رحم ها و پشت ها بودند و اين سخن را هر چيز كه شنيد، اجابت نمود از قبيل سنگ، كلوخ، درخت و كسى كه الله متعال حج را تا روز قيامت بر بالايش فرض نمود: حاضر به خدمت تو ايستاده ام، الهى! حاضر به خدمت تو ايستاده ام.

ابن آيه بيان گر تاريخ حج قبل از بعثت محمد صلى الله عليه وسلم است، اما تاريخ فرضيت حج در اسلام مورد اختلاف است، گفته شده است: سال ششم هجرى، يا هفتم هجرى، يا هشتم هجرى، يا نهم هجرى و يا هم دهم هجرى. (٢)

از همين جهت ابن قيم جوزيه (٣) رحمه الله مى گويد: (لَا خِلَافَ أَنَّهُ لَمْ يَحُجَّ بَعْدَ هِجْرَتِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ سِوَى حَجَّةِ وَاحِدَةٍ وَهِيَ حَجَّةُ الْوُدَاعِ، وَلَا خِلَافَ أَنَّهَا كَانَتْ سَنَةً عَشْرًا... وَلَمَّا نَزَلَ فَرَضَ الْحَجَّ، بَادَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

١- تفسير القرآن العظيم = تفسير ابن كثير، ج ٥ ص ٤١٤.

٢- عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي النجدي (المتوفى: ١٣٩٢هـ)، حاشية الروض المربع شرح زاد المستقنع، الناشر: دارالفكر، بيروت، الطبعة: الأولى - ١٣٩٧هـ، ج ٣ ص ٤٩٩.

٣- ابن قيم، محمّد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد بن خريز الزرعيّ الدمشقيّ، شمس الدين أبو عبد الله، الجوزية، الحنبليّ (٦٩١-٧٥١هـ)، يكي از بزرگترين شاگردان ابن تيميه رحمه الله بود، در فقاهاست و علم در عرشش بي نظير و حنبلي مذهب بود، تأليفات زياد کرده است از جمله: تهذيب سنن أبي داود، سفر الهجرتين وباب السعادتين، و غيره. وليد بن حُسَني بن بَدوي بن مُحَمَّد الأمويّ، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تيمية، بيروت، الناشر: دارالفكر، ١٤٣٠هـ، ج ١ ص ١٣٦. السّلامي، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، ثمّ الدمشقي، الحنبليّ (المتوفى: ٧٩٥هـ)، ذيل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٥م، ج ٥ ص ١٧١.

عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى الْحَجِّ مِنْ غَيْرِ تَأْخِيرٍ، فَإِنَّ فَرَضَ الْحَجِّ تَأَخَّرَ إِلَى سَنَةِ تِسْعٍ أَوْ عَشْرٍ... (۱).

ترجمه: خلاف وجود ندارد که پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از هجرتش بسوی مدینه منوره غیر از یک حج که حجة الوداع نامیده می شود، دیگر حج نکرده است و هم خلاف نیست که این حج در سال دهم هجری صورت گرفته است... زمانی که فرضیت حج نازل گردید، پیامبر صلی الله علیه وسلم بدون تاخیر به آن مبادرت و اقدام نمود، بنابراین، فرضیت حج به سال نهم یا دهم هجری به تاخیر افتید.

دلیل بر اینکه حج در سال نهم و یا دهم هجری فرض شده است، این قول الله متعال است: ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...﴾ (۲).

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است.

ابن عاشور (۳) رحمه الله پیرامون این آیه می گوید: (إِنَّ الْحَجَّ وَجَبَ سَنَةَ تِسْعٍ... (۴).

ترجمه: حج در سال نهم هجری واجب گردید.

خلاصه: معلوم و مشخص گردید که تاریخ فرضیت حج در سال نهم هجری صورت گرفته است.

### مطلب چهارم: فضیلت حج و عمره

این مطلب دارای دو فرع است: فرع اول: فضیلت حج و فرع دوم: فضیلت عمره، که تفصیل هر دوی اینها قرار ذیل اند:

#### فرع اول: فضیلت حج

نصوص زیادی شرعی پیرامون فضیلت حج، ثواب آن و اجری بزرگی آن وجود دارد، که تعداد از این نصوص قرار ذیل اند:

۱- الله متعال می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

۱- محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیة (المتوفی: ۷۵۱هـ)، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت - مكتبة المنار الإسلامية، الكويت، الطبعة: السابعة والعشرون، ۱۴۱۵هـ/۱۹۹۴م، ج ۲ ص ۹۶.

۲- {آل عمران، آیه ۹۷}.

۳- ابن عاشور (۱۲۸۴ هـ = ۱۸۶۸ م)، محمد الطاهر بن محمد الشاذلي بن عبد القادر بن محمد بن عاشور، یکی از علماء، مفسرین، ادیب، لغت دان و نحوی معاصر و از اهل تونس بود، مدت زیادی را در تونس بحیث قاضی ایفای وظیفه نمود، سپس در تونس وفات نمود، دارای تالیفات کثیره ب.د، از جمله التحرير و التنوير، شفاء القلب الجريح في شرح البردة، هدية الأريب وغيره. عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۹ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۲ ص ۵۴۱.

۴- محمد الطاهر بن محمد بن محمد بن عاشور التونسي (المتوفی: ۱۳۹۳هـ)، التحرير والتنوير، الناشر: الدار التونسية للنشر - تونس، سنة النشر: ۱۹۸۴ هـ، ج ۴ ص ۲۲.

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ...} (۱).

ترجمه: و مردم را بسوی حج خانه خدا فراخوان، پیاده و سواره بر هر شتر لاغر و در مانده از سفر بسوی تو می آیند، این شتر لاغر راه دور و دراز را طی نموده بدینجا می آید، تا فواید فراوان دینی و دنیوی شان را ببینند و به هنگام ذبح در ایام قربانی نام خداوند را ببرند بخاطر سپاسگذاری در برابر نعمت ها و چهارپایان که نصیب آنان گردانیده است همانند شتر، گاو و گوسفند.

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (مَنَافِعُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ أَمَّا مَنَافِعُ الْآخِرَةِ فَرِضْوَانُ اللَّهِ، وَأَمَّا مَنَافِعُ الدُّنْيَا فَمَا يُصِيبُونَ مِنْ مَنَافِعِ البُذْنِ وَالرَّبْحِ وَالتِّجَارَاتِ). (۲)

ترجمه: حج دارای منفعت دنیا و آخرت است، اما منفعت آخرت رضایت الله متعال است و اما منفعت دنیا آنچه که از منفعت های شتر، فایده و تجارت ها حاصل می گردد.

۲- حاجی وقتی که از حج بر می گردد، مثل آن است که از مادر نو تولد گردیده است، یعنی از گناه پاک می گردد، در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَجَّ بِاللَّهِ فَلَمْ يَرُفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ» (۳).

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنیدم که می فرمود: هر کس حج نماید و از مقاربت جنسی و مقدمات آن (در زمان حج)، پرهیز نماید و مرتکب معصیت نشود، چنان از گناه پاک می شود که گویی تازه از مادر، متولد شده است.

وجه استدلال از حدیث: بدرالدین عینی<sup>(۴)</sup> رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (هَذَا يَتَضَمَّنُ غَفْرَانَ الصَّغَائِرِ وَالْكِبَائِرِ وَالتَّبَعَاتِ، وَيُقَالُ: هَذَا فِيمَا يَتَعَلَّقُ بِحَقِّ اللَّهِ، لِأَنَّ مَظَالِمَ النَّاسِ تَحْتَاجُ إِلَى

۱- {الحج، آیه ۲۷ - ۲۸}.

۲- تفسیر القرآن العظيم = تفسیر ابن کثیر، ج ۵ ص ۴۱۴.

۳- صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۵۲۱. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۳۵۰.

۴- بدر الدین العینی، (۷۶۲ - ۸۵۵ هـ = ۱۳۶۱ - ۱۴۵۱ م)، محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد، أبو محمد، بدر الدین العینی الحنفی: مؤرخ، علامة و از کبار محدثین بود، اصلش از حلب بود و در عینتاب تولد گردید، مدتی را در قاهره قاضی بود، و در قاهره وفات نمود، از جمله تألیفات اش: عمدة القاري في شرح البخاري، معاني الأخبار في رجال معاني الآثار، العلم الهيب في شرح الكلم الطيب لابن تيمية، عقد الجمان في تاريخ أهل الزمان، تاريخ البدر في أوصاف أهل العصر، مباني الأخبار في شرح معاني الآثار، نخب الأفكار في تنقيح مباني الأخبار، البناية في شرح الهداية، رمز الحقائق شرح الكنز وغيره. الزركلي: الاعلام، ج ۷ ص ۱۶۳. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م، ج ۱ ص ۴۷۳.

### استرضاء الخُصوم<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: این حدیث بخشش کردن گناهان صغیره، کبیره و توابع آنها را تضمین می کند، و گفته شده است: این بخشش در مورد گناهانی است که حق الله به آن تعلق می گیرد، زیرا ظلم های که بالای مردم صورت گرفته است، نیاز به راضی ساختن آنها برده می شوند.

۳- الله متعال نزد ملائیکه از حجاج افتخار می کند، در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يُعْتَقَ اللهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَإِنَّهُ لَيَدْنُو ثُمَّ يُبَاهِي بِهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَيَقُولُ: مَا أَرَادَ هَؤُلَاءِ؟»<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عایشه - رضي الله عنها - روایت شده است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - فرمود: هیچ روزی به اندازه ی روز عرفه، خداوند متعال زنان و مردان را از آتش (عذاب خود) نجات نمی دهد و او [در آن روز با رحمتش بیشتر از روزهای دیگر به بندگانش] نزدیک می شود و به وسیله آن ها بر فرشتگان مباحات می کند و می فرماید: این بندگان چه می خواهند [تا به آن ها ببخشم]؟.

وجه استدلال از حدیث: ملا علی القاری رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (أَيُّ يُظْهِرُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَضْلَ الْحَجَّاجِ، وَشَرَفَهُمْ، وَالْمُبَاهَاةَ الْمُفَاخِرَةَ (فَيَقُولُ: مَا أَرَادَ هَؤُلَاءِ) أَيُّ: أَيُّ شَيْءٍ أَرَادَ هَؤُلَاءِ حَيْثُ تَرَكُوا أَهْلَهُمْ، وَأُوطَانَهُمْ، وَصَرَفُوا أَمْوَالَهُمْ، وَأَتَعَبُوا أَبْدَانَهُمْ، أَيُّ: مَا أَرَادُوا إِلَّا الْمَغْفِرَةَ، وَالرِّضَا، وَالْقُرْبَ، وَاللِّقَاءَ، وَمَنْ جَاءَ هَذَا الْبَابَ لَا يَخْشَى الرَّدَّ)<sup>(۳)</sup>

ترجمه: یعنی از این حدیث فضیلت و شرف حجاج بالای ملائیکه ظاهر می گردد و مباحات به معنای فخرها است، پس الله متعال می گوید: این بندگان چه می خواهند؟ یعنی چه چیز این بندگان می خواهند؟ در حالی که خانواده و وطن های شان را ترک کردند، اموال شان را مصرف کردند و بدن های شان را خسته کردند، یعنی آنها اراده ندارند، مگر بخشش، رضا، نزدیک شدن و لقای الله متعال را، و کسی که با این اراده و نیت می آید، ترس رد شدنی دعای شان را نداشته باشد.

۱- محمود بن أحمد بن موسی بن أحمد بن حسین، أبو محمد الغیتابی الحنفی بدر الدین العینی (المتوفی: ۸۵۵هـ)، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۱۰ ص ۱۵۹.

۲- صحیح مسلم، رقم الحدیث ۳۳۵۴.

۳- علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، الناشر: دار الفکر، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۲م، ج ۵ ص ۱۸۰۰.



۴- حج و عمره فقر و گناه را دور می کنند، در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ وَالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ، وَلَيْسَ لِلْحَجَّةِ الْمَبْرُورَةِ ثَوَابٌ إِلَّا الْجَنَّةُ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: حج و عمره را بدنبال هم و جدا از هم انجام دهید. بیگمان آنها فقر و گناهان را محو می سازند، همانگونه که کوره آهنگري زنگ آهن و طلا و نقره را می زداید و حج مقبول پاداشی ندارد مگر بهشت.

وجه استدلال از حدیث: در شرح این حدیث گفته شده است: (إِذَا اعْتَمَرْتُمْ فَحُجُّوا وَإِذَا حَجَجْتُمْ فَاعْتَمِرُوا (فَإِنَّهُمَا) أَيِ الْحَجِّ وَالْإِعْتِمَارِ (يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ) أَيِ يُزِيلَانِهِ وَهُوَ يَحْتَمِلُ الْفَقْرَ الظَّاهِرَ بِحُصُولِ غِنَى الْيَدِ وَالْفَقْرَ الْبَاطِنُ بِحُصُولِ غِنَى الْقَلْبِ (وَالذُّنُوبَ) أَيِ يَمْحُوْنَهَا...)<sup>(۲)</sup>

ترجمه: وقتی که شما عمره نمودید، پس حج کنید، و وقتی که شما حج نمودید، پس عمره نمایند، (براستی هردو) یعنی حج و عمره (فقر را نفی می کنند) یعنی هردو فقر را دور می کنند و این فقر، احتمال فقر ظاهر را با حاصل شدن غنماندی دست دارد و هم احتمال فقر باطن با حاصل شدن غنماندی قلب دارد (و هم گناهان را نفی می کنند) یعنی گناهان را محو می کنند.

۵- حج بهترین جهاد است، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: نَرَى الْجِهَادَ أَفْضَلَ الْعَمَلِ أَفْلاً نَجَاهُ؟ قَالَ: «لَا، لَكِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ حَجٌّ مَبْرُورٌ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از عائشه رضی الله عنها روایت شده که گفت: گفتیم: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم ما جهاد را بهترین اعمال می بینیم، پس آیا جهاد نکنیم؟ فرمود: لیکن بهترین جهاد، حج مقبول است. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که بهترین جهاد حج مقبول است.

خلاصه مشخص و معلوم گردید که حج فضایل زیاد دارد، که تعداد از این فضایل در این فرع تذکر رفتند.

۱- محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک، الترمذی، أبو عیسی (المتوفی: ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۵ هـ - ۱۹۷۵ م، رقم الحديث ۸۱۰. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: ۱۴۲۰هـ)، صحیح وضعیف سنن الترمذی، برنامج منظومة التحقیقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۸۱۰.

۲- محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم، أبو العلا المباركفوری (المتوفی: ۱۳۵۳هـ)، تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۳ ص ۴۵۴.

۳- صحیح البخاری، رقم الحديث ۱۰۲۰. صحیح مسلم، رقم الحديث ۱۳۵.

## فرع دوم: فضیلت عمره

در مورد فضیلت عمره احادیث زیادی وارد گردیده است، از جمله این احادیث:

۱- عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ، كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ، لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ، إِلَّا الْجَنَّةُ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از ابوهریره - رضي الله عنه - روایت است که رسول الله - صلى الله عليه وسلم - فرمود: يك عمره تا عمره دیگر، موجب بخشش و كفاره گناہانی می شود که میان آن دو عمره، انجام گرفته اند. و حج مقبول پاداشی جز بهشت ندارد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که از یک عمره تا عمره دیگر، موجب بخشش و كفاره گناہانی می شود که میان دو عمره، انجام گرفته اند و این بیان گر فضیلت و جایگاه عمره در اسلام است.

۲- عَنْ ابْنِ عُمَرَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الْغَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ، وَفَدُّ اللَّهِ، دَعَاهُمْ، فَأَجَابُوهُ، وَسَأَلُوهُ، فَأَعْطَاهُمْ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روایت است که پیامبر - صلى الله عليه وآله وسلم - فرمود: جهاده کننده در راه الله متعال، حج کننده و عمره کننده، مهمانان خداوند هستند، دعا نمایند، الله دعای شان را اجابت می کند، از الله متعال چیزی را بخواهند، الله متعال برای شان می دهد. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم دیده شد که مجاهد در راه الله، حجاج و عمره کنندگان، مهمانان خداوند متعال هستند، دعای شان مورد اجابت قرار می گیرند و اگر از او چیزی بخواهند، الله متعال برای شان اعطا می کند.

---

<sup>۱</sup> - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۸۸۸. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المنوفی: ۱۴۲۰هـ)، صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، برنامج منظومة التحقیقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۲۸۸۸.

<sup>۲</sup> - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۸۹۳. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث حسن است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۸۹۳.

## مبحث سوم

### مقاصد حج و عمره، حکمت های آنها، آثار و آداب آنها

این مبحث دارای مطالب ذیل است:

مطلب اول: مقاصد حج و عمره

مطلب دوم: حکمت های حج و عمره

مطلب سوم: آثار حج و عمره

مطلب چهارم: آداب حج و عمره

#### مطلب اول: مقاصد حج و عمره

حج هجرت بسوی الله متعال، استجابت از دعوتی او و موسم است که هر سال مسلمانان در آنجا همدیگر را ملاقات می کنند، بنابراین، هدف از عبادات اسلام و شعایر آن، خیر مسلمانان در دنیا و آخرت است، از همین جهت حج یک عبادتی است که مسلمانان را با خالق شان نزدیک می سازد، پس اهداف که دارد قرار ذیل است:

۱- حج یک تمرین عملی برای یک سفر طویل است

حج یک تمرین عملی و تصویر فعلی برای یک سفر طویل است، که برای هر انسان ضرورت است تا این تمرین عملی را تمام نموده و با استفاده از این تمرین، سفر بزرگتری که سفر و مراحل آخرت است، آمادگی بگیرد، بنابراین، وقتی که حاجی لباس احرام را می پوشد، آخرت به یادش می آید، زیرا حج با آخرت مشابهی زیاد دارد.<sup>(۱)</sup>

۲- حج بجا آوری اوامر الله و اجابت از ندای او است:

حج بجا آوری اوامر الله متعال و اجابت کردن از جهت تعالیم او است، که در آن طاعتی خالصه، بر حق بودن اسلام و صداقت الله متعال روشن و متجلی می گردد، الله متعال در مورد می فرماید: **{ وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى }**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: کسی که به اطاعت خداوند رو آورد، تابع فرمان او باشد و تنها خداوند را پرستش نماید، در حال

۱- عبد الله بن محمد بن أحمد، أبو محمد الطیار، الحج والعمرة، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ۲۰۰۵م، ص ۲.

۲- {لقمان، آیه ۲۲}.

که مؤمن و موحد باشد، به دستاویز محکم و استواری چنگ زده است.<sup>(۱)</sup>

۳- حج نمودن اقتدا به ابراهیم علیه السلام است

الله متعال ابراهیم خلیل علیه السلام را امر نمود، تا در بین مردم حج را اعلام نماید و الله متعال حج را بالای بنده هایش فرض نمود تا در حج اقتدا با اشخاص صالح گردیده و هم اقتدا گردد به کسی که الله متعال ما را دستور داده است تا با آنها اقتدا نمایم و آنها را الگوی نیکو برای مان قرار داده است، الله متعال در مورد می فرماید: ﴿ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (۴) رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۵) لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ (۲)﴾

ترجمه: ای مؤمنان! ابراهیم و همراهان مؤمن او الگوی خوبی برای شما اند، بدانگاه که به کافران گفتند: ما از شما و از بتان که جز خداوند پرستش می کنید، بیزار هستیم و آئین شمارا قبول نداریم، مگر از این سخن ابراهیم که برای پدر مشرک خود تقاضای آمرزش کرد، پیروی مکنید و او بخاطر آنکه انتظار مسلمان شدن پدرش را داشت، برای وی تقاضای آمرزش کرد، هنگامی که روشن شد او دشمن خدا است از وی اظهار بیزاری کرد: اگر بخدا شرک ورزی من نمی توانم عذاب او را از سر تو دفع سازم و جز استغفار کاری از من ساخته نیست، پروردگار! در همه امور به تو تکیه می کنیم و بسوی تو رجوع می نمایم و در روز آخرت بازگشت ما بسوی تو است. من از خداوند برایت طلب آمرزش می نمایم و پدرم را بیامرزد او از زمره گمراهان است. طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش بخاطر وعده بود که بدو داده بود، ولی هنگامی که دانست او دشمن خدا است از وی بیزاری جست. پروردگار! کافران را بر ما مسلط مگردان تا با شکنجه های طاقت فرسا ما را از دین مان برگردانند. گناهان ما را بیامرزد، الها! تو ذات مقتدر هستی و کسی که به درگاهت رجوع کند، خوار نمی گردد و تو حکیم هستی و کارهایت خیر و مصلحت است. ابراهیم و همراهان مؤمن او برای شما الگوی خوبی در بیزار جستن از کافران است، برای کسی که از پاداش خداوند امیدوار و از عذابش بیم دارد و کسی که از ایمان و اطاعت رحمان سرپیچی کند، خداوند از

۱- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۳ ص ۲۲۸.

۲- {الممتحنة، آیه ۴ - ۶}.

او و همراهانش و سایر مخلوقات بی نیاز است و او تعالی در ذات و صفاتش ستوده شده است.<sup>(۱)</sup>

۴- در حج ارتباط برقرار کردن با جای نزول وحی است

رفتن به حج، رفتن به دیار و سرزمین مقدس است، سرزمینی که جای نزول وحی و نزول شریعت است، هروقتی که مسلمان با این مکان پاکیزه ارتباط برقرار کند، در واقع با مؤمنان اول اقتدا نموده است، مؤمنانی که در راه الله متعال جهاد نموده اند و شریعت الهی را در سرزمین های مختلف رساندند.<sup>(۲)</sup>

۵- حج نوعی از سیاحت نیکو و محمود است

حج یک سیاحت شرعی و نوعی از رفتن در روی زمین است و الله متعال سیاحان را توصف و ستایش نموده است، طوری که الله متعال می فرماید: **{ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ }**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: توبه کنندگان از معاصی، مخلصان در عبادت، ستایش کنندگان الله در خوشی و ناخوشی، سیرکنندگان در زمین بخاطر جهاد، حج یا طلب علم، نماز گزاران، دعوتگران بسوی خدا که مردم را بسوی هدایت فرا می خوانند و از فساد و کار زشت باز می دارند و کسانی که به فرایض پابند اند، آنان را به بهشت جاویدان مژده بده.

۶- در حج اعلان عملی برای مبدأ مساوات و برابری میان مردم است، که مردم در میدان عرفات این مبدأ را به نمایش می گذارند.

۷- در حج به یاد آوری از روزی است که با الله متعال ملاقات می گردد، یعنی وقتی که حجاج خود را از لباس شان بیرون می کنند و در حالی احرام تلبیه می گویند و در میدان عرفات ایستاد می شوند و مردم دیده می شود که لباس شان یک است مثل لباس کفن، این حالت مردم را با یاد آوری از روزی که با الله متعال ملاقات می کنند، به یاد می آورند.

۸- در حج محکم کردن با مبدأ تعارف و تعاون است.

۹- در حج تجمع کردن برای مبدأ توحید است.

۱۰- حج رمز وحدت، یکپارچگی و اتفاق مسلمانان است.<sup>(۴)</sup>

۱- ترجمه فارسی صفة التفاسیر، ج ۴ ص ۲۰۶.

۲- الحج والعمرة، ص ۳.

۳- {التوبة، آیه ۱۱۲}.

۴- الحج والعمرة، ص ۳.

## مطلب دوم: حکمت های حج و عمره

حج و عمره دارای فلسفه و حکمت های اند، که تعداد از این حکمت ها قرار ذیل اند:

۱- فلسفه ی لباس سفید: اگرچه بعضی از مادی پرستان به لباس های ظاهری افتخار نموده و شخصیت خود را در پوشیدن لباسهای فاخر می دانند و خود را نسبت به دیگران برتریت می دهند، برای اینکه در هنگام ملاقات جهانی مسلمانان پوشیدن لباسهای مختلف مؤمنان را از حقیقت ها به سوی امور مادی مصروف نسازد، برای همه توصیه شده تا یک لباس سفید برتن کنند، تا هیچ کسی احساس کمی و یا برتری ننماید، و در قبر نیز با لباس سفید می روند و این یادهایی روز محشر و قبر، درحقیقت روح معنوی انسانرا از مادیت بیرون کشیده و بسوی ملکوت و معنویت رهسپار می سازد و بدین سان تمامی مسلمانان با یک لباس، بسوی یک هدف به حقیقت ها خود را نزدیک می سازند.<sup>(۱)</sup>

۲- فلسفه ی اخلاقی حج: یکی از احکام مهم قرآنی که دانستن آن بر مسلمانان جدا لازم است اینست که الله (جل جلاله) خطاب به مسلمانان می فرماید: {يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ}.<sup>(۲)</sup> ترجمه: ای مسلمانان: در دین مقدس اسلام بطور کامل داخل شوید و از گامهای شیطان پیروی نکنید.

مفهوم این آیت مبارکه است: انسان مسلمان کوشش نماید خود را مسلمان کامل بسازد و مسلمان کامل کسی است که تمام احکام الهی را بطور کامل درک نموده بدان عقیده نماید و برای عملکرد آن سعی و تلاش ورزد، دین مقدس اسلام دارای سه اساس مهم است: بخش عقیدی (فکر اسلامی)، بخش عملی و بخش اخلاقی. بخش اخلاقی اسلام عبارت از رابطه انسان را با خالق و مخلوق بر اساس آداب، حیا، طریق درست سخن گفتن، احترام متقابل و مراعات علاقمندی های دیگران میباشد. این اخلاق اسلامی اکثریت غیر مسلمانان را به دین مقدس اسلام کشاند، پیامبر (صلی الله علیه وسلم) و صحابه کرام (رضی الله عنهم) چنان اخلاق اسلامی را مراعات می نمودند که هزاران انسان غیر مسلمان شیفته اخلاق خوب آنان شده و بخاطر همین اخلاق پیامبر و صحابه، گرایش خویش را به دین مقدس اسلام اعلان نمودند، وقتی پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می گوید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ».<sup>(۳)</sup>

۱- الحج و العمره، ص ۲۲.

۲- البقرة، آیه ۲۰۸.

۳- أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، أبو عبد الله الشيباني (المتوفى: ۲۴۱هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۱ م، رقم الحديث ۸۹۴۲. سخاوي رحمه الله می گوید: این حدیث

ترجمه: من برای تمام نمودن مکرمترین بخش های اخلاق مبعوث شده ام.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث بدین معناست که حضرتش اعلان می دارد که درحقیقت وظیفه اش در این رسالت، دعوت به اخلاقیات است، زیرا هر عمل انسان که بدون اخلاق گردد آن عمل بی فایده و بی ارزش است.

۳- فلسفه یادی از ابراهیم خلیل (علیه السلام): فلسفه حج را می توان با نام ابراهیم و یادی از خاطره های وی آغاز نمود. ابراهیم که او را پدر پیامبران دانند، او را بانی کعبه، او را قربان کننده ی نخستین فرزندش دانست و در این عرصه تماماً معنا الگو است.

۴- فلسفه ی سعی میان صفا و مروه: تاریخ اسلام زنان قهرمانی داشته که برای رسیدن به حقایق همیشه درسنگرهای مبارزه بر ضد کفر و شرک خون خود را نثار نموده اند، سمیه نخستین شهید اسلام بر ضد ابوجهل قد علم نمود و خون خود را فدای اسلام نمود و زمانی هم خانم ابراهیم در صحرائ خشک مکه برای دریافت قطرات آب برای یگانه فرزند خویش که بعدها لقب ذبیح الله را قهرمانانه حاصل می کند، در میان صفا و مروه سیر و حرکت می کند، الله (جل جلاله) با این حرکت زن مومنه خواسته هایش را قبل از بلند نمودن دست دعا بر آورده می سازد، و در زیر قدمهای اسماعیل چشمه ی مقدسی فوران می کند که حجاج بیت الله شریف با سعی میان صفا و مروه شکاری های این زن قهرمان را تمثیل نموده، می خواهند خود را در قطار آنان محاسبه نمایند.

۵- فلسفه ی قربانی: همین قربانی درس فدا کاری است، که در حج صورت می گیرد.

۶- فلسفه ی نام گذاری بیت الله: کعبه مقدس ترین مکان برای مسلمانان است، سمبول توحید، بیت الله و قبله مسلمانان می باشد، ولی ساختمان کعبه را که ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنا کرده اند، ساختمان مادی آن از خاک و گل عادی می باشد و کعبه شریف با وجود اینکه خانه الله (جل جلاله) گفته می شود، ولی حقیقتاً الله (جل جلاله) از داشتن خانه پاک و منزله می باشد، این لقب برای کعبه فقط برای عظمت و احترام آن داده شده است، زیرا محل عبادت و طاعت و سمبول توحید و یکپارچگی امت اسلام می باشد، هیچ کسی کعبه را عبادت نمی کند و کعبه برای کسی نفع و ضرری رسانده نمی تواند.

۷- فلسفه طواف: زمانی مسلمانان به طواف بیت الله شریف میپردازند و مانند پروانه ها عاشقانه به اطراف کعبه میگردند، یک حقیقت عجیب برای انسان آشکار میگردد و آن اینکه، تصویر این گردش به اطراف

---

صحیح است. محمد بن عبد الرحمن بن محمد، شمس الدین أبو الخیر السخاوی (المتوفی: ۹۰۲ هـ)، المقاصد الحسنة فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهرة علی الألسنة، المحقق: محمد عثمان الخشت، الناشر: دار الكتاب العربي - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م، رقم الحدیث ۲۰۴.

کعبه، مانند گردش عقربه های ساعت است، که در طول ۲۴ ساعت یک لحظه توقف نمیکند و مانند ضربات قلب انسان خاموشی ندارد، به همان سان مومنان در اطراف خانه کعبه در طول ۲۴ ساعت در گردش و طواف اند و این کار برتریت اسلام را در عبادت الله (جل جلاله) یکتا ثابت میسازد، زیرا در تمامی ادیان عبادت ها در اوقات مخصوص بوده، ولی در دین مقدس اسلام عبادت هیچگاه قطع نمیگردد و طواف همیشگی کعبه دلیلی برین حقیقت است.<sup>(۱)</sup>

اینها برخی از دها فلسفه ی حج است، که تذکر رفتند.

### مطلب سوم: آثار حج و عمره

الله متعال بر بالای بنده هایش عبادات را فرض نموده است، تا طاعت و بندگی آنها را امتحان نموده و عبودیت و شکر آنها را ظاهر نماید و هم مصالح آنها را در دنیا و آخرت تحقق سازد، الله متعال در کتابش بخشی از این مصالح و منافع را اشاره نموده است، مثلاً در ذکر حج، الله متعال به منافع بزرگی آن اشاره نموده است: **{ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ... }**<sup>(۲)</sup>. ترجمه: تا فواید فراوان دینی و دنیوی شان را ببینند و به هنگام ذبح در ایام قربانی نام خداوند را ببرند بخاطر سپاسگذاری در برابر نعمت ها و چهارپایان که نصیب آنان گردانیده است همانند شتر، گاو و گوسفند.

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می گوید: (مَنَافِعُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ أَمَّا مَنَافِعُ الْآخِرَةِ فَرِضْوَانُ اللَّهِ، وَأَمَّا مَنَافِعُ الدُّنْيَا فَمَا يُصِيبُونَ مِنْ مَنَافِعِ البُذْنِ وَالرَّبْحِ وَالتَّجَارَاتِ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: حج دارای منفعت دنیا و آخرت است، اما منفعت آخرت رضایت الله متعال است و اما منفعت دنیا آنچه که از منفعت های شتر، فایده و تجارت ها حاصل می گردد.

برای وضاحت بیشتر از آثار حج و عمره، این موضوع را از دو طریق مورد بحث قرار می دهم:

اول: آثار حج و عمره در زندگی امت اسلامی

دوم: آثار حج و عمره در شخصی که این فریضه را انجام می دهد.

### اول: آثار حج و عمره در زندگی امت اسلامی

حج و عمره دارای آثار بزرگی بر اجتماع مسلمانان از قبیل عقیده، وحدت، اقتصاد و تمام حالات زندگی

۱ - عبدالظاهر داعی، فلسفه حج و عمره، سایت نوار اسلام، ص ۱۶ - ۱۷.

۲ - {الحج، آیه ۲۷ - ۲۸}.

۳ - تفسیر القرآن العظیم = تفسیر ابن کثیر، ج ۵ ص ۴۱۴.



دارد و مهمترین آثار شان در زندگی امت اسلامی، قرار ذیل اند:

۱- وصل نمودن حالت فعلی امت با گذشته گانش

از جمله آثار ظاهری حج و عمره آن است که حالت حاضر امت اسلامی را با حالت گذشته گان شان وصل می سازد و مردم این قرن را با قرن اول ارتباط می دهد.<sup>(۱)</sup>

۲- از بین بردن شعارهای تقلبی

یکی دیگر از آثار حج و عمره، از بین بردن برخی شعارهای تقلبی است، چنان شعارهای که مردم خود را حسب جنسیت شان، رنگ شان و جایگاه شان در دنیا، نسبت به دیگران احساس برتری و تفاضل می نمایند، پس حج و عمره این برتری و تفاضل را ذوب می نمایند و حتی از بین می برند، و جایگزین آنها مساوات را میان مسلمانان با وجود اختلاف در جنسیت، رنگ، زبان و شهرشان می گردانند، یعنی تمام انسان ها از آدم اند و آدم از خاک است: **{ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ }**.<sup>(۲)</sup>  
ترجمه: بی گمان گرامی ترین شما نزد الله باتقواترین شماست.

۳- توحید کلمه مسلمین

از دیگر آثار حج و عمره در حیات امت اسلامی، توحید سازی کلمه مسلمین است، بشکل که مسلمانان را زیری یک شعار جمع می کنند، که آن شعار تلبیه است، که همه حجاج و عمره کنندگان این کلمه را سر می دهند و هیچ نوع تفاوت در این قسمت وجود ندارد و این پیام و دستور الله متعال را زنده می کنند: **{ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا }**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و همگی به ریسمان خدا (قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

**دوم: آثار حج و عمره در شخصی که اداء می کند**

از جمله آثار حج و عمره در شخصی که اداء می کند، قرار ذیل اند:

۱- تجدید ذکر الله متعال

از جمله آثار حج و عمره در حیات مسلمانی که اداء می نماید، صله محبت میان او و خالقش قایم می گردد و این کار از طریق شعار حج صورت می گیرد، که با صدای رسا و بلند حجاج گفته می شوند: (لبيك اللهم

۱- الحج والعمرة، ص ۲۴.

۲- {الحجرات، آیه ۱۳}.

۳- {آل عمران، آیه ۱۰۳}.

لبیک)، پس با این کلمات، شخصی مسلمان ذکر الله متعال را در مواقع و محلات مختلف و متعدد تجدید می کند و هم این کلمات را بشکل خشوع و عاجزانه برای خالقش انجام می دهد.<sup>(۱)</sup>

۲- در ادای مناسک حج، به یاد مسلمان روزی آخرت می آید

حج ظاهر کننده روز حشر است، از همین جهت در نفس حجاج و عمره کنندگان شوق و علاقمندی لقای الله متعال ایجاد می گردند و این شوق و رغبت را با عمل صالح دفع می کنند و در کارهای خیر شتاب می نمایند و در مقابل از کارهای زشت و معصیت خود داری می نمایند و ذکر مرگ و مراحل که بعد از مرگ می آیند به یاد می آورند، به همین شکل آثار بزرگی در اخلاق و سلوک حجاج و عمره کنندگان بشکل روشن دیده می شود، که هر حاجی و عمره کننده همراهی نفس شان و همراهی دیگران این اخلاق و سلوک را مشاهده می نمایند.<sup>(۲)</sup>

۳- رسیدن به مقام رضایت و بخشش الله متعال

از آثار دیگری حج و عمره در حیات مسلمان آن است، که حجاج وقتی که بطرف شهر و منطقه شان بر می گردند، با اذن الله متعال از گناه پاک می گردند، زیرا حجاج بخاطر مغفرت و رضایت الله متعال شتافته اند، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمٍ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت شده که گفت: از رسول الله صلي الله عليه وسلم شنیدم که می فرمود: هر کس حج نماید و از مقاربت جنسی و مقدمات آن (در زمان حج)، پرهیز نماید و مرتکب معصیت نشود، چنان از گناه پاک می شود که گویی تازه از مادر، متولد شده است.

وجه استدلال از حدیث: بدرالدین عینی رحمه الله در شرح این حدیث می گوید: (هَذَا يَتَضَمَّنُ غَفْرَانَ الصَّغَائِرِ وَالْكِبَائِرِ وَالتَّبَعَاتِ، وَيُقَالُ: هَذَا فِيمَا يَتَعَلَّقُ بِحَقِّ اللَّهِ، لِأَنَّ مَظَالِمَ النَّاسِ تَحْتَاجُ إِلَى اسْتِرْضَاءِ الْخُصُومِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: این حدیث بخشش کردن گناهان صغیره، کبیره و توابع آنها را تضمین می کند، و گفته شده است: این بخشش در مورد گناهانی است که حق الله به آن تعلق می گیرد، زیرا ظلم های که بالای مردم صورت گرفته است، نیاز به راضی ساختن آنها برده می شوند.

۱- الحج والعمرة، ص ۲۵.

۲- الحج والعمرة، ص ۲۶.

۳- صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۲۱. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۳۵۰.

۴- عمدة القاري شرح صحيح البخاري، ج ۱۰ ص ۱۵۹.

#### ۴- حجاج در مناسک حج دروس فداکاری و ایثار را می آموزند.

از جمله آثاری حج بر شخص مسلمان که این فریضه را اداء می نماید، آن است که در حج دروس از خود گذری، ایثار و فداکاری را می آموزد، از همین جهت حج یک بخشی از جهاد است، که حجاج وطن، خانواده و دوستان شان را ترک می کنند، تلاش می نمایند تا نفس شان را اصلاح نمایند و در تلاش بجا آوری اوامر و دستورات الهی هستند و در مقابل از اعمال ناروا خودداری می نمایند و این نوعی از انواع جهاد با مال، جان، تلاش و وقت است.<sup>(۱)</sup>

#### مطلب چهارم: آداب حج و عمره

برای حج و عمره آداب وجود دارد، که این آداب به چهار بخش تقسیم می گردد: ۱- آداب آمادگی برای حج و عمره. ۲- آداب سفر برای حج و عمره. ۳- آداب ادای مناسک حج و عمره ۴- آداب برگشتن از حج و عمره، که تفصیل هر کدام از این آداب قرار ذیل اند:

#### ۱- آداب آمادگی برای حج و عمره

الف: شخصی که آمادگی برای حج می گیرد، در نخست مستحب است تا با شخصی که در امورات دین آگاه است، مشوره نماید و احکام و کیفیت حج را از او بیاموزد، از همین جهت امام نووی رحم الله می گوید: (وَهَذَا فَرَضٌ عَيْنِي، إِذْ لَا تَصِحُّ الْعِبَادَةُ مِمَّنْ لَا يَعْرِفُهَا...).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: آموزش احکام و کیفیت حج فرض عینی است، بخاطری که عبادت شخصی که عبادت را نمی شناسد، صحیح نیست.

بنابراین، مستحب است تا همایش کتاب واضح در مورد مناسک حج باشد، کتابی که جامع تمام مقاصد و موارد حج باشد و اینکه آن کتاب را مطالعه نماید و این مطالعه را ادامه دهد و بار بار آن را تکرار نماید، تا تمام مسایل حج برایش واضح و ثابت گردد و شخص که در این قسمت کم توجهی نماید، خوف آن برده می شود که بدون حج کردن بر گردد، از جهت عدم موجودیت شرطی از شرایط حج، یا رکن از ارکان آن و یا امثال آن، از همین جهت بسیاری وقت برخی از حجاج از برخی عوام مکه تقلید می کنند و گمان دارند که آنها مناسک حج را می فهمند، در حالی که آنها هم نمی فهمند.<sup>(۳)</sup>

۱- الحج والعمرة، ص ۲۶.

۲- یحیی بن شرف، أبو زکریا محیی الدین النوی (المتوفی: ۶۷۶هـ)، الإيضاح في مناسك الحج والعمرة، الناشر: دار البشائر الإسلامية، بيروت - المكتبة الأمدادية، مكة المكرمة، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴ م، ص ۳۷.

۳- الإيضاح في مناسك الحج والعمرة، ص ۳۷.

ب: وقتی که تصمیم بر حج نمودن کرد، مستحب است تا استخاره نماید، این استخاره بخاطر خود حج کردن نباشد، زیرا استخاره در انجام دادن طاعات درست نیست، بلکه برای اداء کردن آن در این سال باشد، در صورتی که حج نافله باشد، یا استخاره بخاطر رفتن همراهی این قافله و کاروان باشد.<sup>(۱)</sup>

ج: وقتی که تصمیم بر حج کردنش قاطع گردید، شروع به توبه از تمام گناهان و مکروهات نماید، از آزار دادن مردم خود را بیرون کند، قرض های خود را پرداخت نماید، ودیعت های مردم را برای شان مسترد کند، با کسانی که خصومت دارد آشتی نماید، وصیتش را نوشته کند و بر آن شاهد بگیرد، تا بازگشتش از حج شخصی را در امورات زندگی اش وکیل بگیرد و نفقه خانواده اش را تا برگشت از حج کامل نماید.<sup>(۲)</sup>  
د: اینکه تلاش نماید تا قبل از رفتن به حج، والدین خود را از خود راضی نماید و هم از خود راضی نماید کسانی را که بالایش حق و حقوق دارد، از قبیل زن و غیره، بنابراین، برای شوهر مستحب است تا همراهی زوجه اش حج نماید.<sup>(۳)</sup>

## ۲- آداب سفر کردن برای حج

مهمترین آداب سفر کردن برای حج قرار ذیل اند:

الف: مستحب است که با خانواده، همسایه ها و دوستان خود خدا حافظی نماید، و با کسی که وداع می کند، چنین بگوید: «أَسْتَوِدِعُكَ اللَّهُ الَّذِي لَا تَضِيْعُ وَدَائِعُهُ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: شما را به خدایی می سپارم که نزد او هیچ امانت و سپرده ای، ضایع نمی شود.

ب: به همین شکل قبل از بیرون شدن از خانه اش دو رکعت نماز بخواند، بهتر است تا در رکعت اول، سوره کافرون و در رکعت دوم سوره اخلاص را بخواند.<sup>(۵)</sup>

## ۳- آداب ادای مناسک حج

الف: خود را آراسته با اخلاق نیکو بسازد، به همین شکل صبر و بردوباری را پیشه خود سازد، زیرا انسان در ادای مناسک حج مشکلات و سختی هارا می بیند.

ب: در ادای مناسک حج خشوع و حضور قلب را لازم بگیرد و زیاد ذکر، دعا و تلاوت قرآن نماید و هم

۱- همان، ص ۱۲.

۲- همان، ص ۲۳ - ۲۴.

۳- رد المختار علی الدرالمختار، ج ۲ ص ۱۹۱.

۴- سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۲۵. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۲۵.

۵- الإيضاح في مناسك الحج والعمرة، ص ۴۴.

بر اذکار مناسک حج محافظت و پابندی نماید.

ج: بر ادای احکام حج بشکل کامل حریص باشد و هیچ چیزی از سنت های آنرا صایع نکند، مگر در صورتی که برایش عذر شرعی پیش می شود.<sup>(۱)</sup>

#### ۴- آداب برگشتن از حج

از جمله آداب برگشتن از حج، قرار ذیل اند:

الف: آداب عمومی سفر را در رفتن و آمدن مراعات نماید، مثل خبر دادن خانواده وقتی که به شهر خود نزدیک گردید و اینکه شب به خانه اش بر نگردد و اینکه شروع به خواندن دو رکعت نماز در مسجد نماید وقتی که به خانه اش رسید.

ب: مستحب است برای کسی که با حاجی ملاقات می کند، اینکه از او طلب نماید تا برایش از پروردگار مغفرت نماید، به همین شکل مستحب که برای حاجی دعا نماید، به همین شکل حاجی باید برای کسانی که به دیدنش می آیند، دعا و استغفار نماید.

ج: بعد از برگشت از حج، حاجی باید از حالت قبلی اش کرده بهتر باشد، یعنی در تقوا، طاعت و عبادت تلاش بیشتر به خرج دهد، پس این از علامات قبولی حج است.<sup>(۲)</sup>

---

۱- الإيضاح في مناسك الحج والعمرة، ص ۲۱۱.

۲- همان، ص ۵۶۴ - ۵۶۵.

## فصل دوم

ارکان، شرایط، واجبات حج و مواقیت حج و عمره در فقه اسلامی

این فصل دارای دو مبحث است:

مبحث اول: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

مبحث دوم: احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

## مبحث اول

### احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: ارکان حج

مطلب دوم: شرایط فرضیت حج در فقه اسلامی

مطلب سوم: شرایط صحت حج در فقه اسلامی

مطلب چهارم: واجبات حج

مطلب پنجم: مواقبت حج و عمره

### مطلب اول: ارکان حج

احناف ارکان حج را وقوف به عرفه و طواف زیارت می دانند.<sup>(۱)</sup> جمهور فقهاء اسلامی شامل مالکی ها و حنبلی ها، ارکان حج را عبارت از احرام، وقوف به عرفات، طواف زیارت و سعی بین صفا و مروه می دانند.<sup>(۲)</sup> اما فقهاء شافعی ارکان حج را عبارت از احرام، وقوف به عرفات، طواف زیارت، سعی بین صفا و مروه، تراشیدن و یا قصر، و ترتیب میان ارکان حج می دانند.<sup>(۳)</sup> تفصیل هرکدام از این ارکان و معرفی آنها، در فصل سوم این تحقیق بحث می گردد.

### مطلب دوم: شرایط فرضیت حج در فقه اسلامی

منظور از شرایط فرضیت حج صفاتی اند که بالای انسان واجب است تا آنها را پوره و تکمیل نماید تا حج او قابل قبول گردیده و فرضیت از او ساقط گردد، بنابراین، در صورت که یکی از این شرایط مفقود گردد، حج بالای انسان واجب نمی گردد و این شرایط عبارت اند از اسلام، عقل، بلوغ، حریت (آزادی) و

۱ - رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۵۰.

۲ - عبد الباقي بن يوسف بن أحمد الزرقاني المصري (المتوفى: ۱۰۹۹هـ)، شرح الزرقاني علی مختصر خليل، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۲ م، ج ۲ ص ۲۸۱. أبو الحسن، علي بن أحمد بن مكرم الصعدي العدوي (نسبة إلى بني عدي، بالقرب من منفوط) (المتوفى: ۱۱۸۹هـ)، حاشية العدوي علی شرح كفاية الطالب الرباني، المحقق: يوسف الشيخ محمد البقاعي، الناشر: دار الفكر - بيروت، ۱۴۱۴ هـ - ۱۹۹۴ م، ج ۱ ص ۴۷۹. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۹. المغني، ج ۳ ص ۴۴۱.

۳ - مغني المحتاج، ج ۱ ص ۵۰۳.

استطاعت، این شرایط پنج گانه نزد علماء اسلامی مورد اتفاق است، طوری که ابن قدامه رحمه الله می گوید: (لَا نَعْلَمُ فِي هَذَا كَلِّهِ اخْتِلَافًا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: در تمام این شرایط اختلاف نمی بینیم.

### شرط اول: اسلام

اولین شرط فرضیت حج اسلام است، بنابراین، اگر شخص کافر حج نماید، سپس اسلام بیآورد، حج از او ساقط نگردیده، بلکه بالایش واجب است تا دوباره حج نماید، زیرا حج عبادت است، بلکه از بزرگترین عبادات است و کافر از اهل عبادت نیست، و در صورت که اسلام آورد در حالی که فقیر و تنگدست است بعد از اینکه در حالت کفر استطاعت داشت، این استطاعت کدام تأثیر ندارد، از همین جهت ابن نجیم<sup>(۲)</sup> رحمه الله می نویسد: (فَلَا يَفْعُ حَجُّ الْكَافِرِ عَنِ الْفَرْضِ وَلَا عَنِ النَّفْلِ إِذَا أَسْلَمَ وَلَا الْمُسْلِمِ إِذَا ارْتَدَّ بَعْدَ الْحَجِّ وَإِنْ تَابَ وَلَا الْمَجْنُونِ وَالصَّبِيِّ... فَهَوْلَاءِ لَوْ حَجُّوا وَلَوْ بَعْدَ الْإِسْتِطَاعَةِ لَا يَسْفُطُ عَنْهُمْ الْفَرْضُ وَيَجِبُ عَلَيْهِمْ تَأْنِيًا إِذَا اسْتِطَاعُوا).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: حج کافر واقع نمی گردد، نه از فرضش و نه از نفل، نه از مسلمان واقع می گردد وقت که بعد از حج مرتد گردد، نه حج مجنون و کودک واقع می گردند، پس اگر این گروه حج نمایند، ولو که بعد از استطاعت هم باشد، حج فرضی از آنها ساقط نمی گردد و بالای شان واجب است در صورت که استطاعت پیدا می کنند، دوباره حج نمایند.

### شرط دوم: عقل

دومین شرط فرضیت حج عقل است، زیرا عقل برای مکلفیت شخص شرط است و مجنون (دیوانه) مکلف به انجام فرایض دین نیست، بلکه به اجماع امت اسلامی عبادت او صحیح نیست، زیرا از اهل عبادت نیست، بنابراین، اگر مجنون حج نماید، حج او صحیح نیست، تا وقت که از مرض جنون شفا یافته و جنون از او زایل گردد.<sup>(۴)</sup>

۱ - المغنی، ج ۳ ص ۲۱۸.

۲ - ابن نجیم مصری: (۹۷۰ هـ = ۱۵۶۳ م)، زین الدین بن ابراهیم بن محمد، مشهور به ابن نجیم: فقیه حنفی، از علماء و فقهای مصر، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الأشباه والنظائر، البحر الرائق فی شرح کنز الدقائق، الرسائل الزینیه، الفتاوی الزینیه و غیره می باشد. تقي الدين بن عبد القادر التميمي الداري الغزي (المتوفى: ۱۰۱۰ هـ)، الطبقات السنية في تراجم الحنفية، الكتاب مرقم ألبا غير موافق للمطبوع وهو ضمن خدمة التراجم، ص ۲۸۹.

۳ - زین الدین بن ابراهیم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ۹۷۰ هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، بيروت، الطبعة: الثانية، ج ۲ ص ۳۳۱.

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۰. المغنی، ج ۳ ص ۲۱۸.



در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ تَعَالَى عَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ وَعَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يَكْبُرَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ أَوْ يُفِيقَ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می گوید: پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم فرمود: قلم (تکلیف) از سه گروه برداشته شده است: از فرد خوابیده تا بیدار شود، و از بچه تا بزرگ (و بالغ) گردد، و از دیوانه تا عاقل شود، یا به هوش آید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که شخص مجنون تا وقت که عاقل نشود و یا به هوش نیاید، مکلف به عبادت نیست.

### شرط سوم: بلوغ

سومین شرط فرضیت حج بلوغ است، زیرا کودک مکلف به عبادت نیست، ولی اگر انجام دهند نفل محسوب می گردد، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَقِيَ رَجُلًا بِالرُّوحَاءِ، فَقَالَ: «مَنْ الْقَوْمُ؟» قَالُوا: الْمُسْلِمُونَ، فَقَالُوا: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: «رَسُولُ اللهِ»، فَزَعَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةٌ صَبِيًّا، فَقَالَتْ: أَلِهَذَا حَجٌّ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَلَكِ أَجْرٌ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم چند سواری را در روحاء (اسم جایی است نزدیک مدینه) ملاقات نموده فرمودند: از کدام گروه اند؟ گفتند: مسلمانیم. آنان گفتند: تو کی هستی؟ فرمود: رسول الله! بعداً زنی کودکی را بسوی آنحضرت صلی الله علیه وسلم بلند کرده گفت: آیا بر این حج است؟ فرمود: بلی. و برای تو پاداش داده می شود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص و واضح گردید که کودک حج کرده می تواند، ولی حج او نفل محسوب می گردد، پس وقت که کودک بالغ گردید، با اتفاق فقهاء اسلامی بالای او حج فرضی واجب می گردد، زیرا حج را در وقتی انجام داده است که بالایش واجب نگردیده بود، بنابراین، از حج فرض او بعد از بلوغ کفایت نمی کند، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «إِذَا حَجَّ الصَّبِيُّ فَهِيَ لَهُ حَجَّةٌ حَتَّى يَعْقِلَ، فَإِذَا عَقَلَ فَعَلَيْهِ حَجَّةٌ أُخْرَى...».<sup>(۳)</sup>

۱ - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۰۴۱. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۰۴۱.

۲ - صحیح مسلم، رقم الحديث ۱۳۳۶.

۳ - أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: ۴۰۵هـ)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱ - ۱۹۹۰م، رقم الحديث ۱۷۶۹. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، أبو عبد الرحمن الأشقودري الألباني (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح الجامع الصغیر وزياداته، الناشر: المكتب الإسلامي، بیروت، رقم الحديث ۴۸۵.

ترجمه: از ابن عباس رضي الله عنهما روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: وقتی که کودک حج نمود، پس این حج برایش تا وقتی که عاقل شود درست است، پس وقتی که عاقل شد، بالایش حج دیگر است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که شخص کودک وقتی که در دوران کودکی حج می کند، سپس عاقل می گردد، بالایش حج فرضی است که باید اداء کند و حج که در دوران کودکی انجام داده است، کفایت نمی کند.

#### شرط چهارم: حریت

غلام و کنیز مال اند و بالای شان حج واجب نیست، زیرا آنها در خدمت مولای شان مصروف اند، همچنان در حج استطاعت شرط است و این استطاعت حاصل نمی گردد مگر با زاد و راحله، ولی غلام و کنیز ملکیت چیزی از زاد و راحله را ندارند، بنابراین، اگر غلام و کنیز با اجازه مولای شان هم حج کنند، حج شان صحیح است و این حج نفل محسوب می گردد و حج فرضی از آنها ساقط نمی گردد، و بر بالای شان واجب است که حج فرضی را اداء نمایند، در صورت که آزاد شدند.<sup>(۱)</sup>

#### شرط پنجم: استطاعت

پنجمین شرط برای فرضیت حج، استطاعت و توانایی است.

استطاعت در لغت: به معنای توان و پیدا کردن قدرت بر انجام یک چیز را گفته می شود، طور که ابن منظور افریقی رحمه الله می نویسد: (الاستطاعةُ القدرةُ على الشيء).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: استطاعت عبارت از قدرت و پیدا کردن توانایی بر انجام دادن یک چیز است.

استطاعت در اصطلاح: فقهاء اسلامی استطاعت را چنین تعریف نموده اند: (ملائمة البدن وملك الزاد والراحلة)<sup>(۳)</sup>.<sup>(۴)</sup>

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۱.

۲ - لسان العرب، ج ۴ ص ۲۷۲۱.

۳ - مفهوم زاد و راحله: مراد از زاد: اینکه حاجی ملکیت مالی را داشته باشد، که نفقه و ضروریات سفر را از وقت رفتن تا دوباره برگشتن را تأمین کرده بتواند. مراد از راحله: اینکه حاجی ملکیت وسیله منتقله حج را دارا باشد و یا به اجاره گرفته بتواند. عبد الرحمن بن محمد بن سلیمان المدعو بشیخی زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: ۱۰۷۸هـ)، مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بیروت، ج ۱ ص ۲۶۱.

۴ - محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر بن مازة، أبو المعالي برهان الدين البخاري الحنفي (المتوفى: ۶۱۶هـ)، المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه، المحقق: عبد الكريم سامي الجندي، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۴ م، ج ۲ ص ۴۱۷. مجمع الأنهر فی شرح ملتقى الأبحر، ج ۱ ص ۲۶۱.

ترجمه: استطاعت عبارت از صحت بدن و ملکیت توشه و سواری را داشتن است.

بنابراین، حج واجب نمی گردد در صورت که خصلت استطاعت کامل نگردد، زیرا قرآن کریم خطاب را با این صفت خاص کرده است، طوری که می فرماید: **{وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است.

و خصلت استطاعت که برای فرضیت حج شرط گردانیده شده است، دو قسم است: ۱- شرایط عامه برای مردان و زنان. ۲- شرایط که خاص برای زنان است.<sup>(۲)</sup>

### قسم اول: شرایط عامه برای مردان و زنان:

شرایط عامه استطاعت چهار اند:

۱- داشتن توشه، وسیله سواری و ایاب و ذهاب: توشه و آذوقه آنقدر داشته باشد که برای تندرستی خود، نفقه خانواده و افراد تحت تکلف وی کافی باشد و مازاد بر حوائج اصلی و ضروری او باشد از قبیل مسکن، لباس، وسیله رفت و برگشت و وسیله کسب و کار، تا اینکه این فریضه را انجام می دهد و برمی گردد.<sup>(۳)</sup>

۲- صحت بدن از امراض و آفات که از حج کردن مانع می گردد، برای فرضیت حج شرط است، پس اگر سایر شرایط فرضیت حج در شخص موجود گردید، ولی این شخص مرض مزمن دارد، یا مصاب به مرض دوام دار است، یا فلج است، یا موسفید شده است که به تنهای بر بالای وسیله منتقله و سواری نشسته نمی تواند، در این صورت بالای این شخص حج فرض نیست که به تنهای خود اداء نماید.<sup>(۴)</sup>

گرچند در عصر امروزی سهولتهای بوجود آمده است، در صورت که حاجی از این سهولتها استفاده نماید، ولو که مریض هم باشد، حج کرده می تواند، مثل وسائل جدیدی که حاجی در داخل آنها نشسته و تمام اعمال حج را توسط شان انجام می دهد و مشکلات حاجی را در این قسمت حل می گرداند، ولی باید گفت تا زمانی که مرض در وجود حاجی باشد، حج بالایش فرض نمی گردد، ولی اگر با استفاده از این وسائل حج نماید، حج او صحیح می گردد.<sup>(۵)</sup>

۱- {آل عمران، آیه ۹۷}.

۲- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۱.

۳- الهدایة فی شرح بدایة المبتدی، ج ۲ ص ۱۷۲.

۴- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۲۵ حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۲ ص ۶.

۵- عبد الله بن محمد بن أحمد، أبو محمد الطیار، الحج والعمرة، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ۱ ص ۱۹.

در صورت که شرایط حج همراهی صحت بدن در شخص موجود گردید، ولی این شخص از انجام آن تاخیر کرد، سپس به مرض دوام دار و همیشگی مصاب گردید که او را از انجام حج ممانعت می نمود و امیدی زوال و دور شدن مرض وجود نداشت، در این صورت حج بالایش فرض است و بر بالایش فرض است که شخص دیگری را به جای خود روان نماید تا به نیابت از او حج نماید، ولی در صورت که امید زوال و دور شدن مرض وجود داشت، در این صورت نیابت درست نیست، بلکه بر بالای شخص فرض است تا بعد از دور شدن مرض حج نماید.<sup>(۱)</sup>

۳- امنیت راه: که شامل امنیت نفس و مال می گردد و این امنیت وقت برآمدن و خروج مردم برای حج است، زیرا استطاعت و توانایی بدون امنیت راه ثابت نمی گردد.<sup>(۲)</sup>

۴- امکان رفتن به حج: وقتی که شرایط حج بر شخص مکلف تکمیل گردد، وقت گنجایش داشته باشد تا امکان رفتن برای حج مساعد گردد، یعنی ماهای حج که شوال، ذی القعدة و ده روز اول ذی الحجه است، موجود باشد.<sup>(۳)</sup>

### قسم دوم: شرایط خاصه برای زنان

شرایط که خاص مربوط زنان می گردد، دو شرط است، اول: به همرايش در سفر حج باید شوهرش باشد. دوم: یا همرايش در سفر حج، محرمش باشد، طور که کاسانی رحمه الله می نویسد: (الَّذِي يَخُصُّ النِّسَاءَ فَشَرَطَانِ: أَحَدُهُمَا أَنْ يَكُونَ مَعَهَا زَوْجُهَا أَوْ مَحْرَمٌ لَهَا فَإِنْ لَمْ يُوجَدْ أَحَدُهُمَا لَا يَجِبُ عَلَيْهَا الْحَجُّ).<sup>(۴)</sup> ترجمه: شرط که خاص مربوط زنان است، دو شرط است، یکی از آنها، اینکه همراه زن شوهرش باشد، دوم: یا همراه زن محرمش باشد، در صورت که یکی از این دو شرط موجود نگردد، بالای زن حج واجب نمی گردد.

### مطلب سوم: شرایط صحت در فقه اسلامی

منظور از شرایط صحت حج اموری اند که صحت حج بر آنها متوقف است، ولی در داخل حج نیست، پس اگر یکی از این شرایط موجود نباشد، حج باطل است، این شرایط قرار ذیل اند:

#### شرط اول: اسلام است

اولین شرط برای صحت حج، اسلام است، زیرا کافر اهلیت عبادت را ندارد و عبادتش درست نمی باشد،

۱ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۲۵ حاشیة الدسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۲ ص ۶.

۲ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۳.

۳ - رد المحتار علی الدرالمختار، ج ۲ ص ۲۰۰.

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۳.

بنابراین، حج کافر صحیح نیست، نه بشکل اصلی و نه هم بشکل نیابتی، پس اگر کافر حج نمود یا به نیابت از او کسی دیگر حج نمود، سپس اسلام آورد، بالایش فرض است تا در صورت تکمیل شرایط، حج را دوباره انجام دهد.<sup>(۱)</sup>

### شرط دوم: عقل است

دومین شرط برای صحت حج عقل است، زیرا مجنون و دیوانه اهلیت عبادت را ندارد و هم به نیابت از او درست نیست، پس اگر مجنون حج نمود، حج او صحیح نیست و در صورت که صحت مند شد، بالایش فرض است تا دوباره حج نماید، ولی صحیح است که به نیابت از مجنون، ولی او حج نماید و حج او نفل واقع می گردد.<sup>(۲)</sup>

### شرط سوم: میقات زمانی است

الله متعال برای حج یک زمانی را ذکر نموده است، که ادای حج در غیر از آن زمان درست نیست، طوری که می فرماید: **{الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: اعمال حج تنها در ماههای معینی صورت می گیرد.

امام طبری<sup>(۴)</sup> و ابن کثیر<sup>(۵)</sup> رحمهما الله در تفسیر این آیه **{الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ}** می گویند: عبدالله بن عمر، جمهور صحابه و تابعین می گویند: ماههای حج عبارت از شوال، ذوالقعدة و ده اول ذی الحجه می باشد.<sup>(۶)</sup>

### شرط چهارم: میقات مکانی است

در حج اماکن وجود دارد که شارع آنها را برای ادای ارکان حج معین نموده است، که در غیر از آن اماکن

۱ - خلیل بن إسحاق بن موسی، ضیاء الدین الجندي المالکي المصري (المتوفى: ۷۷۶هـ)، مختصر العلامة خلیل، المحقق: أحمد جاد، الناشر: دار الحديث/القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۶هـ/۲۰۰۵م، ج ۱ ص ۱۳۲.

۲ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۳.

۳ - {البقرة، آیه ۱۹۷}.

۴ - امام طبری: محمد بن جریر بن یزید بن کثیر، أملي، طبري، أبو جعفر، یکی از بزرگترین و مشهورترین مفسر قرآن است، در بغداد وفات یافته است، از جمله تالیفات او: تاریخ الأمم والملوک، جامع البیان فی تأویل القرآن، الجامع، الغرائب، التنزیل، العدد و غیره می باشد. محمد بن علی بن أحمد، شمس الدین الداوودي المالکي (المتوفى: ۹۴۵هـ)، طبقات المفسرين للداوودي، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۲ ص ۱۱۲-۱۱۵.

۵ - ابن کثیر: إسماعیل بن عمر بن کثیر بن ضوء بن کثیر بن درع، قرشي، أموي، بصروي، شافعی، شیخ عماد الدین، معروف به ابن کثیر صاحب تفسیر القرآن العظیم وتاریخ البدایه والنهایه می باشد، در سال ۷۰۱هـ متولد گردید و در سال ۷۷۴هـ در دمشق وفات یافت. طبقات الشافعیة - لابن قاضی شهبة، ج ۳ ص ۸۵.

۶ - محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ۳۱۰هـ)، جامع البیان فی تأویل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاکر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰هـ - ۲۰۰۰م، ج ۴ ص ۱۲۰ - ۱۲۱. أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴هـ)، تفسیر القرآن العظیم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، ج ۱ ص ۲۳۶.

حج صحیح نمی گردد، پس مکان وقوف به عرفه، زمین عرفه است، مکان طواف کعبه اطراف کعبه است، مکان سعی مسافه بین صفا و مروه است.<sup>(۱)</sup>

### مطلب چهارم: واجبات حج

منظور از واجبات حج، همان اعمال هستند که فعل و انجام دادن آنها مطالبه شده است و ترک آنها حرام است، ولی صحت حج بر آنها متوقف نیست، ترک کننده آنها گناهکار است، مگر در صورتی که از جهت عذر که شریعت اعتبار داده است ترک کردند و بر بالای حاجی در صورتی که ترک شوند، از جهت جبران آنها فدیة لازم می گردد.<sup>(۲)</sup>

واجبات حج دو قسم است:

قسم اول: واجبات اصلی، که تابع غیر نیستند.

قسم دوم: واجبات تبعی، که تابع غیر هستند و این واجبات اموری اند که مراعات کردن شان در اداء رکن یا واجب از اعمال حج، واجب است.<sup>(۳)</sup>

اول: واجبات اصلی حج عبارت از گذراندن شب در مزدلفه، رمی جمرات، حلق یا قصر، گذراندن شب های عید در منا و طواف وداع می باشند.<sup>(۴)</sup>

دوم: واجبات تبعی حج، که تابع غیر هستند، که در ضمن رکن از ارکان حج و یا در ضمن واجبات اصلی انجام می گردند، قرار ذیل اند:

الف: واجبات احرام:

۱- احرام باید از میقات مکانی صورت گیرد، نه بعد از آن.

۲- تلبیه.

۳- پرهیز کردن از ممنوعات احرام.<sup>(۵)</sup>

ب: واجبات وقوف به عرفه:

۱- طولانی و امتداد ساختن وقوف است تا بعد از غروب آفتاب.<sup>(۶)</sup>

۱- رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۶. المغنی، ج ۳ ص ۲۹۵.

۲- رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۴۴. المسلك المتقسط ص ۵۱،

۳- الفروع، ج ۳ ص ۵۱۰.

۴- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۹.

۵- مواهب الجلیل، ج ۳ ص ۹. المغنی، ج ۳ ص ۳۰۷.

۶- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۶۷. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۲. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۶. المغنی، ج ۳ ص ۴۱۴.

ج: واجبات طواف:

- ۱- سه گردش آخر در طواف واجب است.
- ۲- طهارت از بی وضوی و نجاست ها.
- ۳- ستر عورت.
- ۴- شروع طواف از حجر الاسود.
- ۵- طواف از طرف راست بیت الله.
- ۶- داخل ساختن «حطیم» در ضمن طواف.
- ۷- پیاده طواف کردن برای شخص که قدرت آن را دارد نزد احناف واجب است، اما نزد جمهور فقهاء سنت است.
- ۸- دو رکعت نماز در طواف نزد احناف واجب است، اما نزد دیگران سنت است.
- ۹- انجام طواف زیارت در روزهای عید نزد احناف واجب است، اما نزد جمهور سنت است.<sup>(۱)</sup>

د: واجبات سعی بین صفا و مروه

- ۱- پیاده رفتن در صورت قدرت و توانایی، نزد احناف و مالکی ها واجب است، اما نزد شافعی ها و حنبلی ها سنت است.<sup>(۲)</sup>
- ۲- تکمیل نمودن سه گردش آخر نزد احناف واجب است، اما نزد جمهور فقهاء تمام گردش هفتگانه رکن حج است.<sup>(۳)</sup>

ه: واجب وقوف به مزدلفه:

احناف جمع کردن نماز مغرب و خفتن را بشکل تاخیر در مزدلفه واجب می دانند، اما جمهور آن را سنت می دانند.<sup>(۴)</sup>

و: واجب رمی:

عدم تاخیر رمی برای روز بعد نزد احناف واجب است و تا مغرب نزد مالکی ها.<sup>(۵)</sup>

---

۱- الفتاوی الهندیة، ج ۱ ص ۲۲۲-۲۲۵. کشف القناع، ج ۲ ص ۴۷۷-۴۷۸. المغنی، ج ۳ ص ۳۷۲-۳۷۳.

۲- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱ ص ۱۳۴. عبد الوهاب بن علی بن نصر الثعلبی أبو محمد البغدادي المالکی (المتوفی: ۴۲۲ هـ)، شرح الرسالة، الناشر: دار ابن حزم، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ج ۱ ص ۴۷۲. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۵. المغنی، ج ۳ ص ۳۹۶.

۳- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۱ ص ۱۳۴. شرح الرسالة، ج ۱ ص ۴۷۲. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۵. المغنی، ج ۳ ص ۳۹۶.

۴- رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۱۷۶-۱۷۹. القوانین الفقهیة، ص ۱۳۲. روضة الطالبین، ج ۳ ص ۹۸. ( المغنی، ج ۳ ص ۴۱۹.

۵- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۷. حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، ج ۲ ص ۴۸.

ز: واجبات ذبح هدی

۱- ذبح در روزهای عید قربان صورت گیرد.

۲- ذبح در حرم شریف صورت گیرد.<sup>(۱)</sup>

ح: واجبات حلق و قصر

۱- نزد احناف و مالکی ها واجب است تا حلق و یا قصر در روزهای عید صورت گیرد.

۲- نزد احناف واجب است تا حلق و یا قصر در حرم شریف صورت گیرد.<sup>(۲)</sup>

### مطلب پنجم: مواقیت حج و عمره

در این مطلب مواقیت ثابت زمانی و مکانی حج و عمره بحث می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

مواقیت در لغت جمع میقات است و لفظ میقات مصدر میمی است و بر زمان و مکان اطلاق می گردد.<sup>(۳)</sup>

پس میقات و موقوت به یک معنا است و آن عبارت از چیزی که به یک زمان و مکان محدود شده است.<sup>(۴)</sup>

از مثال های میقات برای زمان، این قول الله متعال است: **{إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا}**.<sup>(۵)</sup>

ترجمه: همانا نماز بر مومنان فرضی است که باید در اوقاتی معین خوانده شود.

همچنان از جمله استعمال میقات برای مکان، در حدیث شریف آمده است: **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «إِنَّ النَّبِيَّ**

**صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَّتْ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ، وَلِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنَ الْمَنَازِلِ، وَلِأَهْلِ**

**الْيَمَنِ يَلْمَمَ...»**.<sup>(۶)</sup>

ترجمه: ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم «ذوالحلیفه»<sup>(۷)</sup> را برای اهالی

۱ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۲۳. حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۲ ص ۸۶ - ۸۸. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۵۱۶ - ۵۳۰. کشف الفیاح، ج ۳

ص ۹ - ۱۰.

۲ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۷۸ - ۱۷۹. حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، ج ۲ ص ۴۶۰.

۳ - معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ص ۱۳۶.

۴ - المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲ ص ۶۶۷.

۵ - {النساء، آیه ۱۰۳}.

۶ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۲۴. صحیح مسلم، ۱۱۸۱.

۷ - ذوالحلیفه: مکانی است در مدینه ی منوره که در ۱۳ کیلومتری مسجد پیامبر صلی الله علیه و سلم واقع شده است و به آبار علی نیز معروف می

باشد. و خود کلمه ی ذُو الْحُلَيْفَةِ یعنی مکانی که دارای حلیفه است، حلیفه نیز مصغر حلفاء گیاهی است که در آن منطقه به مقدار زیادی رشد می کند.



مدینه، «جحفه»<sup>(۱)</sup> را برای اهالی شام، «قرن المنازل»<sup>(۲)</sup> را برای اهالی نجد و «یلملم»<sup>(۳)</sup> را برای اهالی یمن بعنوان میقات (محل بستن احرام) مقرر فرمود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که میقات همان مکان های است که مردم از آنجاها باید احرام برای حج بسته نمایند.

### فرع اول: موافقت زمانی حج و عمره

موافقت حج و عمره دو گونه است: ۱- موافقت حج ۲- موافقت عمره، که تفصیل هرکدام شان قرار ذیل است:

#### الف: موافقت حج

الله متعال برای حج یک زمانی را مشخص ساخته است، که ادای حج در غیر از آن زمان درست نیست، طوری که فرموده است: **{الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ}**.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: اعمال حج تنها در ماههای معینی صورت می گیرد.

امام طبری و ابن کثیر رحمهما الله در تفسیر این آیه **{الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ}** می گویند: عبدالله بن عمر، جمهور صحابه و تابعین می گویند: ماههای حج عبارت از شوال، ذوالقعدة و ده اول ذی الحجه می باشد.<sup>(۵)</sup> پس اگر حاجی چیزی از مناسک و اعمال حج را در خارج از وقت حج انجام دهد، جایز نیست و آخر وقت حج روز دهم ذی الحجه می باشد، بنابراین، اگر حاجی متمتع و یا قران سه روز روزه را قبل از ماهای حج بگیرد، جایز نیست، به همین شکل سعی بین صفا و مروه پس از طواف قدوم از سعی حج محسوب

---

أبي محمد عبد الغني بن عبد الواحد المقسبي، عمدة الأحكام من كلام خير الأنام مما اتفق عليه الشيخان البخاري ومسلم، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٧ هـ، ج ١ ص ١٣٦.

١ - جحفه: با ضم حرف «ج» و سکون حرف «ح» محلی است در بین مکه و شام و در سه مرحله مکه قرار دارد. شهاب الدین أبو عبد الله یاقوت بن عبد الله الرومی الحموی (المتوفی: ٦٢٦ هـ)، معجم البلدان، الناشر: دار صادر، بیروت، الطبعة: الثانية، ١٩٩٥ م، ج ٢ ص ٢٩٥.

٢ - قرن المنازل: به آن قرن الثعالب نیز می گویند، زیرا در نزدیکی آن چهار غار وجود دارد که در آن غارها گروهی از روباها زندگی می کنند، خود کلمه ی قرن در اینجا به معنی کوه است، اکنون این مکان به السیل الکبیر شهرت دارد. عاتق بن غیث بن زویر بن زایر بن حمود بن عطیة بن صالح البلاذی الحرابی (المتوفی: ١٤٣١ هـ)، معجم المَعَالِمِ الجُغْرَافِيَّةِ فِي السِّيَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، الناشر: دار مكة للنشر والتوزيع، مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٢ هـ - ١٩٨٢ م، ص ٢٥٤.

٣ - يلملم: با فتحه حرف «ی» و حرف «ل» کوهی است در بین یمن و مکه و در دو مرحله مکه می باشد و در جنوب شبه جزیره عربستان است. معجم البلدان، ج ١ ص ٢٤٦.

٤ - {البقرة، آیه ١٩٧}.

٥ - جامع البيان في تأويل القرآن، ج ٤ ص ١٢٠ - ١٢١. تفسير القرآن العظيم، ج ١ ص ٢٣٦.

نمی‌گردد، مگر اینکه در ماه‌های حج واقع گردد.<sup>(۱)</sup>

البته احرام بستن برای حج قبل از ماه‌های حج همراهی کراهیت جایز است.<sup>(۲)</sup>

### ب: موافقت عمره

فقهاء اسلامی اتفاق دارند که موافقت زمانی عمره تمام سال است، بنابراین، عمره صحیح است که در تمام سال انجام شود و احرام آن منعقد می‌گردد، از جهت عدم محدودیت آن به یک زمان خاص، ولی بهتر است که این عمره در رمضان صورت گیرد.<sup>(۳)</sup>

در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: لَمَّا رَجَعَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ حَجَّتِهِ قَالَ لَأُمِّ سِنَانِ الْأَنْصَارِيَّةِ: «مَا مَنَعَكَ مِنَ الْحَجِّ؟»، قَالَتْ: أَبُو فَلَانٍ، تَغْنِي زَوْجَهَا، كَانَ لَهُ نَاصِحَانِ حَجَّ عَلَى أَحَدِهِمَا، وَالْآخَرُ يَسْقِي أَرْضًا لَنَا، قَالَ: «فَإِنَّ عُمْرَةً فِي رَمَضَانَ تَقْضِي حَجَّةً أَوْ حَجَّةً مَعِي».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: هنگامی که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - از سفر حج برگشت، خطاب به ام سنان انصاری فرمود: چرا به حج نرفتی؟ وی گفت: شوهرم دو شتر برای آب کشیدن داشت. یکی را با خود به حج برد. و دومی، زمینهای ما را آبیاری می‌کرد. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: ثواب يك عمره در ماه مبارك رمضان، برابر با حجی است که همراه من، ادا شود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که عمره در ماه مبارک رمضان برابر حج با حجی است که همراهی پیامبر صلی الله علیه وسلم صورت گرفته باشد.

اما فقهاء اسلامی در اوقات که احرام بستن برای عمره مکروه است و یا مکروه نیست، اختلاف نموده‌اند و آن اوقات عبارت از روز عرفه، روز اول عید اضحی و روزهای تشریق می‌باشند، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل‌اند:

اول: احناف می‌گویند: عمره در روز عرفه و چهار روز بعد از آن مکروه تحریمی است، حتی دم واجب می‌گردد بالای شخص که در این روزها عمره را انجام دهد.<sup>(۵)</sup>

دلیل احناف در این زمینه، اثری از عایشه رضی الله عنها است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: «حَلَّتْ

۱ - رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۶ - ۲۰۷. حاشیة العدوي، ج ۱ ص ۴۵۷.

۲ - رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۶ - ۲۰۷. حاشیة العدوي، ج ۱ ص ۴۵۷.

۳ - رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۷. شرح الزرقانی علی مختصر خليل، ج ۲ ص ۲۴۹. حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲۲. حاشیة العدوي، ج ۱ ص ۴۵۷.

۴ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۸۶۳. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۵۶.

۵ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۲۲۷. رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۷.

الْعُمْرَةُ فِي السَّنَةِ كُلِّهَا إِلَّا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ: يَوْمُ عَرَفَةَ وَيَوْمُ النَّحْرِ وَيَوْمَانِ بَعْدَ ذَلِكَ»<sup>(١)</sup>.

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است، که فرمود: عمره در تمام سال حلال است، مگر در چهار روز: روز عرفه، روز نحر (روز اول عید اضحی) و دو روز بعد از آن.

وجه استدلال از این اثر: در این اثر مشخص گردید که عمره در تمام سال جایز و حلال است، بجز در روز عرفه، روز نحر و دو روز بعد از آن، پس انجام دادن عمره در این روزها مکروه تحریمی است. همچنان این روزها، روزهای مشغول شدن برای ادای حج است و عمره کردن در این روزها از ادای حج مشغول می سازد.<sup>(٢)</sup>

اما فقهاء مالکی، شافعی و حنبلی می گویند: عمره کردن در روزهای عرفه، نحر و ایام تشریق مکروه نیست، ولی بهتر است تا در این روزها مشغول ادای حج شد.<sup>(٣)</sup> دلیل شان آنست که اصل عدم کراهیت است، مگر در صورت که دلیل کراهیت موجود باشد و در اینجا موجود نیست.<sup>(٤)</sup>

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول احناف راجح می باشد، به چند دلیل:

١- این قول موافق اثر عایشه رضی الله عنها است، که فرمود: «حَلَّتِ الْعُمْرَةُ فِي السَّنَةِ كُلِّهَا إِلَّا فِي

أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ: يَوْمُ عَرَفَةَ وَيَوْمُ النَّحْرِ وَيَوْمَانِ بَعْدَ ذَلِكَ»<sup>(٥)</sup>.

ترجمه: عمره در تمام سال حلال است، مگر در چهار روز: روز عرفه، روز نحر (روز اول عید اضحی) و دو روز بعد از آن.

٢- همچنان در پاسخ به استدلال جمهور فقهاء باید گفت: اثر عایشه رضی الله عنها در این مورد بهترین دلیل است.

١ - أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْردِي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ)، السنن الكبرى، المحقق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م، رقم الاثر ٨٧٤١. زيلعي رحمه الله می گوید: این اثر صحیح است. جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: ٧٦٢هـ)، نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الأملعي في تخريج الزيلعي، المحقق: محمد عوامة، الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر - بيروت - لبنان/ دار القبلة للثقافة الإسلامية - جدة - السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ/١٩٩٧م، ج ٣ ص ١٤٧.

٢ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٢ ص ٢٢٧.

٣ - شرح الزرقاني، ج ٢ ص ٢٥٠. حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ج ٢ ص ٢٢. نهاية المحتاج، ج ٢ ص ٣٨٩. مطالب أولي النهى، ج ٢ ص ٣٠١ - ٣٠٢.

٤ - حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، ج ٢ ص ٢٢. نهاية المحتاج، ج ٢ ص ٣٨٩.

٥ - السنن الكبرى، رقم الاثر ٨٧٤١. زيلعي رحمه الله می گوید: این اثر صحیح است. نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الأملعي في تخريج الزيلعي، ج ٣ ص ١٤٧.

۳- همچنان مشغول شدن حاجی با عمره در این چهار روز، باعث می‌گردد تا از برخی مناسک و اعمال حج باز بماند و این کار درست نیست.

### فرع دوم: مواقیت مکانی حج و عمره

مواقیت مکانی به دو قسم تقسیم می‌شود: ۱- مواقیت مکانی برای حج، ۲- مواقیت مکانی برای عمره، که تفصیل هرکدام آنها قرار ذیل است:

#### الف: مواقیت مکانی برای حج

نظر به اختلاف موقعیت و مکان مردم، مواقیت مکانی هم برای حج مختلف می‌باشند، بنابراین، مردم در قسمت مواقیت مکانی بر چهار بخش تقسیم می‌گردند: بخش اول: آفاقی. بخش دوم: میقاتی. بخش سوم: حرمی. بخش چهارم: مکی، مکی همراهی حرمی در اکثر موارد مشترک هستند، پس هر دو یک اند. همچنان بخش پنجم وجود دارد و آن مردم که مکان شان را تغییر می‌دهند، پس میقات آنها کدام است؟ برای آگاهی از این موضوع، تفصیل شان قرار ذیل اند:

#### اول: میقات آفاقی:

آفاقی عبارت از مردم اند که خانه شان بیرون و خارج از منطقه مواقیت اند، فقهاء اسلامی اتفاق دارند که اماکن ذیل برای اهل آفاقی مواقیت می‌باشند:

الف: ذوالحلیفه: این مکان برای اهل مدینه منوره و اشخاص که از آنجا می‌گذرند، میقات می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

ذوالحلیفه امروز بنام «آبار علی» نزد عامه مردم مشهور است.<sup>(۲)</sup>

ب: جحفه: این مکان برای اهل شام و اشخاص که از نزد او می‌گذرند، از جمله: مردم مصر و مغرب میقات می‌باشد، حجاج از «رابغ» که پیش از جحفه موقعیت دارد، احرام بسته می‌کند، پس احرام بستن از «رابغ»، قبل از میقات است و احرام بستن از «رابغ» به احتیاط نزدیک است، از جهت عدم یقین به مکان جحفه.<sup>(۳)</sup>

ج: قرن المنازل: این مکان برای اهل نجد میقات می‌باشد و قرن کوهی دراز و طویل بر بالای عرفات میباشد و این نزدیک ترین میقات به مکه است.<sup>(۴)</sup> این مکان را امروزه بنام «سیل» یاد می‌کند.<sup>(۵)</sup>

۱ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۰۴.

۲ - مواهب الجلیل، ج ۳ ص ۳۰.

۳ - همان مرجع، ج ۳ ص ۳۰.

۴ - رد المحتار علی الدرالمختار، ج ۲ ص ۲۰۷.

۵ - عبد الله بن محمد بن أحمد الطیار، أبو محمد، الحج والعمرة، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ص ۵۲.

یلملم: میقات اهل یمن، تهامه و هند می باشد، یلملم یکی از کوه‌های تهامه در جنوب مکه میباشد.<sup>(۱)</sup>

د: ذات عرق: این مکان برای اهل عراق و سایر اهل مشرق میباشد.<sup>(۲)</sup>

دلیل برای تعیین مواقیت آفاقی، سنت و اجماع امت است:

اول: سنت، در مورد تعیین مواقیت آفاقی احادیث زیاد است، از جمله این احادیث: حدیث عبدالله بن عباس رضی الله عنهما است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَفَتْ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحُلَيْفَةِ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ، وَلِأَهْلِ نَجْدِ قَرْنِ الْمَنَازِلِ، وَلِأَهْلِ الْيَمَنِ يَلْمَلَمَ، هُنَّ لِهِنَّ، وَلِمَنْ أَتَى عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِهِنَّ مِمَّنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ، فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم میقاتهای مکانی را اینگونه تعیین نمود: برای اهل مدینه ذوالحلیفه، برای اهل شام جحفه، برای اهل نجد قرن المنازل، برای اهل یمن یلملم و فرمود: این میقاتها برای بیان جهت‌های مذکور است و برای کسانی که اهل این مناطق نیستند و به منظور ادای حج و عمره می‌خواهند از یکی از این جهات برای ورود به مکه می‌مکرمه عبور کنند، کسانی که بعد از این میقاتها زندگی می‌کنند اگر خواستند محرم شوند از محل سکونت خود محرم می‌شوند، حتی اهل مکه از خود مکه محرم می‌شوند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که میقات برای اهل مدینه ذوالحلیفه، برای اهل شام جحفه، برای اهل نجد قرن المنازل، برای اهل یمن یلملم میباشد.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَجُلًا قَامَ فِي الْمَسْجِدِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنْ أَيِّنَ تَأْمُرُنَا أَنْ نُهَلَّ؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - : «يُهَلُّ أَهْلُ الْمَدِينَةِ مِنْ ذِي الْحُلَيْفَةِ، وَيُهَلُّ أَهْلُ الشَّامِ مِنَ الْجُحْفَةِ، وَيُهَلُّ أَهْلُ نَجْدٍ مِنْ قَرْنٍ». وَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: وَيَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «وَيُهَلُّ أَهْلُ الْيَمَنِ مِنْ يَلْمَلَمَ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می‌گوید: مردی در مسجد برخاست و گفت: ای رسول الله! از کجا احرام ببندیم؟ رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود: اهل مدینه از ذوالحلیفه، و اهل شام از جحفه، و اهل نجد از قرن منازل. ابن عمر افزود که مردم می‌گویند: رسول الله - صلی الله علیه و سلم - فرمود: و اهل یمن از یلملم احرام ببندند. ولی من این سخن را از رسول الله - صلی الله علیه و سلم - نشنیده‌ام.

۱ - مواهب الجلیل، ج ۳ ص ۳۰.

۲ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۰۴.

۳ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۲۴. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۱۸۱.

۴ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۳۳. صحیح مسلم، ۱۱۸۲.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم دیده شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اهل مدینه ذوالحلیفه، اهل شام جحفه و اهل نجد قرن منازل بحیث میقات تعیین نموده است، به همین شکل برای اهل یمن یلملم را مشخص کرده است.

پس این دو حدیث مواقیت را مشخص کرده است، غیر از ذات عرق، و میقات ذات عرق به اجتهاد عمر رضی الله عنه ثابت است و صحابه رضی الله عنهم آن را تایید نموده اند، پس در مورد ذات عرق اجماع صورت گرفته است.<sup>(۱)</sup>

دوم: اجماع امت: بر این مواقیت که تذکر رفتند، اجماع امت تذکر رفته است، از همین جهت امام نووی رحمه الله در کتابش «المجموع» می گوید: «أَجْمَعَ الْعُلَمَاءُ عَلَى هَذِهِ الْمَوَاقِيتِ». <sup>(۲)</sup>  
ترجمه: علماء بر این مواقیت اجماع نموده اند.

### دوم: میقات میقاتی:

منظور از میقاتی مردمانی هستند که در مناطق مواقیت، یا در برابر آنها و یا در مکان که نزدیک بر حرم شریف اند از قبیل «قدید»،<sup>(۳)</sup> «عسفان»<sup>(۴)</sup> و «مرالظهران»<sup>(۵)</sup> سکونت می کنند، پس میقات احرام بستن آنها همان منطقه «حل» است، یعنی تمام مسافتی که از میقات تا انتهای حل است، کفارہ لازم نمی گردد تا وقت که بدون احرام به زمین حرم داخل نشده است.<sup>(۶)</sup>

در حدیث شریف آمده است: وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ، فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ. <sup>(۷)</sup>  
ترجمه: کسانی که بعد از این میقاتها زندگی می کنند اگر خواستند محرم شوند از محل سکونت خود محرم می شوند، حتی اهل مکه از خود مکه محرم می شوند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است، کسانی که بعد از این میقاتها(ذوالحلیفه، جحفه، قرن المنازل و ذات عرق) زندگی می کنند، حتی اهل مکه از خود مکه محرم می شوند.

۱ - المبسوط، ج ۴ ص ۱۶۶. المجموع، ج ۷ ص ۱۹۴. المغنی، ج ۳ ص ۲۵۷.

۲ - المجموع، ج ۷ ص ۱۹۴.

۳ - قدید: با ضم حرف «ق» و فتح حرف «د» مکانی است نزدیک مکه مکرمه است و به قدید حزام بن هشام بن حبیب بن خالد ابن أشعر خزاعی قدیدی نسبت داده می شود. معجم البلدان، ج ۴ ص ۳۱۳.

۴ - عسفان: با ضم حرف «ع» و سکون حرف «س» منطقه است در راه تهامه است و در سی و شش مایلی مکه قرار دارد، قریه بسیار جامع و بزرگی است. معجم البلدان، ج ۴ ص ۱۲۲.

۵ - مرالظهران: بک قریه و وادی بزرگی در نزدیکی مکه است، در آنجا چشمه های زیاد و خرماهای مشهوری وجود دارد. معجم البلدان، ج ۴ ص ۶۳.

۶ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ج ۲ ص ۸.

۷ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۲۴. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۱۸۱.

از همین جهت زیلعی<sup>(۱)</sup> رحمه الله می گوید: «إِنَّ خَارَجَ الْحَرَمِ كُلَّهُ كَمَا كَانَ وَاجِدٍ فِي حَقِّ الْمَيْقَاتِيَّ، وَالْحَرَمُ فِي حَقِّهِ كَالْمَيْقَاتِ فِي حَقِّ الْأَفَاقِيَّ، فَلَا يَدْخُلُ الْحَرَمَ إِذَا أَرَادَ الْحَجَّ أَوْ الْعُمْرَةَ إِلَّا مُحْرَمًا».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: خارج و بیرون حرم در حق میقاتی یک مکان است، حرم در حق میقاتی مثل میقات در حق آفاقی است، بنابراین، میقاتی وقت که اراده حج و عمره را دارد، در حرم شریف داخل نشود، مگر در حالت احرام.

### سوم: میقات حرمی و مکی:

فقهاء اسلامی اتفاق دارند، اشخاص که در این دو صنف قرار دارند، یعنی خانه و منزلش در حرم یا در مکه قرار دارند، برابر است این دو مکان و وطن شان میباشد و یا در آنجا مهاجر و پناهنده شده اند، آنها از هر جای که می خواهند احرام بسته نمایند.<sup>(۳)</sup>

طوری که در حدیث شریف آمده است: وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ، فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ.<sup>(۴)</sup> ترجمه: کسانی که بعد از این میقاتها (ذوالحلیفه، جحفه، قرن المنازل و ذات عرق) زندگی می کنند اگر خواستند محرم شوند از محل سکونت خود محرم می شوند، حتی اهل مکه از خود مکه محرم می شوند. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است، کسانی که بعد از این میقاتها زندگی می کنند اگر خواستند محرم شوند از محل سکونت خود محرم می شوند، حتی اهل مکه از خود مکه محرم می شوند.

### چهارم: میقات کسانی که مهاجر و پناهنده می شوند:

اشخاص که از وطن اصلی شان مهاجر و پناهنده می شوند، وقت اراده حج می کنند، از مکان و محل احرام بسته نمایند، که اهل و مردم همان محل احرام بسته می نمایند.<sup>(۵)</sup> این بود خلاصه از مواقیت مکانی برای حج که بشکل خلاصه بیان گردید.

### ب: مواقیت مکانی برای عمره

مواقیت مکانی برای عمره نسبت به اشخاص آفاقی و میقاتی، همان مواقیت حج است، اما میقات کسانی که

۱ - زیلعی: (۷۴۳ هـ = ۱۳۴۳ م)، عثمان بن علی بن محجن، فخر الدین زیلعی، یکی از فقهاء مشهور حنفی بود، در قاهره آمد و در آنجا درس و فتوا می داد تا اینکه در آنجا وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: تبیین الحقائق فی شرح کنز الدقائق، تركة الكلام علی أحادیث الأحكام و شرح الجامع الكبير. محمد عبد الحي اللكنوي، الهندي، أبو الحسنات، الفوائد البهية في تراجم الحنفية، الناشر: طبع بمطبعة دار السعادة بجوار محافظة مصر - لصاحبها محمد إسماعيل، الطبعة: الأولى، ۱۳۲۴ هـ، ص ۱۱۵.

۲ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ج ۲ ص ۸.

۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۶۷. مواهب الجلیل، ج ۳ ص ۲۶ - ۲۷. المجموع، ج ۷ ص ۱۹۳. المغنی، ج ۳ ص ۲۶۱.

۴ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۲۴. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۱۸۱.

۵ - المغنی، ج ۳ ص ۲۶۱.

به مکه هستند، برابر است از اهل مکه اند و یا غیر از اهل مکه، منطقه و سرزمین «حل» است، گرچند بعد از «حرم» هم باشد، ولی افضل و بهتر آن است که از «تنعیم» احرام بسته نمایند.<sup>(۱)</sup>

اصل در این مورد که احرام از تنعیم صورت گیرد، این حدیث شریف است: عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَهْلًا وَأَصْحَابَهُ بِالْحَجِّ، وَلَيْسَ مَعَ أَحَدٍ مِنْهُمْ هَدْيٌ، غَيْرَ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - وَطَلْحَةَ وَكَانَ عَلِيٌّ قَدِمَ مِنَ الْيَمَنِ وَمَعَهُ الْهَدْيُ، فَقَالَ: أَهَلُّتُمْ بِمَا أَهَلَّ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -؛ وَأَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أَذِنَ لِأَصْحَابِهِ أَنْ يَجْعَلُوهَا عُمْرَةً، يَطُوفُوا بِالْبَيْتِ، ثُمَّ يَقْصِرُوا وَيَحْلُوا، إِلَّا مَنْ مَعَهُ الْهَدْيُ، فَقَالُوا نَنْطَلِقُ إِلَى مَنَى وَذَكَرْنَا أَحَدِنَا يَقْطُرُ فَبَلَغَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، فَقَالَ: لَوْ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ مَا أَهْدَيْتُ، وَلَوْلَا أَنَّ مَعِيَ الْهَدْيَ لَأَخْلَلْتُ وَأَنَّ عَائِشَةَ حَاضَتْ، فَسَكَتَ الْمُنَاسِكَ كُلَّهَا، غَيْرَ أَنَّهَا لَمْ تَطْفُ بِالْبَيْتِ؛ قَالَ: فَلَمَّا طَهَّرَتْ وَطَافَتْ، قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَنْطَلِقُونَ بِعُمْرَةٍ وَحَجَّةٍ وَأَنْطَلِقُ بِالْحَجِّ فَأَمَرَ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي بَكْرٍ أَنْ يَخْرُجَ مَعَهَا إِلَى التَّنْعِيمِ، فَأَعْتَمَرَتْ بَعْدَ الْحَجِّ فِي ذِي الْحِجَّةِ.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: جابر بن عبدالله رضی الله عنهما می گوید: پیغمبر صلی الله علیه وسلم با اصحابش احرام به حج بستند و به جز پیغمبر صلی الله علیه وسلم و طلحه هیچ کس هدی همراه نداشت، علی رضی الله عنه نیز که از یمن برگشته بود هدی همراه داشت، و علی به احرام پیغمبر صلی الله علیه وسلم احرام بسته بود و گفت: (احرام بستم به آنچه که رسول خدا به آن احرام بسته است) پیغمبر صلی الله علیه وسلم به اصحاب اجازه داد که احرامشان را به عمره تبدیل نمایند، بیت را طواف کنند و موهای سرشان را کوتاه نمایند و یا بتراشند و از احرام بیرون آیند و تنها کسانی که هدی همراه دارند، باید در احرام باقی باشند. مردم گفتند: چطور ما به منا برویم در حالی که هنوز بدن ما بعد از نزدیکی به همسرانمان خشک نشده است؟ وقتی که پیغمبر صلی الله علیه وسلم این سخن را شنید، بلند شد و گفت: اگر آنچه که الان می دانم از اول می دانستم هدی را با خود نمی بردم و اگر هدی همراه نمی داشتیم من هم از احرام بیرون می آمدم. در این اثنا عایشه رضی الله عنها به حیض افتاد و تمام مناسک را به جز طواف بیت الله انجام داد، وقتی که پاک شد، بیت را طواف کرد، گفت: ای رسول خدا! مردم از حج بر می گردند در حالی که هم حج و هم عمره را انجام داده اند، ولی من تنها حج را انجام داده ام، پیغمبر صلی الله علیه وسلم به عبدالرحمن پسر ابو بکر رضی الله عنهما دستور داد که با عایشه رضی الله عنها به تنعیم برود، عبدالرحمن با او رفت و عایشه نیز عمره را بعد از مراسم حج در ماه ذی الحجه انجام داد.

۱ - الهدایة شرح البداية المبتدی، ج ۲ ص ۱۳۴.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۷۲۳۰.



وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص و واضح شد، که پیغمبر صلی الله علیه وسلم به عبدالرحمن پسر ابو بکر رضی الله عنهما دستور داد که با عایشه رضی الله عنها به تنعیم برود، عبدالرحمن با او رفت و عایشه رضی الله عنها نیز احرام برای عمره را از تنعیم بسته نمود و این دلیل برای افضلیت آن است.<sup>(۱)</sup> خلاصه: مشخص و واضح گردید که موافقت حج و عمره یکی اند، ولی برای اهل مکه بهتر است تا عمره شان را از سرزمین «تنعیم» بسته نمایند.

---

<sup>۱</sup> - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۶۷.

## مبحث دوم

### احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

در این مبحث مطالب متغیر فصل دوم بحث می گردد، که قرار ذیل اند:

مطلب اول: حکم حج سریع

مطلب دوم: حکم حج با مال ربوی

مطلب سوم: حکم حج نیابتی

مطلب چهارم: احکام متغیر حج و عمره در میقات

#### مطلب اول: حکم حج سریع

یکی از مسایل جدید و متغیر در حج، حج سریع است، منظور از حج سریع آنست که حاجی اقدام به ادای حج در ۲۴ ساعت نماید، یعنی حج را در ۲۴ ساعت انجام دهد، بشکل که در روز عرفه به مکه حاضر شده و طواف قدوم را انجام داده، سپس به عرفات رفته و عصر آن روز آنجا وقوف نماید، بعد از آن متوجه مزدلفه شده و بعد از غروب آفتاب نماز شام و خفتن را با جمع تاخیر انجام داده، سپس به منا رفته و در نصف از شب رمی جمره عقبه نماید، سپس حلق و یا قصر نموده و خود را حلاله نماید، سپس به مکه برگشته و سعی بین صفا و مروه نماید، سپس طواف زیارت را انجام داده و متعاقباً طواف وداع را انجام دهد، سپس به وطن خود برگردد و از هدیه او کسی که نیابت از او در ذبح هدیه و رمی جمرات در روزهای عید می کند بخورد، آیا در عصر امروزی این گونه حج با این سرعت جایز است و یا خیر؟ آیا این گونه حج، حج صحیح محسوب می گردد و یاخیر؟

در پاسخ باید گفت: که فقهاء متقدمین در این مورد بحث نکرده اند و هم در کتاب های شان این موضوع اشاره و بحث نشده است، اما تعداد از علماء و دانشمندان معاصر راجع به این موضوع بحث نموده اند، که تفصیل آن قرار ذیل اند:

الله متعال در کتابش به تمام کردن و کامل کردن حج و عمره امر نموده است، طوری که فرموده است: **{وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...}** (۱).

۱ - {البقرة، آیه ۱۹۶}.

ترجمه: حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید!

و این حج و عمره تمام نمی گردند، مگر اینکه با اخلاص انجام شوند و در انجام آنها از روش پیامبر صلی الله علیه وسلم با اخذ از اقوال و افعالش متابعت صورت گیرد، بخاطری که جایز نیست، شخص که برای انجام دادن حج احرام بسته می کند، چیزی از اعمال حج را اخلاص نماید و یا چیزی از اعمال منع شده را مرتکب گردد، در صورتی که حاجی قصداً چیزی از اعمال حج را اخلاص نماید و یا چیزی از اعمال منع شده را مرتکب گردد، این عمل حاجی گناه و استهزاء به شعایر الله متعال محسوب می گردد.<sup>(۱)</sup>

همچنان از عظمت و بزرگی دیگر این شعایر الله متعال آنست که رفتن به حج، نوع از جهاد و مجاهدت در راه الله متعال محسوب می گردد، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى النِّسَاءِ جِهَادٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ، عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ، لَا قِتَالَ فِيهِ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفتیم: ای رسول خدا! آیا بر زنان جهاد است؟ فرمود: آری، جهادی، که در آن جنگ و کشتار نیست، آن حج و عمره است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که حج و عمره از جمله جهاد محسوب می گردد، مخصوصاً بهترین جهاد زنان، حج و عمره اند.

پس حج یک عبادت بزرگ و عظیم است، بنابراین، بر شخص مسلمان لازم است تا با صبر و حوصله تمام برای انجام این عبادت قیام نماید و در انجامش از طریقه پیامبر صلی الله علیه وسلم پیروی نماید، پس فعلی را انجام دهد که پیامبر صلی الله علیه وسلم آن فعل را انجام داده است، همان طوری که جابر رضی الله عنه می فرماید: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَرْمِي عَلَى رَأْسِهِ يَوْمَ النَّحْرِ، وَيَقُولُ: «لِتَأْخُذُوا مَنَاسِكُكُمْ، فَإِنِّي لَا أَدْرِي لَعَلِّي لَا أَحُجُّ بَعْدَ حَجَّتِي هَذِهِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: رسول خدا صلی الله علیه وسلم را دیدم که سوار بر مرکب در روز نحر (دهم ذی حجه و روز قربان) رمی می کردند و می فرمودند: مناسکتان (چگونگی حج گزاردن) را (از من) فرابگیرید؛ زیرا من، نمی دانم که (اجلم، چه موقع فرا می رسد و شاید) پس از این، حج دیگری نگزارم.

۱ - اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش، الناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - الرياض، ج ۱۱ ص ۲۸۸ - ۲۸۹.

۲ - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۲۹۰۱. ألبانى رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، برنامج منظومة التحقیقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، رقم الحديث ۲۹۰۱.

۳ - صحیح مسلم، رقم الحديث ۱۲۹۷.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم تاکید نموده است تا چگونگی گزاردن حج را از او باید فرابگیریم، پس بهترین و کاملترین طریقه انجام دادن حج، طریقه است که پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام داده است.<sup>(۱)</sup>

پس شخص که در حج خود عجله می نماید، یعنی در روز نهم ذی الحجه احرام بسته می نماید، سپس طواف قدوم را انجام داده، بعداً به عرفات می رود و در آنجا توقف نموده، سپس به مزدلفه رفته، سپس به منا جهت رمی جمره عقبه می رود، سپس سعی بین صفا و مروه را انجام داده، متعاقباً طواف های زیارت و وداع را انجام می دهد، و برای رمی جمرات در روزهای عید از خود نایب و وکیل می گیرد، این شخص در انجام حج با طریقه و روش پیامبر صلی الله علیه وسلم مخالفت نموده و بربالایش از جهت ترک شدن واجبات که ترک شدن گذراندن شب های عید در منا است،<sup>(۲)</sup> همچنان از جهت ترک شدن رمی جمرات در روزهای عید و تعیین وکیل و نایب بجای خود، در حال که خودش قدرت رمی جمرات را دارد، دم لازم می گردد.<sup>(۳)</sup>

طوری که ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: (مَنْ نَسِيَ مِنْ نُسُكِهِ شَيْئًا، أَوْ تَرَكَهُ، فَلْيُهْرِقْ دَمًا).<sup>(۴)</sup> ترجمه: شخص که چیزی از مناسک حج را فراموش کرد، یا ترک کرد، پس یک دم را بریزاند. وجه استدلال از اثر: دراین اثر مشخص شد که اگر در جریان مراسم حج، چیزی از مناسک حج بشکل فراموشی و یا قصدی ترک می گردد، بخاطر جبران این کار، باید دم را ذبح نماید.

۱ - فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، ج ۱۱ ص ۲۸۹.

۲ - یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري القرطبي (المتوفى: ۴۶۳هـ)، الكافي في فقه أهل المدينة، المحقق: محمد محمد أحمد ولد مادیک الموريتاني، الناشر: مكتبة الرياض الحديثة، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۰هـ/۱۹۸۰م، ج ۱ ص ۳۷۶. أحمد الصاوي، بلغة السالك لأقرب المسالك = حاشية الصاوي على الشرح الصغير، تحقيق ضبطه وصححه: محمد عبد السلام شاهين، الناشر دار الكتب العلمية، بيروت، سنة النشر ۱۴۱۵هـ - ۱۹۹۵م، ج ۲ ص ۶۴. المجموع شرح المذهب، ج ۸ ص ۲۴۷. مغنی المحتاج، ج ۲ ص ۲۷۵.

۳ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۹. روضة الطالبين، ج ۳ ص ۱۱۱. المغنی، ج ۳ ص ۵۲۲.

۴ - مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ۱۷۹هـ)، موطأ الإمام مالك، المحقق: بشار عواد معروف - محمود خليل، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، سنة النشر: ۱۴۱۲ هـ، رقم الاثر، ۱۴۰۱. أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي الدارقطني (المتوفى: ۳۸۵هـ)، سنن الدارقطني، حققه وضبط نصه وعلق عليه: شعيب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴ هـ - ۲۰۰۴ م، رقم الاثر ۲۵۳۴. آلبانی رحمه الله این اثر را صحیح می داند. محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفى: ۱۴۲۰هـ)، إرواء الغلیل في تخريج أحاديث منار السبيل، إشراف: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية ۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵م، ج ۴ ص ۲۹۹.

حکم حج سریع: فقهاء معاصر اسلامی از جمله شیخ محمد بن صالح العثیمین<sup>(۱)</sup>، ابن جبرین<sup>(۲)</sup>، شیخ عمر المترک<sup>(۳)</sup>، رحمهم الله و دکتور یوسف قرضاوی<sup>(۴)</sup> حفظه الله، قایل به جواز حج سریع اند و می گویند: این حج درست است، ولی بشکل ناقص صورت گرفته است، زیرا ارکان و فرایض او انجام شده است، بنابراین، ذمه حاجی از این فریضه خلاص شده است، ولی بعضی واجبات آن ترک شده است، از جمله ترک کردن گذراندن شب های عید در منا، ترک کردن رمی جمرات و نایب گرفتن آن، در حال که خودش قدرت رمی جمرات را دارد، پس جبران واجبات بوسیله دم صورت می گیرد، همچنان بعضی از مراسم، مخالف طریقه و روش پیامبر صلی الله علیه وسلم صورت گرفته است، پس این حج بشکل ناقص صورت گرفته است.<sup>(۵)</sup> خلاصه: حج سریع در صورت که ارکان و شرایط او مراعات شود، حج صحیح می گردد، ولی این حج بشکل ناقص و با ترک بعضی از واجبات صورت می گیرد.

۱- ابن عثیمین: ابو عبدالله محمد بن صالح بن محمد بن سلیمان بن عبد الرحمن العثیمین الوهیبی التمیمی است. ولادتش در شب ۲۷ ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۷ هـ ق در شهر عنیزه - یکی از شهرهای استان قصیم - در کشور عربستان سعودی بود، رشد و پرورش او نزد مادرش و استادش عبدالرحمن سعدی رحمه الله صورت گرفت و قبل از غروب آفتاب، روز چهارشنبه، پانزدهم ماه شوال سال ۱۴۲۱ هـ ق، در شهر جدّه کشور عربستان سعودی وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است از جمله: شرح ریاض الصالحین، مصطلح الحدیث، مجموعه فتاوی محمد بن صالح بن عثیمین و غیره. گزیده ای از خصلت ذاتی استاد علامه محمد بن صالح العثیمین، این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

۲- ابن جبرین: عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن ابراهیم بن فهد بن حمد بن جبرین از آل رشید است؛ آل رشید شاخه ای از قبیله ی عطیه بن زید هستند که پسران زید در نجد عربستان، قبیله مشهوری می باشند، وطن و محل سکونتشان شهر شقراء بود، سپس برخی از آن ها به قویعیه در قلب نجد عزیمت کردند و در آنجا صاحب مملکات شدند، عبدالله جبرین در سال (۱۳۵۲هـ) در یکی از روستاهای شهر (قویعیه) دیده به جهان گشود، ولی بعداً به شهر (رین) مهاجرت کردند و در آنجا رشد یافت، در رمضان (۱۳۸۹هـ) وفات یافت، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: التذخین مادته و حکمه فی الاسلام، الجواب الفائق فی الرد علی مبدل الحقائق، شرح عمدة الأحكام، فتاوی ابن جبرین و غیره. [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

۳- عمر بن عبد العزیز المترک (۱۳۵۱ - ۱۴۰۵ هـ) (۱۹۳۲ - ۱۹۸۵ م)، یکی از فقهاء و قضات معاصر به شمار می رود، در شهر شقراء نجد تولد گردید، سپس جهت تحصیل به ریاض رفت و تحصیلات خود را در آنجا به رشته شریعت پایان داد، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: الربا والمعاملات المصرفية فی نظر الشريعة الإسلامية، العالمية العالیة، العالمية و غیره. محمد خیر رمضان یوسف، تنمة الأعلام للزرکلی، الناشر: دار ابن حزم، بیروت، الطبعة: الثانية، ۱۴۲۲ هـ، ج ۲ ص ۷۶.

۴- محمد یوسف قرضاوی، در نهم سپتامبر ۱۹۲۹ در منطقه القریبه در جنوب قاهره به دنیا آمد. وی در رشته اصول فقه اسلامی در سال ۱۹۵۳ از دانشگاه الازهر فارغ التحصیل شد. قرضاوی در سال ۱۹۶۳ به عنوان وزیر اوقاف مصر منصوب شد. وی کتاب های فراوانی در زمینه مقوله های حلال و حرام در اسلام دارد. و در حال حاضر که شبکه های تلویزیونی و سایت های اینترنتی پدیده عصر و محل دید و بازدید جوانان گشته است، او بارزترین ستاره و قوی ترین تأثیرگذار آنها است. بدون این که ابزار مورد عادتش را که گذشت زمان از تأثیر آن می کاهد، مورد بی توجهی قرار داده باشد. آشنایی با دانشمند بزرگ معاصر - شیخ قرضاوی، کتابخانه عقیده، ص ۱.

۵- محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱هـ)، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، جمع و ترتیب: فهد بن ناصر بن ابراهیم السلیمان، الناشر: دار الوطن - دار الثریا، الطبعة: الأخيرة - ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۴ ص ۱۸. عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن جبرین، شرح عمدة الأحكام، دروس صوتیة قام بتفریغها موقع الشبكة الإسلامية، ص ۷۱۹. فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، ج ۱۱ ص ۲۹۰.

## مطلب دوم: حکم حج با مال ربوی

بحث در این مطلب تنها منحصر به مال ربوی نمی‌گردد، بلکه حکم حج کردن با هر مال حرام را شامل می‌گردد و اینکه مطلب را تحت نام «حکم حج با مال ربوی» ذکر نموده‌ام، از جهت شهرت مال ربوی است، زیرا معاملات ربوی امروزه با انواع مختلف و به کثرت صورت می‌گیرد و در عصر امروزی ما بیشترین معاملات حرام از این طریق است، اصل و اساس در این مورد این حدیث شریف است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- « أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا وَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ الْمُؤْمِنِينَ بِمَا أَمَرَ بِهِ الْمُرْسَلِينَ فَقَالَ ( يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ) وَقَالَ ( يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ ) ». ثُمَّ ذَكَرَ الرَّجُلُ يُطِيلُ السَّفَرَ أَشْعَثَ أَغْبَرَ يَمُدُّ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ يَا رَبِّ يَا رَبِّ وَمَطْعَمُهُ حَرَامٌ وَمَشْرَبُهُ حَرَامٌ وَمَلْبَسُهُ حَرَامٌ وَعُذِي بِالْحَرَامِ فَأَنَّى يُسْتَجَابُ لِذَلِكَ ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت است، که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: ای مردم خداوند متعال پاکیزه است و بجز پاکیزه را نمی‌پذیرد و خداوند مؤمنان را مانند فرستادگانش مأمور ساخته است. خداوند متعال فرمود: ای مؤمنان بخورید و بنوشید از چیزهای پاکیزه که بشما روزی داده ایم. باز مردی را یاد نمود که سفرش را دراز نموده غبار آلوده و پراکنده موی است و دستهایش را به آسمان بلند کرده است و می‌گوید: پروردگرم، پروردگرم، در حالیکه خوردنی اش حرام، آشامیدنی اش حرام بوده، پوشیدنی اش حرام بوده و به حرام تغذیه شده است، پس چگونه دعای همچو شخصی پذیرفته می‌شود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که بالای مسلمان واجب است تا عبادات شان را با مال حلال انجام دهد، زیرا الله متعال پاکیزه است و بجز عبادت پاکیزه را نمی‌پذیرد و عبادت با مال حلال پاکیزه می‌گردد.

ولی اگر یک شخص با این قاعده مخالفت نماید و حش را با مال حرام انجام دهد، آیا حج او صحیح می‌گردد و یاخیر؟ این موضوع میان فقهای اسلامی اختلاف است، که خلاصه این اختلاف بر دو قول خلاصه می‌گردد، که این دو قول قرار ذیل اند:

**قول اول:** کسی که با مال حرام و یا ربوی حج نماید، حج او صحیح می‌گردد و فرضیت حج هم از گردن او ساقط می‌گردد، با وجودی که گنهگار هم گردیده و حج او، حج مبرور نیست و این قول جمهور فقهاء

<sup>۱</sup> - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۲۳۹۳.

است. (۱)

دلیل جمهور فقهاء: حج افعال و اعمال مخصوص است و تحریم معنای خارج از این است، طوری که امام نووی رحمه الله می گوید: (إِذَا حَجَّ بِمَالٍ حَرَامٍ أَوْ رَاكِبًا دَابَّةً مَعْصُوبَةً أَيْمَ وَصَحَّ حَجُّهُ وَأَجْزَأُهُ عِنْدَنَا وَبِهِ قَالَ أَبُو حَنِيفَةَ وَمَالِكٌ وَبِهِ قَالَ أَكْثَرُ الْأَفْقَهَاءِ وَقَالَ أَحْمَدُ لَا يُجْزئُهُ وَدَلِيلُنَا أَنَّ الْحَجَّ أَعْمَالٌ مَخْصُوصَةٌ وَالتَّحْرِيمُ لِمَعْنَى خَارِجٍ عَنْهَا). (۲)

ترجمه: وقتی که با مال حرام حج کرد یا با سواری غصب شده، گنهار گردیده و حج او صحیح است و نزدما جایز است و این نظریه امام ابوحنیفه و مالک رحمهما الله هم است و این قول اکثریت فقهاء است، اما امام احمد رحمه الله می گوید: حج او جایز نیست، ولی دلیل ما آن است که حج اعمال مخصوص است و تحریم خارج از این معنا است.

به همین شکل در کتاب «أسنى المطالب في شرح روض الطالب» چنین آمده است: (وَيَسْقُطُ فَرَضُ مَنْ حَجَّ بِمَالٍ حَرَامٍ) كَمَعْصُوبٍ وَإِنْ كَانَ عَاصِيًا كَمَا فِي الصَّلَاةِ فِي مَعْصُوبٍ أَوْ تَوْبِ حَرِيرٍ). (۳)

ترجمه: کسی که با مال حرام مثل مال غصب شده حج کند، فرض از او ساقط می گردد، گرچند گنهار هم می شود، مثل خواندن نماز در زمین غصب شده یا خواندن نماز با لباس ابریشم.

**قول دوم:** کسی که با مال حرام حج نماید، این حج جایز نیست و حج فرضی از او ساقط نمی گردد این مذهب حنبلی ها است. (۴)

دلایل شان قرار ذیل اند:

۱- حدیث شریف است: « أَيْهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا... ». (۵)

ترجمه: ای مردم خداوند متعال پاکیزه است و بجز پاکیزه را نمی پذیرد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که بالای مسلمان واجب است تا عبادات شان را با مال حلال انجام دهد، زیرا الله متعال پاکیزه است و بجز عبادت پاکیزه را نمی

۱- یحیی بن شرف، أبو زکریا محیی الدین النووی (المتوفی: ۶۷۶هـ)، المجموع شرح المذهب، الناشر: دار الفکر، بیروت، ج ۷ ص ۶۲. زکریا بن محمد بن زکریا الأنصاری، زین الدین أبو یحیی السنیکي (المتوفی: ۹۲۶هـ)، أسنى المطالب في شرح روض الطالب، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، بیروت، ج ۱ ص ۴۵۸.

۲- المجموع شرح المذهب، ج ۷ ص ۶۲.

۳- أسنى المطالب في شرح روض الطالب، ج ۱ ص ۴۵۸.

۴- منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس البهوتی الحنبلی (المتوفی: ۱۰۵۱هـ)، دقائق أولي النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإرادات، الناشر: عالم الكتب، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۳م، ج ۱

۵- صحیح مسلم، رقم الحدیث ۲۳۹۳.

پذیرد و عبادت با مال حلال پاکیزه می گردد.

۲- همچنان در حدیث شریف آمده است: (مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا؛ فَهُوَ رَدٌّ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: هر کس عملی را انجام دهد که طبق دستور ما نباشد، آن عمل مردود است. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح شد هر عملی که مخالف دستور دین مقدس اسلام باشد، آن عمل مردود است، پس حج با مال حرام مخالف دین مقدس اسلام است، بنابراین، این عمل مردود است.

۳- امام بهوتی<sup>(۲)</sup> رحمه الله می گوید: (أَوْ حَجَّ بِغَضَبٍ) أَيُّ بِمَالٍ مَغْضُوبٍ، أَوْ عَلَى حَيَوَانٍ مَغْضُوبٍ

(عَالِمًا) بِأَنَّ مَا صَلَّيَ فِيهِ أَوْ حَجَّ بِهِ مُحَرَّمٌ (ذَاكِرًا) لَهُ وَقَدْ الْعِبَادَةِ (لَمْ يَصِحَّ) مَا فَعَلَهُ.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: یا حج با مال غضب شده نماید، یا بر حیوان غضب شده، در حالی که عالم باشد، به اینکه در جای که نماز می خواند، یا با مالی که حج می کند حرام است، در حالیکه وقت عبادت به یادش است، آنچه که انجام می دهد صحیح نیست.

**قول راجح:** با تحقیق و بررسی به نظر می رسد قول جمهور فقهاء راجح می باشد، ولی با آن هم ملاحظاتی

در این قول هم دیده می شود، که این ملاحظات قرار ذیل اند:

۱- با وجودی که این حج صحیح است، ولی حاجی که با مال حرام حج می کند، با اتفاق ائمه اربعه گنهگار می گردد.

۲- با وجودی که فرضیت حج از گردن حاجی ساقط می گردد، ولی با این حج ثواب بدست نمی آورد.

از همین جهت زرقانی<sup>(۴)</sup> رحمه الله می گوید: (فَالْحَجُّ بِالْحَرَامِ صَحِيحٌ، إِذْ يَسْقُطُ بِهِ الْفَرْضُ وَهُوَ غَيْرُ

۱- صحیح البخاری، ج ۹ ص ۱۰۷.

۲- بهوتی (۱۰۰۰ - ۱۰۵۱ هـ = ۱۵۹۱ - ۱۶۴۱ م)، منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن ادریس، بهوتی، حنبلی، یکی از شیوخ و بزرگان مذهب حنبلی در زمانش در مصر بود، تألیفات زیاد دارد از جمله: کشاف القناع عن متن الإقناع للحجاوی، دقائق أولی النهی لشرح المنتهی وغیره. صالح بن عبد العزیز بن علی آل عثیمین الحنبلی مذهباً، النجدی القصیمی البُریدی (۱۳۲۰ هـ - ۱۴۱۰ هـ)، مختصر طبقات الحنابلة، المحقق: بکر بن عبد الله أبو زید، الناشر: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، ص ۱۰۴.

۳- دقائق أولی النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإرادات، ج ۱ ص ۱۵۲.

۴. زرقانی: (۱۰۵۵ - ۱۱۲۲ هـ = ۱۶۴۵ - ۱۷۱۰ م) محمد بن عبد الباقي بن یوسف بن أحمد بن علوان، زرقانی، مصري، أزهری، مالکی، أبو عبد الله، یکی از مشهورترین فقهاء مالکی بود، تولد و وفات او در قاهره شده است، و نسبتش به زرقان شده است، بخاطر که زرقان یک قریه از قریه های مصر است و مکان آباء او بود، دارای تألیفات کثیره است، از جمله: تلخیص المقاصد الحسنة، شرح البيقونية، شرح المواهب اللدنية، شرح موطأ الإمام مالك وغیره. محمد خليل بن علي بن محمد بن محمد مراد الحسيني، أبو الفضل (المتوفى: ۱۲۰۶ هـ)، سلك الدرر في أعيان القرن الثاني عشر، الناشر: دار البشائر الإسلامية، دار ابن حزم، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م، ج ۴ ص ۳۲ - ۳۳.



مُتَقَبَّلٌ، أَيْ لَا ثَوَابَ فِيهِ...<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: پس حج با مال حرام صحیح است، بخاطری که فرض با این حج ساقط می گردد، ولی مقبول نیست، یعنی در این حج ثواب نیست.

### مطلب سوم: حکم حج نیابتی

سلامت و صحت بدن از امراض و دردهای که حج را به تعویق می اندازد، برای وجوب حج شرط است، بنابراین، اگر سایر شرایط وجوب حج در یک شخص موجود گردد، در حالی که مرض دوام دار، یا آفت دائمی، یا فلج به او رسیده و یا هم بزرگ سالی که با تنهای خود بر وسیله نقلیه قرار گرفته نمی تواند، پس بر بالایش واجب نیست که با تنهای خود فریضه حج را اداء نماید.<sup>(۲)</sup>

ولی فقهای اسلامی اختلاف کردند که آیا صحت بدن شرط برای اصل وجوب است یا هم شرط برای اداء با نفس خود؟

**قول اول:** شافعی ها، حنبلی ها و صاحبین (ابویوسف و محمد) از احناف رحمهم الله می گویند: صحت بدن شرط برای وجوب حج نیست، بنابراین، کسی که صحت بدنش خوب نباشد، یعنی مرض صعب العلاج و غیره داشته باشد، ولی قدرت زاد و راحله را دارد، در این صورت حج کردن از گردن او ساقط نمی گردد، بلکه بالایش حج کردن با ارسال نمودن کسی که نیابت از او نماید، واجب است.<sup>(۳)</sup>

دلیل شافعی ها، حنبلی ها و صاحبین رحمهم الله: پیامبر صلی الله علیه وسلم استطاعت را به زاد و راحله تفسیر کرده است، بنابراین، برای این شخص زاد و راحله است، پس حج بالایش واجب است، طور که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ مَلَكَ زَادًا وَرَاحِلَةً يُبَلِّغُهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَمْ يَحُجَّ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا، وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ {وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا}.<sup>(۴)</sup>

۱- محمد بن عبد الباقي بن يوسف الزرقاني المصري الأزهرى، شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية - القاهرة، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۴هـ - ۲۰۰۳م، ج ۴ ص ۶۶۲.

۲- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۲۵.

۳- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۲۵. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۳۸۵. عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة، أبو محمد موفق الدين الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ۶۲۰هـ)، الكافي في فقه الإمام أحمد، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۴م، ج ۱ ص ۲۱۴.

۴- محمد بن أبي إسحاق إبراهيم بن يعقوب أبو بكر الكلاباذي البخاري، بحر الفوائد المشهور بمعاني الأخبار، المحقق: محمد حسن إسماعيل - أحمد فريد المزدي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۰هـ - ۱۹۹۹م، رقم الحديث ص ۱۳۰. ابن حديث حسن است. جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: ۷۶۲هـ)، تخریج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسیر الكشاف للزمخشري، المحقق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، الناشر: دار ابن خزيمة - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ، رقم الحديث ۲۱۲.

ترجمه: از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: کسی که مالک زاد و راحله است، که او را تا بیت الله می رسانند، ولی حج نمی کند، پس بالایش نیست اینکه یهودی می میرد و یا هم نصرانی و این بدین جهت است که الله متعال می فرماید: **{وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...}** (۱).

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است.

**قول دوم:** امام ابوحنیفه و مالک رحمهما الله می گویند: صحت بدن شرط برای وجوب حج است، بنابراین، حج بالای کسی که فاقد صحت بدن است، واجب نیست، که خودش و یا به نیابت از او شخص دیگر حج نماید. (۲)

استدلال امام ابوحنیفه و امام مالک رحمهما الله: الله متعال می فرماید: **{وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...}** (۳).

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است.

وجه استدلال از آیه: شخصی که صحت بدن خوب ندارد، توان و استطاعت به شکل مستقل ندارد، بنابراین، حج بالای او واجب نیست. (۴)

**قول راجع:** به نظر می رسد که قول جمهور فقهاء راجع به نظر می رسد، زیرا تفسیر استطاعت در حدیث شریف به زاد و راحله شده است، بنابراین، وقتی که یک شخص زاد و راحله دارد، ولی خودش توان رفتن را ندارد، باید شخص دیگر را به نیابت از خود روان نماید، از همین جهت ملا علی القاری حنفی (۵) رحمه الله در کتابش «المناسک» راجع به حج بدل و نیابتی چنین بیان نموده است: مسائل حج بدل فرض:

۱- بر هر فردی که حج فرض شد و زمانه حج را یافت، اما با وجود توان و قدرت بنا بر علی موفق

نشد که حج کند و بعد معذور شد و توانایی حج را از دست داد، در چنین صورتی بر وی لازم

۱- {آل عمران، آیه ۹۷}.

۲- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۲۵. علی الصعیدی العدوی المالکی، حاشیة العدوی علی شرح کفاية الطالب الرباني، تحقیق: یوسف الشیخ محمد البقاعی، الناشر: دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۲هـ، ج ۱ ص ۴۵۶.

۳- {آل عمران، آیه ۹۷}.

۴- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۲۵. حاشیة العدوی علی شرح کفاية الطالب الرباني، ج ۱ ص ۴۵۶.

۵- ملا علی القاری: علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، یکی از محدثین و علمای قرن یازدهم هجری بود، در هرات متولد گردید، سپس به مکه هجرت نمود و نزد ابن حجر مکی که یکی از فقهای حنفی بود درس آموخت، سپس به تالیف مشغول گردید، از جمله تالیفات او المرقاة فی شرح المشکاة، شرح الشفا للقاضي عیاض، الحزب الأعظم فی الأدعية، الناموس فی مختصر القاموس وغیره بود. أبو الطیب محمد صدیق خان بن حسن بن علی ابن لطف الله الحسيني البخاري القنوجي (المتوفی: ۱۳۰۷هـ)، التاج المکمل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸هـ - ۲۰۰۷م، ص ۳۹۰.

است که شخصی را برای انجام فریضه حج از طرف خود بفرستد و بیا وصیت کند که بعد از وفاتش شخصی را برای انجام فریضه حج از طرف او بفرستد.

۲- اگر بعد از استطاعت مالی و قبل از فرا رسیدن ماههای حج فوت نمود در این صورت لازم نیست که وصیت نماید، زیرا که حج از عهده او ساقط شده است.

نیز اگر این شخص در نخستین سالی که حج بر وی فرض گشته بود در همان سال عازم حج شد مگر قبل از انجام مناسک حج وفات یافت حج از ذمه اش ساقط شده و نیازی به وصیت ندارد.<sup>(۱)</sup>

صورت دوم: این است که شخصی او را بازداشت کرده و از رفتن به مکه مکرمه بازدارند.

۳- صورت سوم: این است که به چنان بیماری مبتلا گردد که امید صحت و تندرستی ندارد، مثلاً فلج، کور، یا لنگ شدن و یا ناتوانی بر اثر پیری به حدی رسید که نمی تواند بر سواری سوار شود.

۴- راه امن نیست و رفتن به سفر خطر جانی و مالی دارد.

۵- (به زنان اختصاص دارد) که زن محرمی نیابد که همراه او سفر حج نماید.

در تمام صورتهای مذکوره معذور قرار داده می شود به شرطی که عذرش تا هنگام مرگ ادامه داشته باشد و اگر پیش از مرگ عذرها بر طرف شود و ماههای حج را در آن سال دریابد، اما موفق نشود که حج کند و وفات نماید در این صورت بر وی لازم است که کسی را به حج بدل بفرستد و یا وصیت نماید.

اگر این عذرها تا دم مرگ ادامه داشته باشد وصیت کردن بر وی واجب نیست به شرطی که قبل از معذور شدن زمانه حج را در نیابد، زیرا که با نیافتن شرط فرض ساقط می گردد.<sup>(۲)</sup>

همچنان شخصی که حج را به نیابت انجام می دهد، بهتر است که در نخست خودش حج نموده باشد و کسی که خود حج فرض را اداء نکرده باشد، اگر طوری است که اصلاً بر او حج فرض نشده باشد فرستادن او جهت حج بدل جایز است، اما مکروه تنزیهی یعنی خلاف اولی است و اگر بر این شخص حج فرض باشد و تا کنون ادا نکرده باشد در این صورت برای شخص فرستنده مکروهی تنزیهی و خلاف اولی است که او را به حج بدل بفرستد و برای خود شخص مکروهی تحریمی و ناجایز است زیرا بر ذمه او لازم است هنگامی که برایش سهولت انجام حج میسر حج فرض خود را

۱- علی بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدین الملا الهروی القاری (المتوفی: ۱۰۱۴هـ)، المناسک، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ۱۴۱۳هـ، ص ۱۲۳.

۲- المناسک، ص ۱۲۳ - ۱۲۴.

ادا کند.<sup>(۱)</sup>

خلاصه مشخص گردید که حج نیابتی و بدل با این صفاتی که ذکر گردید، جایز است.

### مطلب چهارم: احکام متغیر حج و عمره در میقات

در این مطلب بعضی از احکام متغیر حج و عمره بیان می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

#### فرع اول: آیا جده میقات است؟

فقهاء معاصر اسلامی از جمله ابن باز رحمه الله<sup>(۲)</sup>، اعضای فتاوی اللجنة الدائمة وغيره، اتفاق دارند که اهل جده، کسانی که در آنجا مقیم هستند و کسانی که در آنجا تشریف می آورند و نیت حج و عمره را ندارند، سپس می خواهند حج و عمره نمایند، جده برای شان میقات است.<sup>(۳)</sup>

اما شخص که به جده می آید و نیت حج یا عمره را قبل از این که به جده برسد دارد، پس این شخص از کجا احرام ببندد؟ آیا جده برایش میقات است و یاخیر؟

فقهاء معاصر در این مورد اختلاف نموده اند، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل اند:

**قول اول:** جده برای هیچ کس از مردم آفاقی میقات نیست، بلکه تنها برای اهل جده و کسانی که در آنجا

مقیم هستند میقات می باشد، این قول ابن باز رحمه الله و اعضاء فتاوی اللجنة الدائمة می باشد.<sup>(۴)</sup>

استدلال نموده اند که جده را پیامبر صلی الله علیه وسلم بحیث میقات تعیین نکرده است، همچنان جده با هیچ کدام از مواقیت محاذی و برابر نیست، از همین جهت امام ماوردی<sup>(۵)</sup> رحمه الله می گوید: (أَنَّهَا دُونَ

۱- المناسک، ص ۱۲۴.

۲- ابن باز (۱۴۲۰ هـ): عبد العزيز بن عبد الله بن عبد الرحمن بن محمد بن عبد الله آل باز، یکی از فقهاء و مفسر مشهور جهان اسلام بود، در ریاض عربستان در سال ۱۳۳۰ هـ متولد گردید و در سال ۱۳۴۶ هـ بینای چشم خود را به سبب درد از دست داد، در زمانش رئیس هیئت کبار علماء سعودی بود، همچنان نایب رئیس جامعه اسلامیة المدینة بود، در برابر بدعت و بدعت کاران موقف شدید داشت، دارای تالیفات کثیره بود از جمله: مجموع فتاوی العلامة عبد العزيز بن باز، مسائل الإمام ابن باز، شرح ثلاثة الأصول، أصول الإيمان وغيره. راشد بن عثمان الزهراني، إتحاف النبلاء بسيرة العلامة، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ج ۲ ص ص ۲۸۳ - ۲۸۵.

۳- عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ۱۴۲۰ هـ)، مجموع فتاوی العلامة عبد العزيز بن باز رحمه الله، أشرف على جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشويعر، الناشر: دار التدمرية، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۸ هـ - ۲۰۰۷ م، ج ۱۷ ص ۳۴. فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، ج ۱۱ ص ۱۲۶. خالد بن عبد العزيز الهويسين، مذكرة الحج (أكثر من ۶۷۵ مسألة فقهية في الحج) جمعها تلميذه: أبو مجاهد المضیانی، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ص ۷۶.

۴- مجموع فتاوی العلامة عبد العزيز بن باز رحمه الله، ج ۱۷ ص ۳۴. فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، ج ۱۱ ص ۱۲۶.

۵- ماوردی (۳۶۴ - ۴۵۰ هـ = ۹۷۴ - ۱۰۵۸ م)، علي بن محمد حبيب، أبو الحسن ماوردی، یکی از فقهای مذهب شافعی و مجتهدش بود، در بصره متولد گردید، سپس به بغداد رفت و در مناطق مختلف به حیث قاضی در زمان خلافت القائم بأمر الله ایفاء وظیفه نموده است و در بغداد وفات یافت، تالیفات زیاد از خود بجا گذاشت از جمله: أدب الدنيا والدين، الأحكام السلطانية، النکت والعيون في تفسير القرآن، الحاوي الكبير في فقه الشافعية، نصيحة الملوك، تسهيل النظر في سياسة الحكومات، أعلام النبوة، معرفة الفضائل، الأمثال والحكم، الإقناع في الفقه، قانون الوزارة بعنوان أدب الوزير،

المَوَاقِيتِ).<sup>(۱)</sup> ترجمه: جده غیر از مواقیت است.

**قول دوم:** جده برای تمام مردمان آفاقی، میقات است، این قول از «مجمع الفقه الإسلامي» نقل شده است.<sup>(۲)</sup> دلیل این که جده برای تمام مردمان آفاقی میقات است، زیرا جده محاذی و برابر با میقات «یلملم» است، وقت که برابر با میقات یلملم است، پس میقات است، از همین جهت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «هُنَّ لَهُنَّ، وَلَمَنْ أَتَى عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِهِنَّ مِمَّنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ، فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلٌ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: این میقاتها (ذو الحلیفه، جحفه، قرن المنازل، یلملم و ذات عرق) برای بیان جهت‌های مذکور است و برای کسانی که اهل این مناطق نیستند و به منظور ادای حج و عمره می‌خواهند از یکی از این جهات برای ورود به مکه ی مکرمه عبور کنند، کسانی که بعد از این میقاتها زندگی می‌کنند اگر خواستند محرم شوند از محل سکونت خود محرم می‌شوند، حتی اهل مکه از خود مکه محرم می‌شوند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که این میقاتها (ذو الحلیفه، جحفه، قرن المنازل، یلملم و ذات عرق) برای بیان جهت‌های مذکور است، بنابراین، جده یکی از جهت‌های یلملم است. **قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می‌رسد که قول دوم که قایل است جده برای تمام مردمان آفاقی، میقات است، راجح می‌باشد، زیرا در صحیح البخاری آمده است: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: لَمَّا فُتِحَ هَذَا الْمِصْرَانِ أَتَوْا عُمَرَ، فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّ لِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنًا»، وَهُوَ جَوْزٌ عَنِ طَرِيقِنَا، وَإِنَّا إِنْ أَرَدْنَا قَرْنًا شَقَّ عَلَيْنَا، قَالَ: فَانظُرُوا حُدُوهَا مِنْ طَرِيقِكُمْ، فَحَدَّ لَهُمْ ذَاتَ عِرْقٍ.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است، که فرمود: وقت که این دو شهر (کوفه و بصره) فتح گردید، مردم نزد عمر رضی الله عنه آمدند و گفتند: ای امیرالمؤمنین! رسول الله صلی الله علیه وسلم

سیاسة الملك وغيره. أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ۷۷۴هـ)، طبقات الشافعيين، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاريخ النشر: ۱۴۱۳ هـ - ۱۹۹۳ م، ج ۱ ص ۴۱۸. تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي (المتوفى: ۷۷۱هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۳هـ، ج ۵ ص ۲۶۷.

۱ - علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، أبو الحسن، الشهير بالماوردي (المتوفى: ۴۵۰هـ)، الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي وهو شرح مختصر المزني، المحقق: الشيخ علي محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۴ ص ۷۵.

۲ - منظمة المؤتمر الاسلامي بجدة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدة، أعضاها للشاملة: أسامة بن الزهراء، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع، ج ۲ ص ۱۸۶۲.

۳ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۱۰۲۴. صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۱۸۱.

۴ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۱۰۳۱.

برای اهل نجد، قرن را منحیث میقات مشخص کرد و قرن از مسیر ما خلاف است و اگر ما قرن را اراده کنیم، بر بالای ما سخت تمام می شود، عمر رضی الله عنه فرمود: محاذی و جهت او را که در راه تان برابر است، نظر کنید، پس برای شان «ذات عرق» را مشخص کرد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که عمر رضی الله عنه برای مردمان کوفه و بصره محاذی و جهت میقات را که «ذات عرق» بود، مشخص کرد و این دلالت دارد بر اینکه «جده» میقات نیست، ولی محاذی و برابر میقات «یلملم» قرار دارد، بنابراین، اشخاص که از بیرون وارد جده می شوند، می توانند از جده برای حج و عمره احرام بسته نمایند.

خلاصه: مشخص و واضح گردید که «جده» برای کسانی که از بیرون در آنجا می آیند، میقات است، زیرا در محاذی با میقات «یلملم» قرار دارد.

### فرع دوم: حکم محاذات در میقات

محاذات در لغت: به معنای مقابله و برابری است، گفته می شود: (حَادَيْتُهُ مُحَادَاةً).<sup>(۱)</sup> ترجمه: او را مقابل و برابری او ساختم.

و در اصطلاح: (كَوُنُ الشَّيْئَيْنِ فِي مَكَائِنٍ بِحَيْثُ لَا يَخْتَلِفَانِ فِي الْجِهَاتِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: بودن دو چیز در دو مکان، بشکل که جهات هر دو مختلف نباشند.

فقهاء و علماء در باره مکان احرام شخص که از هیچ کدام از مواقیت که شریعت تعیین نموده است، عبور و مرور می کند، اختلاف نکرده اند، بلکه گفته اند: شخص که از هیچ کدام از مواقیت که شریعت تعیین نموده است، عبور و مرور می کند، از محاذات مواقیت احرام بسته نماید و حتی این قول مورد اجماع فقهاء است.<sup>(۳)</sup>

با این حدیث استدلال نموده اند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: لَمَّا فُتِحَ هَذَا الْمِصْرَانِ أَتَوَا عُمَرَ، فَقَالُوا: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّ لِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنًا»، وَهُوَ جَوْرٌ عَنِ طَرِيقِنَا، وَإِنَّا إِنْ أَرَدْنَا قَرْنًا شَقَّ عَلَيْنَا، قَالَ: فَانظُرُوا حَدَّوَهَا مِنْ طَرِيقِكُمْ، فَحَدَّ لَهُمْ ذَاتَ عِرْقٍ.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است، که فرمود: وقت که این دو شهر (کوفه و بصره)

۱ - أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد الأزدي (المتوفى: ۳۲۱هـ)، جمهرة اللغة، المحقق: رمزي منير بعلبكي، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۸۷م، ج ۲ ص ۱۰۴۸.

۲ - محمد عميم الإحسان المجددي البركتي، قواعد الفقه للبركتي، الناشر: الصدف بيلشرز - كراتشي، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ - ۱۹۸۶، ص ۴۶۹.

۳ - الفتاوى الهندية، ج ۱ ص ۲۳۵. شرح مختصر خليل للخرشي، ج ۱ ص ۳۱۴. مغني المحتاج، ج ۱ ص ۴۸۵. كشاف القناع، ج ۲ ص ۴۷۸.

۴ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۱۵۳۱.

فتح گردید، مردم نزد عمر رضی الله عنه آمدند و گفتند: ای امیرالمؤمنین! رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اهل نجد، قرن را منحیث میقات مشخص کرد و قرن از مسیر ما خلاف است و اگر ما قرن را اراده کنیم، بربالای ما سخت تمام می شود، عمر رضی الله عنه فرمود: محاذی و مقابل او را که در راه تان برابر است، نظر کنید، پس برای شان «ذات عرق» را مشخص کرد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص گردید که عمر رضی الله عنه برای مردمان کوفه و بصره محاذی و جهت میقات را که «ذات عرق» بود، مشخص کرد و این دلالت دارد بر اینکه محاذی و مقابل مواقیت، برای اشخاص که از مواقیت عبور نمی کنند، میقات است.

البته محاذات در مواقیت برای شخص مدار اعتبار است، که از مواقیت که شریعت تعیین نموده است، عبور نمی کند، اما شخص که از میقات معین عبور و مرور می کند، بالایش لازم و واجب است تا از آن میقات احرام بسته نماید و برایش احرام بستن از محاذات جایز نیست، به دلایل ذیل:

دلیل اول: حدیث شریف است: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَفَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْحَلِيفَةِ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ ...»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم برای اهل مدینه ذوالحلیفه، برای اهل شام جحفه را میقات تعیین نمود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اهل شام، جحفه را بحیث میقات تعیین نمود، در حال که مردم شام قبل از «جحفه» با ذوالحلیفه محاذی بودند و این واضح است برای اشخاص که از میقات معین عبور می کنند، جایز نیست تا از محاذی احرام بسته نمایند.

دلیل دوم: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «يُهَلُّ أَهْلُ الْمَدِينَةِ مِنْ ذِي الْحَلِيفَةِ، وَيُهَلُّ أَهْلُ الشَّامِ مِنَ الْجُحْفَةِ، وَيُهَلُّ أَهْلُ نَجْدٍ مِنْ قَرْنٍ». وَقَالَ ابْنُ عُمَرَ: وَيَزْعُمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - قَالَ: «وَيُهَلُّ أَهْلُ الْيَمَنِ مِنْ يَلْمَمٍ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: اهل مدینه از ذوالحلیفه، اهل شام از جحفه و اهل نجد از قرن منازل احرام بسته نمایند. ابن عمر رضی الله عنهما افزود که مردم می گویند: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: و اهل یمن از یلمم احرام ببندند. ولی من این سخن را از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - نشنیده ام.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث هم دیده شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اهل مدینه ذوالحلیفه،

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۲۴. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۱۸۱.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۳۳. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۱۸۲.

را بحیث میقات تعیین نمود، پس اگر محاذات مدار اعتبار می بود، هر آینه برای مردم مدینه راه و مسیر دیگر هم وجود داشت و آن راه و مسیر محاذی با میقات جحفه بود، ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم برای اهل مدینه لازم دید تا احرام شان را از میقات ذوالحلیفه بسته نمایند و این دلالت دارد: اشخاص که دارای میقات معین اند، برای شان جایز نیست تا از محاذی احرام بسته نمایند.<sup>(۱)</sup>

خلاصه: مشخص و واضح گردید که محاذات در میقات برای اشخاص مدار اعتبار است، که از میقات معین و مشخص عبور نمی کنند، اما اشخاص که دارای میقات معین اند و یا از میقات معین عبور و مرور می کنند، جایز نیست تا از محاذات مواقیت احرام بسته نمایند.

### فرع سوم: کدام میقات ها در محاذات مراعات گردد؟

شخص که میقات معین ندارد، وقت که متوجه مکه معظمه می گردد، خالی نیست:

الف: این شخص تنها با یک میقات محاذی است - این گونه اشخاص کم است - پس میقات او همان محاذی این میقات است.<sup>(۲)</sup>

ب: یا این شخص با بیشتر از یک میقات محاذی است - این گونه حالات زیاد است - مثلاً شخص از بین دو میقات از خشکه، یا بحر و یا هوا مرور نماید، مثل شخص که از طرف شمال مکه، متوجه مکه می شود و از بین ذوالحلیفه و جحفه مرور می کند، یا شخص که از طرف شرق مکه می آید و از بین ذوالحلیفه و ذات عرق سیر می کند، یا شخص که از جنوب مکه می آید و از بین یلملم و قرن المنازل سیر می کند، به همین شکل شخص که به طرف مکه می آید و دو میقات در طرف راست و یا طرف چپ او قرار دارد، مثل شخص که از طرف شمال در حالت سوار بر کشتی می آید، این شخص اول با ذوالحلیفه که طرف چپ او قرار دارد محاذی گردیده، سپس با جحفه که طرف چپ او قرار دارد محاذی می گردد، پس در این حالات کدام میقات مراعات گردد؟

فقهاء اسلامی در این مورد اختلاف نموده اند، که خلاصه این اختلاف قرار ذیل است:

قول اول: احناف می گویند: وقت که با یکی از مواقیت محاذی گردید، شخص احرام بسته نماید، ولی بهتر است تا از میقات بعید احرام بسته نماید.<sup>(۳)</sup>

قول دوم: فقهاء مالکی می گویند: وقت که شخص با هر کدام از مواقیت محاذی گردید، بالایش لازم است تا احرام بسته نماید، ولی بستن احرامش از ذوالحلیفه بهتر است، مگر در صورت که از اهل شام، مصر،

۱ - مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدّة، ج ۲ ص ۱۸۶۲.

۲ - تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، ج ۲ ص ۷. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۸۵.

۳ - تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق، ج ۲ ص ۷.



مغرب و امثال آنها باشند، یعنی از کسانی که میقات شان جحفه اند، در این صورت آنها میقات شان را تاخیر نمایند تا وقت که با جحفه محاذی شوند.<sup>(۱)</sup>

قول سوم: قول فقهاء شافعی و حنبلی اند، آنها می گویند: همان میقات که از مکه بعید و دور است، شخص باید از محاذی آن احرام بسته نماید و این به احتیاط نزدیک است.<sup>(۲)</sup>

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول احناف راجح می باشد، به چند دلیل:

۱- وقت که شخص با میقات اول متوصل گردید، لازم است تا از آنجا احرام بسته نماید، تا حرمت و مقام میقات اول حفظ گردد.

۲- همچنان احرام بستن از میقات اول، به احتیاط نزدیک است.

۳- به همین شکل احرام بستن از میقات اول، به طاعت و بنده گی سرعت می دهد، زیرا احرام از میقات اول به حاجی امنیت می دهد، یعنی احرام بستن از میقات اول مانع انجام بعضی از ممنوعات و محظورات از قبیل فساد زمان و کثرت عصیان می گردد.

### فرع چهارم: کیفیت محاذات در میقات

ضرورت است تا مکان و محل محاذات با میقات در قسمت فاصله از مکه مساوی باشد، بنابراین، اگر مکان و محل محاذات با میقات در فاصله داشتن از مکه مساوی نباشد، در این صورت محاذات صدق نمی کند.<sup>(۳)</sup>

شناسای حساب مسافه هر کدام از میقات و محاذی آن با دوری و فاصله از مکه با خط مستقیم باید صورت گیرد، زیرا خط مستقیم فاصله هر کدام از میقات و محاذی آن را بشکل حقیقی و واقعی روشن می سازد، نه فاصله راهای پر خم و پیچ که مردم از آن راه ها عبور می کنند، بخاطرکه این راه ها فاصله را بشکل حقیقی و واقعی آن روشن نمی سازند، پس معلوم گردید که خط مستقیم بهترین راه حل برای بُعد فاصله میان میقات و محاذی آن می باشد.<sup>(۴)</sup>

اسم میقات بر یک وادی و صحرای بزرگ که شامل اعلی، پایین و وسط وادی می گردد، اطلاق می گردد، به همین شکل محاذی میقات شامل منطقه می گردد که با اعلی، پایین و وسط میقات برابر باشد، به همین

۱ - شهاب الدین أبو العباس أحمد بن أحمد بن محمد بن عیسی البرنسی الفاسی، المعروف بـ زروق (المتوفی: ۸۹۹هـ)، شرح زروق علی متن الرسالة لابن أبي زيد القيرواني، الناشر: دار الكتب العلمية، بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۷ هـ - ۲۰۰۶ م، ج ۱ ص ۵۲۶.

۲ - الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي، ج ۴ ص ۷۰. كشف القناع عن متن الإفتاح، ج ۶ ص ۶۹.

۳ - احمد بن محمد الخليل، مسائل في النوازل الحج، شركة اللؤلؤ للطباعة و النشر، بیروت - لبنان، الطبعة الاولى، ۱۴۴۰ هـ - ۲۰۱۹ م، ص ۸۳.

۴ - همان مرجع، ص ۸۳.

طریق، شکل هندسی که معنی محاذات را عملاً ثابت می سازد، شکل دایروی است، یعنی مرکز آن مکه و نصف قطر آن مابین مکه و میقات است، سپس محیط محاذات از طرف راست میقات و شمال آن دور می خورد، پس هر منطقه و مکانی که این صفات را داشت، آن منطقه با میقات محاذی است.<sup>(۱)</sup>

### فرع پنجم: موضوع احرام در صورت جهل از محاذات

این موضوع شامل دو بحث می گردد: الف: مکان احرام در صورت جهل از محاذات و یا اشتباه در آن  
ب: مکان احرام برای شخص که از مواقیت و محاذی آنها عبور نمی کند.

#### الف: مکان احرام در صورت جهل از محاذات و یا اشتباه در آن

جهل و اشتباه در محاذات صورت های متعدد دارد، بعضی وقت جهل از جهت مواقیت است، بعضی وقت جهل از جهت مکان معتبر در حق شخص است و بعضی وقت هم جهل از جهت محل محاذات است، پس هر شخص که با این حالات روبرو می شود، بربالایش لازم است تا در این قسمت احتیاط نماید، یعنی احرام از مکان و محل بسته نماید، که یقین و یا گمان غالب داشته باشد، که این محل و مکان احرام در حق او است، دلیل برای احتیاط کردن آن است: هرگاه یقین برای تشخیص محل احرام برای شخص متعذر گردید، باید به احتیاط عمل کند، تا ترک احتیاط سبب اخلال در مطلوب نگردد، مثل شخص که در تعداد رکعات نماز شک می کند، در این صورت جهت احتیاط بر اقل عمل نماید.<sup>(۲)</sup>

#### ب: عدم محاذات از حیث امکان و تصور

موضوع و محل بستن احرام برای اشخاص که از مواقیت مرور نمی کنند، محاذات مواقیت اند، سوال در اینجا است که اگر شخص از مواقیت و محاذات آنها مرور نمی کند، از کجا احرام برای حج بسته نماید؟ در پاسخ این سوال باید گفت که عدم محاذات با چیزی از مواقیت ممکن است، مثل شخص که از قریه های دور و نزدیک جده می آید، بدون اینکه از «رابغ» و «یللم» بگذرد، زیرا جده در مقابل او است و به جده در حال می رسد که با هیچ کدام از «رابغ» و «یللم» محاذی نمی گردد و این تنها به قریه دور و نزدیک جده خلاصه نمی شود، بلکه مقصود جهت است، از همین جهت بعضی ها به غرب جده تعبیر نموده اند.<sup>(۳)</sup>

۱ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۸۴.

۲ - همان مرجع، ص ۹۰.

۳ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۹۱.

## ج: محل احرام در صورت عدم محاذات

در صورت که شخص با عدم محاذات مواقیت روبرو می گردد، اگر این عدم محاذات محدود و منحصر بر اشخاص باشند که از غرب مکه تشریف می آورند و قصد رسیدن به جده را دارند، بالای شان واجب است تا پیش از رسیدن به مکه، احرام از دو مرحله جهت احتیاط بسته نمایند.<sup>(۱)</sup>

در صورت که عدم محاذات محدود و منحصر بر اشخاص که از غرب مکه تشریف می آورند نباشد، بلکه بر دیگران هم متصور شود، در این صورت بهتر است تا احرام از محل و مکان بسته نمایند که به یکی از مواقیت نزدیکتر می باشند.<sup>(۲)</sup>

## فرع ششم: حکم تجاوز از میقات بدون احرام

شخص که اراده حج و عمره را می کند، بالایش واجب است تا از میقات که مرور می کند احرام بسته نماید، از آن مواقیت که پیامبر صلی الله علیه وسلم تعیین نموده است، اما شخص که از مواقیت مرور می کند و احرام بسته نمی کند، سپس مراجعه نموده و از میقات احرام بسته می کند در این صورت بالایش چیزی لازم نمی گردد، ولی اگر از میقات بدون احرام تجاوز نمود، سپس احرام بسته کرد، بالایش دم لازم می گردد، یعنی بالایش یک دم لازم می گردد و این دم مشخص نیست که از کدام حیوان باشد، بلکه نظر به توانایی اش می باشد، گوسفند باشد، یا سهم هفتم در شتر و یا سهم هفتم در گاو، طوری که عبدالله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: (مَنْ نَسِيَ مِنْ نُسُكِهِ شَيْئًا، أَوْ تَرَكَهُ، فَلْيُهْرَقْ دَمًا).<sup>(۳)</sup> ترجمه: شخص که چیزی از مناسک حج را فراموش کرد، یا ترک کرد، پس یک دم را بریزاند.

وجه استدلال از اثر: در این اثر مشخص شد که اگر در جریان مراسم حج، چیزی از مناسک حج بشکل فراموشی و یا قصدی ترک می گردد، بخاطر جبران این کار، باید دم را ذبح نماید و تجاوز از میقات هم ترک گردیدن یکی از اعمال و وجایب حج است. در صورت که با لباس های عادی اش احرام بسته می کند، سپس با همین لباس هایش مناسک حج را آغاز می کند، بالایش فدیة لازم می گردد و این فدیة یک گوسفند، یا سه روز روزه در حج و یا طعام دادن شش مسکین از مساکین حرم شریف است و این سه چیز اختیاری است و این کفاره است بر شخص که یکی از ممنوعات احرام را انجام می دهد.<sup>(۴)</sup>

۱ - رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۴۷۶.

۲ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۹۱.

۳ - موطأ الإمام مالك، رقم الاثر، ۱۴۰۱. سنن الدارقطني، رقم الاثر ۲۵۳۴. ألبانی رحمه الله این اثر را صحیح می داند. إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل، ج ۴ ص ۲۹۹.

۴ - صغیر بن محمد الصغیر، مذكرة مختصرة فی بعض مسائل و نوازل الحج، دارالفنایس، بیروت، ۲۰۰۳م، ص ۷.

## فصل سوم

مناسک و اعمال حج و عمره در فقه اسلامی

در این فصل مباحث ذیل بحث می‌گردد:

مبحث اول: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

مبحث دوم: احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

## مبحث اول

### مبحث اول: احکام ثابت حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

در این مبحث مطالب ذیل بحث می گردد:

مطلب اول: احرام

مطلب دوم: تلبیه

مطلب سوم: طواف

مطلب چهارم: سعی

مطلب پنجم: وقوف به عرفات

مطلب ششم: گذراندن شب در مزدلفه

مطلب هفتم: رمی جمرات

مطلب هشتم: حلق و تقصیر کردن موی

مطلب نهم: گذراندن شب های تشریق در منی

مطلب دهم: هدیه

مطلب یازدهم: مناسک و اعمال عمره

### مطلب اول: احرام

برای آگاهی از احکام ثابت احرام در حج و عمره و انواع آن، بهتر است تا احرام را در نخست تعریف نموده، سپس احکام آن را بیان می نمایم:

### فرع اول: تعریف احرام

احرام در لغت: به معنای اراده حج کردن، در حرم در آمدن، مجازاً دو تکه لباس نادرخته که در ایام حج یکی را به کمر بندند و دیگری را بر دوش اندازند.<sup>(۱)</sup>

۱ - علی بن اسماعیل بن سیده المرسی أبو الحسن [ت: ۴۵۸ هـ]، المحکم والمحیط الأعظم، المحقق: عبد الحمید هنداوی، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۳ ص ۳۲۹.

همچنان عربها می گویند: (أَحْرَمَ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ فِي الشَّهْرِ الْحَرَامِ، وَأَحْرَمَ: دَخَلَ فِي الْحَرَمِ، وَمِنْهُ حَرَمُ مَكَّةَ، وَحَرَمُ الْمَدِينَةِ، وَأَحْرَمَ: دَخَلَ فِي حُرْمَةِ عَهْدٍ أَوْ مِيثَاقٍ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: شخص احرام نمود، وقت که در شهر حرام داخل گردید. احرام کرد: به حرم داخل شد، از جمله حرم، حرم مکه و مدینه است. و احرام کرد: در حرمت عهد و میثاق داخل گردید.

احرام در اصطلاح فقهاء: ابن عابدین شامی رحمه الله چنین تعریف نموده است: (الدُّخُولُ فِي حُرْمَاتٍ مَخْصُوصَةٍ أَيْ التَّزَامُهَا غَيْرَ أَنَّهُ لَا يَتَحَقَّقُ شَرْعًا إِلَّا بِالنِّيَّةِ مَعَ الذِّكْرِ أَوْ الْخُصُوصِيَّةِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: احرام عبارت از داخل شدن در حرمت های مخصوص است، یعنی التزام و پابندی به آن حرمت ها است، ولی این حرمت ها شرعاً تحقق نمی پذیرد، مگر با نیت همراهی ذکر (تلبیه) یا خصوصیت ها (ارسال هدیه و قلاده کردن بَدَنه).

## فرع دوم: حکم و انواع احرام

در این فرع نخست حکم احرام را بیان نموده، سپس انواع آن را تذکر می دهیم:

### الف: حکم احرام

فقهاء اسلامی اتفاق دارند که احرام یکی از فرایض مناسک است، حج باشد و یا عمره، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: همانا اعمال و کردار به نیت بستگی دارد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که هر عمل به نیت بستگی دارد و یکی از این اعمال حج است، بنابراین، احرام نیت حج را مشخص می سازد.

ولی فقهاء اختلاف دارند که احرام از جمله ارکان حج است و یا شرایط حج، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل اند:

**قول اول:** احناف می گویند: احرام شرط از شرایط صحت حج است، مگر احناف قایل اند که احرام از یک طریق شرط است و از طریق دیگر رکن است، یعنی در ابتدا شرط است و برایش حکم رکن در انتهای داده می شود.<sup>(۴)</sup>

۱ - تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۳۱ ص ۴۵۳.

۲ - رد المختار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۴۷۹.

۳ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱. صحیح مسلم، رقم الحدیث رقم الحدیث ۱۹۰۷.

۴ - الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۲. فتح القدر، ج ۲ ص ۱۳۰.

**قول دوم:** فقهاء مالکی، شافعی و حنبلی می گویند: احرام برای مناسک حج رکن است.<sup>(۱)</sup>

در قسمت اینکه احرام نزد احناف شرط است و این احرام مشابه رکن است، چندین چیز متفرع می گردد:  
اول: احناف احرام به حج را قبل از ماهای حج همراهی کراهیت اجازه داده اند، زیرا احرام نزد آنها شرط است، پس تقدیم شرط بر وقت جایز است.<sup>(۲)</sup>

دوم: اگر شخص متمتع قبل از ماهای حج برای عمره احرام بسته کرد و افعال عمره را، یا رکن آن را و یا اکثر رکن آن را - یعنی چهار گردش از طواف - در ماهای حج انجام داد، نزد احناف این شخص متمتع است.<sup>(۳)</sup>

### **ب: انواع احرام**

انواع احرام سه گونه است:

۱- احرام افراد

۲- احرام قرآن

۳- احرام تمتع.<sup>(۴)</sup>

### **فرع سوم: واجبات و سنت های احرام**

برای احرام واجبات و سنت های وجود دارند، که قرار ذیل اند:

### **الف: واجبات احرام**

برای احرام واجبات وجود دارد، که مناسب است تا این واجبات شناسایی گردد، زیرا شخص که یکی از واجبات احرام را ترک کند، بالایش دم لازم می گردد تا برای فقراء حرم بریزاند، از جهت که در احرامش خلل وارد گردیده است و آن خلل ترک واجب است، بنابراین، واجبات احرام قرار ذیل اند:

۱- احرام باید از مواقیت صورت گیرد، زیرا رسول الله صلی الله علیه و سلم به این کار امر کرده

است و خودش هم انجام داده است.<sup>(۵)</sup>

۲- مردان در وقت بستن احرام از لباس های دوخته شده خالی باشند.<sup>(۶)</sup>

۱ - مواهب الجلیل، ج ۳ ص ۱۴ - ۱۵. نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، ج ۲ ص ۳۹۴. مطالب أولی النهی، ج ۲ ص ۴۴۶.

۲ - رد المحتار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۲ - ۲۰۶.

۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۶۸.

۴ - عبد الله بن محمد بن أحمد أبو محمد الطیار، الحج والعمرة، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة، ص ۴۶.

۵ - همان مرجع، ص ۴۳.

۶ - همان مرجع، ص ۴۳.

## ب: سنت های احرام

برای احرام سنت های وجود دارد، مناسب است تا شخص محرم از این سنت ها محافظت نماید تا حج او موافق سنت مطهر صورت گیرد، این سنت ها قرار ذیل اند:

۱- غسل کردن: پس هر شخص که اراده بستن احرام را می کند، سنت است تا غسل نماید، حتی حیض و نساء، در حدیث شریف آمده است: «إِنَّ النُّفْسَاءَ وَالْحَائِضَ تَغْتَسِلُ وَتُحْرَمُ وَتَقْضِي الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، غَيْرَ أَنْ لَا تَطُوفَ بِالْبَيْتِ حَتَّى تَطْهَرَ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: زنان بعد از زایمان و در حال قاعدگی، اگر اراده حج کنند، باید غسل کنند و احرام ببندند و همه مناسک را انجام دهند جز طواف خانه کعبه، که نباید آن را انجام دهند، تا اینکه از حیض و نفاس پاک می شوند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که زنان بعد از زایمان و در حالت حیض باید غسل کنند و سپس احرام بسته نمایند.

۲- گرفتن ناخن ها، کوتاه کردن بروت، قطع موهای زیر بغل، تراشیدن موهای زیرناف و گرفتن خوشبوی پیش از احرام.<sup>(۲)</sup>

۳- احرام با یک چادر و ازار که سفید و نظیف باشند.

۴- تلبیه و تکرار آن از وقت بستن احرام تا شروع طواف بیت الله.

۵- وقوع احرام بعد از نماز.<sup>(۳)</sup>

## مطلب دوم: تلبیه

یکی دیگر از مناسک و اعمال ثابت حج، تلبیه است، در این مطلب هم نخست تعریف و حکم تلبیه را بیان نموده، سپس الفاظ و مدت آن را تذکر می دهیم:

## فرع اول: تعریف و حکم تلبیه

الف: تلبیه در لغت: به معنای اجابت خواستن ندا کننده است، طوری که ابن منظور افریقی رحمه الله می گوید: (التَّلْبِيَةُ، وَهِيَ إِجَابَةُ الْمُنَادِي أَيِ إِجَابَتِي لَكَ يَا رَبِّ).<sup>(۴)</sup>

۱ - سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۷۴۴. مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۳۴۳۵. این حدیث را امام البانی رحمه الله صحیح می داند: صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۷۴۴.

۲ - رد المختار على الدر المختار، ج ۲ ص ۳۰۰ - ۳۰۱. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۶۲.

۳ - فتح القدير، ج ۲ ص ۱۳۶. شرح الرسالة، ج ۱ ص ۴۵۹. شرح المنهاج، ج ۲ ص ۹۹. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۰۱. المغني، ج ۳ ص ۲۷۵.

۴ - لسان العرب، ج ۱ ص ۷۳۲.



ترجمه: تلبیه عبارت از اجابت نمودن ندا کننده است، یعنی ای رب! اجابت از تو می خواهم.

در اصطلاح: (فَالْمُرَادُ بِهَا قَوْلَ الْمُحْرَمِ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ. أَي: إِجَابَتِي لَكَ يَا رَبِّ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مراد از تلبیه، گفتن محرم است: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ)، یعنی: ای رب! اجابت از تو می خواهم.

ب: حکم تلبیه: تلبیه گفتن شخص محرم سنت است.<sup>(۲)</sup>

در حدیث شریف آمده است: «لَمْ يَزَلِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُلَبِّي حَتَّى رَمَى الْجَمْرَةَ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره تلبیه می گفت؛ تا جمره عقبه را رمی نمود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم همیشه تا رمی جمره عقبه، تلبیه می گفت و این دلالت به سنت بودن آن می کند.

### فرع دوم: الفاظ و مدت تلبیه

الف: الفاظ تلبیه عبارت اند: (لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: خداوندا! آماده و فرمانبردار دستور تو هستم، هیچ شریکی نداری، سپاس و نعمت و قدرت تنها مخصوص تو است و هیچ شریکی نداری.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا أَنَّ تَلْبِيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ».<sup>(۵)</sup>

ترجمه: عبد الله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: صیغه لیبیک گفتن رسول الله صلی الله علیه و سلم چنین بود: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ. یعنی: خداوندا! آماده و فرمانبردار دستور تو هستم، هیچ شریکی نداری، سپاس و نعمت و قدرت تنها مخصوص تو است و هیچ شریکی نداری.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم با کدام الفاظ تلبیه می گفت.

۱ - أحمد بن محمد بن إسماعيل الطحاوي الحنفي سنة الوفاة ۱۲۳۱ هـ، حاشية الطحاوي على مراقي الفلاح، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية ببولاق، مصر، سنة النشر: ۱۳۱۸ هـ، ص ۳۹۹.

۲ - الاختيار لتعليل المختار، ج ۱ ص ۱۴۳. المهذب في فقه الإمام الشافعي، ج ۱ ص ۲۱۱. المغني، ج ۳ ص ۲۸۸.

۳ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۱۶۸۶.

۴ - رد المختار على الدرالمختار، ج ۲ ص ۱۵۹.

۵ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۱۵۴۹.

ب: مدت تلبیه: از جمله امور سنت برای شخص که احرام حج، عمره و یا هردوی آنها را بسته می کند، آن است که وقت که به میقات رسید، دو رکعت نماز به نیت احرام بخواند، سپس بعد از نماز تلبیه را آغاز نماید و با این تلبیه محرم شمرده می شود و بر بالایش احکام احرام مرتب می گردد.<sup>(۱)</sup>

ختم تلبیه با رمی جمره عقبه پایان می یابد، طوری که در حدیث شریف آمده است: «لَمْ يَزَلِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُلَبِّي حَتَّى رَمَى الْجَمْرَةَ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم همواره تلبیه می گفت؛ تا جمره عقبه را رمی نمود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم تلبیه را تا جمره عقبه ادامه می داد و با رمی جمره عقبه، تلبیه را خاتمه می داد.

### مطلب سوم: طواف

یکی دیگر از مناسک و اعمال ثابت حج طواف است، بنابراین، در این مطلب نخست حقیقت و مکان طواف را بیان نموده، سپس حکم و دلیل وجوب طواف را ذکر نموده، متعاقباً انواع و شروط طواف را ذکر نموده، سپس سنت های طواف را و در اخیر مکروهات طواف را بیان می نمایم:

### فرع اول: حقیقت و مکان طواف

الف: حقیقت طواف: طواف در لغت: دوران در اطراف یک چیز را گفته می شود، طوری که عربها می گویند: (طَافَ حَوْلَ الْكُعْبَةِ وَبِهَا يَطُوفُ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: اطراف کعبه دوران نمود و به اطراف کعبه دوران می کند.

در اصطلاح: (الطَّوْفُ: هُوَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: طواف عبارت از دوران در اطراف بیت الحرام است.

ب: مکان طواف: مکان طواف اطراف بیت الله الحرام است، طوری که الله متعال می فرماید: { وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ }.<sup>(۵)</sup>

ترجمه: و خانه قدیمی و گرامی الله را طواف نمایند.

۱ - الفتاوى الهندية، ج ۱ ص ۲۲۳. المغني، ج ۳ ص ۲۷۵. المهذب في فقه الإمام الشافعي، ج ۱ ص ۲۱۲. جواهر الإكليل، ج ۱ ص ۱۷۷.

۲ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۱۶۸۶.

۳ - لسان العرب، ج ۹ ص ۲۲۵.

۴ - قواعد الفقه للبركتي، ص ۳۶۵.

۵ - {الحج، آیه ۲۹}.

## فرع دوم: حکم و دلیل وجوب طواف

الف: حکم طواف: طواف دارای انواع مختلف است، که یکی از آنها طواف افاضه است، طواف افاضه رکن از ارکان حج است و حج بدون آن تمام نمی‌گردد، در صورتی که حاجی آن را انجام ندهد در زمه اش باقی می‌ماند تا به آن بیاید و این مورد اتفاق اهل علم است، طوری که ابن رشد<sup>(۱)</sup> رحمه الله در کتابش «بداية المجتهد» می‌گوید: (وَأَجْمَعُوا عَلَى أَنَّ الْوَأَجِبَ مِنْهَا الَّذِي يَفُوتُ الْحَجَّ بِفَوَاتِهِ هُوَ طَوَافُ الْإِفَاضَةِ، وَأَنَّهُ الْمَعْنَى بِقَوْلِهِ تَعَالَى: {ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَنَّهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ} [الحج: ۲۹]).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: فقهاء اسلامی اجماع نموده اند که واجب از طواف ها، که حج با فوت شدن او فوت می‌گردد، طواف افاضه است و این معنای این قول الله متعال است: {ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَنَّهُمْ وَلِيُؤْفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ}.<sup>(۳)</sup> ترجمه: بعد از آن باید آلودگی ها [و چرك و كثافات] را از خود برطرف سازند، و به نذرهای خویش وفا کنند و خانه قدیمی و گرامی الله را طواف نمایند.

همچنان امام کاسانی رحمه الله در کتابش «بدائع الصنائع» می‌گوید: (وَكَذَا الْأُمَّةُ أَجْمَعَتْ عَلَى كَوْنِهِ رُكْنًا، وَيَجِبُ عَلَى أَهْلِ الْحَرَمِ، وَعَيْرِهِمْ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: به همین شکل امت اجماع نموده اند که طواف افاضه رکن حج است و بر بالای حرم و غیر حرم واجب است.

ب: دلیل وجوب طواف: فرضیت طواف در قرآن کریم، سنت نبوی و اجماع امت ثابت است، طوری که الله متعال می‌فرماید: {وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ}.<sup>(۵)</sup>

ترجمه: و خانه قدیمی و گرامی الله را طواف نمایند.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا قَالَتْ: حَجَجْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَفْضْنَا يَوْمَ النَّحْرِ، فَحَاضَتْ صَفِيَّةُ، فَأَرَادَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْهَا مَا يُرِيدُ الرَّجُلُ مِنْ أَهْلِهِ، فَقُلْتُ: يَا

۱ - ابن رشد (۵۲۰ - ۵۹۵ هـ = ۱۱۲۶ - ۱۱۹۸ م) محمد بن أحمد بن محمد بن أحمد بن رشد، القرطبي، أبو الوليد، مشهور به ابن رشد حفيد یکی از فقهاء مشهور مالکی ها و فیلسوف زمانش بود، اصلش از قرطبه بود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: التحصيل في اختلاف مذاهب العلماء، بداية المجتهد ونهاية المقتصد في الفقه، وغيره. عبد الحي بن أحمد بن محمد ابن العماد العكري الحنبلي، أبو الفلاح (المتوفى: ۱۰۸۹ هـ)، شذرات الذهب في أخبار من ذهب، حقه: محمود الأرنؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۴ ص ۳۲۰.

۲ - بداية المجتهد ونهاية المقتصد، ج ۲ ص ۱۹۲.

۳ - {الحج، آیه ۲۹}.

۴ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۸.

۵ - {الحج، آیه ۲۹}.

رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهَا حَائِضٌ، قَالَ: أَحَابِسْتُنَا هِيَ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهَا أَفَاضَتْ يَوْمَ النَّحْرِ، قَالَ: «أَخْرُجُوا».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: عایشه رضی الله عنها می فرماید: با پیامبر صلی الله علیه و سلم حج کردیم، روز عید قربان خروشان از صحراي مني به سوي مکه سرازير شدیم، صفيه رضی الله عنها عادت ماهیانه شد، و پیامبر صلی الله علیه و سلم قصد داشت با ایشان همبستر شود، به ایشان گفتم: یا رسول الله، صفيه عادت است، فرمود: آیا او می خواهد (با انجام ندادن طواف افاضه به دلیل عادت ماهیانه) ما را (در مکه) نگه دارد؟ به ایشان گفتند: او روز عید قربان طواف افاضه را انجام داده است، فرمود: از مکه خارج شوید.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث دلالت می کند که طواف افاضه فرض است، اگر فرض نمی بود، پیامبر صلی الله علیه و سلم مانع برآمدن از مکه بخاطر صفيه نمی شد، همین که برایش خبر می دهد که صفيه رضی الله عنها طواف افاضه را انجام داده است، پیامبر صلی الله علیه و سلم دستور به خروج از مکه را می دهد.

به همین شکل در مورد فرضیت طواف افاضه اجماع صورت گرفته است.<sup>(۲)</sup>

## فرع سوم: انواع و شروط طواف

**الف: انواع طواف:** طواف دارای انواع مختلف می باشد، که تفصیل آن قرار ذیل است:

- ۱- طواف قدوم: این طواف را بنام طواف ورود، طواف لقاء نیز مسمی می کنند و برای کسانی که از بیرون داخل مسجد الحرام می گردند، سنت است، بخاطر تحیه و تعظیم بیت الله شریف.<sup>(۳)</sup>
- ۲- طواف عمره: این طواف یکی از ارکان عمره است، شخص که عمره می کند، اول مرتبه باید وقتی که به بیت الله متصل گردید، این طواف را انجام دهد، این طواف عمره کننده را از طواف قدوم غنی می گرداند.<sup>(۴)</sup>
- ۳- طواف افاضه: این طواف را بنام طواف زیارت هم می گویند، این طواف رکن از ارکان حج است، حاجی بعد از پایان شدن از عرفات و مزدلفه، رمی جمره عقبه و تراشیدن یا کوتاه کردن موی انجام می دهد.<sup>(۵)</sup>
- ۴- طواف وداع: این طواف از جمله واجبات حج به شمار می رود، بالای حاجی واجب است، وقتی

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۷۳۳.

۲ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۸.

۳ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۰۳.

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۹.

۵ - همان مرجع، ج ۲ ص ۱۲۸.

که اراده سفر از مکه بعد از فراغت از اعمال حج را به طرف وطن خود می کند، انجام دهد، اگر این طواف را حاجی انجام ندهد، بالای حاجی دم لازم می گردد، جز از حیض و نساء از دیگران ساقط نمی گردد.<sup>(۱)</sup>

**ب: شروط طواف:** برای طواف شرایط وجود دارد، که این شرایط باید در وقت طواف مراعات گردد، که این شرایط قرار ذیل اند:

- ۱- نیت طواف در شروع طواف.
- ۲- طهارت داشته باشد، لباس و بدنش از نجاست پاک باشد.
- ۳- در وقت طواف ستر عورت داشته باشد.
- ۴- طواف از داخل مسجد الحرام صورت گیرد، در صورت که خارج از مسجد الحرام انجام دهد، صحیح نمی باشد.
- ۵- طواف در اطراف بیت الله شریف صورت گیرد.
- ۶- در وقت طواف، بیت الله به طرف چپ حاجی قرار داشته باشد.
- ۷- طواف را از حجر الاسود آغاز نماید.
- ۸- طوافش دارای هفت دور و گردش باشد.
- ۹- در گردش و طواف موالات و پی در پی را در نظر گیرد.<sup>(۲)</sup>

### فرع چهارم: سنت های طواف

برای انجام طواف تعداد از سنت ها وجود دارد، که قرار ذیل اند:

- ۱- با سرعت و شتاب (رمل) انجام دادن سه گردش اول طواف قدوم، برای مردان سنت است، ولی در این سرعت کسی نباید ادیت ببیند.<sup>(۳)</sup>
- ۲- اضطباع، یعنی یکی از دو بازوان خود را آشکار ساخت، ردای خود را زیر بغل راست گذارد و با آن بغل سمت چپ را بپوشاند، این سنت هم خاص برای مردان و در طواف قدوم است.<sup>(۴)</sup>
- ۳- بوسیدن سنگ حجر الاسود در شروع طواف، در صورت که برای حاجی مساعد می گردد و در

۱- فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۰۳ - ۳۰۴.

۲- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۰ - ۱۳۱. حاشیة العدوی علی شرح کفاية الطالب الربانی، ج ۱ ص ۴۶۶. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۰۷. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۸۵.

۳- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۱.

۴- لجنة علماء برئاسة نظام الدين البخاري، الفتاوى الهندية، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۳۱۰ هـ، ج ۱ ص ۲۲۴.

صورت که برای حاجی از جهت ازدهام مساعد نمی گردد، دست خود را بسوی اشاره نماید و بس. (۱)

- ۴- گفتن الله اکبر است در وقت که حاجی با حجر الاسود رو برو می گردد، در هر دور از طواف. (۲)
- ۵- پیاده طواف نمودن در صورت که قدرت پیاده رفتن برای حاجی مساعد باشد و در صورت که قدرت پیاده گشتن وجود ندارد، سواره طواف نماید. (۳)
- ۶- سخن نگفتن در جریان طواف، مگر سخن ضرورت.
- ۷- دعا، ذکر و تلاوت قرآن در جریان طواف.
- ۸- بوسیدن رکن یمانی با دست.
- ۹- خواندن دو رکعت نماز بعد از طواف در مقام ابراهیم. (۴)

### فرع پنجم: مکروهات و حکمت طواف

الف: مکروهات طواف: برای طواف کننده مکروه است که در حالت طواف، امورات ذیل را انجام دهد:

- ۱- اینکه انگشتانش را میان هم داخل نماید و یا صدای انگشتانش را بکشد.
- ۲- اینکه هر دو دستش را در پشتش بگرداند.
- ۳- چیزی بخورد، بنوشد و یا خنده نماید.
- ۴- در حالت طواف نماید که محصور به بول، غایط و امثال آن باشد. (۵)
- ۵- سخن های اضافی و بیهوده.
- ۶- گذاشتن طواف کننده دستش را بالای دهانش. (۶)

ب: حکمت طواف: از جمله کرامت مسلمان که پروردگار برایش نصیب نموده است، آن است که برخی عبادات را مشروع نموده است تا روح مسلمان را تکمیل نماید و او را تزکیه نماید و برایش سعادت در دنیا و آخرت را محقق گرداند، پس این عبادات که ملائیکه به آنها ایستاد می شوند، مثل نماز، ذکر، تسبیح و طواف بیت الله شریف، در این هیچ جای شک نیست که این کارها نهایت تکریم و احترام برای این مخلوق

۱- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲ ص ۱۴۸.

۲- همان مرجع، ج ۲ ص ۱۳۲.

۳- رد المحتار علی الدرالمختار، ج ۲ ص ۲۲۷.

۴- بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۱.

۵- اللباب في شرح الكتاب، ص ۱۱۲. المجموع، ج ۸ ص ۵۳.

۶- اللباب في شرح الكتاب، ص ۱۱۳.

ضعیف است، تا جای که ملائیکه مقربین که همه شان مشغول و مصروف طاعت پروردگار هستند، به خدمت مسلمان قرار می گیرند.<sup>(۱)</sup>

این از جهت طواف کننده است، اما از جهت بیت الله شریف، هرگاه منزلت بیت الله از بزرگی، احترام و تعظیم خاص برخوردار است و هم شریف ترین مکان در روی زمین است، اولین خانه است که برای مردم ساخته شده است، پس از جمله آداب خوب و مزایای حمیده است تا حاجی و عمره کننده او را طواف نماید، از جهت عبادت برای کسی که این مکان را شرف، فضل و ارزش داده است، همچنان از جهت بجا آوری و انقیاد برای کسی که به طواف این مکان امر نموده است، همچنان از جهت تعقیب نمودن روش کسی که این کار را انجام داده است و ندای خالقش را لیبیک گفته است، پس طواف در بیت الله محض طاعت، پیروی و انقیاد از طرف پروردگار این خانه است.<sup>(۲)</sup>

### مطلب چهارم: سعی

در این مطلب هم نخست حقیقت سعی را واضح می سازم، سپس دلیل وجوب سعی را بیان نموده، به همین شکل حکم، شرایط، سنت ها و مکروهات سعی را تذکر داده را بیان می نمایم:

### فرع اول: حقیقت و دلیل وجوب سعی

الف: حقیقت سعی: سعی در لغت: مصدر است و از (سَعَى يَسْعَى سَعْيًا) گرفته شده است، به معنای کوشید و کار کرد، راه رفت و دوید، (سَعَى إِلَيْهِ): بسوی آن کوشش نمود، (سَعَى فِي حَاجَةِ الرَّجُلِ): نیازمندی آن مرد را بر آورده کرد، (سَعَى لِلْأَمْرِ): برای بدست آوردن آن کار همت گماشت،- (سَعَى لِإِعْيَالِهِ): برای خانواده ی خود کسب روزی کرد.<sup>(۳)</sup>

سعی در اصطلاح: (قَطْعُ الْمَسَافَةِ الْكَائِنَةِ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ سَبْعَ مَرَّاتٍ ذَهَابًا وَإِيَابًا بَعْدَ طَوَافٍ فِي نُسُكٍ حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: سعی عبارت از قطع و پی مودن مسافه ثابت بین صفا و مروه با هفت مرتبه رفتن و آمدن، بعد از طواف در مناسک حج یا عمره است.

ب: دلیل وجوب سعی: وجوب سعی بین صفا و مروه در کتاب الله و سنت نبوی ثابت است، که تفصیل آن

۱ - الحج والعمرة، ص ۵۵.

۲ - همان مرجع، ص ۵۶.

۳ - القاموس المحيط، ج ۱ ص ۱۲۹۵.

۴ - باتلاش و کوشش که کردم، تعریف سعی را در کتابهای قدیم نیافتم، اما الموسوعة الفقهية الكويتية، این تعریف را برای سعی تذکر داده است. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، الطبعة الثانية، دار السلاسل - الكويت، ۱۴۲۷ هـ، ج ۲۵ ص ۱۱.

قرار ذیل است:

الله متعال می فرماید: **{إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: صفا و مروه از شعائر و نشانه های خدا است، بنابراین، کسانی که حج خانه خدا و یا عمره انجام می دهند، مانعی ندارد بر آن دو طواف کنند (و سعی صفا و مروه انجام دهند، هرگز اعمال بی رویه مشرکان که بتهایی بر این دو کوه نصب کرده بودند از موقعیت این دو مکان مقدس نمی کاهد) و کسانی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کنند، خداوند در برابر عمل آنها شکرگزار و از افعال آنها آگاه است.

همچنان در حدیث شریف آمده است: **عَنْ عَائِشَةَ: «مَا أْتَمَّ اللَّهُ حَجَّ امْرِئٍ وَلَا عُمْرَتَهُ لَمْ يَطْفُفْ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ»**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است، که فرمود: الله متعال حج و عمره یک شخص را تمام نمی گرداند، که طواف بین صفا و مروه را انجام ندهد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح شده است، که حج و عمره یک شخص در صورت تمام می گردد که بین صفا و مروه سعی نماید.

### فرع دوم: حکم، شرایط، سنت ها و مکروهات سعی

الف: حکم سعی: سعی بین صفا و مروه واجب است، از همین جهت ابن همام حنفی<sup>(۳)</sup> رحمه الله می گوید: **(أَنَّ السَّعْيَ وَاجِبٌ فِي الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، وَلَيْسَ بِرُكْنٍ فِيهِمَا، فَمَنْ تَرَكَهُ لِغَيْرِ عُدْرٍ وَجَبَ عَلَيْهِ الدَّمُ، وَإِنْ تَرَكَهُ لِغُدْرٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ)**.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: سعی در حج و عمره واجب است و رکن در حج و عمره نمی باشد، پس شخص که بدون عذر سعی

۱ - {البقرة، آیه ۱۵۸}.

۲ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۷۷.

۳ - ابن همام حنفی (۷۹۰ - ۸۶۱ هـ = ۱۳۸۸ - ۱۴۵۷ م)، محمد بن عبد الواحد بن عبد الحمید ابن مسعود، سیواسی، اسکندری، کمال الدین، مشهور به ابن همام حنفی، یکی از امام و فقیه احناف است، آگاه به اصول دین، تفسیر، فرائض، فقه، حساب، لغت، موسیقی و منطق بود، از اصلش از سیواس و تولدش در اسکندر و نبوغش در قاهره شده است. بالاخره در قاهره وفات یافت، دارای تألیفات زیاد است از جمله: فتح القدير في شرح الهداية، التحرير في أصول الفقه، المسائرة في العقائد المنجية في الآخرة، زاد الفقير مختصر في فروع الحنفية و غيره. عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر: دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ۱۳۸۷ هـ - ۱۹۶۷ م، ج ۱ ص ۴۷۴.

۴ - فتح القدير، ج ۲ ص ۱۵۷.



- را ترک می کند، بربالایش دم واجب می گردد و اگر از جهت عذر ترک کرد، بالایش چیزی نیست.
- ب: شرایط سعی: برای صحت سعی بین صفا و مروه شرایط وجود دارند، که این شرایط قرار ذیل اند:
- ۱- اینکه سعی بعد از طواف صحیح صورت گیرد، برابر است طواف قدوم باشد، یا طواف عمره و یا طواف افاضه.
  - ۲- مراعات ترتیب بین صفا و مروه، بشکل که از صفا شروع نموده و به مروه ختم نماید.
  - ۳- سعی هفت گردش کامل باشد.
  - ۴- اینکه تمام مسافه بین صفا و مروه را قطع نماید، اگر یکی از گردش هارا نیمه تمام گذارد، سعی اش صحیح نمی باشد.<sup>(۱)</sup>
- ج: سنت های سعی: قرار ذیل اند:
- ۱- اینکه بسوی صفا از باب صفا خارج گردد.
  - ۲- بعد از طواف، مستقیماً به سعی بیاید.
  - ۳- حاجی سعی را با طهارت انجام دهد، همچنان سترعورت و طهارت لباس و بدن را در نظر گیرد.
  - ۴- با هرباری که به صفا و مروه بلند می شود، بیت الله را مشاهده نماید.
  - ۵- روبرطرف قبله نماید، هرگاه به صفا و مروه بلند شد، همراهی دعا، تکبیر و تهلیل (لااله الاالله).
  - ۶- سعی شدید بین «میلین اخضرین» در هفت گردش شان نماید و این خاص به مردان است، اما زنان سعی شدید نکنند.
  - ۷- اینکه سعی بشکل پیاده نماید، اگر نیازمند به سوارشدن پیدا کرد، مانع نیست.
  - ۸- هفت گردش را پی در پی انجام دهد و بدون حاجت پی در پی را قطع نکند.<sup>(۲)</sup>
- د: مکروهات سعی قرار ذیل اند:
- ۱- توقف در اثنای سعی بدون عذر.
  - ۲- نشستن بر صفا و مروه بدون عذر.
  - ۳- بدون حاجت و ضرورت خودرا مشغول نظارت به سعی کننده گان نمودن.<sup>(۳)</sup>

۱ - بدایة المجتهد، ج ۱ ص ۳۵۴. کشاف القناع، ج ۲ ص ۵۲۱.

۲ - المجموع، ج ۸ ص ۸۱. المقنع، ج ۱ ص ۴۴۷.

۳ - المجموع، ج ۸ ص ۸۲. المقنع، ج ۱ ص ۴۴۷.

## مطلب پنجم: وقوف به عرفات

در این مطلب هم احکام ثابت که مربوط به وقوف عرفات می گردد، بیان می نمایم، بنابراین، نخست حقیقت وقوف به عرفات را بیان نموده، سپس دلیل فرضیت آن را تذکر می دهم، متعاقباً حکم آن را بیان نموده، سپس شرایط و واجبات وقوف به عرفه را تذکر داده و در اخیر مسائل نوازل عرفه را بیان می کنم:

### فرع اول: حقیقت وقوف به عرفه و دلیل فرضیت آن

الف: حقیقت وقوف به عرفه: حضور به عرفات با نیت وقوف، ولو که یک لحظه هم باشد، برابر است حاجی در این وقوف ایستاده باشد، یا نشسته و یا هم سواره، برابر است عالم به وقوف به عرفات باشد و یاخیر، وقت این وقوف از وقت زوال آفتاب روز نهم ذی الحجه آغاز شده و تا طلوع صبح شب دهم ذی الحجه پایان می یابد.<sup>(۱)</sup>

ب: دلیل فرضیت وقوف به عرفه: فرضیت وقوف به عرفه در قرآن کریم، سنت و اجماع امت ثابت گردیده است، که قرار ذیل است:

در قرآن کریم: الله متعال می فرماید: **{ وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا }**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است.

وجه استدلال از این آیه: در حدیث شریف آمده است: «الْحَجُّ عَرَفَةُ».<sup>(۳)</sup> ترجمه: حج عرفه است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که حج وقوف به عرفه است، پس این دستور الله متعال که حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است، منظورش وقوف به عرفه است.

همچنان الله متعال می فرماید: **{ ثُمَّ اَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ }**.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید!

وجه استدلال از آیه: در تفسیر این آیه، حدیث شریف است: عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللهُ عَنْهَا: «كَانَتْ قُرَيْشٌ وَمَنْ دَانَ دِينَهَا يَقْفُونَ بِالْمُزْدَلِفَةِ، وَكَانُوا يُسَمُّونَ الْحُمْسَ، وَكَانَ سَائِرُ الْعَرَبِ يَقْفُونَ بِعَرَفَاتٍ، فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامُ أَمَرَ اللهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ، ثُمَّ يَقِفَ بِهَا، ثُمَّ يُفِيضُ مِنْهَا» فَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: **{ ثُمَّ اَفِيضُوا مِنْ**

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۵. بدایة المجتهد، ج ۱ ص ۳۵۵.

۲ - {آل عمران، آیه ۹۷}.

۳ - سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۹۴۹. ألباني رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۹۴۹.

۴ - {البقرة، آیه ۱۹۹}.

حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ {البقرة: ۱۹۹}.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: عایشه رضي الله عنها مي گوید: قریش و هم کیشانشان در مزدلفه، وقوف مي کردند و به آنها خمس (متعصب و تندرو) مي گفتند. اما ساير اعراب در عرفات، وقوف مي کردند. پس هنگامي که اسلام آمد، خداوند به پیامبرش دستور داد تا به عرفات برود و در آنجا وقوف کند. سپس از آنجا روانه (مزدلفه) شود. پس اين تفسير اين قول الله متعال است: { تَمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ }.<sup>(۲)</sup> ترجمه: سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند، (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید!

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که الله متعال به پیامبرش دستور داده است تا به عرفات برود و در آنجا وقوف کند و این دلالت بر فرضیت وقوف به عرفه می نماید. همچنان در سنت نبوی فرضیت وقوف به عرفه ثابت است، طوری که در حدیث شریف آمده است: «الْحَجُّ عَرَفَةٌ».<sup>(۳)</sup> ترجمه: حج عرفه است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شد که حج وقوف به عرفه است و این دلالت بر فرضیت آن می کند.

به همین شکل کاسانی رحمه الله می گوید: (وَكَذَا الْأُمَّةُ أَجْمَعَتْ عَلَى كَوْنِ الْوُقُوفِ رُكْنًا فِي الْحَجِّ).<sup>(۴)</sup> ترجمه: به همین شکل امت اجماع نموده اند که وقوف به عرفه رکن در حج است.

## فرع دوم: حکم و رکن وقوف به عرفه

امت اسلامی اجماع نموده اند که وقوف به عرفه رکن از ارکان حج است، حج یک مسلمان تمام نمی شود مگر با وقوف به عرفه، در صورت که از حاجی این رکن فوت گردد، بشکل که صبح دهم ذی الحجه طلوع نماید و این شخص به عرفه وقوف نکند، در این صورت این شخص حلاله نماید و حج او به عمره مبدل می گردد و از او توابع وقوف به عرفه مثل گذراندن شب در مزدلفه، منی و رمی جمرات ساقط می گردد، پس طواف، سعی، حلق یا قصر نماید و بربالایش است تا حج را سال بعد قضایی بیاورد، ولو که حج نفلی هم باشد و بربالایش لازم است تا یک گوسفند را ذبح نماید و در صورت که گوسفند پیدا نکرد، سه روز در حج و هفت روز وقتی که به وطنش برگشت روزه بگیرد.<sup>(۵)</sup>

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۴۰۲۰. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۱۹.

۲ - {البقرة، آیه ۱۹۹}.

۳ - سنن أبي داود، رقم الحدیث ۱۹۴۹. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحدیث ۱۹۴۹.

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۵.

۵ - بداية المجتهد، ج ۱ ص ۳۳۵.

## فرع سوم: شرایط و واجبات وقوف به عرفه

الف: شرایط وقوف به عرفه: برای وقوف به عرفه شرایط وجود دارند، که بعضی از این شرایط به مکان و بعضی دیگرشان به زمان تعلق دارند، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

۱- شرایط مکانی برای وقوف به عرفه:

فقهاء اسلامی اجماع نموده اند، براینکه عرفات با محدوده معروف آن، تمامش موقوف است، پس در هر جای که حاجی وقوف نماید، حج او صحیح می گردد، اما بطن عرنه از جمله عرفات نیست، بنابراین، وقوف در آنجا صحیح نیست.<sup>(۱)</sup>

۲- شرایط زمانی برای وقوف به عرفه:

فقهاء اسلامی اتفاق نموده اند، که آخر وقت وقوف طلوع صبح روز دهم ذی الحجه است، اما اول وقت وقوف از زوال آفتاب، روز نهم ذی الحجه که روز عرفه هم مسمی است آغاز می گردد.<sup>(۲)</sup>

ب: واجبات وقوف به عرفه: برای وقوف به عرفه یک واجب وجود دارد و آن اینکه در وقوف به عرفه بین شب و روز برای شخص که روز وقوف نموده جمع نماید، اما شخص که وقوف به عرفه را در شب نموده است، پس حج او صحیح و چیزی بربالایش لازم نمی گردد.<sup>(۳)</sup>

### مطلب ششم: گذراندن شب در مزدلفه

در این مطلب هم نخست حقیقت و مکانی گذراندن شب در مزدلفه بیان گردیده، سپس حکم و وقت گذراندن شب در مزدلفه واضح می گردد و در اخیر بعضی از مسایل متغیر در این قسمت بیان می گردد:

### فرع اول: حقیقت و مکانی گذراندن شب در مزدلفه

الف: حقیقت گذراندن شب در مزدلفه: مزدلفه در بین تگنای عرفه (منطقه تگنایی است که در بین دو کوهی که نزدیک عرفه است) و بین وادی محصر که فاصله بین مزدلفه و منی ایجاد کرده است، موقیعت دارد و تمام مزدلفه از حرم محسوب می گردد.<sup>(۴)</sup>

مزدلفه را بخاطری مزدلفه مسمی کردند، که مردم در آنجا جمع می شوند، یا بخاطری جمع کردن نماز

۱ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۶۷. حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، ج ۲ ص ۳۶ - ۳۷. حاشیة العدوي، ج ۱ ص ۴۷۵. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۲. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۶. المغنی، ج ۳ ص ۴۱۴.

۲ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۶۷. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۲. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۶. المغنی، ج ۳ ص ۴۱۴.

۳ - نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۲.

۴ - معجم البلدان، ج ۵ ص ۱۲۱.

های مغرب و خفتن در آنجا.<sup>(۱)</sup>

ب: مکانی گذراندن شب در مزدلفه: برای حاجی جایز است که در هر جزئی از اجزاء مزدلفه شب را بگذراند، ولی مناسب است تا بر سر راهای مزدلفه شب را نگذراند، تا حجاج اذیت نشوند.<sup>(۲)</sup>

### فرع دوم: حکم و وقت گذراندن شب در مزدلفه

الف: حکم گذراندن شب در مزدلفه: جمهور فقهاء اسلامی شامل احناف، مالکی، شافعی، حنبلی و غیره، اتفاق نظر دارند که وقوف به مزدلفه واجب است و شخص که آن را ترک نماید، بالایش دم لازم می گردد.<sup>(۳)</sup>

از همین جهت ابن قدامه رحمه الله می گوید: (وواجباته سبعة: الإحرام من الميقات. والوقوف بعرفة إلى الليل. والمبيت بمزدلفة إلى بعد نصف الليل. والمبيت بمنى. والرمي. والحلق. وطواف الوداع).<sup>(۴)</sup>  
ترجمه: و واجبات حج هفت تا است: بستن احرام از میقات، وقوف به عرفه تا شب، گذراندن شب در مزدلفه تا بعد از نصف شب، گذراندن شب در منی، رمی جمرات، تراشیدن سر و طواف وداع.

ب: وقت گذراندن در مزدلفه: وقت وقوف به مزدلفه عبارت از مکث و درنگ کردن است در آنجا بعد از افاضه از عرفات، آیا لازم است تا نصف از شب در آنجا درنگ کرد یا جزء از شب کفایت می کند؟ صحیح آن است که جایز نیست تا از مزدلفه پایان شد، مگر بعد از نصف شب.<sup>(۵)</sup>

### فرع سوم: حکم کسی که از او شب گذراندن در مزدلفه فوت می گردد

در صورت که از شخصی گذراندن شب در مزدلفه فوت می گردد، اگر این فوت شدن از جهت عذر باشد، مثل شخص که برایش وقوف به عرفه میسر نگردید، مگر در آخر شب، بالای این شخص چیزی لازم نمی گردد و حج او صحیح است.<sup>(۶)</sup>

۱ - رد المختار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۴۱. حاشیه العدوی، ج ۱ ص ۴۷۵. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۴. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۸.

۲ - الحج والعمرة، ص ۶۴.

۳ - فتح القدير، ج ۲ ص ۱۶۸. حاشیه العدوی، ج ۱ ص ۴۷۵. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۲۴. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۴۹۹. المغنی، ج ۳ ص ۴۱۷.

۴ - موفق الدین أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسی (المتوفی: ۶۲۰ هـ)، المقنع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی رحمه الله تعالی، حققه وعلق علیه: محمود الأرنؤوط، یاسین محمود الخطیب، الناشر: مكتبة السوادي للتوزيع، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، ج ۱ ص ۱۳۱.

۵ - فتح القدير، ج ۲ ص ۱۶۹.

۶ - رد المختار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۲۴۵.

و اگر این ترک او بدون عذر باشد، بربالایش دم لازم می‌گردد.<sup>(۱)</sup>

### مطلب هفتم: رمی جمرات

در این مطلب هم نخست حقیقت رمی جمرات و دلیل وجوب آن را بیان نموده، سپس وقت رمی و کیفیت آن را تذکر می‌دهم، متعاقباً شرایط و سنت های رمی جمرات را واضح می‌سازم، سپس حکم نیابت در رمی جمرات را بیان نموده و در اخیر حکم رمی جمرات از منزل های بالا را بیان می‌نمایم:

### فرع اول: حقیقت و دلیل وجوب رمی جمرات

الف: حقیقت رمی جمرات: رمی در لغت: به معنای تیر انداختن و سنگ انداختن است.<sup>(۲)</sup> جمار عبارت از سنگ های خورد است و جمع جمار «جمره» است و محل رمی را از آن جهت «جمره» می‌نامند، زیرا سنگ های ریزه در آنجا جمع می‌گردد.<sup>(۳)</sup> جمرات که رمی می‌گردد، سه اند:

- ۱- جمره عقبه: و آن عبارت از جمره کبری است و در اخیر منی قرار دارد.
- ۲- جمره وسطی: و آن عبارت از جمره که قبل از جمره عقبه در طرف منی قرار دارد.
- ۳- جمره صغری: و آن عبارت از اول جمره است که در جهت منی و از مکه دورتر است و به مسجد خیف نزدیک تر است.<sup>(۴)</sup>

ب: دلیل وجوب رمی: جمهور اهل علم شامل مذاهب اربعه اهل سنت قایل به وجوب رمی جمرات اند و در این قسمت استدلال نموده با سنت نبوی و اجماع امت نموده اند:

اول: سنت نبوی: در حدیث شریف آمده است: «... ثُمَّ سَأَلَكَ الطَّرِيقَ الْوَسْطَى الَّتِي تَخْرُجُ عَلَى الْجَمْرَةِ الْكُبْرَى، حَتَّى آتَى الْجَمْرَةَ الَّتِي عِنْدَ الشَّجَرَةِ، فَرَمَاهَا بِسَبْعِ حَصَيَاتٍ، يُكْبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ مِنْهَا، مِثْلَ حَصَى الْخَذْفِ...».<sup>(۵)</sup> ترجمه: سپس از راه میانی که از جمره کبری خارج می‌شود در پیش گرفت و آمد، تا به جمره کنار درخت رسید؛ با هفت سنگریزه رمی جمره کرد، با هر سنگ زدن، تکبیر می‌گفت، هر یک از سنگ ریزه ها به اندازه دانه باقلا بود.

۱ - همان مرجع، ج ۲ ص ۲۴۵.

۲ - لسان العرب، ج ۱۴ ص ۳۳۸.

۳ - أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد الأزدي (المتوفى: ۳۲۱هـ)، جمهرة اللغة، المحقق: رمزي منير بعلبكي، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۹۸۷م، ج ۱ ص ۴۶۵.

۴ - الحج والعمرة، ص ۶۶.

۵ - صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۲۱۸.

دوم: همچنان اجماع امت به وجوب رمی جمرات دلالت می کند، طوری کاسانی رحمه الله می گوید: (أَمَّا  
الإجماعُ فَلِأَنَّ الْأُمَّةَ أَجْمَعَتْ عَلَى وُجُوبِهِ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: هرچند اجماع امت، زیرا امت بر وجوب رمی جمرات اجماع نموده اند.

پس شخص که تمام رمی جمرات را یا بعضی شان را ترک کرد، بالایش دم لازم می گردد.<sup>(۲)</sup>

### فرع دوم: وقت رمی و کیفیت آن

الف: وقت رمی: فقهاء اسلامی اتفاق دارند که رمی جمره عقبه بعد از طلوع آفتاب روزی نحر (روزی  
دهم ذی الحجه) آغاز و تا غروب آفتاب ادامه دارد، ولی مستحب است تا رمی در اول وقت صورت گیرد،  
تا به فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم اقتداء کرده شود، اما در ایام تشریق: وقت رمی بعد از زوال آغاز می  
گردد و قبل از آن جایز نیست و تا غروب آفتاب ادامه می یابد.<sup>(۳)</sup>

ب: کیفیت و عدد رمی: فقهاء اسلامی اتفاق دارند که هرکدام از جمره ها با هفت سنگریزه رمی گردد،  
چنانکه اتفاق دارند که ایام رمی برای کسی که عجله دارد، سه روز است و برای کسی که تاخیر دارد،  
چهار روز است، روز نحر و سه روز بعد از آن.<sup>(۴)</sup>

اما کیفیت رمی: برای رمی جمره عقبه، حاجی از بطن وادی بیاید، منی را در طرف راستش و مکه را در  
طرف چپش قرار داده و جمره را پیش روی قرار دهد و سنگ را به طرف جمره پرداخت نماید و همراهی  
هر رمی «الله اکبر» بگوید.

به همین شکل در رمی جمره صغری: از طرف دوم بیاید، منی را در جهت چپ و مکه را در طرف  
راستش قرار دهد و هر روز از روزهای تشریق به هفت سنگریزه رمی نماید، همراهی هر سنگریزه «الله  
اکبر» بگوید سپس خود را در طرف راست قرار دهد و روی خود را طرف قبله گردانیده، دعاء نماید و از  
خیر دنیا و آخرت بخواهد.<sup>(۵)</sup>

برای رمی جمره وسطی از نزدیک جمره عقبه بیاید، که منی در طرف راست و مکه در طرف چپش قرار  
می گیرد، سپس این جمره را مثل جمره صغری رمی نماید، بعد از رمی خود را در طرف شمال آن قرار

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۶.

۲ - همان مرجع، ج ۲ ص ۱۳۶.

۳ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۷۶. حاشیة العدوی، ج ۱ ص ۴۷۷. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۳۴ - ۴۳۶. المغنی، ج ۳ ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

۴ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۷۶. حاشیة العدوی، ج ۱ ص ۴۷۷. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۳۴ - ۴۳۶. المغنی، ج ۳ ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

۵ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۹ - ۱۴۰.

داده و روی خود را بطرف قبله بگرداند، سپس دعا از آنجیکه خیر دنیا و آخرت باشد، نماید.<sup>(۱)</sup>

### فرع سوم: شرایط و سنت های رمی جمرات

الف: شرایط رمی جمرات: برای صحت رمی جمرات شرایط زیر لازم می باشد:

- ۱- باید برای هر جمره هفت سنگ باشد.
- ۲- باید هفت رمی برای هر جمره صورت گیرد، در صورت که یک دفعه تمام سنگریزه را رمی نماید، یا دو سنگریزه را یکبار رمی نماید، در این صورت جایز نیست.
- ۳- اینکه رمی در صورت قدرت بدست صورت گیرد.
- ۴- اینکه رمی با سنگریزه ها صورت گیرد، پس با گل، آهن و غیره درست نیست.
- ۵- قصدش رمی جمره باشد، پس اگر در رمی کردنش قصد دیگر چیز را داشته باشد، جایز نیست و باید دوباره اعاده نماید.
- ۶- ترتیب میان جمرات را در نظر بگیرد، یعنی ابتدا از جمره صغری آغاز کرده، سپس وسطی و در اخیر جمره عقبه را رمی نماید.<sup>(۲)</sup>

ب: سنت های رمی جمرات: برای رمی جمرات سنت های وجود دارند، که قرار ذیل اند:

- ۱- در رمی جمرات مبادرت نماید، پس جمره عقبه را بعد از وصولش به منی در روز نحر رمی نماید، همچنان جمرات را در ایام تشریق بعد از زوال رمی نماید.
- ۲- بین رمی و جمرات پی در پی را در نظر گیرد.
- ۳- خود را نزدیک جمره قرار دهد تا رمی در دخل جمره صورت گیرد.
- ۴- اینکه بعد از جمره صغری و وسطی ایستاد شود، رویش را طرف قبله گردانیده و دعا نماید.
- ۵- رمی را با دست راستش انجام دهد، در صورت که برایش آسان بود.
- ۶- سنگریزه ها نظیف باشد.
- ۷- سنگریزه ها به اندازه دانه باقلی باشد و آن کمی بزرگتر از دانه نخود است.
- ۸- سنگریزه ها از جمله سنگریزه های نباشند که قبلاً رمی شده باشند.<sup>(۳)</sup>

---

۱- همان مرجع، ج ۲ ص ۱۴۰.

۲- الحج والعمرة، ص ۶۸.

۳- همان مرجع، ص ۶۸ - ۶۹.



## مطلب هشتم: حلق و تقصیر کردن موی

در این مطلب هم نخست حقیقت حلق و تقصیر کردن موی را بیان نموده، سپس وقت و مکان حلق و تقصیر موی را تذکر می دهیم، متعاقباً حکم و اندازه حلق و تقصیر موی را ذکر نموده و در اخیر حکم حلق و تقصیر با وسایل برقی معاصر را بیان می نمایم:

### فرع اول: حقیقت حلق و تقصیر کردن موی

الف: حقیقت حلق عبارت از دور کردن تمام موی سر است بوسیله تراشیدن.<sup>(۱)</sup>

ب: تقصیر عبارت از گرفتن جزئی از موی سر است بوسیله قیچی و امثال آن.<sup>(۲)</sup>

### فرع دوم: وقت و مکان حلق و تقصیر

الف: وقت حلق و تقصیر: وقت حلق ایام نحر است، بنابراین، تاخیر کردن آن تا آخر روزهای نحر جایز است، زیرا وقت که تاخیر مقدم جایز است، پس تاخیر آن بطریق اولی جایز است، ولی اگر از روزهای نحر به تاخیر انداخت، بر بالایش دم لازم می گردد.<sup>(۳)</sup>

ب: مکان حلق و تقصیر: مکان حلق و تقصیر حرم است، در صورتی که حلق و یا تقصیر در غیر از حرم صورت گیرد، حلاله حاصل می گردد، ولی بالای حاجی دم لازم می گردد.<sup>(۴)</sup>

### فرع سوم: حکم و اندازه حلق و تقصیر

الف: حکم حلق و تقصیر: حلق و یا تقصیر موی سر در حج یک مناسک است و بشکل عبادت صورت می گیرد، بنابراین، گرفتن غیر از موی سر در حلق و یا تقصیر کفایت نمی کند، پس حکم حلق و یا تقصیر موی سر یکی از واجبات حج است و شخص که آن را ترک نماید، بالایش دم لازم می گردد، طوری که الله متعال می فرماید: **{لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ}**.<sup>(۵)</sup>

ترجمه: به طور قطع همه شما به خواست خدا وارد مسجد الحرام می شوید در نهایت امنیت، و در حالی که سرهای خود را تراشیده، یا ناخنهای خود را کوتاه کرده اید، و از هیچکس ترس و وحشتی ندارید.

همچنان در حدیث شریف آمده است: **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ**

۱ - لسان العرب، ج ۵ ص ۹۶.

۲ - همان مرجع، ج ۵ ص ۹۶.

۳ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۷۸ - ۱۷۹.

۴ - همان مرجع، ج ۲ ص ۱۷۹.

۵ - {الفتح، آیه ۲۷}.

وَسَلَّمَ مَكَّةَ أَمَرَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَطُوفُوا بِالْبَيْتِ، وَبِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، ثُمَّ يَحْلُوا وَيَحْلِفُوا أَوْ يُقَصِّرُوا»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، که فرمود: زمانی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به مکه تشریف آورد، اصحاب خود را امر کرد تا بیت الله و صفا و مروه را طواف نمایند، سپس خودشان را حلاله نمایند، حلق و یا تقصیر کنند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از طواف و سعی دستور به حلاله کردن با حلق و یا تقصیر داده است و این امر دلالت بر وجوب می کند.

پس شخص که حلق و یا تقصیر نمی کند، برای جبران این واجب دم لازم می گردد.<sup>(۲)</sup>

ب: اندازه حلق و یا تقصیر: مقدار و اندازه حلق و یا تقصیر چهارم حصه سر است، طوری که کاسانی رحمه الله می گوید: (وَأَمَّا مَقْدَارُ الْوَاجِبِ، فَأَمَّا الْحَلْقُ فَالْأَفْضَلُ حَلْقُ جَمِيعِ الرَّأْسِ ... أَمَا الْجَوَازُ فَلِأَنَّ رُبْعَ الرَّأْسِ يَفُومُ مَقَامَ كُلِّهِ).<sup>(۳)</sup>

ترجمه: اما مقدار و اندازه واجب: پس بهتر است تا تمام سر حلق شود، اما جواز چهارم حصه سر قایم مقام تمام سر است.

### مطلب نهم: گذراندن شب های تشریق در منی

گذراندن شب های تشریق در منی واجب است، پس شخص که بدون عذر ترک می کند، بربالایش فدیة لازم می گردد، برابر است تمام شب ها را ترک نماید و یا یک شب را ترک کند.<sup>(۴)</sup>

استدلال نموده اند با فعل پیامبر صلی الله علیه وسلم که شب های ایام تشریق را به منی سپری کرده است.<sup>(۵)</sup> شب گذراندن در شب های یازدهم، دوازدهم ذی الحجه اگر عجله نماید و سیزدهم ذی الحجه اگر تاخیر نماید در منی مطلوب است.<sup>(۶)</sup>

### مطلب دهم: هدیه

در این مطلب هم نخست حقیقت هدیه و حکم آن را بیان نموده، سپس وقت و مکان ذبح هدیه را ذکر می نمایم، متعاقباً شرایط هدیه را تذکر داده و در اخیر حکم خوردن از هدیه را بیان می نمایم:

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۷۳۱.

۲ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۷۹.

۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۴۱.

۴ - الهدایة شرح البدایة المبتدی، ج ۲ ص ۱۸۶. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۵۰۵. حاشیة العدوی، ج ۱ ص ۴۸۰. المغنی، ج ۳ ص ۴۴۹.

۵ - المغنی، ج ۳ ص ۴۴۹.

۶ - الهدایة شرح البدایة المبتدی، ج ۲ ص ۱۸۶. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۵۰۵. حاشیة العدوی، ج ۱ ص ۴۸۰. المغنی، ج ۳ ص ۴۴۹.

## فرع اول: حقیقت هدیه و حکم آن

الف: حقیقت هدیه: هدیه با سکون حرف « د » و فتح حرف « ی » یا با کسره حرف « د » همراهی تشدید حرف « ی » هر دو لغت آمده است و آن عبارت از چیزی که برای حرم روان کرده می شود از قبیل حیوان و غیره. (۱)

و مراد در اینجا عبارت از حیوانی (شتر، گاو، گوسفند و بز) است که حاجی و عمره کننده جهت تقرب به الله متعال به حرم ارسال می کنند. (۲)

ب: حکم هدیه: هدایا دارای اقسام مختلف اند، که حکم هر قسم آن مختلف است، بنابراین، اقسام هدیه چهار اند، که تفصیل آنها قرار ذیل است:

اول: هدیه نفلی: عبارت از هدیه که حاجی جهت تقرب به الله متعال بدون کدام سبب که لازم نموده باشد، انجام دهد و این کار برای هر حاجی مستحب است، طوری که امام نووی رحمه الله می گوید: (فَاتَّقُوا عَلَيَّ أَنَّهُ يُسْتَحَبُّ لِمَنْ قَصَدَ مَكَّةَ بِحَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ أَنْ يُهْدِيَ هَدِيًّا مِنَ الْأَنْعَامِ وَيُنْحَرَهُ هُنَاكَ وَيُفَرِّقَهُ عَلَى الْمَسَاكِينِ الْمَوْجُودِينَ فِي الْحَرَمِ). (۳)

ترجمه: پس فقهاء اسلامی اتفاق نموده اند بر اینکه مستحب است برای شخص که قصد مکه را از جهت حج و یا عمره دارد، اینکه هدیه را از حیوانات چهارپا از قبیل شتر، گاو، گوسفند و بز، ارسال نماید و در آنجا آن را ذبح نموده و بر مساکین که در حرم موجود هستند تقسیم نماید.

دوم: هدیه واجب (شکرانه): و آن عبارت از هدیه واجب بر متمتع و قران است، از جهت شکر الله متعال که برای شان توفیق دادند تا دو نسک (حج و عمره) را در یک سفر انجام دادند، طوری که الله متعال در مورد می فرماید: { فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ } (۴)

ترجمه: هنگامی که (از بیماری و دشمن) در امان بودید، هر کس با ختم عمره، حج را آغاز کند، آنچه از قربانی برای او میسر است (ذبح کند)!.  
سوم: هدیه واجب از جهت جبران: یعنی از جهت جبران نمودن خلل و نقصان که در حج و یا عمره واقع

گردیده است، بشکل که یکی از واجبات را ترک نموده است و یا مرتکب یکی از ممنوعات شده است. (۵)

۱ - لسان العرب، ج ۱۵ ص ۳۵۹.

۲ - المجموع، ج ۸ ص ۲۶۸.

۳ - همان مرجع، ج ۸ ص ۲۶۹.

۴ - البقرة، آیه ۱۹۶.

۵ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق، ج ۲ ص ۹۱.

به همین شکل هدیه که از جهت احصار واجب می گردد، در مورد الله متعال می فرماید: **{ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ }**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: و حج و عمره را برای خدا به اتمام برسانید! و اگر محصور شدید، (و مانعی مانند ترس از دشمن یا بیماری، اجازه نداد که پس از احرام بستن، وارد مکه شوید)، آنچه از قربانی فراهم شود (ذبح کنید، و از احرام خارج شوید)!

چهارم: هدیه نذر: و آن عبارت از اینکه حاجی جهت تقرب به الله متعال نزد بیت الحرام نذر بگیرد، پس وفا به این نذر واجب است.<sup>(۲)</sup>

### فرع دوم: وقت و مکان ذبح هدیه

الف: وقت ذبح هدیه: وقت ذبح بعد از طلوع آفتاب روز عید قربان آغاز می گردد، مستحب است تا بعد از رمی جمره عقبه تاخیر گردد، و آخر وقت این ذبح تا غروب آفتاب روز آخر ایام تشریق پایان می یابد، یعنی مدت ذبح چهار روز است، ذبح در روز مستحب است و در شب هم جایز است.<sup>(۳)</sup>

ب: مکان ذبح: سنت است که ذبح در منی صورت گیرد، ولی جایز است تا در هر جزئی از اجزای حرم ذبح گردد، همچنان مستحب است تا ذبح را خود حاجی انجام دهد و اگر به جای خود، شخصی را نایب گرفت، مانع نیست.<sup>(۴)</sup>

### فرع سوم: شرایط هدیه

شرایط هدیه قرار ذیل اند:

۱- هدیه از جمله بهیمة الانعام، یعنی شتر، گاو، گوسفند و بز باشد، یک رأس شتر و یا گاو در جای هفت گوسفند قرار گرفته می تواند.

۲- هدیه سالم و از عیوب که مانع قربانی می گردد، خالی باشد، بنابراین، هدیه که مرض آشکار داشته باشد، کور چشم که کوری اش آشکار باشد و شاخ شکسته که شکستگی اش آشکار باشد، جایز نیست.

۱- {البقرة، آیه ۱۹۶}.

۲- المجموع، ج ۸ ص ۲۶۹.

۳- فَتْحُ الْقَدِيرِ، ج ۲ ص ۳۲۳. حاشیة الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۸۷. مغني الْمُحْتاج، ج ۱ ص ۵۱۶. كشاف الْفَنَائِع، ج ۳ ص ۹ - ۱۰.

۴- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۷۹.

۳- اینکه شتر پنج ساله، گاو دوساله، بز یک ساله و گوسفند شش ماه باشد.<sup>(۱)</sup>

### فرع چهارم: حکم خوردن از هدیه

جمهور فقهاء اسلامی قایل اند بر اینکه خوردن هدیه کننده جایز است تا از هدیه تمتع، قرآن و نفلی بخورند و حتی فقهاء احناف برای هدیه کننده مستحب دانسته اند تا از هدیه بخورد و هم جایز است تا برای غنی هم بدهد.<sup>(۲)</sup>

اما خوردن هدیه کننده از هدایای کفارات، احصار و نذور جایز نیست و باید از خوردن آنها خود داری نموده و برای فقرا و مساکین توزیع نماید.<sup>(۳)</sup>

### مطلب یازدهم: مناسک و اعمال عمره

در این مطلب احکام ثابت که مربوط به مناسک و اعمال عمره می گردد، بحث می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

### فرع اول: وقت و حکم عمره

در این فرع نخست وقت عمره بیان گردیده، سپس حکم آن را بیان می نمایم، که تفصیل آن قرار ذیل است:

### الف: وقت عمره

برای عمره یک وقت خاص نیست، بلکه تمام سال به جز از ایام حج، وقت برای عمره است و این از جمله فضل الله متعال بر بالای بنده هایش می باشد، که عمره را در تمام سال مشروع گردانیده است و مربوط به یک وقت و زمان خاص نساخته است، طوری که امام نووی رحمه الله می گوید: (وَأَمَّا الْعُمْرَةُ، فَجَمِيعُ السَّنَةِ وَقْتُ لِلْإِحْرَامِ بِهَا، وَلَا تُكْرَهُ فِي وَقْتِ مِنْهَا، وَيُسْتَحَبُّ الْإِكْتِنَارُ مِنْهَا فِي الْعُمْرِ، وَفِي السَّنَةِ الْوَاحِدَةِ. وَقَدْ يَمْتَنِعُ الْإِحْرَامُ بِالْعُمْرَةِ لَا بِسَبَبِ الْوَقْتِ، بَلْ لِعَارِضٍ، كَالْمُحْرَمِ بِالْحَجِّ، لَا يَصِحُّ إِحْرَامُهُ بِالْعُمْرَةِ).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: هر چند عمره: پس تمام سال وقت احرام بستن برای عمره است و در هیچ وقت مکروه نیست، زیاد عمره کردن در عمر مستحب است و در سال یکبار، بعض وقت احرام بستن برای عمره ممنوع است، نه به سبب وقت، بلکه از جهت عارض مثل محرم به حج، که احرام بستنش برای عمره صحیح نیست.

۱- رد المحتار علی الدر المختار، ج ۵ ص ۲۸۱. مطالب أولی النهی، ج ۲ ص ۴۶۲. حاشیة الدسوقي علی الشرح الكبير، ج ۲ ص ۱۲۱. المجموع، ج ۸ ص ۳۱۰ - ۳۱۴.

۲- الفتاوی الهندیة، ج ۱ ص ۲۶۲. فتح القدير، ج ۳ ص ۱۶۷. كشف القناع، ج ۳ ص ۲۰. المغني، ج ۳ ص ۵۴۱.

۳- البخر الرائق شرح كنز الدقائق، ج ۳ ص ۷۶. كشف القناع، ج ۳ ص ۲۰. مغني المحتاج، ج ۱ ص ۵۳۰ - ۵۳۱.

۴- روضة الطالبين وعمدة المفتين، ج ۳ ص ۳۷.

## ب: حکم عمره

اهل علم اتفاق و اجماع دارند، براینکه عمره یک عمل مشروع است و انجام دادنش یک مرتبه در عمره کافی است، آیا عمره واجب است و یاخیر؟ اهل علم اختلاف نموده اند، که این اختلاف بر دو قول خلاصه می گردد:

**قول اول:** عمره واجب است، این قول از عمر، ابن عباس، زید بن ثابت، ابن عمر، سعید بن مسیب<sup>(۱)</sup>، سعید بن جبیر، عطاء، طاووس<sup>(۲)</sup>، مجاهد، حسن بصری<sup>(۳)</sup>، محمد ابن سیرین<sup>(۴)</sup>، شعبی<sup>(۵)</sup>، سفیان ثوری<sup>(۶)</sup>، امام شافعی در یک قولش و روایت از امام احمد است.<sup>(۷)</sup> استدلال شان قرار ذیل است:

۱- الله متعال می فرماید: **{ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ }**.<sup>(۸)</sup>

ترجمه: حج و عمره را برای الله تمام نماید.

۱- سعید بن المسیب بن حزن بن ابی وهب بن عمرو بن عائذ بن عمران بن مخزوم قرشی مخزومی، أبو محمد مدنی [وفاة: ۹۱ - ۱۰۰ هـ]، مشهور به سیدالتابعین و عالم و فقیه مدینه بود، در علم و عمل در زمانش بینظیر بود. سیر اعلام النبلاء، ج ۴ ص ۲۱۷.

۲- طاووس ابن کیسان یمانی أبو عبد الرحمن حمیری فارسی، یکی از فقهاء، ثقافت و فضلاء تابعین بود، در سال ۱۰۶ هـ وفات یافت. أبو الفضل أحمد بن علی بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلانی (المتوفی: ۸۵۲ هـ)، تقریب التهذیب، المحقق: محمد عوامة، الناشر: دار الرشید - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۱ ص ۲۸۱.

۳- حسن بصری (۲۱ - ۱۱۰ هـ = ۶۴۲ - ۷۲۸ م)، حسن بن یسار، بصری، أبو سعید، یکی از مشهور ترین تابعین و امام اهل بصره در زمانش بود، در مدینه منوره تولد گردید و در زمان خلافت امیر معاویه رضی الله عنه به بصره رحلت کرده و مسکن گزین گردید و در همانجا در سال ۱۱۰ هجری وفات یافت. شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان، أبو عبد الله الذهبي، میزان الاعتدال، المحقق: محمد رضوان عرقسوسی، ومحمد برکات، وعمار ربحاوي، وغيث الحاج أحمد، وفادي المغربي، الناشر: مؤسسة الرسالة العالمية - دمشق، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، ج ۱ ص ۲۴۵.

۴- مُحَمَّدُ بْنُ سَيْرِينَ أَبُو بَكْرٍ أَنْصَارِيُّ، امام، شيخ الاسلام، مولای انس بن مالک رضی الله عنه، در ۲۱ هـ تولد گردید، احادیث زیادی روایت کرده است، از تابعین مشهور و با ۳۰ تن صحابی ملاقات کرده است، شخص عالم، ادیب، حلیم، فقیه، متقی و عدیل بود، در ۱۱۰ هـ ق وفات یافت. سیر اعلام النبلاء: ج ۸ ص ۱۹۶.

۵- شعبی: (متوفی ۱۰۱ - ۱۱۰)، عامر بن شراحیل، شعب همدان، ابو عمرو، یکی از علامه های اهل کوفه و از محدثین مشهور زمانش بود و در وسط خلافت عمر رضی الله عنه متولد گردید. مغلطي بن قلیج بن عبد الله البکجری المصری الحکری الحنفی، أبو عبد الله، علاء الدین (المتوفی: ۷۶۲ هـ)، إكمال تهذیب الکنال فی أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، ج ۷ ص ۱۱۲۸ - ۱۲۹.

۶- سفیان ثوری: ابو عبدالله مکی، مشهور به سفیان ثوری در سال ۹۷ هجری متولد و در سال ۱۶۱ هجری وفات یافته است، این شخص به شیخ الاسلام، امام الحفاظ و سردار علماء عاملین در زمانش شهرت داشت، از جمله تألیفاتش: کتاب الجامعه است. سیر اعلام النبلاء، ج ۷ ص ۲۳۰.

۷- المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج، ج ۲ ص ۹۲. المغنی، ج ۳ ص ۲۲۳ - ۲۲۴. الفروع، ج ۳ ص ۲۰۳. کشاف القناع، ج ۲ ص ۳۷۶.

۸- {البقرة، آیه ۱۹۶}.

وجه استدلال از آیه: در این آیه الله متعال دستور داده است تا حج و عمره را برای الله تمام نماید، همان طوری که حج کردن واجب است و از این آیه استفاده می گردد، به همین شکل عمره هم واجب است.

۲- همچنان در حدیث شریف آمده است: وعن لُقَيْطِ بْنِ عَامِرٍ، رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، أَنَّهُ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ إِنَّ أَبِي شَيْخٌ كَبِيرٌ، لَا يَسْتَطِيعُ الْحَجَّ، وَلَا الْعُمْرَةَ، وَلَا الظَّنَّ قَالَ: «حُجَّ عَنْ أَبِيكَ، وَاعْتَمِرْ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از لقیط بن عامر رضی الله عنه روایت شده است که او به خدمت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم آمد و گفت: پدرم پیر است و نمی تواند، نه حج را انجام بدهد، نه عمره بکند، نه به مسافرت برود، پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: از طرف پدرت حج کن و عمره انجام بده. وجه استدلال از حدیث: امام احمد رحمه الله پیرامون این حدیث می گوید: (لَا أَعْلَمُ فِي إِيْجَابِ الْعُمْرَةِ حَدِيثًا أَجْوَدَ مِنْ هَذَا، وَلَا أَصَحَّ مِنْهُ)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: در واجب بودن عمره حدیث جید تر از این حدیث کرده و نه صحیح تر از این حدیث کرده نمی دانم.

**قول دوم:** عمره واجب نیست، بلکه سنت است، این قول از ابن مسعود، فقهاء احناف، امام مالک، روایت دیگری از امام احمد و شیخ الإسلام ابن تیمیة رحمهم الله است.<sup>(۳)</sup> استدلال شان قرار ذیل است:

۱- الله متعال می فرماید: { وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا }<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: ترجمه: حج خانه خدا بالای کسانی که استطاعت دارند، فرض و لازم است. وجه استدلال از آیه: الله متعال واجب بودن را در این آیه تنها به حج اختصاص داده است، پس عمره از واجب بودن برآمد و تنها سنت گردید.<sup>(۵)</sup>

۱ - سنن الترمذی، رقم الحدیث ۹۳۰. سنن أبي داود، رقم الحدیث ۱۸۱۰. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح و ضعیف سنن الترمذی، رقم الحدیث ۹۳۰.

۲ - خالد الرباط، سید عزت عید [بمشاركة الباحثين بدار الفلاح]، الجامع لعلوم الإمام أحمد، الناشر: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقیق التراث، الفيوم - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۰ هـ - ۲۰۰۹ م، ج ۸ ص ۳۲۰.

۳ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۰۶. بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۲۲۶. حاشیة الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲. المغنی، ج ۵ ص ۱۳. مجموع الفتاوی، ج ۲۶ ص ۵ - ۷.

۴ - {آل عمران، آیه ۹۷}.

۵ - المغنی، ج ۵ ص ۱۳.

۲- همچنان اصل عدم وجوب است، زیرا اصل برائت نمه از تکالیف است و از اصل چیزی انتقال نمی کند، مگر همراهی دلیل، در اینجا دلیل که صلاحیت انتقال آن را از عدم وجوب، به وجوب داشته باشد وجود ندارد.<sup>(۱)</sup>

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول اول که قایل بروجوب عمره است، راجح می باشد، با این دلیل که در حدیث شریف آمده است: *عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى النِّسَاءِ جِهَادٌ؟ قَالَ: «نَعَمْ، عَلَيْهِنَّ جِهَادٌ، لَا قِتَالَ فِيهِ: الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ».*<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عایشه رضی الله عنها روایت است که گفتیم: ای رسول خدا! آیا بر زنان نیز جهاد است؟ فرمود: آری! بر زنان جهادی است که قتالی در آن نیست؛ حج و عمره.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شد که جهاد زنان حج و عمره است، پس همان طوری که جهاد بالای مردان واجب است، حج و عمره بالای زنان واجب است، پس از این حدیث وجوب عمره دانسته شد، پس عمره به مانند حج واجب است.

### فرع دوم: صفت عمره

وقت که شخص مسلمان خواست تا برای عمره احرام بسته نماید، پس مشروع در حق او اینست، که غسل نماید و خود را نظیف کند، موی های زیر بغل و زیرنافش را دور نماید، انگشتانش را اصلاح نموده و انواع خوشبوی استفاده کرده می تواند، تمام اینها در حق زنان و مردان یکسانند، بعد از غسل و خوشبوی، نماز بخواند و نیت احرام را با این جملات نماید: *(اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ).*<sup>(۳)</sup>

ترجمه: الهی! قصد انجام عمره را دارم پس آسان گردان برای من و قبول فرما از من برای برآستی تو شنوا و دانا هستی.

سپس بعد از نیت احرام، این چنین تلبیه بگوید: *(لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ).* ترجمه: خداوندا! آماده و فرمانبردار دستور تو هستم، هیچ شریکی نداری، سپاس و نعمت و قدرت تنها مخصوص تو است و هیچ شریکی نداری.

در گفتن تلبیه، مردان صدای شان را بلند نموده و زنان مخفی و آهسته نمایند.<sup>(۴)</sup>

۱ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۳۰۶.

۲ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۹۰۱. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۹۰۱.

۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۴۴.

۴ - همان مرجع، ج ۲ ص ۱۴۴.



برای محرم مستحب است تا تلبیه را در وقت بلند شدن و پایان شدن از راه زیاد بگوید، به همین شکل از الله متعال جنت را سوال نموده و از جهنم پناه ببرد، سپس وقت که به مسجد الحرام رسید، پای راست خود را اول گذاشته و این جمله را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: به نام خدا از مسجد بیرون می شوم، و سپاس مخصوص خدا است و سلام بر پیامبر او، خدایا گناهانم را ببامرز و درهای بخشش خود را بر من بگشا.

سپس شروع به طواف نماید، پس حجرالاسود را با دست راست استلام نموده و بوسه کند، اگر زمینه بوسه کردن مساعد نگرديد، دستش را اگر استلام نموده بود بوسه کند و در وقت استلام حجر الاسود بگوید: الله اكبر، سپس دعا نماید تا وقت که به ركن يمانی برسد، ركن يمانی را بدون بوسه کردن استلام نماید و بين هردو ركن بگوید: { رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ }.<sup>(۲)</sup> ترجمه: پروردگار ما! در دنیا و آخرت به ما نیکی عنایت فرما و ما را از آتش دوزخ، نجات بده.

سپس هرباری که برابر حجرالاسود گردید، الله اكبر بگوید، وقت که عمره کننده هفت گردش طواف را تمام نمود، به مقام براهیم علیه السلام رفته و دو رکعت نماز بخواند، بهتر است تا در رکعت اول: سوره فاتحه را همراهی سوره کافرون خوانده و در رکعت دوم سوره فاتحه را همراهی سوره اخلاص بخواند.<sup>(۳)</sup> سپس به مکان سعی خارج گردد، اول بالای صفا بلند شده تا اینکه کعبه را دیده و خود را روبروی کعبه نماید، دست هایش را بلند نموده، حمد و ستایش الله متعال را بگوید و آنچه خواست دعا نماید، سپس از صفا پایان شده و به طرف مروه حرکت کند، بر بالای مروه هم چنان فعل را که بالای صفا انجام داد، انجام دهد، سپس از مروه پایان شده، دوباره به صفا بلند شود، به همین شکل هفت گردش بین صفا و مروه نماید، از صفا شروع و به مروه ختم نماید، وقت که سعی را تمام نمود، سرش را حلق و یا تقصیر نماید، اگر زن بود، موی سرش را از هر گیسو اندازه سر انگشت تقصیر کند، با این شکل عمره شخص مسلمان تمام می

۱ - سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۷۷۱. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح گفته است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحديث ۷۷۱.

۲ - در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسٍ - رضي الله عنه - قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يَقُولُ: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ». صحیح البخاری، رقم الحديث ۵۲۲.

ترجمه: انس - رضي الله عنه - می گوید: نبی اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - همواره این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. یعنی بار الها! پروردگار ما! در دنیا به ما نیکی عطا کن و در آخرت نیز به ما نیکی عطا فرما. و ما را از عذاب دوزخ، نجات بده.

۳ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۴ - ۱۳۵. حاشیة الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲۱ - ۴۰. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۵۱۳. کشف القناع، ج ۲ ص ۵۱۹.

گردد، زیرا به احرام، طواف، سعی، حلق و یا تقصیر آمدن کرده است.<sup>(۱)</sup>

## فرع سوم: ارکان و واجبات عمره

در این فرع نخست ارکان عمره معرفی گردیده، سپس واجبات عمره بیان می گردد، که تفصیل هر کدام شان قرار ذیل است:

### الف: ارکان عمره

رکن اساسی عمره که مورد اتفاق فقهاء اسلامی است، طواف می باشد، اما احرام نزد فقهاء مالکی، شافعی و حنبلی رکن است، اما نزد احناف شرط است<sup>(۲)</sup>، بنابراین، نزد فقهاء مالکی و حنبلی ارکان عمره سه اند:

۱- احرام

۲- طواف

۳- سعی بین صفا و مروه.<sup>(۳)</sup>

نزد فقهاء شافعی ارکان عمره پنج اند:

۱- احرام

۲- طواف

۳- سعی بین صفا و مروه

۴- حلق و یا تقصیر

۵- ترتیب بین ارکان چهار گانه.<sup>(۴)</sup>

### ب: واجبات عمره

واجبات عمره سه چیز است:

۱- احرام بستن از میقات.

۲- حلق و یا تقصیر، اما نزد فقهاء شافعی رکن است.

۳- نزد احناف سعی بین صفا و مروه.<sup>(۵)</sup>

۱- بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۳۶ - ۱۴۰. المقنع، ج ۱ ص ۴۶۶.

۲- رد المختار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۴۷۲.

۳- الشرح الصغیر، ج ۲ ص ۳۸۳. المقنع، ج ۱ ص ۴۶۹.

۴- مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۵۱۳.

۵- رد المختار علی الدر المختار، ج ۲ ص ۴۷۲. الشرح الصغیر، ج ۲ ص ۳۸۳. المقنع، ج ۱ ص ۴۶۹. مغنی المحتاج، ج ۱ ص ۵۱۳.

## فرع چهارم: سنت های عمره

در عمره سنت است، آن سنت های که در افعال و اعمال مشترک که بین عمره و حج قرار دارند، از قبیل احرام، طواف، سعی بین صفا و مروه، حلق و تقصیر، که قرار ذیل اند:

### الف: سنت های احرام

برای احرام سنت های وجود دارد، مناسب است تا شخص محرم از این سنت ها محافظت نماید تا حج او موافق سنت مطهر صورت گیرد، این سنت ها قرار ذیل اند:

۱- غسل کردن: پس هر شخص که اراده بستن احرام را می کند، سنت است تا غسل نماید، حتی حیض و نفساء، در حدیث شریف آمده است: «إِنَّ النَّفْسَاءَ وَالْحَائِضَ تَغْتَسِلُ وَتُحْرَمُ وَتَقْضِي الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، غَيْرَ أَنْ لَا تَطُوفُ بِالْبَيْتِ حَتَّى تَطْهَرَ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: زنان بعد از زایمان و در حال قاعدگی، اگر اراده حج کنند، باید غسل کنند و احرام ببندند و همه مناسک را انجام دهند جز طواف خانه کعبه، که نباید آن را انجام دهند، تا اینکه از حیض و نفاس پاک می شوند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که زنان بعد از زایمان و در حالت حیض باید غسل کنند و سپس احرام بسته نمایند.

۲- گرفتن ناخن ها، کوتاه کردن بروت، قطع موهای زیر بغل، تراشیدن موهای زیرناف و گرفتن خوشبوی پیش از احرام.<sup>(۲)</sup>

۳- احرام با یک چادر و ازار که سفید و نظیف باشند.

۴- تلبیه و تکرار آن از وقت بستن احرام تا شروع طواف بیت الله.

۵- وقوع احرام بعد از نماز.<sup>(۳)</sup>

### ب: سنت های طواف

سنت های طواف قرار ذیل اند:

۱- روبرو ایستادن برابر حجرالاسود، به هنگام شروع طواف با تکبیر و تهلیل گفتن دستها را بلند

۱- سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۷۴۴. مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۳۴۳۵. این حدیث را امام البانی رحمه الله صحیح می داند: صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۷۴۴.

۲- رد المختار على الدر المختار، ج ۲ ص ۳۰۰ - ۳۰۱. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۶۲.

۳- فتح القدير، ج ۲ ص ۱۳۶. شرح الرسالة، ج ۱ ص ۴۵۹. شرح المنهاج، ج ۲ ص ۹۹. نهاية المحتاج، ج ۲ ص ۴۰۱. المغني، ج ۳ ص ۲۷۵.

- کردن، همانگونه که در آغاز نماز آنها را بلند می‌کند. (۱)
- ۲- دستها را بر روی حجرالاسود بگذارد و آنها را آرام ببوسد بدون اینکه صدای بوسیدن شنیده شود.
- ۳- اضطباع: وسط چادر احرام و ردا را زیر بغل طرف راست قرار دادن و دو طرف دیگر آن را روی دوش چپ گذاشتن.
- ۴- هروله: بسرعت رفتن همراهی تکان دادن شانه‌ها و گامهای نزدیک بهم. هروله در سه دور طواف اول و بطور عادی رفتن در چهار دور طواف اخیر.
- ۵- استلام رکن یمانی و دست مالیدن بر آن.
- ۶- خواندن دو رکعت نماز بعد از طواف. (۲)

### ج: سنت های سعی

سنت های سعی قرار ذیل اند:

- ۱- اینکه بسوی صفا از باب صفا خارج گردد.
- ۲- بعد از طواف، مستقیماً به سعی بیاید.
- ۳- حاجی سعی را با طهارت انجام دهد، همچنان ستر عورت و طهارت لباس و بدن را در نظر گیرد.
- ۴- با هرباری که به صفا و مروه بلند می‌شود، بیت الله را مشاهده نماید.
- ۵- روبرف قبله نماید، هرگاه به صفا و مروه بلند شد، همراهی دعا، تکبیر و تهلیل (لااله الاالله).
- ۶- سعی شدید بین «میلین اخضرین» در هفت گردش شان نماید و این خاص به مردان است، اما زنان سعی شدید نکنند.
- ۷- اینکه سعی بشکل پیاده نماید، اگر نیازمند به سوار شدن پیدا کرد، مانع نیست.
- ۸- هفت گردش را پی در پی انجام دهد و بدون حاجت پی در پی را قطع نکند. (۳)

### د: سنت حلق و تقصیر

در حلق و تقصیر نزد جمهور فقهاء یک سنت است و آن اینکه حلق و تقصیر باید در حرم صورت گیرد. (۴)

### فرع پنجم: ممنوعات عمره

مخالفت کردن با احکام عمره به حسب حکم که مخالفت صورت می‌گیرد، در عمره ممنوع است، پس

۱- الفتاوی الهندیة، ج ۱ ص ۲۲۲.

۲- الفتاوی الهندیة، ج ۱ ص ۲۲۲ - ۲۲۵. کشف القناع، ج ۲ ص ۴۷۷ - ۴۷۸. المغنی، ج ۳ ص ۳۷۲.

۳- المجموع، ج ۸ ص ۸۱. المقنع، ج ۱ ص ۴۴۷.

۴- فتح القدیر، ج ۲ ص ۱۷۸. حاشیة العدوی، ج ۱ ص ۴۷۸. المغنی، ج ۳ ص ۴۳۵. الفروع، ج ۳ ص ۵۱۴.

محرمات عمره: عبارت از ترک کردن چیزی از ارکان عمره است، بنابراین، ترک کردن چیزی از طواف، سعی بین صفا و مروه و حلق و یا تقصیر ممنوع است، عمره کننده خود را از احرام عمره حلاله نکند تا وقت که آنچه را ترک کرده است، تمام نکند.<sup>(۱)</sup>

مکروهات عمره: عبارت از ترک یکی از واجبات عمره است، پس ترک واجب مکروه تحریمی است و جبران آن با دم صورت می گیرد، اما ترک سنت از سنت های عمره هم مکروه است، ولی به ترک آن جزایی متوجه عمره کننده نمی گردد.<sup>(۲)</sup>

---

۱ - حاشیة الدسوقي على الشرح الكبير، ج ۲ ص ۲۲. المغني، ج ۳ ص ۲۵۹.

۲ - الدر المختار، ج ۲ ص ۲۰۷.

## مبحث دوم

### احکام متغیر حج و عمره روی این موارد در فقه اسلامی

مطلب اول: احکام متغیر احرام در فقه اسلامی

مطلب دوم: حکم طواف در حالت سواره بر ماشین های برقی

مطلب سوم: حکم سعی در حالت سواره بر ماشین های برقی

مطلب چهارم: احکام متغیر حج در عرفات

مطلب پنجم: حکم جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه

مطلب ششم: احکام متغیر حج در رمی جمرات

مطلب هفتم: حکم حلق و تقصیر با وسایل برقی معاصر

مطلب هشتم: عذرهای که گذراندن شب های تشریق را در منا ساقط می گرداند

مطلب نهم: حکم وکالت در خریدن هدیه و ذبح آن

مطلب دهم: حکم اتخاذ شعایر الله برای تفریح، استراحت و خوردن

مطلب یازدهم: حکم گرفتن اجرت و معاش برای اشخاص که حجاج را رهنمای می کنند

### مطلب اول: احکام متغیر احرام در فقه اسلامی

در این مطلب بعضی از احکام متغیر احرام در فقه اسلامی بیان می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

#### فرع اول: حکم احرام بستن با ازار خیاطی شده

ازار خیاطی شده عبارت از ازاری است که طرف ها و جانب هایش دوخته شده است و در بالای این ازار، یک تکه ای را می گزارد که آن تکه را خیاطی می کنند (می دوزد)، یا لاستیک و یا پارچه از چرم و یا ازار بند می نماید و در اصطلاح لغت عرب به آن «نقبه» یعنی سوراخ شده می گویند.<sup>(۱)</sup>

۱ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۹.

ازار خیاط شده دو قسم است:

قسم اول: در بدن محرم بند نمی گردد، مگر اینکه از بالا بعضش با بعض دیگرش دوخته می شود.  
قسم دوم: ازار بشکل پوشیده می شود که در بالایش یک سوراخ بشکل دورانی ساخته می شود، سپس این سوراخ با ازار بند، یا لاستیک و غیره در کمر و یا زیر ناف بسته کرده می شود و ضرورت به دوختن پایان ازار دیده نمی شود و حتی در عرض ازار جیب را برای حفظ نقودش می سازد.<sup>(۱)</sup>  
فقهاء اسلامی در پوشیدن ازار خیاطی و دوخته شده، اختلاف نموده اند، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل اند:

**قول اول:** جواز پوشیدن ازار خیاطی و دوخته شده است، این مذهب جماعت از فقهاء معاصر از جمله ابن عثیمین رحمه الله است و ابن عثیمین اولین شخص است که ازار دوخته شده را برای شخص محرم جایز دیده است و کسانی که بعد از ابن عثیمین آمده است، تابع نظریات او است.<sup>(۲)</sup>  
دلایل قول اول قرار ذیل اند:

۱- حدیث شریف است: «وَلْيُحْرَمَ أَحَدُكُمْ فِي إِزَارٍ وَرَدَاءٍ...».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: هر آینه یکی از شما در ازار و چادر احرام بسته نماید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور به پوشیدن مطلق ازار در احرام داده است و آن شامل هر دو ازار می گردد، ازار که بعضش با بعض دیگرش دوخته شده و ازار که ازاد است و دوخته نشده، بلکه بعضش با بعض دیگرش پیچانده می شود، پس پوشیدن هر دو جایز است، بنابراین، اگر محرم ازار خود را خیاطی نمود، سپس پوشید جایز است، همچنان اگر بعض ازار را با بعض دیگرش بدون خیاط کردن پیچاند هم جایز است، به همین شکل اگر برای ازارش جیب را ساخت تا در آن پول نقدش را حفظ نماید هم جایز است، و پیامبر صلی الله علیه وسلم ازار را مقید نکرده است، پس هر آنچه که ازار نامیده می شود، پوشیدن آن جایز است.<sup>(۴)</sup>

۱ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۹.

۲ - محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱ هـ)، مناسک الحج والعمرة والمشروع فی الزیارة، الناشر: مكتبة الأمة، عنيزة، ص ۴۲. مجموعة من المؤلفین، الفقه المیسر فی ضوء الكتاب والسنة، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۲۴ هـ، ج ۱ ص ۱۷۹.

۳ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۴۸۹۹. ابن حجر رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. التلخیص الحبیر فی تخریج أحادیث الرافعی الکبیر، رقم الحديث ۹۹۸.

۴ - محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱ هـ)، الشرح الممتع علی زاد المستقنع، دار النشر: دار ابن الجوزي، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲ - ۱۴۲۸ هـ، ج ۷ ص ۶۷.

۲- حدیث دوم: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَلْبَسُ الْمُحْرَمُ مِنَ النَّيِّابِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَلْبَسُ الْقُمُصَ، وَلَا الْعَمَائِمَ، وَلَا السَّرَاوِيْلَاتِ، وَلَا الْبَرَائِسَ، وَلَا الْخِيفَاتِ إِلَّا أَحَدًا لَا يَجِدُ نَعْلَيْنِ، فَلْيَلْبَسْ خُفَيْنِ، وَلْيَقْطَعْهُمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ، وَلَا تَلْبَسُوا مِنَ النَّيِّابِ شَيْئًا مَسَّهُ الرَّعْرَعَانُ أَوْ وَرْسٌ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: مردی گفت: یا رسول الله، شخص محرم چه لباسهایی را می پوشد؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: شخص محرم پیراهن، عمامه، شلوار، کلاه و خف نمی پوشد مگر کسی که کفش در اختیار ندارد در این صورت خفش را تا پایین قوزک پایش قطع می کند و آن را می پوشد. همچنین لباسهایی که به آن زعفران یا ورس (گیاهی است زرد رنگ و خوشبو) مالیده شده باشد نیز نمی پوشد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم پوشیدن لباس های ممنوعه را مشخص کرده است، تا غیر از این لباس ها برای شخص محرم مباح باشد.

۳- همچنان امام بخاری<sup>(۲)</sup> رحمه الله در صحیح اش بشکل تعلیق چنین آورده است: (وَلَمْ تَرَ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا بِالنَّبَّانِ بَأْسًا، لِلَّذِينَ يَرْحَلُونَ هُوَ دَجَهَا)<sup>(۳)</sup>.

ترجمه: عایشه رضی الله عنها در پوشیدن تنبان (شلوار) مشکل ندیده است، برای کسانی که در کجاوه سوار می شوند.

وجه استدلال از این اثر: وقت که پوشیدن تنبان جایز باشد، پوشیدن ازار دوخته شده بطریق اولی جایز است.

۴- در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: «انْطَلَقَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمَدِينَةِ بَعْدَ مَا تَرَجَّلَ، وَادَّهَنَ وَلَبَسَ إِزَارَهُ وَرَدَّاءَهُ هُوَ وَأَصْحَابُهُ، فَلَمْ يَنْهَ عَنْ شَيْءٍ مِنَ

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۵۴۳. صحیح مسلم، ۱۱۷۷.

۲ - امام بخاری: (۱۹۴ - ۲۵۶ هـ = ۸۱۰ - ۸۷۰ م)، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری، أبو عبد الله، دانشمند اسلام، حافظ و حجه در حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم، بیش از یکهزار استاد داشت و بیش از شش صد هزار حدیث جمع آوری کرده بود، در بخارا تولد گردید، سپس برای علم رحلت زیاد نمود، سپس به تالیف و تدریس مشغول گردید، سپس در قریه خرتنگ که از قریه های سمرقند بود وفات نمود، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: صحیح البخاری که در حدود شانزده سال تالیف نمود، التاریخ، الضعفاء فی رجال الحدیث، خلق أفعال العباد، الأدب المفرد و غیره. أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، هدی الساری مقدمة فتح البخاری، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹ هـ، ج ۲ ص ۱۹۳ - ۲۰۶.

۳ - صحیح البخاری، ج ۲ ص ۱۳۶.



الأُردِيَّةِ وَالأُزْرُ ثَلْبَسُ إِلَّا المُرْعَفَةَ الَّتِي تَرْدَعُ عَلَى الجُلْدِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: عبدالله بن عباس رضي الله عنهما مي گوید: آنحضرت - صلى الله عليه وسلم - همراه ياران خود پس از اينکه سرش را روغن ماليد و شانه زد و ازار و ردای احرام پوشيد، از مدينه براه افتاد. و پوشيدن هيچ لباسي را منع نکرد مگر پارچه اي که آغشته به زعفران شده بود و اثرش بر روي بدن باقي مي ماند.

وجه استدلال از حديث: پيامبر صلى الله عليه وسلم از هيچ نوع چادر و ازار منع نکرد، پس ازار عام است شامل ازار باز و بسته می گردد.

**قول دوم:** عدم جواز پوشيدن ازار خياطی و دوخته شده است و اين قول جمهور فقهاء معاصر شامل شيخ عبدالله بن جبرين<sup>(۲)</sup>، عبد الله بن حمد السكاكر، خالد بن عبد العزيز الهويسين، «اهل موسوعة الفقه الإسلامي المصرية»، و غيره است.<sup>(۳)</sup>

دلایل قول دوم:

۱- حديث شريف است: عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَجُلًا نَادَى فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَجْتَنِبُ المُحْرِمُ مِنَ النِّيَابِ؟ فَقَالَ: «لَا يَلْبَسُ السَّرَاوِيلَ، وَلَا القَمِيصَ، وَلَا البُرُنُسَ، وَلَا العِمَامَةَ، وَلَا ثَوْبًا مَسَّهُ زَعْفَرَانٌ، وَلَا وَرْسٌ، وَلَا يُخْرِمُ أَحَدُكُمْ فِي إِزَارٍ وَرَدَاءٍ، وَنَعْلَيْنِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ نَعْلَيْنِ فَلْيَلْبَسْ حُفَّيْنِ، وَلْيَقِطْهُمَا حَتَّى يَكُونَا أَسْفَلَ مِنَ العَقَبَيْنِ»<sup>(۴)</sup>.

ترجمه: از عبدالله بن عمر رضي الله عنهما روايت است، که يك مرد صدا کرد و گفت: از رسول خدا! صلى الله عليه وسلم از کدام نوع لباس شخص محرم اجتناب نمايد؟ پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمود: شخص محرم شلوار، پيراهن، کلاه، دستار و لباس که به آن زعفران و ورس مساس نموده

۱ - همان مرجع، رقم الحديث ۱۰۳۵.

۲ - ابن جبرين: عبدالله بن عبدالرحمن بن عبدالله بن ابراهيم بن فهد بن حمد بن جبرين از آل رشيد است؛ آل رشيد شاخه اي از قبيله ي عطيه بن زيد هستند که پسران زيد در نجد عربستان، قبيله مشهوري مي باشند، وطن و محل سکونتشان شهر شقراء بود، سپس برخي از آن ها به قويعه در قلب نجد عزيمت کردند و در آنجا صاحب ممتلكات شدند، عبدالله جبرين در سال (۱۳۵۲هـ) در يکي از روستاهاي شهر (قويعه) ديده به جهان گشود، ولي بعداً به شهر (رين) مهاجرت کردند و در آنجا رشد يافت، در رمضان (۱۳۸۹هـ) وفات يافت، دارای تالیفات کثیره است، از جمله: التلخيص مادته و حکمه في الاسلام، الجواب الفائق في الرد علي مبدل الحقائق، شرح عمدة الأحكام، فتاوى ابن جبرين وغيره. [www.aqeedeh.com](http://www.aqeedeh.com)

۳ - عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن جبرين، شرح عمدة الأحكام، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية، ج ۳۶ ص ۸. موقع وزارة الأوقاف المصرية، موسوعة الفقه الإسلامي المصرية، ج ۱ ص ۶۶. عبد الله بن حمد السكاكر، نوازل الحج، ضمن الدورة العلمية الشاملة المقامة بجامع الراجحي ببريدة في شوال ۱۴۲۷هـ، ص ۲۱. مذكرة الحج، ص ۲۲.

۴ - مسند الإمام أحمد بن حنبل، رقم الحديث ۴۸۹۹. ابن حجر رحمه الله اين حديث را صحيح می داند. التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير، رقم الحديث ۹۹۸.

است نباید بپوشد، هر آینه یکی از شما در ازار، چادر و کفش احرام بسته نماید، در صورت کفش پیدا نکرد، در این صورت خفش را تا پایین قوزک پایش قطع می کند و آن را می پوشد.

وجه استدلال از حدیث: در این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم که فرمود: هر آینه یکی از شما در ازار، چادر و کفش احرام بسته نماید، دلیل است بر اینکه در غیر از این سه چیز احرام بستن درست نیست و معلوم است که ازار خیاطی و دوخته شده را در لسان عرب ازار نمی گویند، بلکه «نقبه» یعنی سوراخ شده مسمی می کنند و در قوامیس و معاجم گفته نشده است: که ازار دوخته شده ازار است، بلکه به آن صفت «نقبه» را داده است، طوری که ابن منظور افریقی رحمه الله می گوید: (النُّقْبَةُ: خِرْقَةٌ يُجْعَلُ أَعْلَاهَا كَالسَّرَاوِيلِ، وَأَسْفَلُهَا كَالْإِزَارِ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: نقبه عبارت از خرقه است که بالای آن مثل شلوار و پایان آن مثل ازار گردانیده می شود. پس مشخص شد که ازار خیاطی شده، همان «نقبه» است و آن ازار نیست.

۵- احادیث که در آن منع از پوشیدن لباس های مشخص شده است، مثل حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنهما: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ رَجُلًا قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا يَلْبَسُ الْمُحْرِمُ مِنَ النَّيَابِ؟ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا يَلْبَسُ الْقُمُصَ، وَلَا الْعَمَائِمَ، وَلَا السَّرَاوِيلَاتِ، وَلَا الْبَرَائِسَ، وَلَا الْخِفَافَ إِلَّا أَحَدًا لَا يَجِدُ نَعْلَيْنِ، فَلْيَلْبَسْ خُفَيْنِ، وَلْيَقْطَعْهُمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ، وَلَا تَلْبَسُوا مِنَ النَّيَابِ شَيْئًا مَسَّهُ الزَّعْفَرَانُ أَوْ وَرْسٌ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می فرماید: مردی گفت: یا رسول الله، شخص محرم چه لباسهایی را می پوشد؟ رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمودند: شخص محرم پیراهن، عمامه، شلوار، کلاه و خف نمی پوشد مگر کسی که کفش در اختیار ندارد در این صورت خفش را تا پایین قوزک پایش قطع می کند و آن را می پوشد. همچنین لباسهایی که به آن زعفران یا ورس (گیاهی است زرد رنگ و خوشبو) مالیده شده باشد نیز نمی پوشد.

وجه استدلال از این احادیث: از این احادیث قاعده عام استخراج می گردد و آن قاعده: هر لباس که به اندازه بدن و یا به اندازه عضو از بدن دوخته شده است، پس پوشیدن آن ممنوع است و ازار دوخته شده هم به اندازه عضو از بدن است، پس پوشیدن آن ممنوع است و آن در ممنوعات و محظورات احرام داخل است، علت جامعه در حدیث ابن عمر رضی الله عنهما و سایر روایات

۱ - لسان العرب، ج ۱ ص ۷۶۸.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۴۳. صحیح مسلم، ۱۱۷۷.

مشابه آن، آن است که این لباس ها به اندازه بدن و یا عضو از آن ساخته و دوخته شده است و این لباس ها به بدن می چسبند و این چیزی است که باید فرق قایل شد: بین لباس های که ممنوع شده است و لباس های که رخصت داده شده است از قبیل ازار و چادر، پس لباس های ممنوع عبارت از لباس های خیاطی شده، دوخته شده و ساخته شده بر هیئت بدن و عضو آن اند، اما لباس های که رخصت داده شده اند بشکل آویزان و بدون خیاطی و ساخته شده بر هیئت بدن و عضو آن اند.<sup>(۱)</sup>

۲- حدیث عبدالله بن عباس رضی الله عنهما: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: حَطَبْنَا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعَرَاقَاتٍ، فَقَالَ: «مَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِزَارَ فَلْيُلْبَسِ السَّرَاوِيلَ، وَمَنْ لَمْ يَجِدِ النَّعْلَيْنِ فَلْيُلْبَسِ الْخُفَّيْنِ».**<sup>(۲)</sup>

ترجمه: از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است، که فرمود: برای ما پیامبر صلی الله علیه وسلم در عرفات خطبه خواند و گفت: شخص که ازار نمی یابد، پس شلوار بپوشد، شخص که کفش ها ندارد، پس خف «موزه» بپوشد.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث دلالت بر تعیین ازار می کند نه چیزی دیگر، زیرا اگر چیزی دیگر بجای ازار کفایت می کرد، هرآینه پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن رهنمای می کرد، پس ازار از لباس های ممنوع شده بهتر است و اینکه شلوار را اجازه داده است، از جهت ضرورت است و قاعده علماء اصول فقه است: **(أَنَّ الضَّرُورَاتِ تُبِيحُ الْمُحْظَرَاتِ)**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: برآستی ضرورت ها، ممنوعات را مباح قرار می دهند.

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول دوم، که قول جمهور فقهاء معاصر است راجح می باشد، یعنی پوشیدن ازار خیاطی و دوخته شده برای شخص محرم جایز نیست، به چند دلیل:

۱- ازار خیاطی و دوخته شده نوع از لباس های معروف و مشهور عرب و عجم است و جامع بین «نقبه» و «نطاق»<sup>(۴)</sup> است، یا نوع از شلوار، یا پیراهن خورد می باشد، که برای پایان و اسفل از بدن ساخته شده است، پس همان طوری که شلوار و پیراهن جایز نیست، این هم جایز نیست.

۱ - شرح عمدة الأحكام، ج ۳۶ ص ۸.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۸۴۳.

۳ - تاج الدین عبد الوهاب بن تقي الدين السبكي (المتوفى: ۷۷۱هـ)، الأشباه والنظائر، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۱م، ج ۱ ص ۴۵. زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ۹۷۰هـ)، الأشباه والنظائر على مذهب أبي حنيفة النعمان، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۹ م، ج ۱ ص ۷۳.

۴ - نطاق: با کسر حرف «ن» پیش بند زنان که هنگام کار در خانه بر کمر بندند، کمر بند، هر چیزی که در کمر بسته می گردد. لسان العرب، ج ۱۰ ص ۳۵۴.

۲- همچنان وقت که در کتب لغت مراجعه کرده شود و با دقت روی این موضوع بحث و بررسی گردد، بوضوح معلوم می‌گردد که: ازار وقت که هر دو طرفش دوخته شود و تکه در بالایش گذاشته شود تا در کمر بسته گردد، یک لباس معروف و مشهور نزد عرب می‌گردد. خلاصه: مشخص گردید که لباس شخص محرم ازار و چادر سفید و نظیف است، اما ازار خیاطی و دوخته شده نوع از شلوار و پیراهن خورد محسوب گردیده، از همین جهت پوشیدن آن برای شخص محرم جایز نیست.

### فرع دوم: حکم کسی که یکی از ممنوعات احرام را مرتکب می‌شود و فدیة آن

مراد از ممنوعات احرام، چیزهای اند که انجام دادن آنها برای حاجی و عمره کننده در حالی که احرام بر تن شان باشند ممنوع اند، این ممنوعات در اصل حلال اند، ولی در وقت معین که وقت احرام است منع قرار داده شده اند، تعداد ممنوعات احرام حسب استقراء (۹) نه چیز می‌باشند، که تفصیل شام قرار ذیل اند:

۱. تراشیدن، دور کردن و کوتاه کردن موی: مراد از آن دور کردن موی است، به هر شکل که صورت گیرد، مثل تراشیدن، کوتاه کردن، قطع کردن و سوختاندن و غیره، مراد از موی: هر موی که در بدن باشد از قبیل: موی سر، ریش، بروت، موی دست و پای، زیر بغل، سینه، زیرناف و غیره.<sup>(۱)</sup>

فقهاء اسلامی اتفاق دارند در مورد شخص که موی بدنش را از جهت عذر شرعی می‌تراشد، مثل شپش، اذیت و غیره، این شخص بتراشد و فدیة بدهد.<sup>(۲)</sup>

اصل در این مورد، قول الله متعال است: **{وَلَا تَحْلُقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ...}**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: و اگر کسی از شما بیمار بود و یا ناراحتی در سر داشت، (و ناچار بود سر خود را بتراشد)، باید فدیة و کفاره ای از قبیل روزه یا صدقه یا گوسفندی بدهد!

۲. گرفتن و کوتاه کردن ناخن: برای شخص محرم جایز نیست که ناخن‌های دست و پای خود را بگیرد و این قول مورد اجماع فقهاء اسلامی است.<sup>(۴)</sup>

۱ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۹۳.

۲ - الاجماع لابن منذر، ص ۵۱. المغنی، ج ۳ ص ۵۲۵.

۳ - {البقرة، آیه ۱۹۳}.

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۹۴. المغنی، ج ۳ ص ۵۳۱. الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج ۷ ص ۱۱۷.

در گرفتن یک ناخن صدقه برای یک مسکین است و در گرفتن دو ناخن صدقه برای دو مسکین است و در گرفتن های یک دست یا یک پا، فدیة است، البته این موضوع به موی قیاس می گردد.<sup>(۱)</sup>

۳. پوشانیدن سر و چهره: یکی از ممنوعات احرام پوشانیدن سر و چهره با یک چیز است، مثل دستار، کلاه، چادر و غیره، طوری که در حدیث شریف آمده است: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: بَيْنَمَا رَجُلٌ وَقَفَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِعَرَفَةَ، إِذْ وَقَعَ مِنْ رَاحِلَتِهِ، فَأَقْصَعَتْهُ - أَوْ قَالَ: فَأَقْصَعَتْهُ - فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «اغْسِلُوهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ، وَكَفَّنُوهُ فِي ثَوْبَيْنِ، وَلَا تُحْنِطُوهُ، وَلَا تُخَمِّرُوا رَأْسَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّيًّا».**<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ابن عباس رضي الله عنهما می گوید: شخصی، هنگام وقوف در عرفات، از سواری خود، بر زمین افتاد و گردنش شکست (و وفات کرد). رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: او را با آب و سدر، غسل دهید و در دو پارچه، کفن کنید و مواد خوشبو نزنید و سرش را نپوشانید. زیرا او، روز قیامت، لبیک گویند، برانگیخته می شود.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح گردید که این شخص روز قیامت لبیک گویند از جایش بلند می گردد و سرش پوشانیده نمی باشد، پس حجاج و معتمرین هم نباید سرهای شان را بپوشانند، زیرا آنها هم لبیک می گویند.<sup>(۳)</sup>

در صورت که محرم سرش را بپوشاند، بر بالایش فدیة لازم می گردد.<sup>(۴)</sup>

همچنان برای محرم ممنوع است که چهره اش را بپوشاند.<sup>(۵)</sup>

**آیا پوشیدن ماسک (وسیله که بینی و دهان را می پوشاند) هم ممنوع است یا از این حکم مستثنی است؟**

در پاسخ باید گفت: پوشیدن ماسک مشکل ندارد، زیرا ماسک از جمله لباس های نیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم از آن منع نموده باشد.<sup>(۶)</sup>

۱ - الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج ۷ ص ۱۱۷.

۲ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۲۶۶. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۰۶.

۳ - الشرح الممتع علی زاد المستقنع، ج ۷ ص ۱۱۷.

۴ - المبسوط، ج ۴ ص ۱۷.

۵ - المبسوط، ج ۴ ص ۱۷.

۶ - مذكرة مختصرة في بعض مسائل و نوازل الحج، ص ۲۷.

در حدیث شریف آمده است: «لَا يَلْبَسُ الْقُمْصَ، وَلَا الْعَمَائِمَ، وَلَا السَّرَاوِيْلَاتِ، وَلَا الْبِرَانِسَ، وَلَا الْخِفَافَ إِلَّا أَحَدٌ لَا يَجِدُ نَعْلَيْنِ، فَلْيَلْبَسْ خُفَّيْنِ، وَلْيُقِطْعُهُمَا أَسْفَلَ مِنَ الْكَعْبَيْنِ، وَلَا تَلْبَسُوا مِنَ النَّيَابِ شَيْئًا مَسَّهُ الرَّعْرَانُ أَوْ وَرْسٌ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: شخص محرم پیراهن، عمامه، شلوار، کلاه و خف نمی پوشد مگر کسی که کفش در اختیار ندارد در این صورت خفش را تا پایین قوزک پایش قطع می کند و آن را می پوشد. همچنین لباسهایی که به آن زعفران یا ورس (گیاهی است زرد رنگ و خوشبو) مالیده شده باشد نیز نمی پوشد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح و مشخص شده است که شخص محرم نباید پیراهن، عمامه، شلوار، کلاه و خف بپوشد، اما ماسک از جمله لباس های نیست که پیامبر صلی الله علیه وسلم به تحریم آن حکم نموده باشد و هم جنس آنها نیست.

از طرف دیگر ماسک از جهت حفاظت از امراض ساری مثل (ویروس کرونا) پوشیده می شود، بنابراین، از جهت ضرورت مشکل ندارد.<sup>(۲)</sup>

با اید دلایل فوق پوشیدن ماسک در حالت احرام ممنوع نمی باشد.

۴. لباس های خیاطی و دوخته شده: از جمله ممنوعات احرام پوشیدن لباس های دوخته شده است، مگر برای محرم در صورت که ازار پیدا کرده نمی تواند، جایز است تا از شلوار استفاده نماید.<sup>(۳)</sup> در صورت که محرم از لباس های دوخته شده استفاده نماید، مثل پیراهن، جراب، جاکت و غیره، بالایش فدیة لازم می گردد.<sup>(۴)</sup>

**آیا اشخاص که در تکالیف بواسیر، اسهال و امثال آنها مصاب است، می توانند از «پمپر» و امثال آن استفاده کنند و یاخیر؟**

در پاسخ باید گفت: امروزه بسیاری از مسلمانان به امراض بولی، دیابت، بواسیر و غیره مصاب اند، بنابراین، برای شان جایز است تا از وسایل پمپر و امثال آن استفاده نمایند و بر بالای شان فدیة نیست، زیرا ضرورت است و ضرورت به اندازه اش مباح است.<sup>(۵)</sup>

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱۰۴۳. صحیح مسلم، ۱۱۷۷.

۲ - مذكرة مختصرة في بعض مسائل و نوازل الحج، ص ۲۷.

۳ - المجموع، ج ۷ ص ۲۲۵.

۴ - همان مرجع، ج ۷ ص ۲۲۵.

۵ - مذكرة مختصرة في بعض مسائل و نوازل الحج، ص ۲۸.

۵. استفاده از خوشبوی: از جمله ممنوعات احرام استفاده از وسایل خوشبوی در بدن، سر و لباس شخص محرم است، در صورت که استفاده از وسایل خوشبوی بشکل فراموشی صورت گیرد، باید آن خوشبوی سه بار شسته شود و بالای فراموش کننده چیزی لازم نمی گردد و در صورت که قصداً صورت گیرد، بالایش فدیة است.<sup>(۱)</sup>
۶. شکار کردن: از جمله ممنوعات احرام برای شخص محرم شکار کردن شکاری های خشکه است، مثل آهو، خرگوش و غیره، اما شکار کردن شکاری های بحری جایز است، شخص که شکاری های خشکه را شکار می کند، بالایش فدیة است و فدیة همان گوسفند است.<sup>(۲)</sup>
۷. عقد نکاح: از جمله ممنوعات احرام عقد نکاح است، در صورت که عقد نکاح صورت گیرد، این عقد باطل و حرام است، ولی فدیة لازم نمی گردد.<sup>(۳)</sup>
۸. همبستری «جماع»: جماع و همبستری یکی دیگر از ممنوعات احرام است، در صورت که حقیقتاً جماع و همبستری قبل از وقوف به عرفه صورت گیرد، حج فاسد می گردد و هیچ چیزی حج را بجز از جماع فاسد نمی گرداند و حج را باید دوباره قضای بیآورد.<sup>(۴)</sup>
- در صورت که جماع و همبستری بعد از حلاله اول صورت گرفته باشد، حج حاجی صحیح است و بالایش فدیة لازم می گردد و فدیة همان گوسفند است.<sup>(۵)</sup>
۹. مباشرت کردن: وقت که شخص در حالت احرام هر نوع مباشرت نماید، بالایش فدیة و حج او صحیح می گردد، طوری که امام احمد رحمه الله می گوید: (مَنْ قَبِضَ عَلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ، وَهُوَ مُحْرَمٌ: فَإِنَّهُ يُهْرَبِقُ دَمَ شَاةٍ).<sup>(۶)</sup>
- ترجمه: شخص که شرمگاه همسرش را قبض و لمس می کند، در حال که محرم است، این شخص خون یک گوسفند را بریزاند.

### فرع سوم: حکم استفاده از صابون و شامپو در حالت احرام

استعمال صابون، شامپو و امثال آن در حالت احرام به دو بخش تقسیم می شود:

۱ - المغنی، ج ۳ ص ۲۹۶.

۲ - مذكرة الحج للهویسن، ص ۴۵.

۳ - الهدایة شرح البدایة المبتدی، ج ۲ ص ۱۴۳.

۴ - رد المختار علی الدرالمختار، ج ۲ ص ۱۲۲.

۵ - مجموع فتاوی العلامة عبد العزیز بن باز رحمه الله، ج ۱۷ ص ۱۲۹.

۶ - المغنی، ج ۳ ص ۳۱۲.

قسم اول: در صابون و امثال آن، بوی از عطریات نباشند، یعنی عاری و خالی از خوشبوی باشند و فقط برای پاکی و نظافت بدن استفاده شوند، پس استفاده کردن از این گونه صابون و شامپو برای محرم ضرر نمی رسانند، طوری که در کتاب «شرح منتهی الارادات» گفته شده است: (وَلَا إِثْمَ وَلَا فِدْيَةَ (إِنْ شَمَّ) مُحْرِمٌ (وَلَوْ قَصْدًا فَوَاكِهِ) مِنْ نَحْوِ نَفَّاحٍ، وَأُتْرَجَّ لِأَنَّهَا لَيْسَتْ طِيبًا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: گناه و فدیة نیست، اگر محرم چیزی از میوه ها را استشمام کرد (ولو قصدًا) مثل سیب و ترنج، زیرا اینها خوشبو نیستند.

پس صابون و شامپو و امثال آنها، که خوشبو نیستند، در حکم سیب و ترنج داخل هستند.<sup>(۲)</sup>

قسم دوم: در صابون و شامپو و امثال آنها، خوشبوی باشند، بشکل که همراهی شان مثلاً مسک باشد و یا خوشبوی دیگری، پس استفاده از آنها درست نیست، زیرا از جمله استعمال خوشبوی محسوب می گردند و شخص محرم از استعمال خوشبوی ممنوع شده است.<sup>(۳)</sup>

### فرع چهارم: حکم استفاده زن از چیزی که دم حیض او را در حالت احرام قطع می کند

استعمال و استفاده از دوا و داروی که دم حیض را بند و قطع می کند، در حج و غیره نظر به شرایط جایز است، این شرایط قرار ذیل اند:

ابن عثیم رحمه الله بیان می دارد که استعمال دوا و داروی که دم حیض را بند و قطع می کند، نظر به دو شرط جایز است:

- ۱- اینکه بعد از بند و قطع کردن دم، او را در وقت نزدیک شدن رمضان رفع نسازد تا روزه رمضان را افطار کند، یا در وقت نماز رفع کند تا نماز از گردنش ساقط گردد.
- ۲- اینکه این کار را به اجازه شوهرش انجام دهد، زیرا حصول حیض، شوهرش را از انتفاع گرفتن منع می کند، پس جایز نیست چیزی که حق یک شخص را منع می نماید مگر به اجازه او، گرچند زن در عدت طلاق هم باشد، زیرا این کار گذراندن عدت را سرعت داده و مانع رجعت دوباره شوهر در عدت می گردد.<sup>(۴)</sup>

۱- منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس البهوتی الحنبلی (المتوفی: ۱۰۵۱هـ)، دقائق أولی النهی لشرح المنتهی المعروف بشرح منتهی الإرادات، الناشر: عالم الکتب، بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۴هـ - ۱۹۹۳م، ج ۱ ص ۵۴۱.

۲- مسائل فی النوازل الحج، ص ۱۱۵.

۳- مجموع فتاوی العلامة عبد العزیز بن باز رحمه الله، ج ۱۶ ص ۱۳۲. محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱هـ)، مجموع فتاوی و رسائل فضیلة الشیخ محمد بن صالح العثیمین، الناشر: دار الوطن - دار الثریاء، الطبعة: الأخيرة - ۱۴۱۳ هـ، ج ۲۲ ص ۱۵۵.

۴- محمد بن صالح بن محمد العثیمین (المتوفی: ۱۴۲۱هـ)، رسالة فی الدماء الطبیعیة للنساء، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - وكالة شؤون المطبوعات والنشر، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱هـ، ص ۵۵.



۳- همچنان استفاده کردن از دوا و دارو جهت بند کردن دم حیض، باعث ضرر بدنی و نفسی نگردد، طوری که ابن مفلح<sup>(۱)</sup> رحمه الله می گوید: (لا بأس بشرب دواء لمباح لقطع الحيض إذا أمن ضرره).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: نوشیدن دواى مباح از جهت قطع کردن دم حیض مشکل نیست، وقت که از ضرر آن در امن باشد.

### فرع پنجم: حکم استفاده از جراب در حالت احرام

این مسئله بر می گردد به حکم استفاده از موزه در حالت احرام، پس شخص که در حالت احرام از جهت عذر موزه می پوشد، برایش جایز است و فدیة لازم می گردد، به همین شکل شخص که از جهت ضرورت و نیازمندی جراب می پوشد، برایش جایز و فدیة لازم می گردد.<sup>(۳)</sup>

امام احمد رحمه الله می فرماید: (أَنَّ عَلَيْهِ الْفِدْيَةَ بِلُبْسِ الْخُفِّ).<sup>(۴)</sup> ترجمه: بالای محرم به سبب پوشیدن موزه فدیة است.

همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَعْقِلٍ، قَالَ: قَعَدْتُ إِلَى كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ فِي هَذَا الْمَسْجِدِ، يَعْنِي مَسْجِدَ الْكُوفَةِ، فَسَأَلْتُهُ عَنْ (فِدْيَةِ مَنْ صِيَامٍ) فَقَالَ: حُمِلْتُ إِلَى النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ -، وَالْقَمَلُ يَنْتَازِرُ عَلَى وَجْهِهِ، فَقَالَ: مَا كُنْتُ أَرَى أَنَّ الْجَهْدَ قَدْ بَلَغَ بِكَ هَذَا، أَمَا تَجِدُ شَاةً قُلْتُ: لَا، قَالَ: صُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، أَوْ أَطْعِمْ سِتَّةَ مَسَاكِينَ، لِكُلِّ مَسْكِينٍ نِصْفُ صَاعٍ مِنْ طَعَامٍ، وَاخْلُقْ رَأْسَكَ فَنَزَلَتْ فِيَّ خَاصَّةً، وَهِيَ لَكُمْ عَامَّةٌ.<sup>(۵)</sup>

ترجمه: عبدالله بن معقل می گوید: در مسجد کوفه پیش کعب بن عجره رضی الله عنه نشسته بودم، از او درباره آیه ۱۹۶ سوره بقره: {فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ}.<sup>(۶)</sup> (کسی که به واسطه داشتن موی سر

۱ - ابن مفلح: (۸۱۶ - ۸۸۴ هـ = ۱۴۱۳ - ۱۴۷۹ م)، ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدین، یکی از مؤرخین و شیخ حنابلہ در زمان و عصرش بود، تولد و وفات او در دمشق شده است، بیش از چهل سال در دیار شام به حیث قاضی ایفاء و وظیفه نموده است، دارای تالیفات کثیره بود، از جمله: المقصد الأرشد فی ذکر أصحاب الإمام أحمد، المبدع بشرح المقنع فی الفقه، مرقاة الوصول إلى علم الأصول وغيره. شمس الدین أبو الخیر محمد بن عبد الرحمن بن محمد بن أبي بكر بن عثمان بن محمد السخاوي (المتوفى: ۹۰۲ هـ)، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الناشر: منشورات دار مكتبة الحياة - بيروت، ج ۱ ص ۱۵۲.

۲ - ابراهیم بن محمد بن عبد الله بن محمد ابن مفلح، أبو إسحاق، برهان الدین (المتوفى: ۸۸۴ هـ)، المبدع شرح المقنع، الناشر: دار عالم الكتب، الرياض، الطبعة: ۱۴۲۳ هـ/۲۰۰۳ م، ج ۱ ص ۲۴۴.

۳ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۱۰۸.

۴ - علاء الدین أبو الحسن علي بن سليمان المرادوي الدمشقي الصالحي الحنبلي (المتوفى: ۸۸۵ هـ)، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: الثانية - بدون تاریخ، ج ۳ ص ۴۶۶.

۵ - صحيح البخاری، رقم الحديث ۱۸۱۶. صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۲۰۱.

۶ - {البقرة، آیه ۱۹۶}.

اذیت می شود، سرش را بتراشد و فدیة ای از روزه یا صدقه و یا ذبح حیوانی انجام دهد)، پرسیدم: کعب گفت: (از کار افتاده بودم) مرا برداشتند و پیش پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - بردند. شپشها سر و صورتم را فرا گرفته بودند. پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - گفت: فکر نمی کردم تا این اندازه ناراحت باشی، آیا گوسفندی داری؟ گفتم: خیر. گفت سه روز روزه باش و یا شش نفر فقیر را طعام بده که به هر يك از آنها نصف يك صاع گندم یا جو برسد، و سرت را بتراش. کعب گفت: آیه فوق در مورد من نازل شد ولی حکم آن همه شما را شامل می گردد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص و واضح گردیده است که تراشیدن موی سر ممنوع است، ولی در حالت عذر تراشیدن آن جایز است، با آنهم بالای محرم فدیة لازم می گردد، پس پوشیدن جراب و موزه در حالت احرام به همراهی عذر جایز اند، ولی فدیة لازم می گردد، اما در حالت قصد بطریق اولی لازم می گردد.<sup>(۱)</sup>

### مطلب دوم: حکم طواف در حالت سواره بر ماشین های برقی

این موضوع بر می گردد براین که حکم طواف در حالت سواره چگونه است؟ که تفصیل این موضوع قرار ذیل است:

فقهاء اسلامی اتفاق دارند که طواف بشکل پیاده بهتر و اولی است، نسبت از طواف که در حالت سواره صورت می گیرد.<sup>(۲)</sup>

به همین شکل فقهاء اسلامی اتفاق دارند که طواف برای شخص معذور در حالت سواره جایز است، طوری که ابن قدامه رحمه الله می گوید: (لَا نَعْلَمُ بَيْنَ أَهْلِ الْعِلْمِ خِلَافًا فِي صِحَّةِ طَوَافِ الرَّكْبِ إِذَا كَانَ لَهُ عُدْرٌ).<sup>(۳)</sup> ترجمه: بین اهل علم خلافی را در صحت طواف سواره وقتی که برایش عذر باشد، نمی بینم.

در حدیث شریف آمده است: عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَّهَا قَالَتْ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي أَشْتَكِي فَقَالَ: «طُوفِي مِنْ وَرَاءِ النَّاسِ وَأَنْتِ رَاكِبَةٌ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: ام سلمه رضي الله عنها مي گوید: به آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - گفتم که من مریض هستم. ایشان فرمود: شترت را سوار شو و از ورای طواف کنندگان، طواف کن.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شد که ام سلمه رضي الله عنها مریض بود و پیامبر صلی

۱ - مسائل فی النوازل الحج، ص ۱۱۰.

۲ - تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق وحاشیة الشلبي، ج ۲ ص ۱۷. المغنی، ج ۵ ص ۲۵۱. المجموع، ج ۷ ص ۲۸. الانصاف، ج ۴ ص ۱۲.

۳ - المغنی، ج ۵ ص ۲۵۱.

۴ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۴۶۴. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۷۶.

الله عليه وسلم برایش اجازه داد تا طوافش را سواره انجام دهد، پس در حالت عذر از جمله مرض، جایز است تا سواره طواف صورت گیرد.

اما فقهاء اسلامی در مورد طواف شخص که عذر ندارد، بشکل سواره اختلاف نموده اند، که تفصیل این اختلاف قرار ذیل است:

قول اول: طواف شخص بدون عذر و سعی بین صفا و مروه او، در حالت سواره درست و صحیح است و فدیة بر بالای آن شخص نیست، ایین قول از انس بن مالک رضی الله عنه، عطاء ابن ابی رباح<sup>(۱)</sup>، مذهب شافعی، قول ابن منذر<sup>(۲)</sup> و ابن حزم ظاهری<sup>(۳)</sup> رحمهم الله اند.<sup>(۴)</sup>

دلایل قول اول: قرار ذیل اند:

۱- حدیث شریف است: **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - طَافَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ عَلَى بَعِيرٍ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ بِمِخْبَنِهِ».**<sup>(۵)</sup>

ترجمه: عبد الله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حجة الوداع، سوار بر شتر، بیت را طواف کرد و به وسیله عصا حجر الاسود را استلام نمود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم طواف در حالت سواره نمود و این دلالت بر جواز آن می کند.

۱- عطاء بن ابی رباح أسلم القرشي [وفاة: ۱۱۱ - ۱۲۰ هـ]، یکی از امامان، مفتی ها، شیخ الاسلام و فقهای تابعین و از شاگردان مشهور عبدالله ابن عباس بود، احادیث مرسله زیاد از او روایت شده است. سیر اعلام النبلاء، ج ۵ ص ۷۸.

۲- ابن المنذر (۲۴۲ - ۳۱۹ هـ = ۸۵۶ - ۹۳۱ م)، محمد بن ابراهیم بن منذر، نيسابوري، أبو بكر، یکی از فقهاء و مجتهدین قرن سوم هجری و شیخ حرم مکه اه حساب می آمد، دارای تالیفات زیاد است از جمله: المبسوط في الفقه، الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف، الإشراف على مذاهب أهل العلم، اختلاف العلماء، تفسير القرآن وغيره. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۷ ص ۳۳۸.

۳- ابن حزم ظاهری (۳۸۴ - ۴۵۶ هـ = ۹۹۴ - ۱۰۶۴ م)، علي بن أحمد بن سعيد بن حزم ظاهري، أبو محمد یکی از علماء و فقیه مشهور در اندلس بود و یکی از امامان اسلام به شمار می رود، در اندلس مردم زیاد به مذهبش که «حزمیه» است منسوب می شوند، در قرطبه متولد گردید و در اندلس وفات نمود، دارای تالیفات زیاد است از جمله: الفصل في الملل والأهواء والنحل، المحلى في فقه، جمهرة الأنساب، الناسخ والمنسوخ وغيره. أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲ هـ)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۰ هـ/ ۱۹۷۱ م، ج ۴ ص ۱۹۸ - ۱۹۹.

۴- عبد الله أبو بكر بن محمد بن أبي شيبه العبسي الكوفي (۱۵۹ - ۲۳۵ هـ)، المصنف في الأحاديث والآثار، المحقق: كمال يوسف الحوت، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۹، ج ۳ ص ۱۷۰. الحاوي الكبير، ج ۴ ص ۱۵۱. المجموع، ج ۸ ص ۲۸. المحلى بالآثار، ج ۷ ص ۱۸۰.

۵- سنن ابوداود، رقم الحديث ۱۸۷۸. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ۸۵۲ هـ)، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المحقق: السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج ۲ ص ۱۴ رقم الحديث ۴۱۶.

۲- الله متعال برای حجاج و معتمرین دستور طواف را بشكل مطلق داده است، پس مقید کردن آن درست نیست، مگر در صورت دلیل.<sup>(۱)</sup>

قول دوم: طواف در حالت سواره جایز است، ولی دم لازم می گردد، این قول مذهب احناف، مالکی و یک روایت از امام احمد رحمه الله است.<sup>(۲)</sup>  
دلایل قول دوم: قرار ذیل اند:

۱- دلیل اول: حدیث شریف است: عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ، أَنَّهَا قَالَتْ: شَكَّوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي أَشْتَكِي فَقَالَ: «طُوفِي مِنْ وَرَاءِ النَّاسِ وَأَنْتِ رَاكِبَةٌ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ام سلمه ضی الله عنها می گوید: به آنحضرت - صلی الله علیه وسلم - گفتم که من مریض هستم. ایشان فرمود: شترت را سوار شو و از وراي طواف کنندگان، طواف کن.  
وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ام سلمه رضی الله عنها اجازه داد تا بشكل سواره طواف نماید و این دلالت بر جواز طواف در حالت سواره دارد.

۲- همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ إِلَّا أَنْ اللَّهُ أَبَاحَ فِيهِ الْمُنْطِقَ فَمَنْ نَطَقَ فَلَا يَنْطِقُ إِلَّا بِخَيْرٍ».<sup>(۴)</sup>

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: طواف به بیت الله نماز است، مگر الله متعال در طواف سخن گفتن را مباح ساخته است، پس کسی که سخن می گوید، جز سخن خیر نگوید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم طواف را نماز خوانده و تنها تفاوت طواف از نماز، سخن گفتن دانسته است، پس همان طوری که نماز بدون عذر نباید سواره خوانده شود، به همین شکل طواف هم نباید بدون عذر سواره خوانده شود و در صورت که خوانده شود باید فدیة آن را که یک دم است پرداخت نماید.<sup>(۵)</sup>

۱ - المغنی، ج ۵ ص ۲۵۰.

۲ - المبسوط، ج ۴ ص ۴۵. مواهب الجلیل، ج ۴ ص ۱۵۰. المغنی، ج ۵ ص ۲۵۰.

۳ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۴۶۴. صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۷۶.

۴ - نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان أبو الحسن الهیثمی (المتوفی: ۸۰۷هـ)، موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، المحقق: محمد عبد الرزاق حمزة، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، رقم الحدیث ۹۹۸. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. الدراية في تخريج أحاديث الهداية، ج ۲ ص ۴۱.

۵ - المبسوط، ج ۴ ص ۴۵.

۳- پیامبر صلی الله علیه وسلم پیاده طواف می نمود و فرموده است: «لِتَأْخُذُوا مَنَاسِكُكُمْ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: بطور حتم و یقین مناسک حجتان را از من بگیرید.

وجه استدلال از حدیث: از این حدیث دانسته شد که مسلمانان روش و طریقه انجام مناسک و اعمال حج را از پیامبر صلی الله علیه و سلم باید بگیرند، بنابراین، مسلمانان از عهد پیامبر صلی الله علیه و سلم تا امروز در صورت که عذر نداشتند، طواف را بشکل پیاده انجام داده اند.<sup>(۲)</sup>

قول سوم: طواف بشکل سواره و بدون عذر صحیح نیست، این قول از عمر رضی الله عنه و عروه رحمه الله، نقل شده است، همچنان این مذهب فقهاء حنبلی است.<sup>(۳)</sup>

دلایل این قول قرار ذیل اند:

۱- حدیث شریف است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الطَّوْفُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ إِلَّا أَنْ اللَّهُ أَبَاحَ فِيهِ الْمُنْطِقَ فَمَنْ نَطَقَ فَلَا يَنْطِقُ إِلَّا بِخَيْرٍ»<sup>(۴)</sup>.

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: طواف به بیت الله نماز است، مگر الله متعال در طواف سخن گفتن را مباح ساخته است، پس کسی که سخن می گوید، جز سخن خیر نگوید.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم طواف را نماز خوانده و تنها تفاوت طواف از نماز، سخن گفتن دانسته است، پس همان طوری که نماز بدون عذر نباید سواره خوانده شود، به همین شکل طواف هم نباید بدون عذر سواره خوانده شود.

۲- همچنان در حدیث شریف آمده است: عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، أَنَّهَا قَالَتْ: شَكَوْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنِّي أَشْتَكِي فَقَالَ: «طُوفِي مِنْ وَرَاءِ النَّاسِ وَأَنْتِ رَاكِبَةٌ»<sup>(۵)</sup>.

ترجمه: ام سلمه ضی الله عنها می گوید: به آنحضرت - صلی الله علیه و سلم - گفتم که من مریض هستم. ایشان فرمود: شترت را سوار شو و از ورائی طواف کنندگان، طواف کن.

۱ - سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۹۷۰. ألبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن أبي داود، رقم الحديث ۱۹۷۰.

۲ - المبسوط، ج ۴ ص ۴۵.

۳ - المحلی بالآثار، ج ۷ ص ۱۸. المغنی، ج ۵ ص ۲۵۰. الانصاف، ج ۴ ص ۱۲.

۴ - نور الدین علی بن ابی بکر بن سلیمان أبو الحسن الهیثمی (المتوفی: ۸۰۷هـ)، موارد الظمان إلى زوائد ابن حبان، المحقق: محمد عبد الرزاق حمزة، الناشر: دار الکتب العلمیة، بیروت، رقم الحديث ۹۹۸. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. الدراية في تخريج أحاديث الهداية، ج ۲ ص ۴۱.

۵ - صحیح البخاری، رقم الحديث ۴۶۴. صحیح مسلم، رقم الحديث ۱۲۷۶.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شد که پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ام سلمه رضی الله عنها که عذر داشت، اجازه داد تا بشکل سواره طواف نماید و این دلالت بر جواز طواف در حالت سواره برای معذورین دارد، اما برای کسانی که عذر ندارند، پیامبر صلی الله علیه وسلم اجازه طواف را بشکل سواره نداده است.<sup>(۱)</sup>

۳- همچنان طواف عبادت است که به بیت الله تعلق می گیرد، بنابراین، انجام دادن آن در حالت سواره جایز نیست، مگر همراهی عذر.<sup>(۲)</sup>

قول راجح: بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که اختلاف در این مورد میان فقهاء قوی است، ولی به نظر می رسد که راجحتر، صحت طواف در حالت سواره و بدون عذر است، به چند دلیل:

۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم بدون عذر و در حالت سواره طواف نموده است، طوری که در حدیث شریف آمده است: «عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - طَافَ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ عَلَى بَعِيرٍ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ بِمَحْجَنِهِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: عبد الله بن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حجة الوداع، سوار بر شتر، بیت را طواف کرد و به وسیله عصا حجر الاسود را استلام نمود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم طواف در حالت سواره نمود و این دلالت بر صحت و جواز آن می کند.

۲- همچنان اگر طواف در حالت سواره و بدون عذر جایز نمی بود، هر آینه پیامبر صلی الله علیه وسلم آن را بیان می نمود، در حال که صحابه رضی الله عنهم پیامبر صلی الله علیه وسلم را دید که سواره طواف می نماید و هیچ کدام شان نگفته است: که این طواف در حالت عذر بود.

خلاصه: طواف در حالت سواره بر ماشین های برقی و امثال آن، بدون عذر جایز است و کدام خلل برصحت طواف به بار نمی آورد.

۱- الانصاف، ج ۴ ص ۱۲.

۲- محمد بن الحسین بن محمد بن خلف، أبو يعلى الفراء البغدادي الحنبلي (المولود ببغداد سنة ۳۸۰ هـ والمتوفى بها سنة ۴۵۸ هـ)، التعليق الكبير في المسائل الخلافية بين الأئمة، المحقق: محمد بن فهد بن عبد العزيز الفريخ، الناشر: دار النوادر، دمشق - سوريا، الطبعة: الأولى، ۱۴۳۵ هـ - ۲۰۱۴ م، ج ۲ ص ۶۲۴.

۳- سنن ابوداود، رقم الحديث ۱۸۷۸. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : ۸۵۲هـ)، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المحقق : السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر : دار المعرفة - بيروت، ج ۲ ص ۱۴ رقم الحديث ۴۱۶.

## مطلب سوم: حکم سعی در حالت سواره بر ماشین های برقی

بهتر است تا سعی بین صفا و مروه بشکل پیاده صورت گیرد، در صورت که بشکل سواره بر ماشین های برقی و امثال آن صورت گیرد، سعی صحیح می گردد و کدام مانع برای صحت سعی حاجی وارد نمی گردد.<sup>(۱)</sup>

طوری که در حدیث شریف آمده است: **عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - طَافَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ عَلَى بَعِيرٍ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ بِمَحْجَنِهِ».**<sup>(۲)</sup>

ترجمه: عبد الله بن عباس رضي الله عنهما می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - در حجة الوداع، سوار بر شتر، بیت را طواف کرد و به وسیله عصا حجر الاسود را استلام نمود. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم طواف در حالت سواره نمود و این دلالت بر صحت و جواز آن می کند، پس سعی که در عقیب طواف صورت می گیرد هم به آن قیاس می گردد.

همچنان عطاء ابن ابی رباح رحمه الله می گوید: طواف و سعی سواره بدون عذر صحیح است و فدیة هم بالای حاجی لازم نمی گردد.<sup>(۳)</sup>

## مطلب چهارم: احکام متغیر حج در عرفات

در این مطلب احکام متغیر حج در عرفات از قبیل افاضه از عرفه قبل از غروب آفتاب، برای کسی که روز را در آنجا سپری کرد و رفتن به عرفات بوسیله طیاره و امثال آن بیان می گردد، که تفصیل شان قرار ذیل اند:

**فرع اول: افاضه از عرفه قبل از غروب آفتاب، برای کسی که روز را در آنجا سپری کرده است**  
فقهاء اسلامی اتفاق نظر دارند بر اینکه آخر وقت و قوف به عرفه، طلوع صبح روز دهم ذی الحجه است، طوری که ابن قدامه رحمه الله می فرماید: **(وَلَا نَعْلَمُ خِلَافًا بَيْنَ أَهْلِ الْعِلْمِ فِي أَنَّ آخِرَ الْوَقْتِ طُلُوعُ فَجْرِ يَوْمِ النَّحْرِ).**<sup>(۴)</sup>

۱ - مسائل فی نوازل الحج، ص ۲۰۳.

۲ - سنن ابوداود، رقم الحدیث ۱۸۷۸. ابن حجر رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. الدرایة فی تخریج أحادیث الهدایة، ج ۲ ص ۱۴ رقم الحدیث ۴۱۶.

۳ - یوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري القرطبي (المتوفى: ۴۶۳هـ)، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي، محمد عبد الكبير البكري، الناشر: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية - المغرب، ۱۳۸۷ هـ، ج ۲ ص ۹۵.

۴ - المغنی، ج ۵ ص ۲۷۴.

ترجمه: بین اهل علم اختلاف نمی بینم، بر اینکه آخر وقت و قوف به عرفه، طلوع صبح روز نحر است. به همین شکل فقهاء اسلامی اتفاق دارند، شخص که شب و قوف به عرفه را نماید، حج او صحیح است، طوری که ابن قدامه رحمه الله می گوید: (وَمَنْ لَمْ يُدْرِكْ جُزْءًا مِنَ النَّهَارِ، وَلَا جَاءَ عَرَفَةَ، حَتَّى غَابَتِ الشَّمْسُ، فَوَقَفَ لَيْلًا، فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَحَجَّهُ تَامًّا. لَا نَعْلَمُ فِيهِ مُخَالَفًا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: شخص که جزئی از روز را درک نکرد و به عرفه نیامد، تا اینکه آفتاب غروب نمود، سپس شب را وقوف نمود، بربالایش چیزی لازم نمی گردد و حج او تمام است، در این مورد مخالف را نمی بینم. اما افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب برای شخص که روز را در عرفات توقف نموده است، حج او صحیح است، ولی اختلاف در حکم افاضه از عرفات قبل از غروب آفتاب است، که این اختلاف بر دو قول خلاصه می گردد:

**قول اول:** شخص که در روز وقوف به عرفه نموده است، بربالایش واجب است تا در عرفات باقی مانده تا اینکه آفتاب غروب نماید، این قول جمهور اهل علم شامل مذهب احناف، یک قول شافعی، مذهب حنبلی و جمع از علماء و فقهاء قدیم و معاصر می باشد.<sup>(۲)</sup>

دلیل این قول: بدون خلاف، پیامبر صلی الله علیه وسلم در عرفات وقوف نمود تا اینکه آفتاب غروب کرد و طوری که در روایت جابر رضی الله عنه آمده است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لِتَأْخُذُوا مَنَاسِكُمْ، فَإِنِّي لَا أَدْرِي لِعَلِّي لَا أَحُجُّ بَعْدَ حَجَّتِي هَذِهِ».<sup>(۳)</sup>

ترجمه: ای مردم مناسک حج خود را از من فراگیرید، زیرا من نمی دانم، شاید این حج آخرین حج من می باشد و بعد از آن دیگر، حج نیایم اشاره به رحلت خویش فرموده است. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده است که مناسک حج خود را از من فراگیرید، بنابراین، پیامبر صلی الله علیه وسلم وقوف به عرفه را تا غروب آفتاب انجام داده است، پس باید ماهم تا غروب آفتاب انجام دهیم.

در صورت که قبل از غروب آفتاب از عرفات افاضه می نماید، بالایش دم لازم می گردد.<sup>(۴)</sup>

**قول دوم:** باقی ماندن شخص که در روز وقوف نموده است تا غروب آفتاب، سنت است، این قول مذهب شافعی است، امام نووی رحمه الله آن را اختیار نموده است، یک روایت از امام احمد رحمه الله است و قول

۱ - المغنی، ج ۵ ص ۲۷۴.

۲ - فتح القدیر، ج ۲ ص ۴۰۹. المجموع، ج ۸ ص ۱۲۳. المغنی، ج ۵ ص ۳۹۳.

۳ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۲۹۷.

۴ - بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، ج ۲ ص ۱۲۵.



ابن حزم ظاهری رحمه الله است.<sup>(۱)</sup>

دلیل این قول: حدیث شریف است: عَنْ عُرْوَةَ بْنِ مُضَرَّسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ شَهِدَ صَلَاتَنَا هَذِهِ يَعْنِي بِالْمُرْدَلِفَةِ فَوَقَفَ مَعَنَا حَتَّى نَدْفَعَ وَقَدْ وَعَفَ بِعَرَفَةَ قَبْلَ ذَلِكَ لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَقَدْ تَمَّ حَجَّهُ وَقَضَى تَقَاتَهُ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: عروه بن مضرس رضي الله عنه مي گويد: رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: كسي كه اين نماز با ما (در مزدلفه) شركت داشته باشد، و با ما وقوف نموده باشد، تا حركت كنيم، و قبل از اين شب يا روزي در عرفه توقف کرده باشد، حجتش كامل شده، و مناسكش را انجام داده است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: قبل از این شب یا روزي در عرفه توقف کرده باشد، حجتش كامل شده، اگر وقوف به عرفه تا غروب آفتاب واجب می بود، هر آینه پیامبر صلی الله علیه وسلم این موضوع را یاد آوری می کرد.

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول اول راجح است، یعنی وقوف به عرفات تا غروب آفتاب واجب است، به چند دلیل:

۱- پیامبر صلی الله علیه وسلم و صحابه رضی الله عنهم تا غروب آفتاب در عرفات توقف نموده اند.

۲- حدیث عروه بن مضرس رضی الله عنه محمول بر صحت حج است، یعنی شخص که در روز

عرفه یک لحظه هم در عرفات وقوف نماید، حج او صحیح است، ولی واجب تا غروب آفتاب

است.<sup>(۳)</sup>

## فرع دوم: رفتن به عرفات بوسیله طیاره و امثال آن

یکی از مسایل متغیر حج، رفتن به عرفات است بوسیله طیاره و غیره از وسایل که از هوای عرفه مرور می کنند و حقیقت این مسئله آن است که برای بعضی از حجاج عذر است از همین جهت تلاش می نمایند تا این ركن (وقوف به عرفه) بزرگ را با گذشتن و مرور کردن از طریق طیاره و امثال آن از بالای عرفات انجام دهند، تا این ركن اداء گردد، از همین جهت فقهاء اسلامی اتفاق نظر دارند: شخص که با نیت وقوف به عرفه در وقت معین که از زوال روز عرفه تا طلوع صبح روز دهم ذی الحجه است، از زمین

۱ - المجموع، ج ۸ ص ۱۲۳. الانصاف، ج ۴ ص ۳۰. المحلی بالآثار، ج ۵ ص ۱۱۵.

۲ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۳۰۱۶. سنن أبي داود، رقم الحدیث ۱۹۵۰. آلبانی رحمه الله این حدیث را صحیح می داند. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۳۰۱۶.

۳ - مسائل نوازل الحج، ص ۱۲۷.

عرفه مرور می کند، این وقوف او جایز است.<sup>(۱)</sup>

ولی اختلاف میان فقهاء بر این است، اگر حاجی از هوای عرفات بوسیله طیاره و امثال آن مرور نماید، بدون اینکه در مکانی از عرفات طیاره نشست کند و بدون اینکه موتر و امثال از وسایل منتقله او را به مکان عرفات برساند، آیا این مرور بوسیله طیاره برای حاجی جایز است تا حج او صحیح گردد؟ یا این مسئله در حکم دخول بر هوای عرفه است؟

اهل علم در قسمت مرور کردن از هوای عرفه بوسیله طیاره و امثال آن، با نیت وقوف به عرفه، اختلاف نموده اند، که این اختلاف بر دو قول خلاصه می گردد:

**قول اول:** عدم صحت مرور برای محرم بوسیله طیاره، بالای کوه های عرفه است، این قول از فقهاء مالکی و بعضی از فقهاء شافعی است.<sup>(۲)</sup>

این قول استدلال نموده اند، بر اینکه وقوف به عرفه مثل سجود در نماز است، بنابراین، مرور از هوا کفایت نمی کند، بلکه ضرور است تا حاجی خود را به زمین عرفه و یا آنچه متصل به زمین عرفه است برساند.<sup>(۳)</sup>

از همین جهت صاحب کتاب «تحفة الحبيب علی شرح الخطیب» می گوید: (إذا ركب علی طائر فی هواء عرفات أو ركب علی السحاب فلا یکفی فلیس لهوائها حکمها ، فلو طار فیہ لم یجزه).<sup>(۴)</sup>

ترجمه: وقتی که حاجی بر پرند در هوای عرفات سوار شد، یا بر ابری سوار شد، کفایت نمی کند، پس برای هوا حکم وقوف به عرفات نیست، بنابراین، پس اگر در هوای عرفات پرواز کرد، جایز نیست.

**قول دوم:** مرور کردن از هوای عرفه برای محرم جایز است و این مرور از وقوف محسوب می گردد، این قول از فقهاء حنبلی و بعضی از فقهاء شافعی است.<sup>(۵)</sup>

استدلال نموده اند به اینکه هوا تابع قرار است، یعنی مرور کردن از هوای عرفه به مشابه مرور کردن از زمین عرفه و قرار بر آن است، پس هوای یک چیز تابع آن چیز است، پس همان طوری که وقوف به عرفه حاصل می گردد، برابر است حاجی نشسته باشد و یا سواره، ایستاده باشد و یا خوابیده، در حال که

۱ - الإقناع فی مسائل الإجماع، ج ۱ ص ۲۷۷.

۲ - حاشیة العدوی علی شرح کفایة الطالب الربانی، ج ۱ ص ۵۳۹. بلغة السالک لأقرب المسالک، ج ۲ ص ۵۳. سلیمان بن محمد بن عمر النجیرمی الشافعی، تحفة الحبيب علی شرح الخطیب، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت/ لبنان، الطبعة: الأولى، - ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۶م، ج ۲ ص ۴۴۱.

۳ - بلغة السالک لأقرب المسالک، ج ۲ ص ۵۳.

۴ - تحفة الحبيب علی شرح الخطیب، ج ۲ ص ۴۴۱.

۵ - المغنی، ج ۱ ص ۷۵۴. المبدع فی شرح المقنع، ج ۳ ص ۲۱۲. تحفة المحتاج فی شرح المنهاج، ج ۴ ص ۱۰۹.

عقل داشته باشد، این وقوفش کفایت می کند، همچنان اگر از عرفه مرور نماید و در حال که نمی داند این عرفه است، این مرور هم از وقوفش کفایت می کند.<sup>(۱)</sup>

قرافی رحمه الله می گوید: (أَنَّ حُكْمَ الْأَهْوِيَةِ تَابِعٌ لِحُكْمِ الْأَبْنِيَّةِ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: حکم هواها تابع حکم بناها است.

از این قاعده دانسته شد که هوا تابع بنا است، پس هوای عرفه تابع بنای آن است.

همچنان حالت سواره برای حاجی خوبتر کمک می کند تا تضرع و عاجزی در دعایش نماید، این حکم برای دابه و امثال آن است، پس طیاره هم مثل دابه است.<sup>(۳)</sup>

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول اول که قایل به عدم صحت مرور از هوای عرفه است، راجح می باشد، به چند دلیل:

۱- از نگاه عقل، زیرا مرور از هوای عرفه را عقل از جمله وقوف محسوب نمی کند تا وقتی که

حاجی از زمین عرفه یا آنچه که متصل به زمین عرفه است بوسیله موتر و امثال آن مرور نکند و

هوای عرفات را عرفات مسمی نمی کند، پس برای هوای عرفه حکم زمین آن نیست، پس خلاصه

معلوم گردید که وقوف به عرفه باید بر زمین صورت گیرد، پس اگر طیاره بالای زمین عرفه

توقف نماید، سپس به هوا پرواز نماید، در این صورت وقوف به عرفه صحیح می گردد.<sup>(۴)</sup>

۲- امکان دارد آنانی که قایل به جواز اند، در حالت ضرورت باشد و ضرورت به همان اندازه آن

کفایت می کند و آن اینکه وقتی حاجی مریض باشد و برای معالجه از یک مکان به مکان دیگر

بوسیله طیاره انتقال داده شود، پس در مثل این حالت امکان دارد که به رخصت عمل شود تا رکن

حج که وقوف به عرفه است متحقق گردد.

### **مطلب پنجم: حکم جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه**

این مسئله بر دو قسم است:

**قسم اول:** جمع قبل از رسیدن به مزدلفه بدون ضرورت و حاجت صورت گیرد، فقهاء اسلامی در این

۱ - المغنی، ج ۱ ص ۷۵۴.

۲ - شهاب الدین أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، أبو العباس المالکی الشهير بالقرافي (المتوفی: ۶۸۴هـ)، الفروق = أنوار البروق في أنواء الفروق، الناشر: عالم الكتب، بیروت، ج ۴ ص ۱۵.

۳ - المبدع في شرح المقنع، ج ۳ ص ۲۱۲.

۴ - زکریا بن محمد بن أحمد بن زکریا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى السنكي (المتوفی: ۹۲۶هـ)، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر، الطبعة: ۱۴۱۴هـ/۱۹۹۴م، ج ۱ ص ۱۵۶.

مورد اختلاف نموده اند، که خلاصه این اختلاف بر دو قول بر می گردد:

**قول اول:** جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه مکروه است، ولی جمعش جایز است، این قول از عطاء بن ابی رباح، عروه بن زبیر، سعید ابن جبیر، ابویوسف از احناف، بعض از فقهاء مالکی، مذهب شافعی، مذهب حنبلی و ابن منذر رحمهم الله است.<sup>(۱)</sup>  
دلایل این قول قرار ذیل است:

۱- عموم این قول پیامبر صلی الله علیه وسلم است: «...وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهْرًا...».<sup>(۲)</sup>  
ترجمه: برایم زمین مسجد و پاکی گردانیده شده است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که تمام زمین مسجد و جای خواندن نماز قرار داده شده است، بنابراین، جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه کدام مانعی ندارد، اما از جهت ترک سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم مکروه است.<sup>(۳)</sup>

۲- دلیل دوم: مغرب و خفتن دو نماز است، جمع کردن شان در وقت یکی از آنها سنت است، پس جمع کردن آنها در اول وقت مغرب جایز است، مثل که در عرفه این کار صورت می گیرد.<sup>(۴)</sup>  
۳- حجاج مسافری هستند، برای مسافری جمع کردن نماز در هر جای مشروع می باشد.<sup>(۵)</sup>

**قول دوم:** قبل از رسیدن به مزدلفه جمع درست نیست، اگر قبل از رسیدن به مزدلفه جمع نمود، لازم است تا دوباره او را وقت که به مزدلفه رسید، عیادت نماید تا وقت که ترس فوت نمازها برده نشود، این قول از احناف بجز از ابویوسف، قول فقهاء مالکی، بعض از فقهاء شافعی و اهل ظواهر اند.<sup>(۶)</sup>  
دلایل قول دوم، قرار ذیل اند:

۱- دلیل اول: حدیث اسامه رضی الله عنه است: عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ، أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ: «دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَرَفَةَ حَتَّى إِذَا كَانَ بِالشَّيْخَبِ نَزَلَ فَبَالَ ثُمَّ تَوَضَّأَ وَلَمْ يُسَبِّحِ الْوُضُوءَ، فَقُلْتُ لَهُ: الصَّلَاةُ، قَالَ: الصَّلَاةُ أَمَامَكَ فَرَكِبَ، فَلَمَّا جَاءَ الْمُزْدَلِفَةَ نَزَلَ فَتَوَضَّأَ، فَاسْبِغِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ أُفِيْمَتِ الصَّلَاةُ

۱ - التمهيد، ج ۹ ص ۲۷۰. المغني، ج ۵ ص ۲۱۸. المبسوط، ج ۴ ص ۶۲. الذخيرة، ج ۳ ص ۲۶۲. المجموع، ج ۸ ص ۱۳۴.

۲ - صحيح البخاري، رقم الحديث ۴۲۸. صحيح مسلم، رقم الحديث ۵۲۱.

۳ - الذخيرة، ج ۳ ص ۲۶۲.

۴ - يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري القرطبي (المتوفى: ۴۶۳هـ)، الاستذكار، تحقيق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ - ۲۰۰۰م، ج ۴ ص ۳۳۴.

۵ - التمهيد، ج ۱۳ ص ۱۶۲.

۶ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲ ص ۱۵۵. المجموع، ج ۸ ص ۱۴۸. الذخيرة، ج ۳ ص ۲۶۳. المحلى بالآثار، ج ۷ ص ۱۲۹.

فَصَلَّى الْمَغْرَبَ، ثُمَّ أَنَاخَ كُلُّ إِنْسَانٍ بَعِيرَهُ فِي مَنْزِلِهِ، ثُمَّ أُقِيمَتِ الْعِشَاءُ فَصَلَّاهَا، وَلَمْ يُصَلِّ بَيْنَهُمَا شَيْئًا»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: اسامه بن زید رضی الله عنهما می گوید: رسول الله - صلی الله علیه وسلم - هنگام بازگشت از عرفات، وقتی به محل شعب رسید، قضای حاجت نمود و وضو گرفت، اما نه بطور کامل. اسامه میگوید: من عرض کردم: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم! وقت نماز فرا رسیده است. رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمود: نماز را جلوتر خواهیم خواند، (یعنی در مزدلفه) - وقتی به مزدلفه رسید، پیاده شد و وضوی کامل گرفت و نماز مغرب را خواند و بعد هر شخص، شترش را در محل مناسبی خواباند. سپس، نماز عشا اقامه گردید بدون اینکه میان آن دو (مغرب و عشاء) نماز دیگری بخوانند.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص شده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز را در راه نخواند، بلکه در مزدلفه آمد و میان شان جمع کرد، این دلالت بر عدم جواز آن تا قبل از رسیدن به مزدلفه دارد.

۲- دلیل دوم: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «لِتَأْخُذُوا مَنَاسِكُمْ، فَإِنِّي لَا أَدْرِي لَعَلِّي لَا أَحُجُّ بَعْدَ حَجَّتِي هَذِهِ»<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: مناسکتان (و چگونگی حج گزاردن) را (از من) فرابگیرید؛ زیرا من، نمی دانم که (اجلم، چه موقع فرا می رسد و شاید) پس از این، حج دیگری نگزارم.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم دستور داده است که مناسک حج خود را از من فرابگیرید، بنابراین، پیامبر صلی الله علیه وسلم نماز را در مزدلفه بعد از غایب شدن شفق ادا نمود، پس هیچ کسی نماز را نباید بخواند مگر در مزدلفه، مگر در صورتی که عذر داشته باشد، زیرا خواندن نماز در مکان مخصوص (مزدلفه) یک مناسک است، مثل طواف و وقوف و شخص که عذر نداشته باشد، نمازش در دیگر جای درست نیست.<sup>(۳)</sup>

**قول راجح:** بعد از تحقیق و بررسی به نظر می رسد که قول اول راجح است، یعنی جمع کردن نماز قبل از رسیدن به مزدلفه مکروه است، ولی جمعش جایز است، به این دلیل: در حدیث امامت جبرئیل علیه السلام آمده است: عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «أَمْنِي جَبْرِيْلُ عِنْدَ

۱ - صحيح البخاری، رقم الحديث ۱۳۸. صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۲۸۰.

۲ - صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۲۹۷.

۳ - التعلیق الكبير، ج ۲ ص ۷۰۸.

الْبَيْتِ مَرَّتَيْنِ ... ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرَبَ حِينَ وَجَبَتِ الشَّمْسُ وَأَفْطَرَ الصَّائِمُ ... وَصَلَّى الْمَرَّةَ الثَّانِيَةَ ... الْمَغْرَبَ لَوْفَتِهِ الْأَوَّلِ ... ثُمَّ التَّفَتَّ إِلَيَّ جِبْرِيْلُ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ، هَذَا وَقْتُ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ، وَالْوَقْتُ فِيمَا بَيْنَ هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: جبریل امین دوبار نزد خانه خدا (خانه کعبه) به امامت من ایستاد و (پشت سر او نماز را خواندم) ... و نماز مغرب را وقتی برایم خواند که روزه دار افطار می کند و روزه اش را می گشاید ... و چون فردا آمد ... و نماز مغرب را وقتی برایم خواند که روزه دار افطار می کند... سپس به من نگاه کرد و گفت: ای محمد! این است وقت نیایش و نماز پیامبران پیش از تو، و اوقات نماز تو بین اوقات این دو روز قرار دارد که برایت نماز خواندم.

وجه استدلال از حدیث: این حدیث دلالت می کند که وقت نماز شام بعد از غروب آفتاب است، پس کسی که مانع ادای آن در این وقت می گردد، ضرورت است تا دلیل بیاورد، در حال که دلیل قاطع در این قسمت وجود ندارد.

**قسم دوم:** جمع کردن نماز مغرب و خفتن قبل از رسیدن به مزدلفه، از جهت ترس فوت شدن وقت نماز خفتن، این جمع به اتفاق فقهاء اسلامی جایز است، زیرا وقت مهم ترین شرط نماز است، اگر امکان پایان شدن از موتر وامثال آن وجود داشت، پایان شود و اگر از جهت یک سبب وجود نداشت، در داخل موتر نمازش را بخواند. طوری که ابن تیمیه رحمه الله می گوید: (وَمَنْ لَمْ يُمْكِنَهُ النَّزُولُ لِقِتَالٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ وَحْلِ صَلَّى عَلَى الدَّابَّةِ)<sup>(۲)</sup>.

ترجمه: و برای شخص که پایان شدن از جهت جنگ، یا مرض و یا گل و لای ممکن نبود، بر سواره خود نمازش را بخواند.

### **مطلب ششم: احکام متغیر حج در رمی جمرات**

در این مطلب احکام متغیر حج در رمی جمرات از قبیل حکم نیابت در رمی جمرات و حکم رمی جمرات از منزل های بالا بیان می گردد:

۱ - سنن الترمذی، رقم الحدیث ۱۴۹. سنن ابی داود، رقم الحدیث ۳۹۳. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابی داود، رقم الحدیث ۳۹۳.

۲ - مجموع الفتاوی، ج ۲۱ ص ۲۸۵.

## فرع اول: حکم نیابت در رمی جمرات

شخص معذور که توان رمی را خودش ندارد، مثل مریض، واجب است تا شخص را به نیابت از خود بگیرد تا رمی نماید، مناسب است تا نایب شخص باشد که از خود را رمی کرده باشد، سپس از شخصی را که نیابتش را می کند رمی نماید.<sup>(۱)</sup>

شخصی که از رمی کردن عاجز باشد، مثل صبی و بیهوش، پس از صبی را ولی اش و از بیهوش را رفیقش رمی نمودند، بالای صبی و بیهوش فدیة لازم نمی گردد، ولو که رمی هم صورت نگیرد.<sup>(۲)</sup>

## فرع دوم: حکم رمی جمرات از منزل های بالا

در ابتدا رمی جمرات از یک منزل صورت می گرفت و جمرات دارای یک منزل بودند، ولی وقت که حجاج زیاد شدند، ازدحام در وقت رمی جمرات شدت گرفت، از طرف هم رمی جمرات منجر به اذیت حجاج می گردید و رمی را برای حجاج سخت و دشوار کرد، دولت عربستان سعودی دستور به ساخت و ساز طبقه دوم جمرات سه گانه داد، این کار بعد از موافقه شیخ محمد بن ابراهیم<sup>(۳)</sup> مفتی اعظم عربستان سعودی در سال ۱۳۸۲ هـ.ق، صورت گرفت.<sup>(۴)</sup>

این کار خیلی سهولت و راحتی را برای حجاج به همراه داشت، تا اینکه در سال ۱۴۲۶ هـ.ق، بعد از ازدیاد دوباره حجاج در رمی جمرات، تصمیم گرفته شد تا جمرات سه گانه را دارای چهار طبقه بسازند، تا در یک روز چهار میلیون حجاج جمرات را رمی کرده بتوانند، این کار به دستور وزیر حج و اوقاف سعودی صورت گرفت.<sup>(۵)</sup>

دلایل و اصول که دلالت بر جواز رمی جمرات از منازل و طبقات بالای جمرات می کنند، قرار ذیل اند: دلیل اول: اهل علم بر جواز رمی جمرات از منازل و طبقات بالا اجماع نموده اند، طوری که این حجر رحمة الله فرموده است: (وَقَدْ أَجْمَعُوا عَلَىٰ أَنَّهُ مِنْ حَيْثُ رَمَاهَا جَازَ سَوَاءً اسْتَقْبَلَهَا أَوْ جَعَلَهَا عَنْ يَمِينِهِ أَوْ

۱ - المبسوط، ج ۴ ص ۶۹.

۲ - همان مرجع، ج ۴ ص ۶۹.

۳ - محمد بن ابراهیم بن عبد اللطیف آل الشیخ متوفای سال ۱۳۸۹ هجری قمری، یکی از امامان علم، فتوا و قضاء در زمانش در عربستان سعودی بود، در بیان کردن حق و حقیقت شجاع بود، دارای تواضع و فروتنی بود، از اعمال ریا و سخنان فضولی و یاوه گوی دور بود، عالم به انساب هم بود. بکر بن عبد الله أبو زید بن محمد بن عبد الله بن بکر بن عثمان بن یحیی بن غیهب بن محمد (المتوفی: ۱۴۲۹ هـ)، طبقات النسابین، الناشر: دار الرشد، الریاض، الطبعة: الأولى، ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، ص ۱۹۸ - ۱۹۹.

۴ - محمد بن ابراهیم بن عبد اللطیف آل الشیخ (المتوفی: ۱۳۸۹ هـ)، فتاوی و رسائل سماحة الشیخ محمد بن ابراهیم بن عبد اللطیف آل الشیخ، جمع وترتیب و تحقیق: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم، الناشر: مطبعة الحكومة بمكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ۱۳۹۹ هـ، ص ۱۵۵، مسئله (۱۱۹۰).

۵ - مسائل فی نوازل الحج، ص ۱۸۴.

يَسَارِهِ أَوْ مِنْ فَوْقِهَا أَوْ مِنْ أَسْفَلِهَا أَوْ وَسَطِهَا).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: علماء اجماع نموده اند که حاجی از هر طرف که جمرات را رمی نماید، جایز است، برابر است از پیش روی، یا از طرف راست، یا از طرف چپ، یا از بالای آنها، یا از پایان آنها و یا هم از وسط آنها. همچنین امام نووی رحمه الله می گوید: (وَأَجْمَعُوا عَلَى أَنَّ الرَّمْيَ يُجْزِيهِ عَلَى أَيِّ حَالٍ رَمَاهُ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: اهل علم اجماع نموده اند که رمی بر هر حالت که صورت گیرد جایز است.

دلیل دوم: فقهاء اسلامی اتفاق نموده اند که هوا تابع برای قرار است و اینکه اگر یک شخص زمینی را مالک گردد، مافوق زمین را نیز مالک می گردد که فضا است<sup>(۳)</sup>، از همین جهت مافوق از موضوع نسک، موضوع نسک است، پس شخص که از طبقه بالا رمی نماید، حکم رمی از بطن وادی را دارد، زیرا هوا تابع قرار است.<sup>(۴)</sup>

دلیل سوم: همچنان اهل علم اتفاق دارند بر جواز رمی در حالت سواره، پس رمی از طبقات بالا هم حکم سواره را بخود دارد.<sup>(۵)</sup>

خلاصه واضح و مشخص گردید که رمی از طبقات بالا جایز است و این کار سهولت و راحت را برای حجاج مساعد نموده است.

### مطلب هفتم: حکم حلق و تقصیر با وسایل برقی معاصر

فقهاء اسلامی اتفاق دارند که حلق و تقصیر بوسیله تیغ، نوره (مخلوطی از زرنیخ و آهک که برای زدودن موهای بدن به کار می رود)، با کندن بوسیله دست و غیره جایز است و نمه محرم را بری می گرداند، زیرا منظور و مقصود دور کردن موی سر است و با این شکل ها حاصل می گردد.<sup>(۶)</sup>

آیا هر چیزی که موی را از سر دور نماید مدار اعتبار است و یا اینکه اجر بزرگ آن است که سر را همراهی تیغ حلق و یا تقصیر گردد، نه بادیگر چیزها؟

علماء مذاهب اسلامی تصریح نموده اند که حلق و تقصیر به هر وسیله که صورت بگیرد، جایز است، ولی بهتر آن است که با تیغ صورت گیرد، به چند دلیل:

---

۱ - أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ۱۳۷۹، ج ۲ ص ۵۸۳.

۲ - يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين النووي (المتوفى: ۶۷۶هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، ۱۳۹۲، ج ۹ ص ۴۵.

۳ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۱ ص ۱۲۱.

۴ - هيئة كبار العلماء بالملكة العربية السعودية، أبحاث هيئة كبار العلماء، ج ۳ ص ۲۷۷.

۵ - المغني، ج ۵ ص ۲۹۲.

۶ - المبسوط، ج ۴ ص ۷۰. التاج و الاكليل، ج ۳ ص ۱۲۸. المغني، ج ۵ ص ۲۴۵.



اول: الله متعال می فرماید: { مُخَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ }<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: در حالی که سرهای خود را تراشیده، یا ناخنهای خود را کوتاه کرده اید.

وجه استدلال از آیه: اطلاق اسم حلق، بر حلق بوسیله تیغ استعمال می گردد، زیرا حلق با تیغ معمول است و غیر از تیغ ضرورت است تا قرینه واضحه دلالت نماید و در اینجا قرینه نیست که به غیر از تیغ دلالت نماید.<sup>(۲)</sup>

دوم: حلق بوسیله تیغ موافق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و اختیار او است و پیامبر صلی الله علیه وسلم در میان اعمال بهترش را اختیار می نمود.<sup>(۳)</sup>

طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى مِنِّي، فَأَتَى الْجَمْرَةَ فَرَمَاهَا، ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ بِمِنَى وَنَحَرَ، ثُمَّ قَالَ لِلْحَلَّاقِ: «خُذْ»، وَأَشَارَ إِلَى جَانِبِهِ الْأَيْمَنِ، ثُمَّ الْأَيْسَرِ، ثُمَّ جَعَلَ يُعْطِيهِ النَّاسَ».<sup>(۴)</sup>

ترجمه: از انس بن مالک رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم به منی آمد، سپس به جمره آمده و آن را زد، سپس به منزل خویش به منی آمده و قربانی کرد. سپس به سلمانی فرمود: بگیر و به جانب راست خویش اشارت نمود، و سپس چپ را و بعد شروع نموده آن را به مردم می داد. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث واضح می گردد که حلق با تیغ صورت گرفته است، نه با چیزی دیگر، پس حلق با تیغ بهتر است.

پس معلوم گردید که حلق بوسیله تیغ بهتر است، اما بوسیله چیز دیگر هم جایز است، اما حلق و تقصیر کردن موی سر بوسیله ماشین های برقی و عصری، در صورتی که از بیخ موی را دور نماید، حلق محسوب می گردد و در صورتی که از بیخ موی را دور نکند، بلکه اصل موی همراهی مقدار از موی باقی بماند، تقصیر محسوب می گردد و هر دو جایز است، ولی با آنهم بهتر است تا حلق و تقصیر همراهی تیغ صورت تا عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم گردد.<sup>(۵)</sup>

خلاصه: معلوم و واضح گردید که حلق و تقصیر بوسیله ماشین های برقی و عصری جایز است و کدام مانعی ندارد، ولی بهتر است تا این حلق و تقصیر بوسیله تیغ صورت گیرد، تا به سنت پیامبر صلی الله

۱ - {الفتح، آیه ۲۷}.

۲ - بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ۲ ص ۱۴۱.

۳ - المبسوط، ج ۴ ص ۷۰. المغنی، ج ۵ ص ۲۴۵.

۴ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۳۱۳۰.

۵ - صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان، مجموع فتاوی فضیلة الشیخ صالح بن فوزان، ترقیم الکتب موافق للمطبوع، ج ۵ ص ۱۷۸.

علیه وسلم عمل گردد.

### مطلب هشتم: عذرهای که گذراندن شب های تشریق را در منا ساقط می گرداند

عذرهای که شب گذراندن را در منی ساقط می گرداند، عبارت از مرض است و یا چیزهای که قایم مقام مرض است که شب گذراندن را برای حاجی سخت می سازد، به همین شکل گذراندن شب های منی از عساکر و سربازان که برای مصالح حجاج ایفای وظیفه می نمایند، ساقط می گردد.<sup>(۱)</sup>

### مطلب نهم: حکم وکالت در خریدن هدیه و ذبح آن

امروزه بوضوح دیده می شود که بعضی از حجاج از جهت مرض و امثال آن، پول خود را به شخص دیگری می دهد و آن شخص را وکیل می گیرد تا برایش هدیه خریداری نموده، سپس آن را ذبح نماید و برای فقرا و مساکین توزیع کند، آیا این کار جایز است و یا خیر؟

در این مورد امام غزالی<sup>(۲)</sup> رحمه الله به جواز حکم داده است، و دلیلش را چنین بیان نموده است: (لتحقیق المحافظة علی شعيرة من شعائر الدين ومقصد من مقاصده، و الإمتثال لما أمر الله به من التقرب إليه).<sup>(۳)</sup> ترجمه: تا محاظت بر یک شعایر از شعایرهای دین و مقصد از مقاصد آن تحقق یابد و آمدن صورت گیرد به چیزی که الله متعال امر نموده است از جهت تقرب بسوی الله متعال.

به همین شکل از جهت کثرت حجاج، بر بالای حاجی سخت می گردد تا شخصی را بحیث وکیل جهت خریدن هدیه و ذبح آن پیدا نماید، بنابراین، برخی از مؤسسات و نهادهای خیریه در این مورد برخاسته اند و پول حجاج را جمع آوری نموده، سپس هدایا می خرند و آن هدایا را ذبح نموده و برای فقرا و مساکین حرم توزیع می نمایند، که این توکیل هم جایز است تا حرج و تکلیف رفع و دفع گردد.<sup>(۴)</sup> همچنان فقهاء قدیم بر جواز وکیل گرفتن در ذبح هدیه و توزیع گوشت آن اتفاق نظر دارند، در صورت که برای حاجی ذبح هدیه و توزیع آن سخت باشد.<sup>(۵)</sup>

فقهاء اسلامی در این مورد استدلال نموده اند با این حدیث شریف: «ثُمَّ انْصَرَفَ إِلَى الْمَنْحَرِ فَحَرَ ثَلَاثًا

۱ - الحج والعمرة، ص ۷۲.

۲ - الغزالي (۴۵۰ - ۵۰۵ هـ = ۱۰۵۸ - ۱۱۱۱ م)، أبو حامد محمد بن محمد بن محمد الطوسي، یکی فیلسوف، متصوف و بزرگان مذهبی شافعی است، تولد و وفات او در قریه طوس خراسان صورت گرفته است و بیش از دوصد تألیف دارد از جمله: إحياء علوم الدين و ياقوت التأويل في تفسير التنزيل می باشد. طبقات الشافعية، ج ۴ ص ۱۰۱.

۳ - محمد بن محمد أبو حامد الغزالي الطوسي (المتوفى: ۵۰۵هـ)، إحياء علوم الدين، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ج ۱ ص ۲۷۰.

۴ - السيدة ندى عطا الله احمد، الإجتهد المقاصدى فى المستجدات المتعلقة بالحج، الجامعة الفلوجة، كلية العلوم الإسلامية، البحث رقم (۷)، ۲۰۱۱م، ص ۹.

۵ - الاختيار لتعليل المختار، ج ۱ ص ۱۷۳. الحاوى الكبير، ج ۴ ص ۱۸۸. المقنع، ص ۱۳۳. كشاف القناع، ج ۳ ص ۸.

وَسَيِّئَنَ بَدَنَةً بِيَدِهِ، وَأَعْطَى عَلِيًّا، فَنَحَرَ مَا غَبَرَ...»<sup>(۱)</sup>.

ترجمه: سپس به قربانگاه آمد و بدست خود (۶۳) شتر را قربانی کرد، سپس کارد را به علی رضی الله عنه داد، پس باقی شتران را علی رضی الله عنه ذبح کرد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید که پیامبر صلی الله علیه وسلم علی رضی الله عنه را برای ذبح کردن باقی شتران و کیل گرفت و علی رضی الله عنه باقی شتران را ذبح کرد و این دلالت بر جواز وکیل گرفتن دارد.

اما شخص که وکیل گرفته می شود، کی باشد؟ هیئت کبار علماء سعودی در این مورد فرموده اند: شخص که وکیل قرار می گیرد، شرط است تا شخص موثق باشد، برابر است فرد باشد و یا جماعت.<sup>(۲)</sup>

از همین جهت وزارت حج و اوقاف سعودی در این قسمت نهادهای خاص را مؤظف نموده است، از جمله: المصرف الاسلامی، مصرف الراجحی، البرید السعودی و المسار الکترونی، این نهاد های موثق اند، که در ذبح هدایا و توزیع گوشته های آنها در منی و حرم حاضر می شوند و مشکلات حجاج را در این عرصه حل و فصل می نمایند.<sup>(۳)</sup>

خلاصه مشخص و واضح گردید که وکیل گرفتن برای خریدن هدایا، ذبح و توزیع گوشت آنها جایز است، تا مشقت و تکالیف که سد راهی برخی از حجاج در این قسمت اند، مرفوع گردد، ولی شخص وکیل باید شخص موثق و امین باشد و از اشخاص خاین، مفسد و کاذب باید در این عرصه خودداری گردد.

### مطلب دهم: حکم اتخاذ شعایر الله برای تفریح، استراحت و خوردن

الله متعال برای تعظیم شعائر الله تشویق و ترغیب نموده است، طوری که فرموده است: {وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ}.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد این کار نشانه تقوای دلهاست.

و شعائر جمع شعیره است، شامل هر چیزی می گردد که الله متعال به عظمت یاد نموده و به تعظیم آن امر کرده است و در تحت آن اعمال، مناسک، مکان ها و نشانه های حج داخل می گردد، طوری که ابن فارس رحمه الله که یکی از لغت دان های مشهور است، می گوید: (والمشاعر: مواضع المناسك. والشعيرة: واحدة

۱ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۳۰۷۴. سنن ابي داود، رقم الحدیث ۱۹۰۵. البانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابي داود، رقم الحدیث ۱۹۰۵.

۲ - أبحاث هیئة کبار العلماء، رقم مسئله، ۱۲۱.

۳ - همان مرجع، ج ۲ ص ۳۰۶.

۴ - {الحج، آیه ۳۲}.

الشعائر، وهي أعلام الحج وأعماله).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: مشاعر: یعنی محل ها و مکان های مناسب حج. شعیره مفرد است و جمع آن شعائر است و آن عبارت از اعلام حج و اعمال آن است.

طوری که الله متعال می فرماید: **{إِنَّ الصَّافَا وَ الْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ...}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: صفا و مروه از شعائر و نشانه های خدا است.

خلاصه قول: شعائر الله متعال، نشانه های است که الله متعال برای بنده هایش نشانه و علامه قرار داده است تا در آنجاها الله را عبادت نمایند و در آن منی، مزدلفه و عرفات داخل هستند، پس آنچیکه امروزه به کثرت دیده می شود و برای مردم عادت گردیده است، رفتن مردم نزد مشاعر مثل منی، مزدلفه و عرفات اند بغرض پاک گردیدن از گناه و امثال آن، پس حکم این رفتن ها چیست؟

در پاسخ باید گفت: گرفتن این اماکن و مشاعر برای پاک گردیدن از گناه، محبت و زیارت از چند حالت خالی نیست:

### **حالت اول: زیارت این اماکن و مشاعر از باب تعبد و عبادت صورت گیرد:**

مثل که بعضی ها زیارت کوه عرفه را نه بخاطر شناخت، بلکه بخاطر حصول برکت انجام می دهند، در نزد او نماز می خوانند، چیزی از خاک و سنگ او را با خود حمل می کنند، بدون شک زیارت کردن با این شکل غیر مشروع است و این از جمله بدعت و نو آوری در دین به حساب می آید، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: **عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَحَدَّثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ»**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: کسیکه در این امر "دین ما" چیزی را بیاورد که از آن نیست مردود است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که هر کار و امری که در دین ما آورده شود و آن کار و امر در دین ما نباشد، آن کار و امر مردود است، پس زیارت کوه عرفه نه بخاطر شناخت، بلکه بخاطر حصول برکت، در نزد او نماز خوانند، چیزی از خاک و سنگ او را با خود حمل کردند، مردود است.

۱ - أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين (المتوفى: ۳۹۵هـ)، مجمل اللغة لابن فارس، دراسة وتحقیق: زهير عبد المحسن سلطان، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الثانية - ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م، ج ۱ ص ۵۰۵.

۲ - {البقرة، آیه ۱۵۸}.

۳ - صحيح مسلم، رقم الحديث ۱۷۱۸.

اگر زیارت کوه عرفات در غیر از وقت وقوف مشروع می بود، هر آیینی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم این کار را می کردند، ولی دیده می شود که عمر رضی الله عنه درختی را که در زیر آن بیعت صورت گرفته بود، قطع می کند تا مردم آن را عبادت و تعظیم نکنند، طوری که در روایت آمده است: به عمر رضی الله عنه خبر رسید که افرادی از مسلمانان نزد درخت بیعت رضوان می روند و در آنجا نماز می خوانند. عمر رضی الله عنه دستور داد تا آن درخت را قطع کنند.<sup>(۱)</sup>

از همین جهت ابن تیمیه رحمه الله می گوید: (وَأَمَّا زِيَارَةُ الْمَسَاجِدِ الَّتِي بُنِيَتْ بِمَكَّةَ غَيْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ كَالْمَسْجِدِ الَّذِي تَحْتَ الصَّفَا وَمَا فِي سَفْحِ أَبِي قَبِيْسٍ وَنَحْوِ ذَلِكَ مِنَ الْمَسَاجِدِ الَّتِي بُنِيَتْ عَلَى آثَارِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَصْحَابِهِ كَمَسْجِدِ الْمَوْلِدِ وَغَيْرِهِ فَلَيْسَ قَصْدُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ مِنَ السُّنَّةِ وَلَا اسْتِحْبَابُهُ أَحَدٌ مِنَ الْأَيْمَةِ وَإِنَّمَا الْمَشْرُوعُ إِنْثَانُ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ خَاصَّةً وَالْمَشَاعِرُ: عَرَفَةُ وَمُزْدَلِفَةُ وَالصَّفَا وَالْمَرْوَةُ وَكَذَلِكَ قَصْدُ الْجِبَالِ وَالْبِقَاعِ الَّتِي حَوْلَ مَكَّةَ غَيْرِ الْمَشَاعِرِ عَرَفَةَ وَمُزْدَلِفَةَ وَمِنَى مِثْلَ جَبَلِ جِرَاءَ وَالْجَبَلِ الَّذِي عِنْدَ مِنَى الَّذِي يُقَالُ إِنَّهُ كَانَ فِيهِ قُبَّةُ الْإِدْعَاءِ وَنَحْوِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زِيَارَةُ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بَلْ هُوَ بَدْعَةٌ وَكَذَلِكَ مَا يُوجَدُ فِي الطَّرِيقَاتِ مِنَ الْمَسَاجِدِ الْمَبْنِيَّةِ عَلَى الْأَثَارِ وَالْبِقَاعِ الَّتِي يُقَالُ إِنَّهَا مِنَ الْأَثَارِ لَمْ يَشْرَعْ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زِيَارَةَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِخُصُوصِهِ وَلَا زِيَارَةَ شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ).<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و اما زیارت مساجد که در مکه غیر از مسجد الحرام بنا شده است، مثل مسجد که در زیر صفا و آن مسجد که در پایین و دامنه ی کوه ابوقبیس و امثال آن از مساجد که بر آثار پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحابش بنا شده است، مثل مسجد مولد و غیره، پس قصد رفتن به چیزی از اینها از سنت نیست و هم هیچ کدام از ائمه دوست ندانسته اند، بلکه تنها مشروع آمدن به مسجد الحرام و مشاعر مثل عرفه، مزدلفه، صفا و مروه است، همچنان قصد رفتن به کوه ها، مزار ائمه و بزرگان دین که در اطراف مکه غیر از مشاعر عرفه، مزدلفه و منی قرار دارند، مثل کوه حرا و کوهی که نزد منی است، که در موردش گفته می شود: در این کوه گنبد قربانی ها و امثال آن وجود دارد، زیارت کردن چیزی از اینها از سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم نیست، بلکه بدعت است، به همین شکل چیزهای که در راه ها وجود دارند از قبیل مساجد که بر اثر آثار بناء شده اند و گنبدهای که گفته می شود: اینها از آثار است، از طرف پیامبر صلی الله علیه وسلم زیارت کردن چیزی از آنها با خصوصیات شان مشروع قرار داده نشده اند و نه زیارت کردن خود شان.

۱ - زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامی، البغدادی، ثم الدمشقی، الحنبلی (المتوفی: ۷۹۵هـ)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، الناشر: مكتبة الغرباء الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج ۲ ص ۳۸۶.

۲ - مجموع الفتاوی، ج ۲۶ ص ۱۲۴.

## حالت دوم: گرفتن این اماکن و مشاعر از جهت تفریح، انس و الفت:

بدون شک این کار به فعل تفریح کننده ارتباط دارد، پس اگر فعلش مشروع و جایز باشد، مانع و مشکل ندارد، مثل خوردن، نوشیدن و تفریح مباح در مساجد، طوری که در روایت آمده است: عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: بَيْنَا الْحَبَشَةُ يُلْعَبُونَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِجَرَابِهِمْ، دَخَلَ عُمَرُ فَأَهْوَى إِلَى الْحَصَى فَحَصَبَهُمْ بِهَا، فَقَالَ: «دَعَهُمْ يَا عُمَرُ».<sup>(۱)</sup>

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه می گوید: هنگامی که حبشی ها پیش پیغمبر صلی الله علیه وسلم با سرنیزه بازی می کردند، عمر رضی الله عنه وارد مسجد شد، (از اینکه در مسجد بازی می کردند ناراحت گردید) خم شد و چند سنگ کوچک برداشت و به سوی آنان پرتاب نمود. پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ای عمر! به آنان کاری نداشته باش.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که حبشی ها در مسجد تفریح می کردند و عمر رضی الله عنه خواست تا مانع آنها گردد، اما پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: ای عمر! به آنان کاری نداشته باش. این دلالت بر جواز این کار را دارد.

همچنان خوردن و نوشیدن در مسجد جایز است، طوری که عبدالله بن حارث رضی الله عنه می گوید: «كُنَّا نَأْكُلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ الْخُبْرَ وَاللَّحْمَ».<sup>(۲)</sup>

ترجمه: ما در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم در مسجد نان و گوشت می خوردیم. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که صحابه رضی الله عنهم در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم نان و غذا در مساجد می خوردند و این دلالت بر جواز این کار دارد، وقت که در مساجد خوردن جایز است، پس در اماکن و مشاعر بطریق اولی جایز است.

اما آنچه که در این اماکن و مشاعر در جریان تفریح از کارهای خلاف شرع و حرام صورت گیرند، پس آن کارها از جمله حرام های اند که در تمام روی زمین حرام اند، طوری که ابن قیم جوزیه رحمه الله می گوید: (فَالسَّيِّئَةُ فِي حَرَمِ اللَّهِ وَبَلَدِهِ وَعَلَى بَسَاطِهِ أَكْثَرُ وَأَعْظَمُ مِنْهَا فِي طَرَفٍ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ...)<sup>(۳)</sup>. ترجمه: پس گناه در حرم خدا، شهر خدا و بر فرش آن سخت و بزرگ تر است از اینکه این گناه در یک بخش از اطراف زمین صورت گیرد.

۱ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۲۹۰۱.

۲ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۳۳۰۰. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح و ضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۳۳۰۰.

۳ - محمد بن ابی بکر بن ایوب بن سعد شمس الدین ابن قیم الجوزیه (المتوفی: ۷۵۱هـ)، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت - مكتبة المنار الإسلامية، الكويت، الطبعة: السابعة والعشرون، ۱۴۱۵هـ/ ۱۹۹۴م، ج ۱ ص ۵۲.

خلاصه: مشخص گردید که رفتن به اماکن مقدس و مشاعر از جهت تعبد و عبادت مشروع نیست، بلکه بدعت است، اما رفتن به قصد تفریح مباح و سیاحت جایز است، اما انجام دادن گناه و معصیت در این اماکن و مشاعر جرمش و گنااهش بزرگ تر است، از انجام گناه در دیگر بخش های از دنیا.

### **مطلب یازدهم: حکم گرفتن اجرت و معاش برای اشخاص که حجاج را رهنمای می کنند**

صورت مسئله: بعضی از طلاب علم و علماء دین همراهی بعضی از کاروانهای حجاج می روند تا آنها را در قسمت مناسک حج رهنمای نمایند، از طرف هم آنها را بسوی الله متعال دعوت می کنند، این کاروانها برخی مکافات مالی و پولی برای این طلاب و علماء بخاطر رهنمای شان اعطاء می کنند، آیا برای طلاب و علماء گرفتن این مکافات جایز است و یاخیر؟

آنچه که از این مسئله ظاهر می گردد، این کار از چند حالت خالی نیست، که تفصیل آن قرار ذیل است:

#### **اول: نسبت به حج شان:**

در صورت که این طلاب و علماء حج می کنند تا همراهی حج این مکافات را بدست آورند، در مورد ابن تیمیه رحمه الله می گوید: (تَمَّ هَذِهِ الْحَاجَّةُ عَنِ الْمَيْتِ إِنْ كَانَ قَصْدُهَا الْحَجَّ أَوْ نَفَعَ الْمَيْتِ كَانَ لَهَا فِي ذَلِكَ أَجْرٌ وَثَوَابٌ وَإِنْ كَانَ لَيْسَ مَقْصُودُهَا إِلَّا اخْتِذَ الْأُجْرَةَ فَمَا لَهَا فِي الْأُجْرَةِ مِنْ خَلْقٍ).<sup>(۱)</sup>

ترجمه: سپس شخص که عوض میت حج می کند، اگر قصدش حج و یا نفع میت است، در این کارش اجر و ثواب است و اگر مقصودش از این کار جز اجرت و معاش چیزی دیگر نباشد، برایش در آخرت کدام سهم و حصه نیست.

پس شخص که از این طلاب و علماء حج می کند و قصدشان جز گرفتن اجرت و معاش نیست، برایش در آخرت کدام سهم و حصه در این کارش نیست، ولی ظاهراً هدف و مقصد آنها گرفتن اجرت و معاش نیست، بلکه عمل حج است، پس آن صحیح است، ان شاء الله!<sup>(۲)</sup>

#### **دوم: نسبت به آنچه که از مکافات می گیرند:**

این موضوع به بیان و توضیح نیاز دارد، می خواهم حکم آنچه را که طلاب و علماء بشکل مکافات می گیرند، بیان نمایم، حتی امروزه رسماً از طرف دولت ها و کشورهای اسلامی برای رهنمای حجاج و زائرین، ناظمین و معلمین استخدام می گردد، که برای این ناظمین و معلمین علاوه از اینکه حج و عمره شان را رایگان انجام می دهند، مقدار از پول هم جهت رهنمای شان در نظر گرفته می شود، که تفصیل

۱ - مجموع الفتاوی، ج ۲۶ ص ۱۸.

۲ - مسائل فی نوازل الحج، ص ۱۰۰.

این موضوع قرار ذیل است:

حکم تمام این گروه ها و امثال شان از چند حالت خالی نیست، که این حالات قرار ذیل اند:

**حالت اول: در صورت که آنها اراده ندارند، مگر گرفتن این مکافات:**

مثل شخص که حج می کند تا مالی را بدست آورد، یا رهنمای و نصیحت می کند تا مکافات ببیند، یا جهاد می کند تا غنیمت بدست آورد، یا علم را فرا می گیرد تا وظیفه در این دنیا بدست آورد، یا از زنا خود داری می کند از جهت ترس از مرض نه ترس از الله متعال، بدون شک نصوص شریعت بر این قسم از اعمالها به حرمت دلالت می کند و این اعمال از گناهان کبیره محسوب گردیده، همچنان شرک اصغر محسوب می گردد و این عملی را که انجام داده است باطل می سازد، دلایل بر تحریم و بطلان اینگونه اعمال زیاد اند، از جمله:

۱- الله متعال می فرماید: **{مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا نُوفِيَ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَ هُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ (۱۵) أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۶)}**.<sup>(۱)</sup>

ترجمه: کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را طالب باشند اعمالشان را در این جهان بی کم و کاست به آنها می دهیم!، (ولی) آنها در آخرت جز آتش (سهمی) نخواهند داشت و آنچه را در دنیا (برای) نیل به مقاصد مادی و برای غیر خدا) انجام دادند بر باد می رود و اعمالشان باطل می شود.

۲- همچنان الله متعال می فرماید: **{مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: آن کس که (تنها) زندگی زودگذر (دنیای مادی) را می طلبد آن مقدار از آن را که بخواهیم و به هر کس اراده کنیم می دهیم، سپس دوزخ را برای او قرار خواهیم داد که در آتش سوزانش می سوزد در حالی که مذموم و رانده (درگاه خدا) است.

۳- در حدیث شریف آمده است: **«إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا، أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا، فَهِجْرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ»**.<sup>(۳)</sup>

ترجمه: همانا اعمال و کردار به نیت بستگی دارد، و هرکس از کردارش به اندازه نیتش اجر و ثواب می برد، پس کسی که هجرت و انتقال او به مدینه به سوی خدا و پیامبر بوده باشد، این

۱ - {هود، آیه ۱۵ - ۱۶}.

۲ - {الاسراء، آیه ۱۸}.

۳ - صحیح البخاری، رقم الحدیث ۱.



هجرت به سوی خدا و پیامبر اوست، و هرکس هجرتش به خاطر مال دنیا باشد و یا به خاطر زنی که بخواهد با او ازدواج کند، اهمیت هجرت او برابر با همین قصد و همت اوست. وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردیده است، که هر عمل و کردار انسان به نیت و اراده اش بستگی دارد، پس هر کس که نیت و اراده اش درست و بخاطر خدا و پیامبرش باشد، آن عمل مورد قبول است و هرکس که نیت و اراده اش دنیا و مال آن باشد، برایش همان داده می شود و کدام جایگاهی بالاتر از نیت داده نمی شود.

خلاصه: طلب دنیا بوسیله دین جایز نیست، زیرا این کار از جمله خریدن زندگی دنیا بوسیله آخرت محسوب می گردد و اعمال آخرت برای بدست آوردن زندگی دنیا مشروع نشده است.<sup>(۱)</sup>

**حالت دوم: در صورت که اراده و نیتش بدست آوردن ثواب آخرت باشد و مکافات دنیا در تبع آن باشد:** این نوع جایز است، وقتی که منظور و مراد مباح باشد، بر جواز این کار دلالت می کند آن‌عده از عبادات که الله متعال برای شان منافع دنیوی را مرتب نموده اند و آن منافع را الله متعال جهت ترغیب و تشویق مردم تصریح نموده است، طوری که الله متعال می فرماید: **{وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً (۲) وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ}**.<sup>(۲)</sup>

ترجمه: و هر کس تقوای الهی پیشه کند خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند. و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد.

همچنان الله متعال از نوح علیه السلام حکایت می کند: **{فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً (۱۰) يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً (۱۱) وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً (۱۲)}**.<sup>(۳)</sup> ترجمه: به آنها گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا بارانهای پر برکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد، و شما را با اموال و فرزندان فراوان امداد کند، و باغهای سر سبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد.

همچنان پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: **{تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّ الْمُنَابَعَةَ بَيْنَهُمَا تَنْفِي الْفَقْرِ وَالذُّنُوبَ، كَمَا يَنْفِي الْكَبِيرُ حَبَثَ الْحَدِيدِ}**.<sup>(۴)</sup>

ترجمه: بین حج و عمره پی در پی انجام دهید، زیرا پی در پی میان حج و عمره فقر و گناه را از بین می

۱ - مسائل فی نوازل الحج، ص ۱۰۱.

۲ - {الطلاق، آیه ۲ - ۳}.

۳ - {نوح، آیه ۱۰ - ۱۲}.

۴ - سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۸۷. آلبانی رحمه الله می گوید: این حدیث صحیح است. صحیح وضعیف سنن ابن ماجه، رقم الحدیث ۲۸۸۷.

برد، چنانچه کوره آهن زنگ آهن را از بین می برد.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث مشخص گردید، که پیامبر صلی الله علیه وسلم به انجام پی در پی حج و عمره تشویق نموده است و آن را باعث نابود گردیدن فقر دانسته است.

این مقاصد تابعه گرچند اعمال را باطل نمی گرداند و بر قاصدش گناه هم نیست، ولی اجر عمل را کم و ناقص می گرداند، پس برابر اجر شخصی که در نیت جز اراده الله متعال کسی دیگری را ندارد بوده نمی تواند، طوری که در حدیث شریف آمده است: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ غَازِيَةٍ، أَوْ سَرِيَّةٍ تَعَزُّوْا، فَتَغْنَمُ وَتَسْلَمُ، إِلَّا كَانُوا قَدْ تَعَجَّلُوا ثَلَاثِي أَجورِهِمْ، وَمَا مِنْ غَازِيَةٍ أَوْ سَرِيَّةٍ تُخْفِقُ وَتُصَابُ إِلَّا تَمَّ لَهُمْ أَجورُهُمْ»<sup>(۱)</sup>

ترجمه: از عبد الله بن عمرو بن عاص رضي الله عنهما روایت شده که: رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمود: هیچ گروه جهاد کننده و یا سریه نیست که جهاد کند و غنیمت گرفته و سالم بماند، مگر اینکه دو سوم مزدشان را پیش دریافت کرده اند و هیچ گروه جهاد کننده و سریه نیست که غنیمت نگرفته و بمیرند یا زخمی شوند، مگر اینکه مزد شان برای شان بوجهی تمام ثابت مانده است.

وجه استدلال از حدیث: در این حدیث دیده شد که اجر معجل در دنیا، اجر آخرت را کم می کند.

### **حالت سوم: در صورت که اراده دنیا و ثواب را یکجا نماید:**

مثل شخص که اراده جهاد را بخاطر رضای الله متعال و دنیا می نماید، یا شخص که وضو را بخاطر نماز و سرد شدن بدن نماید، یا شخص که علم را بخاطر الله متعال و وظیفه می خواند، این گونه اعمال مطلقاً قبول می گردند به همراهی نقص و کمی در اجر، زیرا الله متعال بر منافع دنیوی معجل برای بعض عبادات تصریح نموده است و حکم این کار را تفصیل نکرده است به همراهی اینکه از اجر و ثواب آن عمل کاسته می شود و لکن عمل را باطل نمی سازد.<sup>(۲)</sup>

۱ - صحیح مسلم، رقم الحدیث ۱۹۰۶.

۲ - زین الدین عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السّلامی، البغدادي، ثمّ الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ۷۹۵هـ)، جامع العلوم والحکم في شرح خمسين حدیثاً من جوامع الکلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: السابعة، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م، ج ۱ ص ۸۱. أحمد بن إدريس الصنهاجي، أبو العباس القرافي، الفروق، تحقيق: خليل المنصور، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۸م، ج ۳ ص ۴۲.

## نتیجه گیری

با تحقیق و بررسی از این رساله نتایج ذیل را بدست آورده ام:

- ۱- نتیجه گرفتم که تقسیم شریعت به احکام ثابت و متغیر، بخصوص در بخش حج و عمره از جهت سهولت و آسانی برای انسانها است و اینکه احکام ثابت و متغیر حج و عمره بیان گر آن است، که حج و عمره در هر زمان قابلیت عمل را دارا می باشند.
- ۲- اینکه بعضی از احکام شریعت از جمله احکام حج و عمره ثابت اند، زیرا تمام مصلحت در آنها شارع دیده است و آن احکام تا روز قیامت قابلیت تطبیق شدن را دارا اند، از جمله بستن احرام و غیره. اما بعضی دیگر از احکام شریعت از جمله احکام حج و عمره متغیر اند، زیرا این احکام به علماء و فقهاء هر عصر و زمان سپرده شده اند، تا آنها مطابق مصلحت مردم به آن احکام اجتهاد نموده و حکم صادر نمایند، مثل حج با وسایل منتقله.
- ۳- بعضی از احکام حج و عمره ثابت اند و هیچ گاه تغیر نمی خورند، از جمله احرام، طواف، سعی، وقوف به عرفه، گذراندن شب در مزدلفه، گذراندن شب های تشریق در منی، رمی جمرات، حلق و یا تقصیر، هدیه و غیره. اما بعضی از احکام حج نظر به زمان و حالات تغیر می خورد، از جمله بستن احرام از محاذات، حج کردن با وسایل امروزی بشکل سریع در مدت ۲۴ ساعت، طواف و سعی بر وسایل برقی معاصر، رمی جمرات از منازل بالا و غیره.
- ۴- حج کردن با هر مال حرام، حج را از گردن حاجی ساقط می گرداند، ولی با این حج ثواب بدست آورده نمی تواند و هم حاجی گنهگار می گردد، پس لازم است تا حج با مال حلال صورت گیرد.
- ۵- حج کردن به نیابت از یک شخص درست است، ولی بهتر است تا شخص که به نیابت از شخص دیگری حج می کند، اول خودش حج نموده باشد.
- ۶- برای شخص که شروط حج کردن مساعد نگرید و قبل از حج کردن فوت نمود، به نیابت از او لازم نیست تا کسی حج کند و هم از ترک او لازم نیست تا مصارف حج خارج گردد.
- ۷- از بعضی احکام متغیر و نوازل حج دانسته می شود که شریعت الهی شریعت جهانی و موافق با عقل و منطق است.
- ۸- منظور از احکام متغیر حج، بعضی از موضوعات جدید هستند که قبلاً نصوص شرعی و اجتهاد در مورد شان صورت نگرفته و ضرورت برده می شود تا در مورد شان فقهاء و علماء معاصر اجتهاد نمایند، مثل حج سریع، حج با وسائل جدید برقی، پوشیدن ماسک در جریان حج و غیره.

۹- واضح گردید که اجتهاد کردن در مسائل و احکام متغیر از جمله ضروریات جدی و مقصود جلی می باشد، نه به این معنا که در مورد این مسائل و احکام دلایل از نصوص شرعی وجود ندارند، بلکه بخاطر ترجیح میان دلایل معارض و توافق میان دلایل باید اجتهاد صورت گیرد.

۱۰- ضرورت شرعی از اسباب آسانی و تخفیف است و بر بالای آن احکام متعدد فقهی مرتب می گردد، پس شخص که در حالت ضرورت قرار می گیرد، برایش چیزی که قبلاً مباح نبود، مباح می گردد، به همراه رعایت کردن قواعد ضرورت و عدم تجاوز از حدود آن، به همین شکل بعضی از مسائل و موضوعات اند، انسان احساس می کند که به درجه ضرورت به آن رسیده است، در حال که به ضرورت نرسیده است، بنابراین، ضرورت برده می شود تا قواعد و محدودیت برای ضرورت وضع گردد، که حالت ضرورت کدام حالت است؟

## پیشنهادات

برای اینکه مردم مسلمان افغانستان راجع به حج و عمره، احکام ثابت و متغیر آنها، فضیلت آنها، آثار آنها، از یک طرف آگاهی بهتر و خوبتر حاصل نمایند و از طرف دیگر به ادای آنها توجه کنند، موارد ذیل را پیشنهاد می‌کنم:

۱- برای پوهنتون سلام که یک پوهنتون علمی است، پیشنهاد می‌نمایم تا در این عرصه باز هم تحقیقات بیشتر و بهتر انجام دهند و این تحقیقات را برای نسل جوان تقدیم نمایند تا با آگاهی از این موضوع، نسل جوان از یک طرف تمرکز شان را به ادای این دو وجیبه که فایده دینی و دنیوی دارند، نموده و از ذهنیت های عدم حج و عمره کردن، که جزء فلاکت، بدبختی و رسوای در دنیا و آخرت دارد خود داری نمایند. بر این اساس موضوع را که من کار کردم، احکام ثابت و متغیر حج و عمره در فقه اسلامی بود و به شکل عام کار شده است، ولی عناوین دیگری است که بهتر است تا روی آنها هم به حیث منوگراف لیسانس و تیزس ماستری قرار گرفته و کار شوند، از جمله: ۱- نقش حج و عمره در کاهش جرم، نا امنی و بی ثباتی از نگاه شریعت اسلامی. ۲- فضیلت حج و عمره از نگاه شریعت اسلامی ۳- پیامد و آثار حج و عمره بر شخص مسلمان. ۴- اهداف و حکمت های حج و عمره از نگاه شریعت اسلامی. ۵- کیفیت حج و عمره در فقه اسلامی. ۶- احکام ثابت و متغیر در زکات و عشر از نگاه فقه اسلامی. ۷- احکام ثابت و متغیر روزه از نگاه فقه اسلامی. ۸- مواقیت زمانی و مکانی حج و عمره در فقه اسلامی. ۸- احکام ثابت و متغیر احرام برای حج و عمره در فقه اسلامی و غیره.

۲- برای وزارت ارشاد حج و اوقاف پیشنهاد می‌کنم تا سیستم آگاه دهی را از طریق های مختلف بیشتر نمایند، تا مردم افغانستان از احکام ثابت و متغیر حج و عمره بخوبی آگاه شوند و این دو وجیبه الهی را بشکل درست و حقیقی آنها انجام داده و از جهالت و نا آگاهی در این بخش خلاص شوند.

۳- برای علمای کرام پیشنهاد می‌کنم تا سیستم آگاهی دهی شان را در رسانه های صوتی و تصویری روی این موضوع و سائر موضوعات که احکام ثابت و متغیر دارند، بیشتر نمایند و از اهمیت و ضرورت احکام ثابت و متغیر به مردم بازگو نمایند، در مقابل از عدم آگاهی که سبب ناکامی دنیا و آخرت انسان می‌گردد، مردم را هشدار دهند تا مردم در این قبال آگاهی بهتر و بیشتر پیدا نمایند.

## فهرست آیات قرآن کریم

این فهرست به اساس ترتیب سوره های قرآن صورت گرفته است

شماره	آیات	سوره	شماره آیت	صفحه
۱	إِنَّ الصَّافَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ...	البقرة	۱۵۸	۸۹، ۱۴۱
۲	وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ...	البقرة	۱۹۳	۱۱۷
۳	وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ...	البقرة	۱۹۶	۱۸، ۲۲، ۲۳، ۶۰، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۲
۴	الْحَجَّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٍ.	البقرة	۱۹۷	۴۷، ۵۱
۵	ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ...	البقرة	۱۹۹	۹۱، ۹۲
۶	يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً...	البقرة	۲۰۸	۳۳
۷	وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...	آل عمران	۱۰۳	۳۶
۸	وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا...	آل عمران	۹۷	۱۷، ۶۷، ۲۵، ۴۵، ۹۱
۹	إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا...	النساء	۱۰۳	۵۰
۱۰	مُغَيَّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيَّرُوا...	الانفال	۵۳	۸
۱۱	التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ...	التوبة	۱۱۲	۳۲
۱۲	مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّتْهَا نُوْفًا إِلَيْهِمْ أَعْمَالُهُمْ... وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ {.	هود	۱۵ - ۱۶	۱۴۵
۱۳	أَصْلُهَا ثَابِتٌ...	ابراهيم	۲۴	۶
۱۴	وَإِذْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا...	الحج	۲۷	۲۳، ۳۵

١٥	لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ...	الحج	٢٨	٣٥
١٦	وَلْيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ...	الحج	٢٩	٨٤ ، ٨٣
١٧	وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ...	الحج	٣٢	١٤٠
١٨	وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...	لقمان	٢٢	٣٠
١٩	لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ...	الفتح	٢٧	٩٨
٢٠	إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ...	الحجرات	١٣	٣٦
٢١	قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ... وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ...	المتحنة	٤ - ٦	٣١
٢٢	وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً...	الطلاق	٢ - ٣	١٤٦
٢٣	فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً... وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً	نوح	١٠ - ١٢	١٤٦

## فهرست أحاديث نبوي

این فهرست به ترتیب حروف هجا صورت گرفته است.

شماره	حدیث	صفحه
۱	إِذَا حَجَّ الصَّبِيُّ فَهِيَ لَهُ حَجَّةٌ حَتَّى يَعْوَلَ، فَإِذَا عَقَلَ فَعَلَيْهِ حَجَّةٌ أُخْرَى...	۴۳
۲	أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ الَّذِي لَا تَضِيغُ وَدَائِعُهُ...	۳۹
۳	اغْسِلُوهُ بِمَاءٍ وَسِدْرٍ... فَإِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُلَبَّبًا.	۱۱۸
۴	أَمَّنِي جَبْرِيلُ عِنْدَ الْبَيْتِ مَرَّتَيْنِ ... ثُمَّ صَلَّى الْمَغْرِبَ حِينَ وَجَبَتِ الشَّمْسُ وَأَفْطَرَ الصَّائِمُ ... وَصَلَّى الْمَرَّةَ الثَّانِيَةَ ... الْمَغْرِبَ لَوْقَتِهِ الْأَوَّلِ ...	۱۳۴ - ۱۳۵
۵	إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ لَا يَقْبَلُ إِلَّا طَيِّبًا...	۱۶، ۱۷، ۶۴، ۶۵
۶	أَنَّ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - أُذِنَ لِأَصْحَابِهِ أَنْ يَجْعَلُوهَا عُمْرَةً، يَطُوفُوا بِالْبَيْتِ، ثُمَّ يَقْصِرُوا وَيَحِلُّوا، إِلَّا مَنْ مَعَهُ الْهُدْيُ...	۵۸، ۹۹
۷	إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَقَفَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ ذَا الْخَيْفَةِ، وَلِأَهْلِ الشَّامِ الْجُحْفَةَ...	۵۰، ۵۵، ۷۳
۸	إِنَّ النَّفْسَاءَ وَالْحَائِضَ تَعْنَسِلُ وَتُحْرِمُ وَتَقْضِي الْمَنَاسِكَ كُلَّهَا، غَيْرَ أَنْ لَا تَطُوفَ بِالْبَيْتِ..	۸۱، ۱۰۸
۹	أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - طَافَ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ عَلَى بَعِيرٍ يَسْتَلِمُ الرُّكْنَ.	۱۲۴، ۱۲۷
۱۰	أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَى مِيًّا، فَأَتَى الْجَمْرَةَ فَرَمَاهَا، ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ بِمِيٍّ وَنَحَرَ، ثُمَّ قَالَ لِلْحَلَّاقِ: «خُذْ»...	۱۳۸
۱۱	إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَدَّ لِأَهْلِ نَجْدٍ قَرْنًا...	۷۱، ۷۲
۱۲	انْطَلَقَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنَ الْمَدِينَةِ بَعْدَ مَا تَرَجَّلَ، وَادَّهَنَ وَلَبَسَ إِزْرَاهُ...	۱۱۳ - ۱۱۴
۱۳	إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ...	۷۹، ۱۴۵
۱۴	إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ صَالِحَ الْأَخْلَاقِ.	۳۳
۱۵	أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْحَجَّ فَحُجُّوا...	۱۹
۱۶	بِسْمِ اللَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ.	۱۳۹ - ۱۴۰
۱۷	بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ... وَالْحَجَّ...	۱۸ - ۱۹



١٤٣	بَيْنَا الْحَبَشَةَ يَلْعُبُونَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِجَرَابِهِمْ، دَخَلَ عُمَرُ فَأَهْوَى إِلَى الْحَصَى فَحَصَبَهُمْ بِهَا، فَقَالَ: «دَعَهُمْ يَا عُمَرُ».	١٨
١٤٣	بَيْنَا الْحَبَشَةَ يَلْعُبُونَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِجَرَابِهِمْ، دَخَلَ عُمَرُ فَأَهْوَى إِلَى الْحَصَى فَحَصَبَهُمْ بِهَا، فَقَالَ: «دَعَهُمْ يَا عُمَرُ».	١٩
٢٨	تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ فَإِنَّهُمَا يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ...	٢٠
١٤٦	تَابِعُوا بَيْنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ، فَإِنَّ الْمُتَابِعَةَ بَيْنَهُمَا تَنْفِي الْفَقْرَ وَالذُّنُوبَ...	٢١
١٣٩ - ١٤٠	ثُمَّ انصَرَفَ إِلَى الْمَنْحَرِ فَنَحَرَ ثَلَاثًا وَسِتِّينَ بَدَنَةً بِيَدِهِ، وَأَعْطَى عَلِيًّا، فَنَحَرَ مَا غَيْرَ...	٢٢
١١٦	ثُمَّ سَلَكَ الطَّرِيقَ الْوُسْطَى الَّتِي تَخْرُجُ عَلَى الْجَمْرَةِ الْكُبْرَى، حَتَّى أَتَى الْجَمْرَةَ الَّتِي عِنْدَ الشَّجَرَةِ، فَرَمَاهَا بِسَبْعِ حَصِيَّاتٍ، يُكَبِّرُ مَعَ كُلِّ حَصَاةٍ مِنْهَا، مِثْلَ حَصَى الْخُذْفِ...	٢٣
٩٢، ٩١	الْحَجُّ عَرَفَةَ.	٢٤
٥٣ - ٥٢	حَلَّتِ الْعُمْرَةُ فِي السَّنَةِ كُلِّهَا إِلَّا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ: يَوْمَ عَرَفَةَ وَيَوْمَ النَّحْرِ...	٢٥
١٣٣ - ١٣٤	دَفَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِنْ عَرَفَةَ حَتَّى إِذَا كَانَ بِالشَّعْبِ نَزَلَ قِبَالَ...	٢٦
٤٣	رَفَعَ الْقَلَمَ عَنْ ثَلَاثَةِ:.. وَعَنِ الصَّغِيرِ حَتَّى يُكَبِّرَ وَعَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يَعْقِلَ أَوْ يُفِيقَ.	٢٧
١٢٢	صُمُّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ... وَاحْلِقْ رَأْسَكَ فَنَزَلَتْ فِيَّ خَاصَّةً، وَهِيَ لَكُمْ عَامَّةٌ...	٢٨
١٢٥، ١٢٦	الطَّوَافُ بِالْبَيْتِ صَلَاةٌ إِلَّا أَنْ اللَّهُ أَبَاحَ فِيهِ الْمَنْطِقَ فَمَنْ نَطَقَ فَلَا يَنْطِقُ إِلَّا بِخَيْرٍ...	٢٩
١٢٣، ١٢٦، ١٢٥	طُوفِي مِنَ وَرَاءِ النَّاسِ وَأَنْتِ رَاكِبَةٌ.	٣٠
٢٩	الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ، كَقَارَةِ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ، لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ، إِلَّا الْجَنَّةُ...	٣١
٢٩	الْعَازِي فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَالْحَاجُّ وَالْمُعْتَمِرُ، وَفَدَى اللَّهُ...	٣٢
٥٢	فَإِنَّ عُمْرَةً فِي رَمَضَانَ تَقْضِي حَجَّةً أَوْ حَجَّةً مَعِي...	٣٣
٤٣	فَرَفَعَتْ إِلَيْهِ امْرَأَةً صَبِيًّا، فَقَالَتْ: أَلِهَذَا حَجٌّ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَلَكِ أَجْرٌ».	٣٤
٩٤	فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهَا حَائِضٌ، قَالَ: أَحَابِسْتُنَا هِيَ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّهَا أَفَاضَتْ يَوْمَ النَّحْرِ، قَالَ: «أَخْرُجُوا».	٣٥
١٠٦	فَلَمَّا جَاءَ الْإِسْلَامُ أَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَأْتِيَ عَرَفَاتٍ، ثُمَّ يَعْفَ بِهَا...	٣٦
١٤٣	كُنَّا نَأْكُلُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَسْجِدِ الْخُبْرَ وَاللَّحْمَ.	٣٧
٢١	لَا إِلَّا أَنْ تَطْوَعَ...	٣٨

٣٩	لَا يَلْبَسُ الْقَمِيصَ، وَلَا الْعَمَائِمَ، وَلَا السَّرَاوِيلاتِ، وَلَا الْبَرَائِسَ... ١١٣، ١١٥، ١١٩
٤٠	لَا، لَكِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ حَجٌّ مَبْرُورٌ...
٤١	لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ.
٤٢	لِتَأْخُذُوا مَنَاسِكَكُمْ، فَإِنِّي لَا أُدْرِي لَعَلِّي لَا أَحُجُّ بَعْدَ حَجَّتِي هَذِهِ.
٤٣	لَمْ يَزَلِ النَّبِيُّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - يُلَبِّي حَتَّى رَمَى الْجَمْرَةَ.
٤٤	لَمَّا قَدِمَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَكَّةَ أَمَرَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَطُوفُوا بِالْبَيْتِ، وَبِالصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، ثُمَّ يَحِلُّوا وَيَحْلِفُوا أَوْ يُقْصِرُوا.
٤٦	اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهَا لِي وَتَقَبَّلْهَا مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.
٤٧	لَوْ اسْتَقْبَلْتُ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُ مَا أَهْدَيْتُ، وَلَوْلَا أَنْ مَعِيَ الْهَدْيِ لَأَحْلَلْتُ...
٤٨	مَا مِنْ غَازِيَةٍ، أَوْ سَرِيَّةٍ تَغْزُو، فَتَعْنَمُ وَتَسَلِّمُ، إِلَّا كَانُوا قَدْ تَعَجَّلُوا ثَلْثِي أَجُورِهِمْ...
٤٩	مَا مِنْ يَوْمٍ أَكْثَرَ أَنْ يُعْتَقَ اللَّهُ فِيهِ عَبْدًا مِنَ النَّارِ مِنْ يَوْمِ عَرَفَةَ...
٥٠	مَنْ أَحْدَثَ فِي أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيْسَ مِنْهُ فَهُوَ رَدٌّ.
٥١	مَنْ حَجَّ لِلَّهِ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ...
٥٢	مَنْ شَهِدَ صَلَاتِنَا هَذِهِ يَعْني بِالْمُرَدِّفَةِ فَوَقَفَ مَعَنَا حَتَّى نُدْفِعَ وَقَدْ وَقَفَ بِعَرَفَةَ قَبْلَ ذَلِكَ.
٥٣	مَنْ عَمِلَ عَمَلًا لَيْسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا؛ فَهُوَ رَدٌّ...
٥٤	مَنْ لَمْ يَجِدِ الْإِزَارَ فَلْيَلْبَسِ السَّرَاوِيلَ، وَمَنْ لَمْ يَجِدِ النَّعْلَيْنِ فَلْيَلْبَسِ الْخُفَيْنِ.
٥٥	مَنْ مَلَكَ زَادًا وَرَاحِلَةً يُبْلِغُهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ تَعَالَى فَلَمْ يَحِجَّ فَلَا عَلَيْهِ أَنْ يَمُوتَ يَهُودِيًّا...
٥٦	نَعَمْ، عَلَيْهِمْ جِهَادٌ لَا قِتَالَ فِيهِ، الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ...
٥٧	وَجُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا...
٥٨	وَلِمَنْ أَتَى عَلَيْهِنَّ مِنْ غَيْرِهِنَّ مِمَّنْ أَرَادَ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ، وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ...
٥٩	وَلْيُحْرِمَ أَحَدُكُمْ فِي إِزَارٍ وَرِدَاءٍ...
٦٠	وَلْيُحْرِمَ أَحَدُكُمْ فِي إِزَارٍ وَرِدَاءٍ، وَنَعْلَيْنِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ نَعْلَيْنِ فَلْيَلْبَسْ خُفَيْنِ...
٦١	وَمَنْ كَانَ دُونَ ذَلِكَ، فَمِنْ حَيْثُ أَنْشَأَ حَتَّى أَهْلُ مَكَّةَ مِنْ مَكَّةَ.
٦٢	وَيُهَلُّ أَهْلُ الْيَمَنِ مِنْ يَلْمَمَ.

## فهرست اعلام

به اساس حروف هجا ترتیب شده است.

شماره	اسم	صفحه
۱	ابن باز	۷۰
۲	ابن تیمیه	۱۴۲، ۱۳۵
۳	ابن جبرین	۱۱۴، ۶۳
۴	ابن حزم ظاهری	۱۲۴
۵	ابن رجب	۱۹
۶	ابن رشد	۸۴
۷	ابن سیرین	۱۰۳
۸	ابن عابدین شامی	۷۹
۹	ابن عابدین	۸
۱۰	ابن عاشور	۲۵
۱۱	ابن فارس	۱۴۰
۱۲	ابن قدامه	۲۲، ۴۲، ۹۴، ۱۲۳، ۱۲۸
۱۳	ابن قیم جوزیه	۲۴
۱۴	ابن کثیر	۱۸، ۲۴، ۲۶، ۳۵
۱۵	ابن مفلح	۱۲۲
۱۶	ابن منذر	۱۳۳، ۱۲۴
۱۷	ابن منظور افریقی	۱۵، ۱۶، ۴۴، ۸۱
۱۸	ابن نجیم	۴۲
۱۹	ابن همام حنفی	۸۹
۲۰	ابواسحاق شیرازی	۹
۲۱	امام بخاری	۱۱۳

٦٦	امام بهوتی	٢٢
١٦	امام دسوقی	٢٣
٥٩، ٤٣	امام طبری	٢٤
١٣٩	امام غزالی	٢٥
٤٦، ٢٣، ٢١ ٩٦، ٩٢، ٨٤	امام کاسانی	٢٦
٧٠	امام ماوردی	٢٧
٥٦، ٣٨، ٢٠ ١٠٠، ٦٥ ١٢٩، ١٠٢ ١٣٧	امام نووی	٢٨
٣٧، ٢٦	بدرالدین عینی	٢٩
٧	تھانوی	٣٠
٤٧	جوهری	٣١
١٠٣	حسن بصری	٣٢
١١٤	خالد بن عبد العزیز الھویسین	٣٣
٦٣	دکتور یوسف قرضاوی	٣٤
٦٦	زرقانی	٣٥
٥٧	زیلعی	٣٥
١٨	سعدی	٣٦
١٣٣، ١٠٣	سعید ابن جبیر	٣٧
١٠٣	سعید بن مسیب	٣٨
١٠٣	سفیان ثوری	٣٩
١٠٣	شعبي	٤١
٦٣	شیخ عمر المترك	٤٢
١٣٦	شیخ محمد بن ابراهيم	٤٣
١٢١، ١١١، ٦٣	شیخ محمد بن صالح عثيمين	٤٤

١٠٣	طووس	٤٥
١١٤	عبد الله بن حمد السكاكر	٤٦
١٠٣، ١٢٤ ١٢٨، ١٣٣	عطاء ابن ابى رباح	٤٧
١٣٢	قراى	٤٨
١٠٣	مجاهد	٤٩
١٤	مرتضى زبيدى	٥٠
٢٧، ٦٧	ملا على القارى حنفى	٥١
٢٠	منذرى	٥٢

## فهرست منابع و مأخذ

### قرآن كريم

- ١- إبراهيم بن محمد بن إبراهيم الحلبى الحنفى (المتوفى: ٩٥٦هـ)، مجمع الأنهر فى شرح ملتقى الأبحر، الناشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٩هـ - ١٩٩٨م.
- ٢- ابن أبى شيبة، عبد الله أبو بكر بن محمد العبسى الكوفى (١٥٩ - ٢٣٥هـ)، المصنف فى الأحاديث والآثار، المحقق: كمال يوسف الحوت، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٩.
- ٣- ابن أبى يعلى، محمد بن محمد أبو الحسين، (المتوفى: ٥٢٦هـ)، مختصر طبقات الحنابلة، المحقق: محمد حامد الفقى، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
- ٤- ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى الجزرى (المتوفى: ٦٠٦هـ)، جامع الأصول فى أحاديث الرسول، تحقيق: عبد القادر الأرناؤوط - التتمة تحقيق بشير عيون، الناشر: مكتبة الحلوانى - مطبعة الملاح - مكتبة دار البيان، الطبعة: الأولى، ١٣٨٩هـ، ١٩٦٩م.
- ٥- ابن العماد، عبد الحى بن أحمد بن محمد العكرى الحنبلى، أبو الفلاح (المتوفى: ١٠٨٩هـ)، شذرات الذهب فى أخبار من ذهب، حققه: محمود الأرناؤوط، الناشر: دار ابن كثير، دمشق - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م.
- ٦- ابن الملقن، سراج الدين أبو حفص عمر بن على بن أحمد الشافعى المصرى (المتوفى: ٨٠٤هـ)، البدر المنير فى تخريج الأحاديث والآثار الواقعة فى الشرح الكبير، المحقق: مصطفى أبو الغيط وعبد الله بن سليمان وياسر بن كمال، الناشر: دار الهجرة للنشر والتوزيع - الرياض-السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥هـ-٢٠٠٤م.
- ٧- ابن الهمام، كمال الدين محمد بن عبد الواحد السيواسى المعروف بابن الهمام (المتوفى: ٨٦١هـ)، فتح القدير، الناشر: دار الفكر، بيروت.
- ٨- ابن باز، عبد العزيز بن عبد الله بن باز (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، مجموع فتاوى العلامة عبد العزيز بن باز رحمه الله، أشرف على جمعه وطبعه: محمد بن سعد الشويعر، الناشر: دار التدمرية، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨هـ - ٢٠٠٧م.
- ٩- ابن جبرين، عبد الله بن عبد الرحمن بن عبد الله بن جبرين، شرح عمدة الأحكام، دروس صوتية قام بتفريغها موقع الشبكة الإسلامية.

- ١٠- ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : ٨٥٢هـ)، إتحاف المهرة بالفوائد المبتكرة من أطراف العشرة، الناشر : مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (بالمدينة) - ومركز خدمة السنة والسيرة النبوية (بالمدينة)، الطبعة : الأولى ، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
- ١١- ابن حجر، أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، تقريب التهذيب، المحقق: محمد عوامة، الناشر: دار الرشيد - سوريا، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
- ١٢- ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩.
- ١٣- ابن حجر، أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، هدى الساري مقدمة فتح البخاري، الناشر: دار المعرفة - بيروت، ١٣٧٩ هـ.
- ١٤- ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، الدرر الكامنة في أعيان المائة الثامنة، المحقق: محمد عبد المعيد ضان، الناشر: مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد الهند، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢هـ / ١٩٧٢م.
- ١٥- ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى : ٨٥٢هـ)، الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المحقق : السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر : دار المعرفة - بيروت.
- ١٦- ابن حجر، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر أبو الفضل العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، لسان الميزان، المحقق: دائرة المعارف النظامية - الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ١٣٩٠هـ / ١٩٧١م.
- ١٧- ابن خلكان، أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر، أبو العباس، شمس الدين البرمكي الإربلي (المتوفى: ٦٨١هـ)، وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: ١، ١٩٧١م.
- ١٨- ابن دريد، أبو بكر محمد بن الحسن بن دريد الأزدي (المتوفى: ٣٢١هـ)، جمهرة اللغة، المحقق: رمزي منير بعلبكي، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٩٨٧م.

- ١٩- ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، البغدادي، السلامي، ثم  
الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، ذيل طبقات الحنابلة، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان  
العثيمين، الناشر: مكتبة العبيكان - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٢٥ هـ - ٢٠٠٥ م.
- ٢٠- ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم  
الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، فتح الباري شرح صحيح البخاري، الناشر: مكتبة الغرباء  
الأثرية - المدينة النبوية، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٦ م.
- ٢١- ابن رجب، زين الدين عبد الرحمن بن أحمد بن رجب بن الحسن، السلامي، البغدادي، ثم  
الدمشقي، الحنبلي (المتوفى: ٧٩٥هـ)، جامع العلوم والحكم في شرح خمسين حديثاً من جوامع  
الكلم، المحقق: شعيب الأرنؤوط - إبراهيم باجس، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة:  
السابعة، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٢٢- ابن سيده، علي بن إسماعيل بن سيده المرسي أبو الحسن [ت: ٤٥٨هـ]، المحكم والمحيط  
الأعظم، المحقق: عبد الحميد هنداوي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى،  
١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٢٣- ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر التونسي (المتوفى: ١٣٩٣هـ)، التحرير  
والتنوير، الناشر: دار التونسية للنشر - تونس، سنة النشر: ١٩٨٤ هـ.
- ٢٤- ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين (المتوفى: ٣٩٥هـ)،  
مجل اللغة لابن فارس، دراسة وتحقيق: زهير عبد المحسن سلطان، دار النشر: مؤسسة الرسالة  
- بيروت، الطبعة الثانية - ١٤٠٦ هـ - ١٩٨٦ م.
- ٢٥- ابن قاضي شهبة، أبو بكر بن أحمد بن محمد بن عمر، طبقات الشافعية - لابن قاضي شهبة،  
دار النشر: عالم الكتب - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ.
- ٢٦- ابن قدامة، عبد الله بن أحمد بن محمد أبو محمد موفق الدين الجماعلي المقدسي ثم الدمشقي  
الحنبلي، الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠هـ)، الكافي في فقه الإمام أحمد، الناشر: دار  
الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.
- ٢٧- ابن قدامة، عبد الله بن أحمد بن محمد، أبو محمد موفق الدين الجماعلي ثم الدمشقي الحنبلي،  
الشهير بابن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠هـ)، المغني، الناشر: مكتبة القاهرة، تاريخ النشر:  
١٣٨٨ هـ - ١٩٦٨ م.



- ٢٨- ابن قدامه، موفق الدين أبو محمد عبد الله بن أحمد بن محمد بن قدامة المقدسي (المتوفى: ٦٢٠ هـ)، المقنع في فقه الإمام أحمد بن حنبل الشيباني رحمه الله تعالى، حققه وعلق عليه: محمود الأرنؤوط، ياسين محمود الخطيب، الناشر: مكتبة السوادي للتوزيع، جدة - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٢٩- ابن قُطْلُوبغا، أبو الفداء زين الدين أبو العدل قاسم السوداني (نسبة إلى معتق أبيهسودون الشبخوني) الجمالي الحنفي (المتوفى: ٨٧٩ هـ)، تاج التراجم، المحقق: محمد خير رمضان يوسف، الناشر: دار القلم - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤١٣ هـ - ١٩٩٢ م.
- ٣٠- ابن قيم الجوزية، محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين (المتوفى: ٧٥١ هـ)، زاد المعاد في هدي خير العباد، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - مكتبة المنار الإسلامية، الكويت، الطبعة: السابعة والعشرون، ١٤١٥ هـ / ١٩٩٤ م.
- ٣١- ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤ هـ)، تفسير القرآن العظيم، المحقق: سامي بن محمد سلامة، الناشر: دار طيبة للنشر والتوزيع، بيروت، الطبعة: الثانية ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
- ٣٢- ابن كثير، إسماعيل بن عمر بن كثير أبو الفداء القرشي البصري ثم الدمشقي (المتوفى: ٧٧٤ هـ)، طبقات الشافعيين، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية، تاريخ النشر: ١٤١٣ هـ - ١٩٩٣ م.
- ٣٣- ابن ماجه، القزويني، محمد بن يزيد، أبو عبد الله (المتوفى: ٢٧٣ هـ)، سنن ابن ماجه، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمد كامل قره بللي - عبد اللطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
- ٣٤- ابن مازة، محمود بن أحمد بن عبد العزيز بن عمر أبو المعالي برهان الدين البخاري الحنفي (المتوفى: ٦١٦ هـ)، المحيط البرهاني في الفقه النعماني فقه الإمام أبي حنيفة رضي الله عنه، المحقق: عبد الكريم سامي الجندي، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م.
- ٣٥- ابن مفلح، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: ٨٨٤ هـ)، المقصد الأرشدي في ذكر أصحاب الإمام أحمد، المحقق: عبد الرحمن بن سليمان العثيمين، الناشر: مكتبة الرشد - الرياض - السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٠ هـ - ١٩٩٠ م.
- ٣٦- ابن مفلح، إبراهيم بن محمد بن عبد الله بن محمد أبو إسحاق، برهان الدين (المتوفى: ٨٨٤ هـ)، المبدع شرح المقنع، الناشر: دار عالم الكتب، الرياض، الطبعة: ١٤٢٣ هـ / ٢٠٠٣ م.

- ٣٧- ابن مفلح، محمد بن مفلح بن محمد بن مفرج، أبو عبد الله، شمس الدين المقدسي الراميني ثم الصالحي الحنبلي (المتوفى: ٧٦٣هـ)، الفروع وتصحيح الفروع، تحقيق: أبو الزهراء حازم القاضي، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، سنة النشر: ١٤١٨.
- ٣٨- ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، أبو الفضل، جمال الدين الأنصاري الرويفعي، الإفريقي (المتوفى: ٧١١هـ)، لسان العرب، الناشر: دار صادر - بيروت، الطبعة: الثالثة - ١٤١٤ هـ.
- ٣٩- ابن نجيم، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ٩٧٠هـ)، الأَشْبَاهُ وَالنَّظَائِرُ عَلَى مَذْهَبِ أَبِي حَنِيفَةَ النُّعْمَانِ، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م.
- ٤٠- ابن نجيم، زين الدين بن إبراهيم بن محمد، المعروف بابن نجيم المصري (المتوفى: ٩٧٠هـ)، البحر الرائق شرح كنز الدقائق، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، بيروت، الطبعة: الثانية.
- ٤١- أبو اسحاق الشيرازي، إبراهيم بن علي بن يوسف، (المتوفى: ٤٧٦هـ)، اللمع في أصول الفقه، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الثانية ٢٠٠٣ م - ١٤٢٤ هـ.
- ٤٢- ابومؤنس، رائد نصرى جميل، الثواب و المتغيرات فى التشريع الاسلامى - دراسة اصولية تحليلية - كلية الدراسة العليا، الجامعة الأردنية، ٢٠٠٤م.
- ٤٣- الإدارة العامة للمؤتمرات و المنظمات، المجتمع المسلم... الثواب و المتغيرات، مكة المكرمة، ١٤٣٢هـ = ٢٠١٢م.
- ٤٤- إسماعيل كوكسال، تغيير الأحكام في الشريعة الإسلامية، مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة الاولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م.
- ٤٥- الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى : ١٤٢٠هـ)، إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، إشراف: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥م.
- ٤٦- الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن ابن ماجه، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.
- ٤٧- الألباني، محمد ناصر الدين (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، صحيح وضعيف سنن الترمذي، برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجاني - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية.

- ٤٨- البجيرمي، سليمان بن محمد بن عمر الشافعي، تحفة الحبيب على شرح الخطيب، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت/ لبنان، الطبعة: الأولى، - ١٤١٧هـ - ١٩٩٦م.
- ٤٩- البخاري، محمد بن إسماعيل أبو عبدالله الجعفي، صحيح البخاري، المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر، الناشر: دار طوق النجاة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ.
- ٥٠- بدر الدين العيني، محمود بن أحمد بن موسى بن أحمد بن حسين، أبو محمد الغيتابي الحنفي (المتوفى: ٨٥٥هـ)، عمدة القاري شرح صحيح البخاري، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ٥١- بكر بن عبد الله أبو زيد بن محمد بن عبد الله بن بكر بن عثمان بن يحيى بن غيهب بن محمد (المتوفى: ١٤٢٩هـ)، طبقات النسابين، الناشر: دار الرشد، الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م.
- ٥٢- البهوتي، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس الحنبلي (المتوفى: ١٠٥١هـ)، شرح منتهى الإرادات، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت.
- ٥٣- البهوتي، منصور بن يونس بن صلاح الدين ابن حسن بن إدريس الحنبلي (المتوفى: ١٠٥١هـ)، دقائق أولي النهى لشرح المنتهى المعروف بشرح منتهى الإرادات، الناشر: عالم الكتب، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ - ١٩٩٣م.
- ٥٤- البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجْردي الخراساني، أبو بكر (المتوفى: ٤٥٨هـ)، السنن الكبرى، المحقق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م.
- ٥٥- الترمذي، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، أبو عيسى (المتوفى: ٢٧٩هـ)، سنن الترمذي، الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي - مصر، الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م.
- ٥٦- تقي الدين بن عبد القادر التميمي الداري الغزي (المتوفى: ١٠١٠هـ)، الطبقات السنية في تراجم الحنفية، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع وهو ضمن خدمة التراجم.
- ٥٧- التهانوي، محمد بن علي ابن القاضي محمد حامد بن محمد صابر الفاروقي الحنفي (المتوفى: بعد ١١٥٨هـ)، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون والعلوم، الناشر: مكتبة لبنان ناشرون - بيروت، الطبعة: الأولى - ١٩٩٦م.

- ٥٨- الثعلبي، عبد الوهاب بن علي بن نصر أبو محمد البغدادي المالكي (المتوفى: ٤٢٢ هـ)، شرح الرسالة، الناشر: دار ابن حزم، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
- ٥٩- الحاكم، أبو عبد الله محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: ٤٠٥ هـ)، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ - ١٩٩٠ م.
- ٦٠- الحطاب، شمس الدين أبو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الرحمن الطرابلسي المغربي، المعروف بالحطاب الرُّعيني المالكي (المتوفى: ٩٥٤ هـ)، مواهب الجليل في شرح مختصر خليل، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: الثالثة، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م.
- ٦١- الحكري مغلطاي بن قليج بن عبد الله البكجري المصري الحنفي، أبو عبد الله، علاء الدين (المتوفى: ٧٦٢ هـ)، إكمال تهذيب الكمال في أسماء الرجال، المحقق: أبو عبد الرحمن عادل بن محمد - أبو محمد أسامة بن إبراهيم، الناشر: الفاروق الحديثة للطباعة والنشر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٦٢- الحموي، شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي (المتوفى: ٦٢٦ هـ)، معجم البلدان، الناشر: دار صادر، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٩٩٥ م.
- ٦٣- خالد الرباط، سيد عزت عيد [بمشاركة الباحثين بدار الفلاح]، الجامع لعلوم الإمام أحمد، الناشر: دار الفلاح للبحث العلمي وتحقيق التراث، الفيوم - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
- ٦٤- الخطيب الشربيني، محمد بن أحمد شمس الدين، الشافعي (المتوفى: ٩٧٧ هـ)، مغني المحتاج إلى معرفة معاني ألفاظ المنهاج، بيروت، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى، ١٤١٥ هـ - ١٩٩٤ م.
- ٦٥- الخليل، احمد بن محمد، مسائل في النوازل الحج، شركة اللؤلؤ للطباعة و النشر، بيروت - لبنان، الطبعة الاولى، ١٤٤٠ هـ - ٢٠١٩ م.
- ٦٦- خليل بن إسحاق بن موسى، ضياء الدين الجندي المالكي المصري (المتوفى: ٧٧٦ هـ)، مختصر العلامة خليل، المحقق: أحمد جاد، الناشر: دار الحديث/القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٦ هـ/٢٠٠٥ م.

- ٦٧- الدارقطني، أبو الحسن علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان بن دينار البغدادي (المتوفى: ٣٨٥هـ)، سنن الدارقطني، حققه وضبط نصه وعلق عليه: شعيب الارنؤوط، حسن عبد المنعم شلبي، عبد اللطيف حرز الله، أحمد برهوم، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٤ م.
- ٦٨- داماد أفندي، عبد الرحمن بن محمد بن سليمان المدعو بشيخي زاده، يعرف بداماد أفندي (المتوفى: ١٠٧٨هـ)، مجمع الأنهر في شرح ملتقى الأبحر، الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت.
- ٦٩- الداوودي، محمد بن علي بن أحمد، شمس الدين المالكي (المتوفى: ٩٤٥هـ)، طبقات المفسرين للداوودي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
- ٧٠- الدسوقي، محمد بن أحمد بن عرفة المالكي (المتوفى: ١٢٣٠هـ)، حاشية الدسوقي على الشرح الكبير، الناشر: دار الفكر، عدد الأجزاء: ٤، الطبعة: بدون طبعة وبدون تاريخ.
- ٧١- الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان، أبو عبدالله. ميزان الاعتدال، المحقق: محمد رضوان عرقسوسي، ومحمد بركات، وعمار ربحاوي، وغيث الحاج أحمد، وفادي المغربي، الناشر: مؤسسة الرسالة العالمية - دمشق، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م.
- ٧٢- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قَائمَز، شمس الدين أبو عبد الله (المتوفى: ٧٤٨هـ)، تاريخ الإسلام وَوَفِيَاتِ الْمُشَاهِيرِ وَالْأَعْلَامِ، المحقق: بشار عَوَّاد معروف، الناشر: دار الغرب الإسلامي، الطبعة: الأولى، ٢٠٠٣ م.
- ٧٣- الرملي، محمد بن أبي العباس أحمد بن حمزة شهاب الدين، شمس الدين (المتوفى: ١٠٠٤هـ)، نهاية المحتاج إلى شرح المنهاج، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: ط أخيرة - ١٤٠٤هـ/١٩٨٤م.
- ٧٤- الزبيدي، سيد محمد مرتضى الحسيني، الحنفي، الواسطي، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت - لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ٢٠ جلد، ١١٤١٤هـ ق.
- ٧٥- الزرقاني، عبد الباقي بن يوسف بن أحمد المصري (المتوفى: ١٠٩٩هـ)، شرح الزرقاني على مختصر خليل، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م.

- ٧٦- الزرقاني، محمد بن عبد الباقي بن يوسف المصري الأزهرى، شرح الزرقاني على موطأ الإمام مالك، تحقيق: طه عبد الرؤوف سعد، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية - القاهرة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٤هـ - ٢٠٠٣م.
- ٧٧- الزركلي، خير الدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، الدمشقي (المتوفى: ١٣٩٦هـ)، الأعلام، الناشر: دار العلم للملايين، الطبعة: الخامسة عشر - أيار / مايو ٢٠٠٢ م.
- ٧٨- زروق، شهاب الدين أبو العباس أحمد بن أحمد بن محمد بن عيسى البرنسي الفاسي، المعروف بـ زروق (المتوفى: ٨٩٩هـ)، شرح زروق على متن الرسالة لابن أبي زيد القيرواني، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م.
- ٧٩- الزهراني، راشد بن عثمان. إتحاف النبلاء بسيرة العلامة، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
- ٨٠- الزيلعي، جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد (المتوفى: ٧٦٢هـ)، تخريج الأحاديث والآثار الواقعة في تفسير الكشاف للزمخشري، المحقق: عبد الله بن عبد الرحمن السعد، الناشر: دار ابن خزيمة - الرياض، الطبعة: الأولى، ١٤١٤هـ.
- ٨١- الزيلعي، جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد (المتوفى: ٧٦٢هـ)، نصب الراية لأحاديث الهداية مع حاشيته بغية الألمي في تخريج الزيلعي، المحقق: محمد عوامة، الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر - بيروت - لبنان / دار القبلة للثقافة الإسلامية - جدة - السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ / ١٩٩٧م.
- ٨٢- السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ)، الأشباه والنظائر، الناشر: دار الكتب العلمية، الطبعة: الأولى ١٤١١هـ - ١٩٩١م.
- ٨٣- السبكي، تاج الدين عبد الوهاب بن تقي الدين (المتوفى: ٧٧١هـ)، طبقات الشافعية الكبرى، المحقق: محمود محمد الطناحي وعبد الفتاح محمد الطلو، الناشر: هجر للطباعة والنشر والتوزيع، الطبعة: الثانية، ١٤١٣هـ.
- ٨٤- السخاوي، محمد بن عبد الرحمن بن محمد، شمس الدين أبو الخير (المتوفى: ٩٠٢هـ)، المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة، المحقق: محمد عثمان الخشت، الناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥م.

- ٨٥- السعدي، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله (المتوفى: ١٣٧٦هـ)، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، المحقق: عبد الرحمن بن معلا اللويحق، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م.
- ٨٦- السكاكر، عبد الله بن حمد. نوازل الحج، ضمن الدورة العلمية الشاملة المقامة بجامع الراجحي ببريدة في شوال ١٤٢٧هـ.
- ٨٧- السنيكي، زكريا بن محمد بن أحمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى (المتوفى: ٩٢٦هـ)، فتح الوهاب بشرح منهج الطلاب، الناشر: دار الفكر للطباعة والنشر، الطبعة: ١٤١٤هـ/١٩٩٤م.
- ٨٨- السنيكي، زكريا بن محمد بن زكريا الأنصاري، زين الدين أبو يحيى (المتوفى: ٩٢٦هـ)، أسنى المطالب في شرح روض الطالب، الناشر: دار الكتاب الإسلامي، بيروت.
- ٨٩- السيدة ندى عطا الله احمد، الإجتهد المقاصدى فى المستجدات المتعلقة بالحج، الجامعة الفلوجة، كلية العلوم الاسلامية.
- ٩٠- السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى : ٩١١هـ)، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، المحقق: محمد أبو الفضل إبراهيم، الناشر : دار إحياء الكتب العربية - عيسى البابي الحلبي وشركاه - مصر، الطبعة: الأولى ١٣٨٧ هـ - ١٩٦٧ م.
- ٩١- السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين (المتوفى: ٩١١هـ)، الفتح الكبير في ضم الزيادة إلى الجامع الصغير، المحقق: يوسف النبهاني، الناشر: دار الفكر - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م.
- ٩٢- الشيباني، أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد، أبو عبد الله (المتوفى: ٢٤١هـ)، مسند الإمام أحمد بن حنبل، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠١ م.
- ٩٣- الشيباني، محمد بن الحسن (١٨٩ هـ)، كتاب الآثار، المحقق: خالد العواد، الناشر: دار النوادر، الطبعة: الأولى ١٤٢٩ هـ - ٢٠٠٨ م.
- ٩٤- الصابوني، محمد على، ترجمه فارسى صفوة التفاسير، مترجم: عبدالبارى ابراهيمي، مكتبه فاروقيه، محله جنگى پشاور، ٤ جلد.
- ٩٥- صالح بن فوزان بن عبد الله الفوزان، مجموع فتاوى فضيلة الشيخ صالح بن فوزان، ترقيم الكتاب موافق للمطبوع.

- ٩٦- الصاوي، أحمد، بلغة السالك لأقرب المسالك = حاشية الصاوي على الشرح الصغير، تحقيق ضبطه وصححه: محمد عبد السلام شاهين، الناشر دار الكتب العلمية، بيروت، سنة النشر ١٤١٥هـ - ١٩٩٥م.
- ٩٧- الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر (المتوفى: ٣١٠هـ)، جامع البيان في تأويل القرآن، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠هـ - ٢٠٠٠م.
- ٩٨- الطحطاوي، أحمد بن محمد بن إسماعيل الحنفي سنة الوفاة ١٢٣١هـ، حاشية الطحطاوي على مراقي الفلاح، الناشر: المطبعة الكبرى الأميرية ببولاق، مصر، سنة النشر: ١٣١٨هـ.
- ٩٩- عاتق بن غيث بن زوير بن زاير بن حمود بن عطية بن صالح البلادي الحربي (المتوفى: ١٤٣١هـ)، معجم المعالم الجغرافية في السيرة النبوية، الناشر: دار مكة للنشر والتوزيع، مكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ١٤٠٢هـ - ١٩٨٢م.
- ١٠٠- عادل نويهض، معجم المفسرين «من صدر الإسلام وحتى العصر الحاضر»، الناشر: مؤسسة نويهض الثقافية للتأليف والترجمة والنشر، بيروت - لبنان، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٩هـ - ١٩٨٨م.
- ١٠١- عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي الحنبلي النجدي (المتوفى: ١٣٩٢هـ)، حاشية الروض المربع شرح زاد المستقنع، الناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة: الأولى - ١٣٩٧هـ.
- ١٠٢- عبد الله بن محمد بن أحمد، أبو محمد الطيار، الحج والعمرة، الناشر: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية، ٢٠٠٥م.
- ١٠٣- العثيمين، محمد بن صالح بن محمد (المتوفى: ١٤٢١هـ)، الشرح الممتع على زاد المستقنع، دار النشر: دار ابن الجوزي، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ - ١٤٢٨هـ.
- ١٠٤- العثيمين، محمد بن صالح بن محمد (المتوفى: ١٤٢١هـ)، رسالة في الدماء الطبيعية للنساء، الناشر: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد - وكالة شئون المطبوعات والنشر، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ.
- ١٠٥- العثيمين، محمد بن صالح بن محمد (المتوفى: ١٤٢١هـ)، مجموع فتاوى ورسائل فضيلة الشيخ محمد بن صالح العثيمين، الناشر: دار الوطن - دار الثريا، الطبعة: الأخيرة - ١٤١٣هـ.
- ١٠٦- العثيمين، محمد بن صالح بن محمد (المتوفى: ١٤٢١هـ)، مناسك الحج والعمرة والمشروع في الزيارة، الناشر: مكتبة الأمة، عنيزة.



- ١٠٧- العدوي، علي بن أحمد بن مكرم أبو الحسن الصعيدي (نسبة إلى بني عدي، بالقرب من منفلوط) (المتوفى: ١١٨٩هـ)، حاشية العدوي على شرح كفاية الطالب الرباني، المحقق: يوسف الشيخ محمد البقاعي، الناشر: دار الفكر - بيروت، ١٤١٤هـ - ١٩٩٤م.
- ١٠٨- الغزالي، محمد بن محمد أبو حامد الطوسي (المتوفى: ٥٠٥هـ)، إحياء علوم الدين، الناشر: دار المعرفة - بيروت.
- ١٠٩- الفارابي، إسماعيل بن حماد أبو نصر الجوهري (المتوفى: ٣٩٣هـ)، الصحاح تاج اللغة وصحاح العربية، تحقيق: أحمد عبد الغفور عطار، الناشر: دار العلم للملايين - بيروت، الطبعة: الرابعة ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧م.
- ١١٠- فاضل عبدالعباس محسن النعيمي و محمد عباس نهاية ثامر الجرياوى، الثابت و المتغير فى الإعجاز التشريعى، جامعة بابل، كلية العلوم الاسلامى، ٢٠١٩م.
- ١١١- الفيروزآبادي، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، الناشر: دار الفكر، بيروت، ١٤١٤هـ.
- ١١٢- القدوري، أحمد بن محمد بن أحمد بن جعفر بن حمدان أبو الحسين الحنفى (المتوفى: ٤٢٨ هـ)، التجريد للقدوري، الناشر: دار السلام - القاهرة، الطبعة: الثانية، ١٤٢٧ هـ - ٢٠٠٦ م.
- ١١٣- القرافى، شهاب الدين أحمد بن إدريس بن عبد الرحمن، أبو العباس المالكي الشهير بالقرافي (المتوفى: ٦٨٤هـ)، الفروق = أنوار البروق في أنواع الفروق، الناشر: عالم الكتب، بيروت.
- ١١٤- القرطبي، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري (المتوفى: ٤٦٣هـ)، الكافي في فقه أهل المدينة، المحقق: محمد محمد أحمد ولد ماديك الموريتاني، الناشر: مكتبة الرياض الحديثة، الرياض، المملكة العربية السعودية، الطبعة: الثانية، ١٤٠٠هـ/١٩٨٠م.
- ١١٥- القرطبي، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري (المتوفى: ٤٦٣هـ)، التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي، محمد عبد الكبير البكري، الناشر: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية - المغرب، ١٣٨٧ هـ.
- ١١٦- القرطبي، يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم، أبو عمر النمري (المتوفى: ٤٦٣هـ)، الاستذكار، تحقيق: سالم محمد عطا، محمد علي معوض، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ - ٢٠٠٠م.
- ١١٧- القليوبي، أحمد سلامة وأحمد البرلسي عميرة، حاشيتنا قليوبي وعميرة، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: بدون طبعة، ١٤١٥هـ-١٩٩٥م.

- ١١٨- القنّوجي، أبو الطيب محمد صديق خان بن حسن بن علي ابن لطف الله الحسيني البخاري (المتوفى: ١٣٠٧هـ)، التاج المكلل من جواهر مآثر الطراز الآخر والأول، الناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، الطبعة: الأولى، ١٤٢٨ هـ - ٢٠٠٧ م.
- ١١٩- الكاساني، أبو بكر بن مسعود بن أحمد، علاء الدين، الحنفي (المتوفى: ٥٨٧هـ)، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٠٦هـ - ١٩٨٦م.
- ١٢٠- الكتاني، محمد عبّد الحّيّ بن عبد الكبير ابن محمد الحسني الإدريسي، المعروف بعبد الحي الكتاني (المتوفى: ١٣٨٢هـ)، فهرس الفهارس والأثبات ومعجم المعاجم والمشیخات والمسلسلات، المحقق: إحسان عباس، الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: ٢، ١٩٨٢م.
- ١٢١- كحالة الدمشق، عمر بن رضا بن محمد راغب بن عبد الغني (المتوفى: ١٤٠٨هـ)، معجم المؤلفين، الناشر: مكتبة المثنى - بيروت، دار إحياء التراث العربي بيروت.
- ١٢٢- الكلاباذي، محمد بن أبي إسحاق إبراهيم بن يعقوب أبو بكر البخاري، بحر الفوائد المشهور بمعاني الأخبار، المحقق: محمد حسن إسماعيل - أحمد فريد المزيدي، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ١٩٩٩ م.
- ١٢٣- اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، فتاوى اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، جمع وترتيب: أحمد بن عبد الرزاق الدويش، الناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - الرياض.
- ١٢٤- اللكنوي، محمد عبد الحي الهندي، أبو الحسنات، الفوائد البهية في تراجم الحنفية، الناشر: طبع بمطبعة دار السعادة بجوار محافظة مصر - لصاحبها محمد إسماعيل، الطبعة: الأولى، ١٣٢٤ هـ.
- ١٢٥- مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ)، موطأ الإمام مالك، المحقق: بشار عواد معروف - محمود خليل، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، سنة النشر: ١٤١٢ هـ.
- ١٢٦- الماوردي، علي بن محمد بن محمد بن حبيب البصري البغدادي، أبو الحسن، الشهير بالماوردي (المتوفى: ٤٥٠هـ)، الحاوي الكبير في فقه مذهب الإمام الشافعي وهو شرح مختصر المزني، المحقق: الشيخ علي محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م.

- ١٢٧- المباركفوري، محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم، أبو العلا (المتوفى: ١٣٥٣هـ)، تحفة الأحوذى بشرح جامع الترمذى، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت.
- ١٢٨- المجددى البركتى، محمد عميم الإحسان. قواعد الفقه للبركتى، الناشر: الصدف ببلشرز - كراتشى، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ - ١٩٨٦.
- ١٢٩- مجموعة من المؤلفين، الفقه الميسر في ضوء الكتاب والسنة، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤٢٤هـ.
- ١٣٠- محمد أردوغان، تغيير الأحكام في الشريعة الإسلامية، منشورات وقف كلية الإلهيات، بجامعة مرمر، إسطنبول، الطبعة ٢، ١٩٩٤ م.
- ١٣١- محمد بن إبراهيم بن عبد اللطيف آل الشيخ (المتوفى: ١٣٨٩هـ)، فتاوى ورسائل سماحة الشيخ محمد بن إبراهيم بن عبد اللطيف آل الشيخ، جمع وترتيب وتحقيق: محمد بن عبد الرحمن بن قاسم، الناشر: مطبعة الحكومة بمكة المكرمة، الطبعة: الأولى، ١٣٩٩ هـ.
- ١٣٢- محمد بن أبي بكر بن أيوب بن سعد شمس الدين ابن قيم الجوزية (المتوفى: ٧٥١هـ)، زاد المعاد في هدي خير العباد، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت - مكتبة المنار الإسلامية، الكويت، الطبعة: السابعة والعشرون، ١٤١٥هـ / ١٩٩٤م.
- ١٣٣- محمد بن الحسين بن محمد بن خلف، أبو يعلى الفراء البغدادي الحنبلي (المولود ببغداد سنة ٣٨٠ هـ والمتوفى بها سنة ٤٥٨ هـ)، التعليق الكبير في المسائل الخلافية بين الأئمة، المحقق: محمد بن فهد بن عبد العزيز الفريح، الناشر: دار النوادر، دمشق - سوريا، الطبعة: الأولى، ١٤٣٥ هـ - ٢٠١٤ م.
- ١٣٤- محمد بن فرامرز بن علي الشهير بملا - أو منلا أو المولى - خسرو (المتوفى: ٨٨٥هـ)، درر الحكام شرح غرر الأحكام، الناشر: دار إحياء الكتب العربية.
- ١٣٥- محمد خليل بن علي بن محمد بن محمد مراد الحسيني، أبو الفضل (المتوفى: ١٢٠٦هـ)، سلك الدرر في أعيان القرن الثاني عشر، الناشر: دار البشائر الإسلامية، دار ابن حزم، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.
- ١٣٦- محمد خير رمضان يوسف، تنمة الأعلام للزركلي، الناشر: دار ابن حزم، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٤٢٢هـ.
- ١٣٧- محمد سعيد عبد المهدي، الثابت و المتغير في مسائل الاحوال الشخصية، كلية الشريعة، جامعة اليرموك.

- ١٣٨- محمد يسري إبراهيم، فقه النوازل للأقليات المسلمة «تأصيلاً وتطبيقاً»، الناشر: دار اليسر، القاهرة - جمهورية مصر العربية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٤ هـ - ٢٠١٣ م.
- ١٣٩- المرادوي، علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان الدمشقي الصالحي الحنبلي (المتوفى: ٨٨٥هـ)، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، الناشر: دار إحياء التراث العربي، الطبعة: الثانية - بدون تاريخ.
- ١٤٠- مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ٢٦١هـ)، صحيح مسلم، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت.
- ١٤١- المَقْدِسِي، أبي محمد عبد الغني بن عبد الواحد، عمدة الأحكام من كلام خير الأنام مما اتفق عليه الشيخان البخاري ومسلم، دار الفكر، بيروت، ١٤٠٧ هـ.
- ١٤٢- الملا الهروي القاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين (المتوفى: ١٠١٤هـ)، المناسك، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ١٤١٣ هـ.
- ١٤٣- الملا الهروي القاري، علي بن (سلطان) محمد، أبو الحسن نور الدين (المتوفى: ١٠١٤هـ)، مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح، الناشر: دار الفكر، بيروت - لبنان، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م.
- ١٤٤- المنذري، عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين (المتوفى: ٦٥٦هـ)، الترغيب والترهيب من الحديث الشريف، المحقق: إبراهيم شمس الدين، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ.
- ١٤٥- منظمة المؤتمر الاسلامي بجدة، مجلة مجمع الفقه الإسلامي التابع لمنظمة المؤتمر الإسلامي بجدة، أعضاها للشاملة: أسامة بن الزهراء، الكتاب مرقم آليا غير موافق للمطبوع.
- ١٤٦- الموصللي، عبد الله بن محمود بن مودود البلدي، مجد الدين أبو الفضل الحنفي (المتوفى: ٦٨٣هـ)، الاختيار لتعليل المختار، الناشر: مطبعة الحلبي - القاهرة، تاريخ النشر: ١٣٥٦ هـ - ١٩٣٧.
- ١٤٧- موقع وزارة الأوقاف المصرية، موسوعة الفقه الإسلامي المصرية.
- ١٤٨- النووي، يحيى بن شرف بن مري، أبو زكريا، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة الثانية، ١٣٩٢.

- ١٤٩- النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين (المتوفى: ٦٧٦هـ)، الإيضاح في مناسك الحج والعمرة، الناشر: دار البشائر الإسلامية، بيروت - المكتبة الأمدادية، مكة المكرمة، الطبعة: الثانية، ١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م.
- ١٥٠- النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين (المتوفى: ٦٧٦هـ)، المجموع شرح المهذب، الناشر: دار الفكر، بيروت.
- ١٥١- النووي، يحيى بن شرف، أبو زكريا محيي الدين (المتوفى: ٦٧٦هـ)، المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج، الناشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، الطبعة: الثانية، ١٣٩٢.
- ١٥٢- وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، الطبعة الثانية، دارالسلاسل - الكويت، ١٤٢٧ هـ.
- ١٥٣- وليدُ بنُ حُسَني بنِ بَدوي بنِ مُحَمَّدِ الأمويِّ، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تيمية، بيروت، الناشر: دارالفكر، ١٤٣٠ هـ.
- ١٥٤- الهويسين، خالد بن عبد العزيز. مذكرة الحج (أكثر من ٦٧٥ مسألة فقهية في الحج) جمعها تلميذه: أبو مجاهد المضَيَّاني، هذا الكتاب من كتب المستودع بموقع المكتبة الشاملة.
- ١٥٥- الهيثمي، نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان أبو الحسن (المتوفى: ٨٠٧هـ)، موارد الضمان إلى زوائد ابن حبان، المحقق: محمد عبد الرزاق حمزة، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت.
- ١٥٦- يوسف بن إليان بن موسى سركييس (المتوفى: ١٣٥١هـ)، معجم المطبوعات العربية والمعربة، الناشر: مطبعة سركييس بمصر ١٣٤٦ هـ - ١٩٢٨ م.

M: Closing ihram: One of the acts and duties of Hajj is ihram, and ihram is entering special sanctities. It is not permissible to use soap, shampoo and the like in the state of ihram, which is devoid of fragrance. The hijab and the museum are permissible in the case of ihram with an excuse, but redemption is required.

N: Tawaf: There are different types of Tawaf, including Tawaf of Afazah,

Tawaf of Afazah is a pillar of Hajj, Tawaf is better to be on foot, but Tawaf is permissible while riding on electric cars and the like.

Q: Trying between Safa and Marwah: It is an attempt to perform Hajj, its ruling is obligatory and it is better to try on foot, but trying to ride on electric cars and the like is correct.

A: Waqf to Arafat: The most important element of Hajj is Waqf to Arafat. Waqf is obligatory until sunset on the ninth day of Dhu al-Hijjah.

A: The rest of the Hajj: spending the night in Muzdalifah after the end of Arafat, Remi Jamrat is on the first day of Eid and the days of Tashreeq, and Remi Jamrat is right from the upper houses, then it is the throat and blaming of the hair and the throat and blaming. It is permissible with contemporary electrical appliances, to spend the night in the semen is a gift.

R: The acts and rules of Umrah: It is ihram, Tawaf, trying between Safa and Marwah, then throat and fault.

E: The date of the presumption of Hajj: Hajj is presumed in the ninth year of AH.

And: The goals of Hajj and Umrah: Hajj and Umrah have many goals, including: it is a practical exercise for a long journey, it is fulfilling the commands of God and obeying His call, it is following Ibrahim (PBUH) and so on.

G: The effects of Hajj and Umrah: Hajj and Umrah have great effects on the Muslim community such as belief, unity and economy.

H: Conditions of Hajj: First: Conditions of Hajj: They are Islam, intellect, maturity, freedom and affordability. Second: The conditions for the validity of Hajj are Islam, intellect, time and place.

I: Types of Hajj: There are three types of Hajj: individuals, the Qur'an and Tamta ', the quality of each of which is different.

J: The pillars of Hajj: The Hanafis consider the pillars of Hajj as waqf to Arafa and Tawaf of pilgrimage, but the jurists of the Republic consider the pillars of Hajj as ihram, waqf to Arafat, Tawaf of pilgrimage and trying between Safa and Marwa.

K: Hajj Obligations: Spending the night in Muzdalifah, throwing stones, throat or fault, spending Eid nights in Mina and Tawaf are farewell.

L: The conditions of Hajj and Umrah and their entourage: For the people of Medina Dhu al-Halifa, for the evening of Jahfa, for the Najd of the century of houses and for Yemen, these miqats are to express the mentioned directions, but the miqat of those who are to Mecca is the region of "solution". Jeddah is still a miqat for all the people of that land and the Afaqi people, just as the prohibitions in the miqat are valid for the people.

## **Summary of the discussion**

Summary of the introduction of fixed and variable rules of Hajj and Umrah in Islamic jurisprudence are as follows:

A: Definition of Hajj and Umrah: First: Definition of Hajj: Hajj is the intention of a specific place, at a specific time, to rise to specific actions with special conditions. Second: Definition of Umrah: Umrah is the circumambulation of the Ka'bah and the effort between Safa and Marwah in the state of ihram and with the intention of Hajj.

B: The ruling on Hajj and Umrah and their legitimacy: First: The ruling and legitimacy of Hajj: Hajj is a legitimate and obligatory act on every obligated and capable person once in a lifetime and is the fifth pillar of Islam. Second: The ruling and legitimacy of Umrah: Umrah is emphasized once in the life of the Sunnah and its legitimacy is fixed in the Qur'an and the Prophetic Sunnah.

A: The ruling of Hajj with usurious and forbidden property: Although the presumption of Hajj is removed from the neck of the pilgrim, but with this Hajj he does not get a reward, but he also becomes a sinner.

D: Vicar Hajj ruling: A person who, despite his power and authority, failed to perform Hajj due to various reasons and then was excused and lost the ability to perform Hajj, it is necessary for him to send a person to perform Hajj on his behalf.





**Salam University  
Faculty of Sharia and Law  
Master Program in  
Jurisprudence & Law**



**Islamic Emirate of  
Afghanistan  
Ministry of Higher  
Education  
Private Universities  
Presidency**

# **Fixed and variable rules of Hajj and Umrah in Islamic jurisprudence**

**A Master's thesis**

**Student: Amir Mohammad "Madani"**

**Supervisor: Dr. Najibullah "Saleh"**

**Year: ۲۰۲۲**



Salam University  
Faculty of Sharia and Law  
Master Program in  
Jurisprudence & Law



Islamic Emirate of  
Afghanistan  
Ministry of Higher  
Education  
Private Universities  
Presidency

# **Fixed and variable rules of Hajj and Umrah in Islamic jurisprudence**

**A Master's thesis**

**Student: Amir Mohammad "Madani"**

**Supervisor: Dr. Najibullah "Saleh"**

**Year: ۲۰۲۲**